

سینما کتاب

ماهنامه تخصصی کتاب و کتابخوانی

دوره جدید، شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴

خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

| مجمع ناشران انقلاب اسلامی |

دکتر محمدعلی آذرشب:

صدای عزت ایران را باید «از فارسی» و «به فارسی» ترجمه کنیم

گفت‌وگو با دکتر محمدحسن قدیری‌ایبانه | مترجم باید آثار مغرب فرهنگی کتاب را برطرف کند

مرتضی روحانی | ترجمه؛ شرط لازم برای تولید علوم انسانی بومی

گفت‌وگو با سهیل اسعد | باید کتاب‌ها را متناسب با مخاطب خارجی فرآوری کنیم

گفت‌وگو با فرهاد فلاح | در ترجمه معکوس، به گرسی‌های نظریه پردازی نیاز داریم

سعیده حسینیجانی | ترجمه ادبیات دفاع مقدس؛ نکته‌ها و ضرورت‌ها



کتاب خوان عنوان نشست هایی است که به منظور به اشتراک گذاری کتاب های خواننده شده و با هدف ترویج و تبلیغ مطالعه در قالب معرفی کتاب برگزار می گردد
این جلسه در فضایی صمیمی تلاش دارد تجربیات مطالعاتی افراد کتابخوان را برای سایر علاقمندان کتاب و کتابخوانی به اشتراک گذارد این نشست ها در سطوح استان و شهرستان برگزار می گردد
افرادی که در این نشست ها به ارائه و معرفی کتاب ها می پردازند کلیه اقتدار جامعه اعم از کتابداران، نویسندگان، فعالین رسانه حوزه کتاب اعضای کتابخانه های عمومی و سایر علاقمندان خواهند بود

برای کسب اطلاعات بیشتر به پورتال نهاد کتابخانه های عمومی کشور مراجعه فرمایید.

www.iranpl.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



یکی از کارهای ما تولید کتاب است، ترجمه کتاب [است]. شما نگاه کنید ببینید در دنیا چه چیزهایی منتشر می‌شود که دانستن آن برای جوان ایرانی لازم است؛ ترجمه کنید، پول بدهید ترجمه کنید، کما اینکه دیگران دارند می‌کنند - من با کتاب زیاد انس دارم، کتاب زیاد می‌خوانم، در بازار نشر و مانند این‌ها از تازه‌های کتاب زیاد اطلاع دارم - کارها دارد می‌شود؛ سرمایه‌دار می‌رود پول عالی می‌دهد به مترجم که فلان کتاب را ترجمه کن. من پرسیدم از یکی از همین حضرات که مترجم به شما مراجعه می‌کند یا شما به مترجم مراجعه می‌کنید؟ گفت نه، ما به مترجم مراجعه می‌کنیم؛ راست می‌گوید، مترجم پیدا می‌کنند برای اینکه ترجمه کند. خوب این کار را شما هم باید بکنید؛ کتاب ترجمه کنید، کتاب تولید کنید، فیلم تولید کنید.

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب سیرت

ماهنامه تخصصی کتاب و کتابخوانی
دوره جدید، شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵
| مجمع ناشران انقلاب اسلامی |
| www.manashshr.ir |
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:
مجمع ناشران انقلاب اسلامی
مدیر مسئول:
یاسر احمدوند
سر دبیر:
حسین شاهمادی
دبیر تحریریه و امور هنری:
محمد مهدی عسکرزاده
اعضای تحریریه:
لیلا منصوری و زینب محبی آشتیانی
ویراستار:
سعیده بقایی
همکاران این شماره:
حسام آنوس، عاطفه صادقی، مجتبی
کیبک کوهساری، زینب محبی آشتیانی، لیلا
منصوری، رقیه سادات موسوی، نیلوفر هوشمند
سازمان آگهی‌ها:
۰۲۱-۶۶۸۰۰۴۴۲

سرمقاله ۴



خط اخبار

- ۶ گزارش | تیزر سینمایی کتاب رؤیای نیمه شب رونمایی شد
- ۸ باز یگران تیزر از رؤیای نیمه شب می گویند
- ۱۰ گزارش | شرمنده علی اکبرهای خمینی هستیم
- ۱۳ گزیده‌ای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته | خط اخبار



پرونده ویژه

(ترجمه)

- ۲۰ گفت‌وگو با دکتر محمدعلی آذرشب | صدای عزت ایران را باید «از فارسی» و «به فارسی» ترجمه کنیم
- ۲۶ گفت‌وگو با دکتر محمدحسن قدیری‌ایبانه | مترجم باید آثار مخرب فرهنگی کتاب را برطرف کند
- ۲۸ محمدرضا اربابی | جایگاه نظام صنفی در ارتقای صنعت ترجمه ایران
- ۳۳ اعظم غلامی | آسیب‌شناسی آموزش ترجمه در ایران
- ۳۸ مرتضی روحانی | ترجمه: شرط لازم برای تولید علوم انسانی بومی
- ۴۰ حمیدرضا شاه‌آبادی | در حکایت دست‌باختن به آرزویی بزرگ
- ۴۲ گفت‌وگو با سهیل اسعد | باید کتاب‌ها را متناسب با مخاطب خارجی فرآوری کنیم
- ۴۷ گفت‌وگو با فرهاد فلاح | در ترجمه معکوس به گرسی‌های نظریه‌پردازی نیاز داریم
- ۵۳ مهدی ابراهیم‌زاده | نهضت ترجمه
- ۵۴ سعیده حسینیجانی | ترجمه ادبیات دفاع مقدس؛ نکته‌ها و ضرورت‌ها
- ۵۸ اعظم غلامی | یادداشتی بر مشاغل و وضعیت ترجمه در کشور
- ۶۳ گفت‌وگو با موسی بیدج | ادبیات ایران را در دنیا نمی‌شناسند
- ۶۵ محمد معماریان | حرفه: مترجمی
- ۶۸ سیدمحمدحسین میرفخرایی | در باب پرداخت ترجمه



به منظور حمایت از تولید داخلی کاغذ، برای چاپ ماهنامه شیرازه کتاب از کاغذ ایرانی استفاده می‌کنیم.

با افتخار، مطالب شما عزیزان را برای استفاده در نشریه شیرازه کتاب و تارنمای مناشر می‌پذیریم.



تهران . خیابان انقلاب . خیابان دوازده فروردین . خیابان شهیدای زاندرمری . پلاک ۱۴۰

تلفن: ۶۶۹۷۶۴۸۲

رایانامه: info@mananashr.ir

با آثار و گفتاری از: مهدی ابراهیم‌زاده، مرتضی احمدآخوند، محمدرضا اربابی، سهیل اسعد، محمدعلی آذرشب، موسی بیج، وحید حسنی، سعیده حسینیجانی، بهزاد دانشگر، مرتضی روحانی، حمیدرضا شاه‌آبادی، اصغر طاهرزاده، اعظم غلامی، فرهاد فلاح، محمدحسن قدیری‌ایبانه، محمد معماریان، سیدمحمدحسین میرفخرائی، مریم نصر



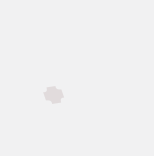
طعم کتاب

- ۷۲ معرفی کتاب | بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای خرداد، تیر و مرداد
- ۷۸ گزارش | گزیده‌ای از کتاب‌های معرفی شده در نشست‌های کتاب‌خوان
- ۸۲ بسته پیشنهادی | رمان خوانی دفاع مقدس
- ۹۰ وحید حسنی | پسر شهید سناتور
- ۹۲ بهزاد دانشگر | بهزاد از ادوار دو می‌گوید
- ۹۵ معرفی کتاب | کتاب جمعه



خانواده نشر

- ۱۰۲ مریم نصر | از تحول آدم تا تغییر عالم
- ۱۰۵ گفتوگو با استاد اصغر طاهرزاده | کاری جز تذکر دادن تعریف نکرده‌ام
- ۱۰۹ گفتوگو با مرتضی اخوندی | کهنه‌سرباز
- ۱۱۲ گزارش | امپیزی بیشتر مسئله‌ای محفلی است



ترجمه در نشر امروز

نگاشته شده‌اند، به‌سختی می‌توان بیست صفحه از آن‌ها را خواند و فهمید. و این یعنی فاجعه؛ یعنی خُسران. وقتی ریشه‌های این اتفاق را می‌کاویم، می‌بینیم ترجمه هم به دردی مبتلاست که اغلب بخش‌های دیگر نشر کشور هم به آن مبتلایند: متولی ندارد. آری. بی‌صاحبی و نداشتن متولی دردی است که در گویی نشر کشور ریشه دوانده و ترجمه هم از آن، در امان نمانده است. امروز، مرجع صلاحیت‌داری در کشور وجود ندارد که به امر خطیر ترجمه بپردازد و ابزارهای قانونی لازم را نیز برای اعمال رأی کارشناسی خود در اختیار داشته باشد. امروز، بسیاری از اهل فن از ضعف ترجمه می‌نالند و گلابه دارند؛ اما با این حال، کسی هم برآورد دقیق و مستندی از وضع ترجمه در کشور در اختیار ندارد و همگان بر اساس مشاهدات خود نکاتی را بیان می‌کنند. امروز، بر سر اینکه ارتقای وضعیت ترجمه و پرورش مترجمان خوب برعهده چه کسی است، اختلاف نظر وجود دارد؛ حتی درباره این هم که مترجم خوب چه کسی است، نظر واحدی وجود ندارد.

سؤالات بالا و سؤالات مشابه دیگری که مدت‌هاست در فضای نشر مطرح است، ما را بر آن داشت تا در این شماره از نشریه شش‌پاره کتاب به موضوع مهم «ترجمه» بپردازیم و در گفت‌وگوی با اهل فن و مجربان این حوزه به برخی از این سؤالات پاسخ دهیم.

حسین شاهرادی: کتاب، همواره، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبادل فرهنگی، بین جوامع و فرهنگ‌های مختلف بوده است. از سوی دیگر، همان‌گونه که ابزاری برای تبادل فرهنگی است، ابزاری برای تهاجم فرهنگی نیز محسوب می‌شود. در فرآیند تبادل یا تهاجم فرهنگی بارسانه کتاب، یکی از ابزارهای مهم، ترجمه است؛ چه که انتقال مفاهیم از زبان و فرهنگی به زبان و فرهنگی دیگر، اغلب، از طریق ترجمه میسر و شدنی است. همین‌گونه است که سالانه، چندین هزار عنوان کتاب از زبان‌های مختلف، به فارسی ترجمه می‌شود و در مقابل، عناوین محدودی نیز از فارسی به زبان‌های دیگر، از همین رو، زمانی که سخن از وجهه بین‌المللی نشر یک کشور به میان می‌آید، ناگزیر، ترجمه یکی از مسائل حیاتی و حساس آن است.

اهل فن معتقدند که هم‌اکنون، «ترجمه» در کشور ما وضعیت بسامانی ندارد. کتاب‌های زیادی در موضوعات مختلف، ترجمه می‌شود که معیارهای حداقلی یک اثر ترجمه‌ای مقبول را هم ندارد. ضعف‌های فنی ترجمه‌ها حاکی از آن است که بسیاری از کسانی که به ترجمه مشغول‌اند، عملاً شایستگی‌های لازم برای این کار را ندارند؛ بسیاری از آن‌ها ضعف زبان دوم دارند و تعداد بیشتری، ضعف در زبان مادری خود، یعنی فارسی. کتاب‌هایی در بازار وجود دارد که اگر چه به زبان فارسی



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



۶ گزارش | تیزر سینمایی کتاب رؤیای نیمه شب رونمایی شد

بازیگران تیزر از رؤیای نیمه شب می‌گویند ۸

۱۰ گزارش | شرمنده علی اکبرهای خمینی هستیم

گزیدهای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته | خط اخبار ۱۳

تیزر سینمایی کتاب رؤیای نیمه‌شب رونمایی شد

آیین رونمایی از تیزر سینمایی کتاب رؤیای نیمه‌شب اثر مظفر سالاری، به کارگردانی اصغر عباسی، در سینما آزادی با حضور عوامل آن برگزار شد.

سالاری را در کنارشان داشته باشند که برای انتخاب نویسنده، با مشکل مواجه شوند.»
مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی با اشاره به مسابقه کتاب و زندگی گفت: «این مسابقه به لطف خدا توانسته است پرفروش‌ترین کتاب‌ها را در سال‌های اخیر، به خوانندگان عرضه کند.»

هزینه‌های مسابقه از محل فروش کتاب است

مظفر سالاری نویسنده رمان رؤیای نیمه‌شب گفت: «بر این باور هستم که اگر قرار است کتاب و کتاب‌خوانی گسترش پیدا کند، باید تبدیل به یک بستر شود و به خودکفایی برسد. تمام فعالیت‌های این مسابقه از جمله تولید تیزر، از محل درآمد کتاب تولید شده که این اتفاق خوبی است که کارها، بدون وابستگی به هزینه‌های دولتی با این ابعاد تولید شود.»

امیدواریم سینما و سریال‌ها به پرفروش‌تر شدن کتاب‌ها کمک کند

احمد ذوعلم، دبیر چهارمین مسابقه کتاب‌خوانی کتاب و زندگی با اشاره به سابقه این مسابقه گفت: «ایده تولید تیزر سینمایی برای معرفی کتاب، در کتاب دختر شینا مطرح شد؛ اما برای ما سؤال بود که چگونه سینما می‌تواند در خدمت کتاب قرار بگیرد و با مشورت‌هایی که انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که تیزر کتاب باید برشی از یک فیلم سینمایی باشد.»

این واقعه بزرگی برای نشر کشور است

محمد حمزه‌زاده، مدیرعامل انتشارات سوره مهر، در ابتدای این مراسم با اشاره به این تیزر گفت: «این واقعه، واقعه بزرگی برای نشر کشور است که برای ترویج کتاب‌خوانی، از ظرفیت سینما استفاده شده است.»
وی افزود: «از مجلات رشد، با مظفر سالاری، نویسنده کتاب، آشنایی دارم و اکنون مشاهده می‌کنیم که او یکی از بهترین آثار ادبیات دینی را خلق کرده است که چندین سینماگر می‌خواستند اثر او را به یک اثر سینمایی تبدیل کنند و امروز، شاهد رونمایی از تیزر سینمایی کتابش هستیم.»

کتاب و زندگی، پرفروش‌ترین کتاب‌ها را به خوانندگان عرضه کرده است

میثم نبیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، در ادامه با اشاره به تیزر سینمایی کتاب دختر شینا گفت: «یک ماه و نیم پس از نمایش این تیزر، با واسطه‌ها یکی از مسئولین شنیدم که گفته بود با همان ترکیبی که تیزر تولید شده است، فیلم سینمایی دختر شینا را هم بسازید.»
وی افزود: «امروز از تیزری رونمایی می‌شود که در ارتباط با کتابی است که معارف شیعی در آن، با زیرکی نویسنده گنجانده شده و خواننده پس از اتمام کتاب، متوجه می‌شود چقدر پیام و درس گرفته است. امیدوارم روزی برسد که برای ترویج دین خدا و معارف اسلام و انقلاب، آن قدر کتاب داشته باشیم که برای انتخاب دچار مشکل شویم و ناشران به حدی نویسنده‌هایی مانند آقای



تبلیغاتی کتاب گفت: «در طی دو سال گذشته، چهل تیزر از تلویزیون پخش شده و این اتفاق نشان می‌دهد که تلویزیون همراهی بیشتری با کتاب پیدا کرده است.»
دو علم در بخش پایانی سخنانش گفت: «ما در این مسابقه، رسماً فروش سازمانی را کم کرده‌ایم و اگر سازمانی کتاب را بخواهد، به او پیشنهاد می‌کنیم که از کتابفروشی‌ها تهیه کند و حتی توصیه می‌کنیم به جای خرید کتاب، در جوایز مسابقه مشارکت کنند.»

مجمع ناشران انقلاب اسلامی دین بزرگی را در حق کتاب، ادا کرده است

محمدرضا شفا، مدیر باشگاه فیلم سوره، در این مراسم گفت: «این اتفاق حرکتی مبارک است که گام اول آن از سوی مجمع ناشران انقلاب اسلامی و مرکز رسانه‌ای شیرازه برداشته شده بود و در گام دوم، ما نیز به کمک آن‌ها آمدیم و با این کار، مجمع ناشران انقلاب اسلامی دین بزرگی را در حق کتاب، ادا کرده است.»

وی افزود: «برای تولید تیزر کتاب رویای نیمه شب، چند جلسه با باشگاه فیلم سوره داشتیم تا بتوانیم نحوه کار را پیدا کنیم که خوب، ریسک‌هایی داشت؛ زیرا باید با توجه به فضای کتاب در این تیزر، وارد فضای تاریخی می‌شدیم.»

دبیر چهارمین مسابقه کتاب و زندگی گفت: «این اتفاق تجربه جدیدی در معرفی کتاب خواهد بود و ما در زمینه تولید، یک قدم جلوتر رفته‌ایم. البته باید بزرگ‌تر فکر کنیم و به جایی برسیم که سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی به پر فروش شدن کتاب‌ها کمک کنند. ۷۰ هزار نسخه از کتاب رویای نیمه شب تاکنون به فروش رفته و امید است که این تیزر به فروش بیشتر این کتاب کمک کند.»

پخش چهل تیزر کتاب در دو سال گذشته از تلویزیون

او با اشاره به همکاری صداوسیما در پخش تیزرهای



بازیگران تیزر از رؤیای نیمه شب می گویند

عباس غزالی

امیدوارم این حرکت
ادامه پیدا کند و هنرمندان به
کمک فرهنگ بیایند و این مجموعه
در صورت ادامه یافتن، حرکت خوبی
خواهد شد که ثمرات آن در جامعه
به چشم خواهد آمد



من این کتاب را خیلی دوست دارم و خوشحالم نویسنده دیگری وارد فضای سینمایی کشور شده است. امیدوارم کل کتاب تبدیل به یک اثر سینمایی شود. «رؤبای نیمه شب» را خواندم و هدیه دادم.

ماه چهره
خلیلی



علاقه‌ام به کتاب، انگیزه همکاری در تیزر «رؤبای نیمه شب» بود.

متین ستوده



۹۹ حیدری

گفت: «خصوصیت شعر احمد بابایی حماسه‌سرایی است و شعر او در اوج مرثیه محض هم حماسه و مدح دارد. در شعر بابایی، مرثیه در حال پخته‌شدن است و در اشعار ادبی او این مسئله دیده می‌شود»

ماهانة شیراز کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

شصت و پنجمین عصرانه ادبی فارس

شرمنده علی اکبرهای خمینی هستیم

احمد بابایی در زمرة شاعران آیینی جوانی است که طی چند سال اخیر، اشعار درخشانی را سروده است. شصت و پنجمین عصرانه ادبی فارس، با حضور تنی چند از بزرگان و پیشکسوتان عرصه شعر و ادب، برای پاسداشت از شعر آیینی احمد بابایی برگزار شد. در ادامه، گزارشی از این نشست می‌خوانید.

حماسه‌سرایی است و شعر او در اوج مرثیه محض هم حماسه و مدح دارد. در شعر بابایی، مرثیه در حال پخته‌شدن است و در اشعار ادبی او این مسئله دیده می‌شود. روایتی شنیده بودم که برای هر بیتی که برای اهل بیت سروده می‌شود، یک بیت (خانه)، به شاعر می‌دهند. البته بعدها شنیدم که برای هر بیت، مدینه‌ای می‌دهند و ان‌شاءالله احمد بابایی با این خانه‌ها که در بهشت به او می‌دهند، دست ما را هم بگیرد و در آنجا، حسینهای بسازیم و عرض ادب کنیم»

شاعران جوانی که دست به عملیات انتحاری می‌زنند

هادی جانفدا در بخش دیگری از این مراسم گفت: «برخی شاعران آیینی به‌خصوص جوان‌ترها برای اینکه کسب محبوبیت کنند یا اینکه توانایی شعری خود را نشان دهند، سراغ شعر غیر آیینی هم رفته‌اند؛ اما احمد بابایی شعرش را وقف اهل بیت (ع) کرده و فقط در این مسیر شعر سروده است»

به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، شصت و پنجمین عصرانه ادبی فارس با محوریت پاسداشت شاعر آئینی، احمد بابایی، در خبرگزاری فارس برگزار شد.

مرثیه در شعر بابایی، در حال پخته‌شدن است
جواد حیدری در این مراسم گفت: «احمد بابایی با پیشینه‌ای که دارد، مسیری را که شعرای اهل بیت می‌روند، طی می‌کند. مهم‌ترین آسیبی که به شاعری اهل بیت (ع) خورده، قطع رابطه آن‌ها با پیشکسوتان شعر آیینی است و دومین آسیب، بستن راه نقد بر اشعار خود است.»

وی افزود: «اما احمد بابایی هم به پیشکسوتان توجه دارد و هم اهل پذیرش نقد است و فقط در کارش امام حسین (ع) را ملاک قرار داده است. آرزو داریم که روزی برسد که اهل بیت (ع) به ما بگویند: شعر احمد بابایی را حفظ کنید.»

حیدری گفت: «خصوصیت شعر احمد بابایی



وی افزود: «شاعران جوان بدانند که شعر اهل بیت (ع) کم نیست و لازم نیست برای اثبات خود دست به عملیات انتحاری بزنیم. شعر گفتن برای اهل بیت (ع)، فضیلت است. آنچه سبب شد احمد بابایی در چشم من بزرگ جلوه کند، جلسات نقد کتاب او بوده است. زیرا شجاعت می‌خواهد که بعد از چاپ شعرها، با تواضع به نقد شعرها گوش کنیم؛ اما احمد بابایی این کار را می‌کند و همین سبب شد که او در چشم من بزرگ شود.»

نزدیک‌کردن مخاطب شعر آیینی با معارف اهل بیت (ع) مهم‌ترین کار شاعران است

محمود حبیبی کسبی در بخش دیگری از شصت و پنجمین عصرانه ادبی فارس گفت: «فضای شعر آیینی در روزگار ما با ۴۰ سال قبل متفاوت است و این تفاوت به‌خاطر حضور شاعری مانند محمدرضا آقاسی است و او فاصله میان مخاطبان و شاعران را برداشت.»

وی افزود: «احمد بابایی و دیگر شاعران، دنباله‌روی مرحوم آقاسی هستند. مهم‌ترین کار ما نزدیک‌کردن مخاطبان شعر آیینی با معارف اهل بیت (ع) است و این مسئله را در اشعار بابایی می‌توان دید. بسیاری از شاعران، شعر آیینی می‌سرایند؛ ولی شعرشان به کار مخاطب نمی‌آید و مخاطب از آن استفاده نمی‌کند و صرفاً به درد چاپ در کتاب‌ها می‌خورد. تفاوت دیگر این

وی افزود: «شاعران جوان بدانند که شعر اهل بیت (ع) کم نیست و لازم نیست برای اثبات خود دست به عملیات انتحاری بزنیم. شعر گفتن برای اهل بیت (ع)، فضیلت است. آنچه سبب شد احمد بابایی در چشم من بزرگ جلوه کند، جلسات نقد کتاب او بوده است. زیرا شجاعت می‌خواهد که بعد از چاپ شعرها، با تواضع به نقد شعرها گوش کنیم؛ اما احمد بابایی این کار را می‌کند و همین سبب شد که او در چشم من بزرگ شود.»

سازوکار غلط ارشاد در ممیزی اشعار آیینی

محمد سهرابی گفت: «وقتی به کتاب احمد بابایی نگاه می‌کنیم، متأسفانه خللی در آن وارد است که آن هم به‌خاطر ممیزی است. به نظر می‌رسد برخی از ممیزها، از سر بی‌سوادی، به‌جای ابیات نقطه‌چین گذاشته‌اند و آن‌ها را ممیزی کرده‌اند.»

وی افزود: «اگر بشود ارشاد در سازوکار چاپ، تجدیدنظر کند یا کار به کاردان سپرده شود تا به ساختار شعر آیینی لطمه وارد نشود. کار غلطی در ارشاد، بر روی ساز و کار اشعار آیینی صورت می‌گیرد که ممیز به‌خاطر

محمد سهرابی گفت: «وقتی به کتاب احمد بابایی نگاه می‌کنیم، متأسفانه خللی وارد است که آن هم به‌خاطر ممیزی است. به نظر می‌رسد برخی از ممیزها، از سر بی‌سوادی به‌جای ابیات نقطه‌چین گذاشته‌اند و آن‌ها را ممیزی کرده‌اند.»

احمد بابایی و دیگر شاعران، دنباله‌روی مرحوم آقاسی هستند. مهم‌ترین کار ما نزدیک‌کردن مخاطبان شعر آیینی با معارف اهل بیت (ع) است و این مسئله را در اشعار بابایی می‌توان دید.





«امیری اسفندقه گفت: «یکی از آرزوهای مرحوم محمد قهرمان در آخرین دیداری که با سبک صائب در میان جوانان بروز داشته باشد. احمد بابایی از زمره شاعرانی است که تتبع سبک صائب را در دستور طبع شاعرانه‌اش دارد.»

«شعر آیینی همواره این‌طور بوده که یا با مردم ارتباط برقرار نمی‌کرده یا با مردم ارتباط برقرار کرده است. من ردپای نحو کلامی بیدل را در اشعار احمد بابایی دیدم.»

است که شاعر آیینی امروز به وقایع روز جهان واکنش نشان می‌دهد که این مسئله مهمی است.»

شعر فارسی از آغاز تا کنون آیینی است

مرتضی امیری اسفندقه، شاعر و پژوهشگر، در بخش دیگری از این مراسم گفت: «بر این باورم که شعر پارسی فارسی از آغاز تا کنون، آیینی است و آن بخشی که به دست ما نرسیده، مطابق با دین و آیین ما نبوده و آن بخشی که رسیده، هماهنگ و منطبق بوده است.»

وی افزود: «هرگاه شعر فارسی خواسته یا ناخواسته از گردنه آیینی خارج شده، نیمایی پیدا شده و منبع شعر فارسی را با انگشت سبابه شعرش نشان دهد تا دوباره به مسیر بازگردد.»

شاعر مجموعه‌ولی دوشنبه آه گفت: «شعر آیینی به نوع خاصی از شعر گفته می‌شود که هم تصریح دارد و هم تلمیح؛ تصریح در اشعار آیینی، به اسامی است و تلمیح اشاره به گوشه چشم دارد. شعری که احمد بابایی در محضر رهبر انقلاب خواند، هم تصریح داشت و هم تلمیح که خوب، بعد از تمام شدن شعرش هم آفرین شنید، هم خیلی خوب و هم عالی؛ زیرا شعرش هم پیکره دارد و هم پیام.»

امیری اسفندقه در پایان گفت: «یکی از آرزوهای مرحوم محمد قهرمان در آخرین دیداری که با او داشتم، این بود که سبک صائب در میان جوانان بروز داشته باشد. احمد بابایی در زمره شاعرانی است که تتبع سبک صائب را در دستور طبع شاعرانه‌اش دارد.»

ردپای بیدل در اشعار احمد بابایی

مصطفی محدثی خراسانی در بخشی از این مراسم، با اشاره به چالشی که شعر آیینی با آن روبه‌رو بوده، گفت:

از اشعار بابایی، بوی محبت میرزا اسماعیل دولابی حس می‌شود

امیر مرزبان در ادامه این مراسم گفت: «در طول تاریخ، هرگاه هنر از اخلاق فاصله می‌گیرد و حسی می‌شود، جنگ‌ها و فجایع انسانی آغاز شده و هنر حسی در تشنج آفرینی در اجتماع بی‌تأثیر نبوده است؛ اما در اسلام، وقتی سخن از زیبایی می‌آید، مراد همان هنر بوده که با اخلاق توأم است.»

وی افزود: «حرف هنر تقرب به پروردگار است و این تقرب با شعر آیینی روی می‌دهد. من هر شعری از احمد بابایی شنیدم، اخلاق شیعی در آن به چشم می‌آید. من در اشعار او بوی محبت میرزا اسماعیل دولابی را حس می‌کنم. برخی شاعران آیینی نکته‌ای را رعایت نمی‌کنند؛ آن هم این است که در کنار آموخته‌های فنی خود، کمتر به شناخت می‌رسند.»

شرمندۀ علی اکبرهای خمینی هستیم

احمد بابایی در پایان این مراسم، ضمن تقدیر از برگزارکنندگان این مراسم گفت: «اگر راضی نمی‌شدم برنامه‌ای با این عنوان برای من برگزار شود، به‌خاطر این است که ما شرمندۀ علی اکبرهای خمینی هستیم و هیچ‌گاه از این شرمندگی خارج نمی‌شویم؛ مادامی که این شهدا هستند.»

او در پایان سخنانش، شعری با مضمون مدافعان حرم قرائت کرد. در پایان این مراسم، از احمد بابایی تقدیر و تجلیل به‌عمل آمد.

«امیر مرزبان گفت: «حرف هنر تقرب به پروردگار است و این تقرب با شعر آیینی روی می‌دهد. من هر شعری از احمد بابایی شنیدم، اخلاق شیعی در آن به چشم می‌آید. من در اشعار او بوی محبت میرزا اسماعیل دولابی را حس می‌کنم. برخی شاعران آیینی نکته‌ای را رعایت نمی‌کنند؛ آن هم این است که در کنار آموخته‌های فنی خود، کمتر به شناخت می‌رسند.»

خط اخبار

۱۳

خط اخبار
خبر



کتاب‌های خبر ساز

سادات، از سوی نشر نارگل به چاپ دوم رسید.
﴿ کتاب عبد صالح خدا، خاطرات رهبر معظم انقلاب اسلامی از زندگی و سیره مبارزاتی امام خمینی (ره)، با حمایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به همت مؤسسه جهادی صهبا منتشر شد.﴾
﴿ سازمان بسیج حقوق دانان، کتاب ولایت در قرآن را هم‌زمان با ماه نزول قرآن، روانه بازار کتاب کرد.﴾
﴿ کتاب رفاهت به سبک تانک اثر داود امیریان، به تازگی، به زبان عربی ترجمه و در لبنان منتشر شد.﴾
﴿ شش کتاب شهیدان همت، حمید باکری، مهدی باکری، ناصر کاظمی، کلاهدوز و چراغچی، از مجموعه نیمه پنهان ماه در آستانه ماه مبارک رمضان و نمایشگاه قرآن، تجدید چاپ شد.﴾
﴿ کتاب خصائص ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام، کتاب حامیه الرسول و کتاب محبوبه المصطفی به همت انتشارات طوبای محبت، به مناسبت وفات حضرت خدیجه (س) منتشر شد.﴾

﴿ ترجمه کتاب جعبه‌های کادویی با ویراستاری حسین فتاحی، از سوی نشر قدیانی منتشر شد.﴾
﴿ چاپ هشتم کتاب توقف ممنوع، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، در قالب مدلی مفهومی برای رسیدن به تولید علم، از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.﴾
﴿ سه جلد از مجموعه سیره عملی اهل بیت (ع) که به امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و امام زمان (عج) اختصاص دارد، از سوی نشر سبط اکبر منتشر شد.﴾
﴿ سراب سکولاریسم در کویر ایران نوشته مصطفی اسکندری، به همت دفتر نشر معارف منتشر شد.﴾
﴿ کتاب آدم‌شدن چه مشکل! اثر سیدحسین هوشی

کتاب نیستان مجموعه نمایشنامه من سقراط مجروح را دوست دارم، مجموعه‌ای از نمایشنامه‌های سعید تشکری را در ۱۸۰ صفحه منتشر کرد.

مهارت‌های زندگی خانوادگی در آئینه آیات و روایات، نوشته زهرا آیت‌اللهی از سوی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی و دفتر نشر مارف قم به چاپ سوم رسید.



هم‌زمان با سالروز رحلت جانگداز بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، رمان پدر، پسر، روح‌الله نوشته ابراهیم حسن بیگی، به‌همت انتشارات کتاب جمکران، در آستانه چاپ دوم و ترجمه قرار گرفت.

سه کتاب از سیزدهمین مجموعه انتشارات روایت فتح با نام مدافعان حرم به چاپ رسید.

کتاب عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی اسلامی، نخستین دفتر از مجموعه‌ای پنج‌جلدی با عنوان نقش و رسالت زن است که به‌همت انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است.

نشر آرما کتاب‌تورا معراجی برنی، نوشته سیدعلی شجاعی را برای بار دوم تجدید چاپ کرد.

نگارش کتاب نیمه‌پنهان ماه: شهید نورعلی شوشتری به روایت همسر شهید به‌قلم مریم عرفانیان به پایان رسیده است و از سوی انتشارات روایت فتح منتشر خواهد شد.



دفتر نشر معارف کتاب ماهیت سرمایه‌داری مدرن نوشته شه‌ریار زرناساب را منتشر کرد.

کتاب صحیفه سجادیه با اشاراتی به بهداشت روانی نوشته مهدی احمدی فراز، از سوی دفتر نشر معارف به چاپ دوم رسید.

مجموعه شعر کتاب سروده فاضل نظری در عرض یک ماه به فروش ۲۵ هزار جلدی رسید.

رمان ملاقات در شب آفتابی به‌قلم علی مؤذنی در پنجمین پویش مطالعاتی روشنا، به چاپ دوازدهم رسید.

تیزر کتاب ملاقات در شب آفتابی نیز به تلویزیون رسید. تیزر تلویزیونی ملاقات در شب آفتابی به تهیه‌کنندگی پویش روشنا و کارگردانی باشگاه فیلم سوره تولید شد.

کتاب هم‌بزه شامل روایت و گزارش لحظه‌به‌لحظه چهار شاهد عینی از عملیات نصر از سوی انتشارات روایت فتح به چاپ می‌رسد.

کتاب سلامت جنسی در جامعه اسلامی با تأکید بر نقش رسانه ملی به‌قلم ابراهیم شفیعی سروسستانی منتشر شد.

کتاب به‌همین سادگی شامل خاطراتی از ازدواج شهدای دفاع مقدس و انقلاب اسلامی از سوی انتشارات روایت فتح، منتشر می‌شود.

مریم زندی با تازه‌ترین مجموعه اشعارش با عنوان حوصله‌ام پیش تو جامانده است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است، به کتابفروشی‌ها آمد.



ادبی پروین اعتصامی، یازدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر و نهمین جایزه ادبی جلال آل احمد منصوب کرد.



استاد حمید سبزواری، شاعر پیشکسوت انقلاب به دلیل کهولت سن و بیماری، بامداد روز شنبه ۲۲ خرداد، در سن ۹۱ سالگی، در بیمارستان تربیتا، دار فانی را وداع گفت.

مجمع ناشران انقلاب اسلامی در پی این اتفاق ناگوار، پیام تسلیتی صادر کرد:

خبر درگذشت استاد حمید سبزواری، شاعر بلندآوازه معاصر، بسیار تألم‌برانگیز و جانکاه بود و اهالی فرهنگ و هنر و شعر را حقیقتاً متأثر کرد. این هنرمند مؤمن و مجاهد که قریحه سرشار و قدرت شعری ممتاز خود را با اراده و عقیده‌ای پولادین گره زده بود، منشأ تولید آثار فاخر و ماندگاری در تاریخ شعر و سرود انقلاب اسلامی شد که بسیاری از سروده‌های ایشان، دست‌مایه تولید آثار تصویری و صوتی اثرگذاری شد.

از ویژگی‌های بارز این شاعر ارجمند، ثبات قدم بود که ودیعه خداوند به بندگان باایمانش است. استاد حمید سبزواری با عزمی راسخ و ایمانی مثال‌زدنی، همواره در گذر از صحنه‌ها و فتنه‌های مختلف تاریخ انقلاب، پشتیبان ولی فقیه و نظام اسلامی بود.

مجمع ناشران انقلاب اسلامی، درگذشت این شاعر انقلابی و مؤمن را به همه اهالی فرهنگ و هنر تسلیت می‌گوید و از خداوند منان، رحمت و مغفرت برای ایشان مسئلت می‌کند.



کتاب نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تربیت دینی فرزندان به قلم مرتضی نظری از سوی انتشارات قطران منتشر شد.

راهکارهای علمی و عملی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره پوشش و گسترش زبان و ادبیات فارسی، با عنوان امین زبان و ادب پارسی منتشر شد.



شخصیت‌های خبر ساز

امام خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دهم گفتند: «در موضوع فرهنگ، نوعی ولنگاری و بی‌اهتمامی در دستگاه‌های فرهنگی به چشم می‌خورد؛ زیرا در تولید کالای فرهنگی مفید و جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر، کوتاهی‌هایی انجام می‌شود.»

احمد عربلو از تألیف داستان‌های کوتاه خود با زمینه طنز، تحت عنوان قصه‌های شیرین فرهاد خبر داد که قرار است از سوی انتشارات مدرسه، روانه بازار کتاب شود.

مرتضی سرهنگی در جلسه مشترک با فعالان فرهنگی عرصه دفاع مقدس گفت: «شاه کلید کار تاریخ شفاهی، مصاحبه‌گر است. وقتی ما خاطره خوب نداشته باشیم، نمی‌توانیم توقع کتاب خوب، نمایشنامه خوب و فیلم خوب داشته باشیم. نمی‌گوییم نیست؛ هست؛ اما نسبت آن یک‌به‌صد است؛ پس باید در این عرصه، مصاحبه‌گرانی فعال، باذوق و خلاق تربیت کنیم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی حکمی، سیدعباس صالحی، معاون امور فرهنگی را به‌عنوان رئیس سی‌امین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منصوب کرد.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهدی قزلی را به‌عنوان دبیر اجرایی هفتمین جایزه

چاپ و تولید کتاب و... در برمی گیرد. نیلی در ادامه این نامه، به گزارش‌های کارشناسی کتاب که در سامانه کارشناسی مجمع ناشران تهیه شده، اشاره کرده و گفته است که این گزارش‌ها به قصد اصلاح و کمک به دست‌اندرکاران امر در مجموعه دولت تهیه شده است و به همین خاطر، محتوای آن‌ها تاکنون رسانه‌ای نشده است و بنایی هم بر رسانه‌ای شدنشان نیست. شایان ذکر است گزارش مذکور که در اختیار وزارت ارشاد قرار گرفته است، گزارشی از وضعیت کتاب‌های روان‌شناسی، علوم اجتماعی، دین، ادبیات داستانی و شعر، فلسفه و عرفان، تاریخ و کودک‌ونوجوان است که بخش‌هایی از آن، پیش‌تر هم از سوی مجمع ناشران در اختیار وزارت ارشاد قرار گرفته است.»

مدیر تولید تیزر سینمایی رؤیای نیمه‌شب گفت: «کل هزینه ساخت تیزرهای مسابقه کتاب و زندگی از محل فروش کتاب‌ها تأمین می‌شود.» علی رضانی، مدیرکل منابع نهاد کتابخانه‌ها از صرف اعتبار ۱۵۰ میلیارد ریالی برای خرید ۲۵۰۰ عنوان کتاب و ۱۵۰ عنوان نشریه به‌منظور تجهیز کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور، در سال ۹۴ خبر داد.



ناشران خبرساز

انتشارات روایت فتح هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه قرآن در مصلاي امام خميني، از ۲۴ خردادماه تا ۸ تیرماه در راهروی چهار، حضور یافت.

انتشارات شهرقلم به‌تازگی، مجموعه‌ای از داستان‌های ابراهیمی برای کودکان را در مجموعه‌ای با عنوان *یادگارهای نادر ابراهیمی* منتشر و در بازار کتاب، توزیع کرده است. این مجموعه علاوه بر قصه‌های خواندنی ابراهیمی، با تصویرگری‌های زیبای بهترین تصویرگران ایران همراه شده است.

مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی صهبا در بیست‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با آثار خود شرکت کرد. این ناشر که اغلب آثارش در ارتباط با رهبر معظم انقلاب است، این دوره از نمایشگاه قرآن کریم، با تمامی آثار خود شرکت کرد و آثار خود را به مخاطبان ارائه

مدیر عامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گفت: «هیچ اجباری نیست بچه‌ها به کانون بیایند؛ زیرا امکانات مختلف در کشور ایجاد شده تا از فعالیت‌های فرهنگی استفاده کنند و کانون مدعی پرکردن اوقات فراغت ۱۳ میلیون دانش‌آموز نیست.»

نماینده ولی فقیه در نیروی قدس سپاه از ترجمه ۱۰ اثر شاخص ادبیات دفاع مقدس به زبان‌های مختلف خبر داد.

احمد شاکری، نویسنده، با انتقاد از جریان سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور، آن را ملون و متزلزل در طی ادوار مختلف خواند و گفت: «در چنین شرایطی، مؤثرترین گام برای رونق کتاب و کتاب‌خوانی، شکل‌گیری جریان‌های خودجوش از سوی نویسندگان است.»



احمد شهریار، شاعر و مترجم، از ترجمه و انتشار دو کتاب حاوی سروده‌های علی‌رضا فروزه و محمدجواد آسمان در هندوستان و پاکستان خبر داد.

میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، نامه‌ای با محوریت ولن‌گاری فرهنگی در حوزه کتاب، خطاب به دکتر جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشت. نیلی در این نامه، با اشاره به اینکه چندی پیش، رهبر معظم انقلاب نسبت به ولن‌گاری در حوزه فرهنگ، از دستگاه‌های مسئول گلایه کردند، گفته است: «حوزه کتاب نیز مانند حوزه‌های دیگر فرهنگی، از این پدیده مذموم، ب‌ری نیست و متأسفانه در بازار، شاهد تولیداتی هستیم که مؤید این واقعیت تلخ‌اند.»

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در این نامه، تصریح می‌کند که ولن‌گاری فرهنگی در حوزه کتاب، فقط به ممیزی و دادن یا ندادن مجوز به کتاب‌ها خلاصه نمی‌شود و حوزه وسیع‌تری را اعم از وضعیت عرضه کتاب در کتابفروشی‌های رسمی و غیررسمی مجازی و حقیقی، وضعیت



اطلاعیه رخدادهای فرهنگی

ششمین جشنواره بین‌المللی شعر انقلاب در بخش‌های مسابقه ملی و مسابقه بین‌المللی، در دی‌ماه ۹۵، در شهر شیراز برگزار می‌شود.

مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل اجتماعی جمعیت بیست‌ونهمین نمایشگاه کتاب تهران، از رضایت ۷۰ درصدی بازدیدکنندگان از جابه‌جایی آن از مصلی به شهر آفتاب خبر داد.

فراخوان هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس از سوی سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج اعلام شد. تمامی ناشرانی که حداقل ۱۰ عنوان اثر با موضوعات ادبیات پایداری و مقاومت، دفاع مقدس به چاپ رسانده‌اند، می‌توانند در این نمایشگاه شرکت کنند. در ضمن، ناشرانی که تعداد عناوین آنها کمتر از ۱۰ عنوان است، می‌توانند آثار خود را توسط سایر ناشران عرضه کنند. علاقه‌مندان به شرکت در این نمایشگاه باید مدارک خود را از چهارشنبه ۲۷ مرداد تا چهارشنبه ۱۰ شهریور ارسال کنند.

مسابقه کتاب و زندگی تا پایان شهریورماه تمدید شد. ضمن اینکه تعداد شرکت‌کننده در هفته‌های یازدهم و دوازدهم دور چهارم، ۱۲۰۹ نفر بود که اصفهان و خراسان رضوی اکثریت جویز این دو هفته را به خود اختصاص دادند.

فراخوان اولین دوره مسابقه اینترنتی برنامه تلویزیونی شایک، با هدف ترویج فرهنگ انس با کتاب و کتاب‌خوانی منتشر شد. این مسابقه کتاب‌خوانی با محوریت خواندن بخش‌های دلخواه از کتاب رؤیای نیمه شب برگزار می‌شود.

۲۵ شهریور، نمایشگاه آثار منتخب دومین همایش پژوهشی و کاربردی هنر و تبلیغ با محوریت کتاب‌آرایی در فرهنگ و تمدن اسلامی از سوی مرکز فرهنگی هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار می‌شود.

هم‌زمان با رونمایی از پوستر «دومین جشنواره ادبی خاتم» ویژه داستان کوتاه، با موضوع پیامبر رحمت، این دوره رسماً کار خود را آغاز کرد. رئیس شورای راهبردی جشنواره خاتم گفت: «پارسال اعلام شد که دومین دوره جشنواره

داد.

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان تهران مجموعه‌ای از کتاب‌های این بنیاد را ویژه مخاطبان کودک و نوجوان در برنامه «مهر و نیایش» عرضه کرد.

تعداد کتاب‌های سوره مهر در فروشگاه اینترنتی دیجی‌کالا به حدود ۱۶۰ کتاب چاپی و ۶ کتاب الکترونیک رسید.

فروشگاه کتاب افق که سال گذشته طرح خرید کتاب از مشتریان را اجرا کرد، امسال نیز این طرح را از ۱ تیرماه تا ۳۱ شهریورماه اجرا می‌کند. طبق این طرح، مشتریان می‌توانند در طول این مدت، کتاب‌های نشر افق را که پیش‌تر خریده و خوانده‌اند، با یک سوم قیمت پشت جلد، به کتابفروشی شماره یک این ناشر، واگذار کنند و در ازای آن کتاب، محصولات موجود در کتاب افق یا پول نقد دریافت کنند؛ به شرط آنکه کتاب‌ها، چاپ نشر افق و سالم و تمیز باشند.



گروه کودک و نوجوان انتشارات بین‌المللی فانوس دریایی، پس از توسعه فعالیت‌های خود در کشورهای اسپانیایی‌زبان آمریکای لاتین، با اخذ مجوز رسمی از دولت برزیل، فعالیت خود را با انتشار نخستین کتاب ایرانی به زبان پرتغالی، در برزیل آغاز کرد. این گروه در روزهای گذشته، کتاب *تورا خدا/آفرید* به نویسندگی و تصویرگری خانم مهرانه جندقی به زبان پرتغالی ترجمه کرده و در شهر ساووپاولو، مرکز فعالیت انتشارات بین‌المللی فانوس دریایی، منتشر کرد.

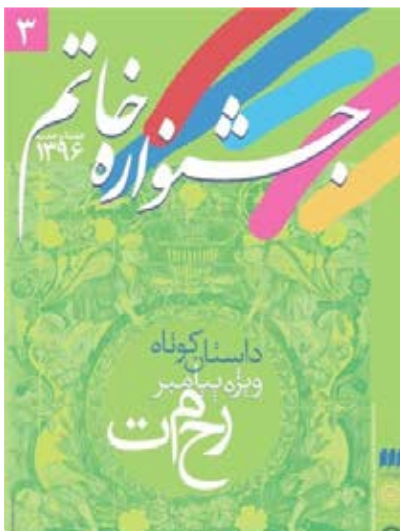
مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب قصد دارد دوره آموزشی عناصر داستان را برگزار کند. در این دوره ۱۰ جلسه‌ای، هنرجویان با ۱۰ عنوان از عناصر اصلی نگارش داستان آشنا می‌شوند.

شخصی خود را با هم به اشتراک بگذارند. همایش ادبی «قدس ما را آزاد خواهد کرد» در تالار مهر حوزه هنری، با حضور شاعرانی از ایران و کشورهای منطقه، به همراه تجلیل از تلاش‌های مجید صفاتاج، نویسنده و محقق و نیز با رونمایی از چند کتاب با موضوع قدس برگزار شد. در مراسم رونمایی از چند کتاب با موضوع قدس، پیام فرمانده سپاه برای نویسنده‌ای که دانشنامه فلسطین را تألیف کرده است، قرائت شد؛ سرلشکر پاسدار جعفری از تلاش‌های مجید صفاتاج تقدیر کرد.



چهاردهمین دوره جایزه ادبی قلم زرین در تالار مهر حوزه هنری، بدون برگزیده به کار خود پایان داد. در بخش داستان بزرگسال، مشترکاً کتاب پایان یک نقش از جلال توکلی و ادواردو از بهزاد دانشگر تقدیر شدند. در بخش شعر کودک و نوجوان، سه کتاب مشترکاً تقدیر شدند. تلنگر باران سروده حمیدرضا شکارسری، در فصل‌های خانه، سروده داوود لطف‌الله و از نوک خودکار من گل می‌چکد از سیدسعید هاشمی تقدیر شد. در بخش شعر بزرگسال، کتاب بهانه‌ها سروده پروانه نجانتی از انتشارات شهرستان ادب تقدیر شد. در بخش نقد و پژوهش ادبی، کتاب جستاری در اصلاح‌شناسی و مبانی داستانی دفاع مقدس از احمد شاکری، تقدیر شد. در بخش داستان کودک و نوجوان، سه کتاب بازگردانده‌شده، نوشته انوشه منادی، شاهزاده خانمی در مترو، نوشته محدثه گودرزی و آخرین مرخصی، نوشته عقیل برزگر تقدیر شدند.

«خاتم» در سطح بین‌المللی، برگزار می‌شود که شرایط آن محقق نشد؛ ولی تلاشمان این است که آن را در سطح فارسی‌زبانان دنیا توسعه دهیم.



دبیر یازدهمین دوره انتخاب کتاب سال سپاه، از برگزاری آئین اختتامیه این دوره در ۷ مهرماه خبرداد و گفت: «تاکنون حدود ۴۰۰ اثر از سوی پاسداران اهل قلم، به دبیرخانه راه یافته و پاسداران تا ۳۱ تیرماه فرصت دارند آثار خود را ارسال کنند.»



با حضور جمعی از اهالی فرهنگ استان چهارمحال و بختیاری، روز دوشنبه ۱۴ تیرماه، آئین رونمایی و آغاز به فعالیت دیوار دانایی در محل پاتوق کتاب و زندگی شهرکرد برگزار شد. دیوار دانایی که به‌همت پاتوق کتاب و زندگی شهرکرد راه‌اندازی شده است، قرار است محلی باشد برای اهالی کتاب تا کتاب‌های کتابخانه



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



گفت‌وگو با دکتر محمدعلی ادرش | صدای عزت ایران را باید «از فارسی» و «به فارسی» ترجمه کنیم ۲۰

گفت‌وگو با دکتر محمدحسن قدیری لپانه | مترجم باید آثار مخرب فرهنگی کتاب را برطرف کند ۲۶

محمدرضا اربابی | جایگاه نظام صنفی در ارتقای صنعت ترجمه ایران ۲۸

اعظم غلامی | آسیب‌شناسی آموزش ترجمه در ایران ۳۳

مرتضی روحانی | ترجمه: شرط لازم برای تولید علوم انسانی بومی ۳۸

حمیدرضا شاه‌آبادی | در حکایت دست‌یافتن به آرزویی بزرگ ۴۰

گفت‌وگو با سهیل اسعد | باید کتاب‌ها را متناسب با مخاطب خارجی فرآوری کنیم ۴۲

گفت‌وگو با فرهاد فلاح | در ترجمه معکوس، به گرسی‌های نظریه‌پردازی نیاز داریم ۴۷

مهدی ابراهیمزاده | نهضت ترجمه ۵۳

سعیده حسینجانی | ترجمه ادبیات دفاع مقدس: نکته‌ها و ضرورت‌ها ۵۴

اعظم غلامی | یادداشتی بر مشاغل و وضعیت ترجمه در کشور ۵۸

گفت‌وگو با موسی بیج | ادبیات ایران را در دنیا نمی‌شناسند ۶۳

محمد معماریان | حرفه: مترجمی ۶۵

سیدمحمدحسین میرفخرانی | در باب پرداخت ترجمه ۶۸

گفت‌وگو با دکتر محمدعلی آذرشب

صدای عزت ایران را باید «از فارسی» و «به فارسی» ترجمه کنیم

حسین شاهمرادی

«همین حالا تشریف بیاورید.» این پاسخی بود که دکتر آذرشب به درخواست ملاقات ما داد. ما هم، مثل دفعات قبل، بدون نیاز به هیچ تشریفات خاصی، در گروه ادبیات عرب دانشگاه تهران، میهمانش شدیم و او با چهره‌ای بشاش، در دفتری که همیشه درش باز است، میزبان ما شد. دکتر آذرشب سال‌ها مترجم عربی مقام معظم رهبری بوده است. در حین گفت‌وگو، گهگاه، گریزهایی هم می‌زد به شیرینی‌ها و سختی‌های ترجمه برای کسی که خودش کاملاً به ریزه‌کاری‌های زبان عربی مسلط است. این استاد زبردست ادبیات عرب که آثار درخشان فرلوانی از متفکران ایرانی را به عربی ترجمه کرده و در اختیار عرب‌زبان‌ها قرار داده است، از هزارتوی ترجمه و همچنین پادها و نیاید‌های این حوزه بر ایمنان گفت. این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

تمام کارهایش جهت‌دار است و می‌خواهد به یک جهت معین و به نتیجه خاصی برسد و هدف خاصی را دنبال می‌کند

الان احساس می‌کنم مترجمین ما عموماً جهت و هدف و مقصد خاصی را ندارند که دنبال آن بروند و کتابی که متناسب با آن جهت و هدف خاص باشد، دنبال کنند؛ بلکه به‌طور اتفاقی کتابی را می‌پسندند و ترجمه می‌کنند؛ البته به دلایلی که عرض می‌کنم، ما مدت‌هاست مترجمان برجسته و خاص نداریم.

به‌نظرم می‌رسد بازار ترجمه، بازار آشفته‌ای است و گاهی، بعضی از کتاب‌هایی که ترجمه می‌شود، محتوای مذهبی ندارد و گاهی ضد‌مذهب است. ممیزی در وزارت ارشاد وجود دارد؛ منتها این ممیزی‌ها برای یک سری مسائل خاص منظور شده است؛ اما فکر لائیک را به‌صورت غیرمستقیم دارند مطرح می‌کنند؛ فکر فمینیستی مطرح می‌کنند و خیلی روی این مسئله توجه نمی‌شود؛ چون آن‌ها می‌دانند که چگونه کار کنند و چگونه این افکار و اندیشه‌ها را در لفاف‌های خاص و در گفتمان خاصی مطرح کنند که ایجاد حساسیت نکنند.

به‌همین جهت، گاهی کتاب‌هایی که ترجمه می‌شود، به‌نظرم انحرافی است و گاهی مضر نیست؛ ولی خب مفید هم نیست.

من خیلی علاقه‌مند هستم مرکزی ایجاد شود و ما دنبال این موضوع هستیم و سعی می‌کنیم با همکاری چند دانشگاه، کار ترجمه را تعریف کنیم و برای مترجمین، هدف مشخص کنیم؛ البته این هدف تحمیلی نیست. می‌خواهیم بگوییم چنانچه شما می‌خواهید کار سازنده و خروجی‌دار داشته باشید، هدف و مقصدی برای

مسئله‌ای که ناشران در حوزه نشر، شدیداً با آن درگیر هستند، مسئله ترجمه است؛ چه ترجمه از فارسی و چه ترجمه به فارسی. ارزیابی شما از کتاب‌های ترجمه، به‌لحاظ محتوایی چیست؟

اولاً برای کار ترجمه، هدف مشخصی تعریف نشده است که ما چه کارهایی باید انجام بدهیم؛ چه کارهایی در درجه اول اولویت است و چه کارهایی اولویت ندارد و لازم نیست انجام شود. در این زمینه، فکر جمعی برای این موضوع نشده است و به‌همین جهت، هر کس اگر کتابی را برای ترجمه مناسب ببیند، ترجمه می‌کند؛ اما با چه هدفی! به‌نظرم جهت مشخصی برای کل جریان ترجمه تعریف نشده است، بلکه به‌طور ذوقی و فکری و خلق‌الساعه، اتفاق می‌افتد.

ما اینجا در گروه زبان و ادبیات عرب، یک لیسانس ترجمه داریم، یک فوق لیسانس ترجمه و یک دکتری ترجمه؛ اما اینکه خروجی این کار چیست، تعریف شده نیست؛ یعنی برای ما، در سطح گروه، تعریف شده نیست که به چه جهتی می‌خواهیم برویم و چه پیشنهادی را قبول کنیم و چه پیشنهادی را قبول نکنیم و چه کتاب‌هایی را به آنان معرفی نماییم. آن‌ها به نمایشگاه کتاب می‌روند و کتابی را پیدا می‌کنند که به نظرشان می‌رسد برای ترجمه، خوب و آسان است. ترجمه می‌شود و گاهی هم ناشری را پیدا می‌کنند و آن را چاپ می‌کنند. می‌توانم بگویم بازار ترجمه، بازار آشفته‌ای است و جهت ندارد.

به‌نظرم می‌رسد مترجمین هم زیاد دغدغه ندارند که دنبال یک جهت خاص و پاسخ به نیاز خاص بروند. ما مترجمینی مانند احمد آرام (ره) داریم، مشخص است که

«ما اینجا در گروه زبان و ادبیات عرب، یک لیسانس ترجمه داریم، یک فوق لیسانس ترجمه و یک دکتری ترجمه؛ اما اینکه خروجی این کار چیست، تعریف شده نیست؛ یعنی برای ما، در سطح گروه، تعریف شده نیست که ما به چه جهتی می‌خواهیم برویم و چه پیشنهادی را قبول کنیم و چه پیشنهادی را قبول نکنیم و چه کتاب‌هایی را به آنان معرفی نماییم»

«اما فکر لائیک را به‌صورت غیرمستقیم دارند مطرح می‌کنند؛ فکر فمینیستی مطرح می‌کنند و خیلی روی این مسئله توجه نمی‌شود؛ چون آن‌ها می‌دانند که چگونه کار کنند و چگونه این افکار و اندیشه‌ها را در لفاف‌های خاص و در گفتمان خاصی مطرح کنند که ایجاد حساسیت نکنند»

فراملیتی و گفتمان انسانی داشته باشد، وقفه‌ای حاصل شد.

اخیراً احساس می‌کنم جوان‌هایی در مراکز پژوهشی قم، مشغول کارهای خوبی هستند و با سطح زمانه مطلب می‌گویند و مفید است. گفتمان‌شان می‌تواند گفتمان فراملیتی و انسانی باشد؛ ولی در ترجمه، به آن توجه نشده و رعایت نمی‌شود و کسی ایران را نمی‌شناسد. خلاصه من تصویر بی‌نظمی در مسئله ترجمه دارم و کاتوهای‌های متعددی در این مسئله وجود دارد. یکی از مسائل دیگری که در مسئله ترجمه وجود دارد، تقویت مترجم درجه یک است.

قبل از این، مسئله‌ای را پیرو بحث قبلی شما بگویم: چند سال پیش در شمال آفریقا و جنوب‌غربی خاورمیانه تحت عنوان «بیداری اسلامی» اتفاقی افتاد؛ به‌مضی اینکه این اتفاق روی داد، بحث‌هایی پیش آمد که آیا این بیداری، بیداری اسلامی است یا بهار عربی و این اتفاق از چه جنسی است؟ و آیا در معارف اهل تسنن، چیزی به نام انقلاب داریم؟ و... و از این بحث‌ها و آن زمان آقا خیلی محکم ایستادند و گفتند: قطعاً بیداری اسلامی است؛ به فلان دلایل.

اگر با این تحلیل موافق هستید، ما در جایگاه ایران و مجموعه دانشمندان و عالمان و اهل علم ایران، برای بیداری اسلامی چه کاری می‌توانستیم بکنیم که نکردیم؟ و چه داشتیم و در اصل، سؤال من این است که ما چه داریم که مسلمانان دیگر نقاط جهان به آن نیاز داشتند؛ ولی به دست آن‌ها نرسیده و آیا این مستلزم ترجمه است؟

ما آن زمان دو کار می‌توانستیم انجام بدهیم: یکی میراث‌های اسلامی انقلابی خودشان را احیا کنیم؛ مثلاً در تونس، شخصی داشتیم به نام ابوالقاسم شابی، شاعر، متفکر و نویسنده که شخصیت عجیبی است. این شخصیت جزء شخصیت‌هایی است که باید کارهای او به زبان فارسی ترجمه شود. این جوان ۲۶ ساله فوت کرد و میراث بیدارکننده عظیم و جهت‌دار و اسلامی به‌جای گذاشت که یکی از اشعارش «اذا الشعبُ يوماً أراد الخیات، فَلَا بُدَّ أَنْ یَسْتَجِیِبَ الْقَدْرُ» بود و به‌صورت شعر در تونس درآمد. در زمان این نهضت ولی، اولاً خود تونسی‌ها با ریشه‌های فرهنگی خودشان آشنا نیستند؛ به‌همین جهت، وقتی در مقابل عوامل بازدارنده قرار گرفتند، وارفتند و عقب‌نشینی کردند.

مسئله دیگر اینکه ما اولاً، می‌توانستیم کاری بکنیم که ریشه‌های فرهنگی آن‌ها را زنده کنیم. مثلاً در مصر، بعد از قیامش، متأسفانه جهتش به‌سمت عربستان سعودی و آمریکا رفت؛ درحالی که ما می‌توانستیم افکار و اندیشه‌های سیدقطب را که مقالات متعددی به نام اسلام آمریکایی دارد، اشاعه دهیم و معرفی کنیم و به آن‌ها بگوییم: «مواظب باشید دنبال اسلام آمریکایی نروید

خودتان معین کنید؛ اگر خودتان مقصدی ندارید، مقصد ما این است. مثلاً فرض کنید بعضی از مسائل مهم در جهان، صورت می‌گیرد. اینجا در ترجمه، خیلی به آن‌ها توجه نمی‌شود؛ مثلاً تمدن‌سازی علوم اسلامی که آقا آن را مرتب مطرح می‌کنند، در جهان عرب و اروپا، خیلی رواج دارد و درباره آن صحبت شده؛ ولی کتاب‌های چندانی از این موضوع ترجمه نشده است. زمانی مقاله‌ای از شخصیتی مانند مالک‌بن‌نبی نوشتیم و خدمت مقام معظم رهبری دادیم. ایشان گفتند: این شخصیتی است که ما از دیرباز با او آشنا هستیم و درباره مسئله تمدن‌سازی، خیلی فکر منظمی دارد. مالک‌بن‌نبی، شخصیتی الجزیری است و الان کتاب‌هایش را در فرانسه می‌نویسد و به زبان عربی ترجمه می‌شود؛ ولی به فارسی ترجمه نشده است و کمتر، او را می‌شناسند.

مثلاً در آمریکا، عده‌ای از مسلمانان جمع شده‌اند و جریانی را برای اسلامی کردن معرفت ایجاد کرده‌اند؛ یعنی روان‌شناسی، تاریخ، حتی جغرافیا و نیز انسان‌شناسی. بر اساس مفاهیم اسلامی، سعی می‌کنند مطالب را ارائه بدهند و افرادی که آنجا کار می‌کنند، افراد متخصص، صاحب‌نظر، خبره و عالم هستند؛ این موضوع کمتر ترجمه شده یا اصلاً ترجمه نشده است. در انگلیس، یک بچه حزب‌اللهی خوب، استاد دانشگاه است و جریانی را اداره می‌کند که نوآوری‌های مسلمین در تاریخ را معرفی می‌کند که مسلمانان در تاریخ، چه نوآوری‌هایی داشته‌اند. کارهای زیادی در این زمینه انجام داده است؛ ولی فقط یک کتاب تحت عنوان هزار اختراع از مسلمانان در دانشگاه تهران چاپ و ترجمه شده است؛ شخصی به نام آقای سلیم‌الحسنی که اصالت او عراقی است و از بچه‌مسلمان‌های متعدد و درجه یک است و... از این جریانات و افکار و اندیشه‌ها در جهان وجود دارد؛ ولی کمتر به آن‌ها توجه شده است که به زبان فارسی ترجمه شود.

در ترجمه فارسی به عربی، یکی از ارگان‌هایی که در این زمینه خوب کار می‌کند، بچه‌های حزب‌الله لبنان هستند. آن‌ها در قالب یک مؤسسه چاپ و انتشار و کارهایی که در ایران انجام شده است، سعی می‌کنند به زبان عربی ترجمه کنند و کار درستی انجام می‌دهند؛ منتها به‌نظرم برای ارضای خودشان این کار را انجام می‌دهند و به‌عبارتی دیگر، برای ارضای بچه‌های حزب‌الله این کار را می‌کنند نه برای مخاطب عمومی؛ یعنی ذوق آن‌ها ایجاب می‌کند این کتاب را ترجمه کنند و ذوق خودشان و مجموعه‌شان است و در مجموعه خودشان پذیرفتنی و مناسب است؛ اما در سطح عمومی، این کتاب صدا ندارد.

در ایران، آثار خوبی داریم؛ ولی احتیاج به ترجمه به زبان‌های مختلف دنیا داریم؛ البته به‌نظر می‌رسد بعد از شهید مطهری، برای تولید چنین کتاب‌هایی که پیام

”در آمریکا، عده‌ای

از مسلمانان جمع

شده‌اند و جریانی را

برای اسلامی کردن

معرفت ایجاد کرده‌اند؛

یعنی روان‌شناسی،

تاریخ، حتی جغرافیا و

نیز انسان‌شناسی. بر-

اساس مفاهیم اسلامی،

سعی می‌کنند مطالب را

ارائه بدهند و افرادی که

آنجا کار می‌کنند، افراد

متخصص، صاحب‌نظر،

خبره و عالم هستند؛

این موضوع کمتر

ترجمه شده یا اصلاً

ترجمه نشده است

”در ایران، آثار

خوبی داریم؛ ولی

احتیاج به ترجمه به

زبان‌های مختلف دنیا

داریم؛ البته به‌نظر

می‌رسد بعد از شهید

مطهری، برای تولید

چنین کتاب‌هایی که

پیام فراملیتی و گفتمان

انسانی داشته باشد،

وقفه‌ای حاصل شد

و اسلام صحیح این است.»

بنابراین، یک مقدار میراث گران‌بها و بیدارکننده و رهنمودکننده در شمال آفریقا بود. ما باید سریع درباره آن، کار کرده و آن را منتشر می‌کردیم که نشد. ثانیاً، کارهایی که اینجا می‌توانستیم انجام بدهیم، مثلاً کتاب‌های شهید مطهری، کتاب‌های علی شریعتی که برای الان دولت ما، بعد از برپایی دولت اسلامی تناسبی ندارد؛ ولی برای آن‌ها تناسب دارد. اتفاقاً من سفری به الجزایر رفته بودم، دیدم یکی از رساله‌هایی که آنجا پیشنهاد می‌شود، درباره افکار و اندیشه‌های شریعتی است. به آن‌ها گفتیم: «علی شریعتی این مقام و شخصیت را دارد، این کارها را در ایران کرده است و جایگاهش در ایران این است؛ ولی اصلاتی که در مطهری داریم، اینجا نیست» و گفتیم: «شما شهید مطهری را نمی‌شناسید». یک سخنرانی یک‌ساعته درباره شهید مطهری برایشان کردم و در نتیجه، رساله تغییر کرد به افکار شهید مطهری.»

بنابراین، ما در معرفی افکار و اندیشه‌های اصلی‌مان کوتاهی می‌کنیم. الان آقای خامنه‌ای در ایران، به‌عنوان یک شخصیت سیاسی، معرفی شده است. منظومه فکری ایشان، توجه ایشان از سال‌های مسجد کرامت تا اکنون، خیلی حرف است. توجه ایشان از سال‌های مسجد کرامت تا اکنون، خیلی حرف است. به نظر من، از معدود افرادی است که از همان ابتدا که شروع کرد تا الان، یک منظومه فکری عالی دارد و آن چیست؟ به‌نظم روی آن کار نشده است و متأسفانه، اگر الان می‌خواهیم درباره ایشان صحبت کنیم، گویی می‌خواهیم درباره یک شخصیت سیاسی صرف صحبت کنیم و می‌خواهیم تبلیغ حکومتی کنیم، نه تنها در خارج، بلکه در ایران هم همین‌گونه است.

خواستیم بگویم ما خودمان را در برابر بهار عربی یا بیداری اسلامی آماده نکرده بودیم. به نظر می‌رسد این بیداری اسلامی عبارت است از حرکتی که دیگران خواستند مردم را در یک جهت بسیج کنند. وقتی مردم حرکت کردند، دیگران سعی کردند که میوه‌اش را بچینند. حرکت به نام دین و اسلام و به نام ضد آمریکا و ضد اسرائیل بود؛ ولی متأسفانه میوه‌هایش را آمریکا و اسرائیل چید و به‌نظم، حساب‌شده بود و اتفاقی نبود.

در نتیجه، عربستان سعودی که سمبل عقب‌افتادگی و اسلام آمریکایی بود، یک‌دفعه در جهان عربی وارد صحنه شد و بن‌علی را نزد خودش نگه داشت و اولین دیدار مرسسی، با عربستان سعودی بود. در یمن، چگونه سناریو را چیدند که عربستان سعودی وارد گود شد و کل کشورهای عربی طرفدار عربستان سعودی شدند و عربستان سعودی حق به‌جانب شد. آن‌ها به عربستان حق می‌دهند و این‌ها حساب‌شده بود و ما از پیش‌بینی آینده عقب هستیم. به‌همین جهت، نمی‌گوییم بیداری اسلامی از بین رفت؛ ولی تاکنون فعلاً میوه‌هایش را دیگران چیده‌اند.

با توجه به اینکه بیداری اسلامی مثالی است برای اینکه بدانیم ما در اینجا داشته‌هایی از معارف اسلام و از معارف انقلاب داشته‌ایم که اگر این‌ها به‌دست مسلمانان جهان بیفتد و آن‌ها بتوانند از محصول آن استفاده کنند، می‌تواند منشأ اثرات خوبی شود. ظرفیت‌های ما چیست؟ یعنی نیاز آن‌ها چیست؟ در حوزه‌های دیگر، ما چه جذابیتی داریم؟

مهم‌ترین جذابیتی که داریم، صدای عزت است. یکی از مشکلات عمومی امروز مردم، احساس ذلت است که آمریکا آن‌ها را ذلیل می‌کند. اسرائیل و نظام‌ها دارند آن‌ها را ذلیل می‌کنند. صدای عزت از هر جاشنیده شود، مردم شدیداً مجذوب آن می‌شوند و ما صدای عزت را به‌نحو احسن داریم. چرا مردم مجذوب انقلاب اسلامی ایران شدند؟ تمام اختلافات مذهبی سنی و شیعه از بین رفت؛ حتی اختلافات مسیحی و مسلمان از بین رفت. تقریباً تمام کسانی که احساس عقب‌نشینی و احساس ذلت می‌کردند، به‌سمت انقلاب اسلامی ایران آمدند؛ به‌خاطر صدای عزت. البته خیلی سعی شد این صدای عزت را با جنگ و تبلیغات، محاصره کنند؛ ولی صدای عزت از شروع انقلاب اسلامی تاکنون وجود دارد و سعی می‌شود این صدای عزت را به‌نحو، محدود کنند.

مثلاً موضع جمهوری اسلامی در برابر پرونده هسته‌ای، صدای عزت‌ش خیلی قوی بود. وقتی قضیه برجام آمد، نباید خلاف عزت باشد؛ یعنی ما باید کاری بکنیم؛ به دنیا توضیح بدهیم که رفتن ما به خط برجام، به‌معنای کنارزدن عزت‌مان نیست و در دنیا، این‌گونه تبلیغ کردند که این خلاف صدای عزت بوده و به‌معنای عقب‌نشینی است. ما باید در این زمینه کار کنیم. وقتی حزب‌الله بر اسرائیل پیروز شد، سیدحسن نصرالله در دنیا حرف اول را می‌زد؛ به‌خاطر اینکه صدای عزتی برخاست و خوش‌بختانه این صدای عزت با ایران پیوند خورده است و اگر از حزب‌الله تمجید می‌شود، گویی از ایران تمجید می‌شود و این خود، فرصت عظیمی برای ایران است.

الان ببینید برای حزب‌الله چه کردند؟ مسئله سوریه را به‌وجود آوردند که سعی کردند در سوریه، جایگاهی را که حزب‌الله در جهان داشت، از بین ببرند و وجود حزب‌الله را در سوریه، به‌عنوان جنگ شیعه و سنی اعلام کردند.

مسئله عزت و کرامت، مسئله مبارزه با استکبار جهانی، سوژه بسیار عظیمی است که می‌تواند دل مردم سرخورده را به‌سمت ما جذب کند. می‌دانید، جهان اسلام سرخورده‌گی دارد و همه این احساس را دارند. ما مکتبی داریم؛ بگذارد دنیا با آن اصول مخالفت کند؛ ولی ما به آن اصول پایبند هستیم. البته این اصول را باید خوب و متناسب با شرایط و نیاز روز معرفی کنیم و ضمناً باید پایبندی خودمان را به این اصول احیا کنیم و این مسئله مهمی است که در دنیا وجود ندارد؛ اینکه یک جامعه مکتبی و پایبند به اصول اعتقادی‌اش، در دنیا وجود ندارد

ما در معرفی افکار و اندیشه‌های اصلی‌مان کوتاهی می‌کنیم. الان آقای خامنه‌ای در ایران، به‌عنوان یک شخصیت سیاسی، معرفی شده است. منظومه فکری ایشان، توجه ایشان از سال‌های مسجد کرامت تا اکنون، خیلی حرف است. به نظر من، از معدود افرادی است که از همان ابتدا که شروع کرد تا الان، یک منظومه فکری عالی دارد و آن چیست؟ به‌نظم روی آن کار نشده است و متأسفانه، اگر الان می‌خواهیم درباره ایشان صحبت کنیم، گویی می‌خواهیم درباره یک شخصیت سیاسی صرف صحبت کنیم و می‌خواهیم تبلیغ حکومتی کنیم، نه تنها در خارج، بلکه در ایران هم همین‌گونه است



”ترجمه هنر است و هنر احتیاج به ذوق هنری دارد. این ذوق هنری یا باید در افراد به صورت طبیعی ایجاد شود؛ مانند آقای احمد آرام که نه لیسانس و نه مدرک ترجمه داشت. این علاقه و ذوق است. ولی ما نمی‌توانیم فقط بر خودجوشی افراد تکیه کنیم. باید تربیت کنیم؛ یعنی اگر ذوق ندارد، باید در وجود او ذوق ایجاد کنیم

”بنده معتقدم آوردن دانشجو برای لیسانس و فوق لیسانس ترجمه، جواب نمی‌دهد؛ چون وقتی برای گرفتن مدرک می‌آید، هدف مشخص است و ذوق کُشی می‌شود و ما می‌خواهیم خارج از این محدوده، کار دانشگاهی کنیم و بین دانشگاه‌هایی که رشته ترجمه دارند، از افرادی که در دانشگاه‌ها هستند یا خارج از هستند یا خارج از دانشگاه، کلاس‌هایی برای تربیت مترجم واقعی، نه مترجم مدرکی، تشکیل دهیم

چون کتابی که نوشته شده باشد، برای مردم جذاب‌تر است تا کتابی که ترجمه شده باشد. بنابراین، نام مترجم را حذف می‌کنند؛ کتاب جامعه و تاریخ شهید مطهری را در دو جلد چاپ کردم و در بیروت، چاپ شد.

بنابراین، جایگاه مترجم و ترجمه باید ارجح نهاد شود. در زمان احمد آرام، این مسئله خیلی ارزش داشت. مدت‌هاست که خیلی مبتذل شده است؛ یعنی اگر به من بگویند: «مترجم»، به من برمی‌خورد؛ ولی خوش‌بختانه اخیراً تاحدی، هدایت شده است؛ مثلاً در جایزه فارابی بخشی را برای مترجم برتر گذاشتند که به‌اشتباه، بنده را به عنوان مترجم برتر معرفی کردند. مثلاً در دانشکده علامه طباطبایی، برای قدردانی و تقدیر و ارج دادن، به مترجمین پیشکسوت توجه می‌شود که باز به‌اشتباه، بنده را معرفی کردند. لذا برای ارج نهادن به جایگاه مترجم، حرکت‌هایی دارد انجام می‌شود.

این موضوع در حال صورت‌گرفتن است و ما هم داریم روی آن کار می‌کنیم. بنده معتقدم آوردن دانشجو برای لیسانس و فوق لیسانس ترجمه، جواب نمی‌دهد؛ چون وقتی برای گرفتن مدرک می‌آید، هدف مشخص است و ذوق کُشی می‌شود و ما می‌خواهیم خارج از این محدوده، کار دانشگاهی کنیم و بین دانشگاه‌هایی که رشته ترجمه دارند، از افرادی که در دانشگاه‌ها هستند یا خارج از دانشگاه، کلاس‌هایی برای تربیت مترجم واقعی، نه مترجم مدرکی، تشکیل دهیم و در این زمینه، سعی می‌کنیم و البته نیاز داریم که در دانشگاه‌ها و خارج از دانشگاه‌ها حمایت شویم. الان مترجم وزارت امور خارجه یکی از کمترین رده‌های شغلی آنجاست. این مسئله باید تغییر کند.

و در دنیا، صدایی وجود ندارد که همواره دنبال عزت مسلمانان و کرامت مسلمانان، دنبال اعلام موضع در برابر آمریکا، دنبال حمایت از مستضعفین و حمایت از فلسطین باشد. مسئله فلسطین مسئله مهمی است که باید روی آن کار کنیم.

الان مثلاً فرض کنید حمایت از فلسطین از سوی ایران را می‌خواهند روزنه‌های معرفی کنند که می‌خواهد به جهان عرب نفوذ کند؛ یعنی قصد دارند تعهد مکتبی را به‌عنوان منافع معرفی کنند. ما باید روی این مسئله کار کنیم.

شما نکته‌های فرمودید که ما مدت‌هاست مترجم برجسته نداریم؛ چرا؟

ترجمه هنر است و هنر احتیاج به ذوق هنری دارد. این ذوق هنری یا باید در افراد به صورت طبیعی ایجاد شود؛ مانند آقای احمد آرام که نه لیسانس و نه مدرک ترجمه داشت. این علاقه و ذوق است. ولی ما نمی‌توانیم فقط بر خودجوشی افراد تکیه کنیم. باید تربیت کنیم؛ یعنی اگر ذوق ندارد، باید در وجود او ذوق ایجاد کنیم. چگونه ذوق ایجاد کنیم؟ باید جایگاه ترجمه و مترجم را ارجح بنهیم. الان مثلاً کتابی که من در دانشگاه می‌نویسم، ۲۰ امتیاز دارد؛ ولی وقتی ترجمه می‌کنم، ۲ امتیاز دارد؛ یعنی کار ترجمه کار آسانی نیست و کار آسان‌تری از تألیف نیست؛ یعنی علاوه بر فکر و مطلب، ذوق و هنر می‌خواهد؛ یعنی ترجمه فکر و هنر و ذوق است؛ درحالی‌که تألیف، فکر و اندیشه و قلم است.

برای من اتفاق افتاده است کتابی را که ترجمه می‌کنم، می‌رود بیروت و نام مترجم را حذف می‌کنند؛



” باید مؤسسه‌ای وجود داشته باشد که هیچ کتاب ترجمه‌شده‌ای چاپ نکند؛ مگر اینکه دارای معیار و استاندارد و موازین خاصی باشد که بشود آن را چاپ کرد. گمان می‌کنم ارشاد باید این کار را بکند و زمانی که مجوز کتاب ترجمه‌شده را می‌دهد، نه فقط از نظر محتوایی و تعهدی، بلکه از نظر فن ترجمه، باید کیفیت داشته باشد

از مهم‌ترین شخصیت‌ها در تحلیل از مواضع ایران و امام و روند کار جمهوری اسلامی ایران نوشته می‌شود. این خیلی مهم است که برای ایرانیان ترجمه شود که احساس نکنند فقط خودشان صحبتی را می‌گویند و دنیا و جهان، صحبت دیگری می‌کند؛ نه، بفهمند که دنیا هم حرف‌های ایران را فهمیده است.

گفتمان دیگران را که مشابه گفتمان ماست، ترجمه کنیم؛ مثلاً گفتمان ضدآمریکایی. ما فکر می‌کنیم فقط ما گفتمان ضدآمریکایی داریم؛ درحالی که دنیا هم این حرف را می‌زند. از آمریکای لاتین گرفته، خود آمریکا و اروپا تا جهان اسلام. الان یکی از عزیزان در حال نوشتن رساله در رابطه با آمریکا در ادبیات معاصر عرب است؛ آن هم فقط فلسطین و لبنان. آن قدر فلسطین زیاد است که لبنان را حذف کرد و الان فقط روی فلسطین کار می‌کند. کتاب ضخیمی شده است؛ فلسطینیان درباره آمریکا چه نظری دارند؟ گاهی می‌شنویم که می‌گویند دنیا به سمت آمریکا رفته است. چرا ما نرویم؟ درحالی که دنیا ضدآمریکا و علیه آمریکاست.

گفتمان‌هایی شبیه گفتمان ما در جهان اسلام که مؤید گفتمان ماست، باید ترجمه کنیم؛ مثلاً گفتمان ضدآمریکایی، ضداسرائیلی، گفتمان بیداری اسلامی، گفتمان وحدت اسلامی که خیلی مسئله مهمی است. الان ادبیاتی که در زمینه وحدت اسلامی در جهان عرب، به ایران منتقل شود، چند جلد می‌شود که آن‌ها در زمینه وحدت اسلامی حرف دارند. مثلاً گفتمان روز اسلام، یعنی معرفی اسلام بر اساس مفاهیم روز که ما به این نیاز داریم. ببینید عرب‌ها ارتباط تنگاتنگ بیشتری با اروپا و فرانسه و انگلیس دارند؛ یعنی تقریباً کتابی نیست که در فرانسه و اروپا نوشته شود؛ مگر اینکه بعد از مدتی می‌بینید ترجمه آن در لبنان یا در قاهره صورت گرفته و منتشر شده است. این‌ها از افکار عمومی جهان اطلاع دارند و در مقابل این افکار عمومی، موضع درست و به‌روز دارند

در بعضی از کشورها، اطلاع دارم خیلی به ترجمه اهمیت می‌دهند و این اهمیت‌دادن، به انسان روحیه می‌دهد و می‌فهمد جایگاهی دارد. یعنی الان دوست ندارم فرزندانم بگویند پدرم مترجم است! [می‌خندد] یعنی ذهنیت عمومی خیلی در این باره خوب نیست. به‌همین جهت، یک مقدار فضای ترجمه باید فضای ارزشمند و والایی باشد و ضمناً بازار ترجمه باید از این آشفتگی دربیاید که از این ابتذال خارج شود. یعنی اگر مردم به ترجمه، به دید کم نگاه می‌کنند، به‌خاطر وجود این بازار آشفته ترجمه است.

باید مؤسسه‌های وجود داشته باشد که هیچ کتاب ترجمه‌شده‌ای چاپ نکند؛ مگر اینکه دارای معیار و استاندارد و موازین خاصی باشد که بشود آن را چاپ کرد. گمان می‌کنم ارشاد باید این کار را بکند و زمانی که مجوز کتاب ترجمه‌شده را می‌دهد، نه فقط از نظر محتوایی و تعهدی، بلکه از نظر فن ترجمه، باید کیفیت داشته باشد. به‌نظر، ما می‌توانیم درجه ترجمه را افزایش دهیم و مانند سابق، مترجمان خوبی به‌وجود بیاوریم.

در کشورهای مختلف، موضوعات و محتواهای خوبی وجود دارد که ممکن است به‌درد ما بخورد. به‌هر حال، کشورهای مختلف، فرهنگ‌ها و نقاط قوت محتوایی ویژه‌ای دارند که کشورهای دیگر می‌توانند از آن استفاده کنند.

به‌نظر شما در حوزه کشورهای عربی و در میان متفکران و فرهیختگان این کشورها، چه محتوایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به فارسی ترجمه کرد؟

چند محور بیان می‌کنم که نیاز داریم از بیرون به‌سمت کشورمان منتقل شود؛ یکی مسئله شناخت حقیقی ایران است. ما گاهی فکر می‌کنیم دنیا ضدایران در حال حرکت است؛ به‌خاطر تبلیغات زیاد ضدایرانی در شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ها، افکار عمومی جهان ضدایران است؛ درحالی که بهترین کتاب‌ها و مهم‌ترین کتاب‌ها

” گفتمان‌هایی شبیه گفتمان ما در جهان اسلام که مؤید گفتمان ماست، باید ترجمه کنیم؛ مثلاً گفتمان ضدآمریکایی، ضداسرائیلی، گفتمان بیداری اسلامی، گفتمان وحدت اسلامی که خیلی مسئله مهمی است



هم احساس می‌کنند باید به ادبیات عرب توجه کنند؛ همان‌طور که آن‌ها به ادبیات فارسی توجه دارند. بنابراین، شنیده می‌شود که می‌گویند چرا ما به ادبیات و زبان عرب توجه داریم؟! اما آن‌ها به ادبیات ما توجهی ندارند. نه، آن‌ها توجه دارند، ما خبر نداریم. در عربستان سعودی، کل دانشکده‌هایشان علوم فارسی دارند و این هم تصمیمی است که در جامعه عرب گرفته شده که زبان فارسی باید تدریس شود. بنابراین، محورهای زیادی است که باید توجه شود.

برای حُسن ختام این مصاحبه هم سؤال می‌دارم. شما در بحث ترجمه، سال‌ها کنار آقا بودید و کمک می‌کردید. از خاطرات این سال‌ها چیزی هست که برایمان بگویید؟

خاطرات زیادی دارم؛ ولی الان حضور ذهن ندارم. کسی که با آقا عربی کار می‌کند، در دسرش خیلی زیاد است؛ چون ایشان خیلی به زبان عربی مسلط هستند. من ترجمه می‌کنم؛ ولی وقتی ایشان ترجمه را می‌خوانند، خیلی از کلمات را تغییر می‌دهند و خوب هم تغییر می‌دهند و این نشان‌دهنده تسلط ایشان به زبان عربی است.

گاهی یک کلمه ترجمه می‌کنم و ایشان می‌گویند: «به نظرم این کلمه درست نیست». می‌گویم: «آقا، درست است.» می‌گویند: «خودت صاحب‌نظر هستی؛ درست است.» بعداً می‌فهمم نه، درست نیست و حرف ایشان درست است [می‌خندد]

خاطره دیگر اینکه ایشان گاهی مطلبی را می‌نویسد و یکی، دو بیت شعر به مطلب اضافه می‌کنم که خود ایشان می‌دانند و می‌گویند: «اضافه کردی؟ خیلی خوب.» آن وقت خودشان بدون این شعر می‌خوانند؛ ولی من در ترجمه، با شعر می‌خوانم و وقتی آقایان می‌آیند با ایشان صحبت می‌کنند، می‌گویند: «آقا احسنت، دو بیت شعر هم گفته‌اید!» [می‌خندد] خودشان هم به من می‌گویند: «من اصلاً نگفته بودم.

من چون خیلی با روال و آهنگ آقا آشنا هستم، ترجمه هم‌زمان می‌کردم. بعضی‌ها می‌گفتند: «آقای آذرشب از رو ترجمه می‌کند.» یکی از اساتید اینجا بود. یک نفر به او گفت که آقای آذرشب از رو ترجمه می‌کند. او هم گفت: «بنده خدا! خود آقا از روی نوشته صحبت نمی‌کند. چطور آقای آذرشب از رو ترجمه می‌کند؟» چون در زبان عربی، فعل اول می‌آید نه آخر. وقتی آقا صحبت می‌کند، من می‌دانم چه فعلی می‌خواهد به کار ببرد، روال کار را می‌دانم و به کار می‌برم و احساس می‌شود من جلوتر از آقا ترجمه می‌کنم و آن‌ها فکر می‌کنند که من از روی متن، ترجمه می‌کنم.

آقا هم لطف خاصی دارند و گاهی در محافل، من متوجه کلمه‌ای نیستم و ایشان تصحیح و اضافه می‌کنند که این هم از الطاف ایشان است.

نه موضع عقب‌مانده؛ چون خودشان به‌روز هستند. یعنی مسلمانان متعدّد جهان عرب نسبت به ما، به‌روزتر هستند؛ نسبت به مسائلی که نیاز است و کتاب‌های زیادی هم برای معرفی اسلام بر اساس نیازهای روز نوشته‌اند. خدا شهید مطهری را رحمت کند؛ زیاد دنبال این مسئله بود و می‌گفت: «اسلام را بر اساس نیازهای روز معرفی کنید.» جزوه‌ای در این باره نوشته است که من قبل از انقلاب، با عنوان اسلام و نیازهای روز ترجمه و چاپ کردم.

این مسئله مهم است؛ آن‌ها کارهای خیلی خوبی برای معرفی اسلام، متناسب با نیازهای روز انجام دادند؛ ولی ما باید از آن‌ها استفاده کنیم و ترجمه کنیم و البته به زبان انگلیسی هم نوشته شده و به زبان فرانسه هم نوشته شده است. ما یک مقدار باید با جهان عرب بیشتر آشنا شویم و اگر بل خوبی به جهان عرب بزنیم، در واقع، پل خوبی به اروپا و آمریکا زده‌ایم؛ چون افکار و اندیشه‌ها و کتاب‌های آن‌ها به سرعت منتقل می‌شود.

مشکلی که ما در ایران داریم، مسئله قومیت و اسلامیت است. گویا می‌خواهند بین اسلامیت و قومیت، تضاد ایجاد کنند. شما یا مسلمان هستید یا ایرانی هستید! ما مسلمان ایرانی هستیم. این مسئله تضاد بین قومیت و اسلامیت در جهان عرب، از ۸۰ سال پیش مطرح شده بود و مسلمانان متعدّد در مقابل آن، کارهای زیادی کردند که اسلام موضعش نسبت به قومیت چیست؟ در ایران، در این زمینه به نظرم فقط یک کار انجام شده است: خدمات متقابل ایران و اسلام و کار دیگری انجام ندادند و الان بر سر زبان بچه‌ها، مسئله تضاد بین قومیت و اسلامیت وجود دارد.

به نظرم این یکی از محورهای مهمی است که ما می‌توانیم از جهان اسلام به ایران منتقل کنیم. مثلاً یکی از کارهای زیبایی است که باید اینجا معرفی شود، کارهایی که جهان عرب درباره شعر و ادبیات ایران انجام داده‌اند. مثلاً عبدالوهاب عزام، شخصیت بسیار والایی است که باید به ایرانیان معرفی شود؛ چون بزرگ‌ترین خدمت را به ادبیات فارسی و فرهنگ ایران کرده است؛ آن هم با دید متعهدانه اسلامی و با دید مکتبی. بنیان‌گذار گروه‌های فارسی در مصر هم ایشان بود. الان کل دانشگاه‌های مصر، زبان و ادبیات فارسی دارد. بعضی‌ها تا سطح فوق لیسانس و بعضی‌ها تا سطح دکتری هم وجود دارد و پایه‌گذار تمام این گروه‌ها ایشان بود و نسلی را تربیت کرد که این نسل این روند را تا به امروز ادامه داد؛ یعنی علاوه بر اینکه خودش به این موضوع توجه داشت، افرادی را هم تربیت کرد و امروز، کسانی که ادبیات فارسی را تدریس می‌کنند، نسل پنجم هستند؛ ادامه نسلی که او تربیت کرد؛ ولی او را نمی‌شناسیم. و این خیلی مهم است که ایرانی‌ها بفهمند در قاهره، این همه به ادبیات فارسی اهمیت می‌دهند. این‌طور خودشان قطعاً هم توجه بیشتری می‌کنند و

”مسلمانان متعدّد جهان عرب نسبت به ما، به‌روزتر هستند؛ نسبت به مسائلی که نیاز است و کتاب‌های زیادی هم برای معرفی اسلام بر اساس نیازهای روز نوشته‌اند. خدا شهید مطهری را رحمت کند؛ زیاد دنبال این مسئله بود و می‌گفت: «اسلام را بر اساس نیازهای روز معرفی کنید.»

”عبدالوهاب عزام، شخصیت بسیار والایی است که باید به ایرانیان معرفی شود؛ چون بزرگ‌ترین خدمت را به ادبیات فارسی و فرهنگ ایران کرده است؛ آن هم با دید متعهدانه اسلامی و با دید مکتبی. بنیان‌گذار گروه‌های فارسی در مصر هم ایشان بود. الان کل دانشگاه‌های مصر، زبان و ادبیات فارسی دارد. بعضی‌ها تا سطح فوق لیسانس و بعضی‌ها تا سطح دکتری هم وجود دارد و پایه‌گذار تمام این گروه‌ها ایشان بود

گفت‌وگو با دکتر محمدحسن قدیری ایبانه

مترجم باید آثار مخرب فرهنگی کتاب را برطرف کند

حسام آبنوس

محمدحسن قدیری ایبانه، مدیر انجمن نخبگان جهان اسلام و سفیر سابق ایران در مکزیک و استرالیا است. او تجربه‌های ارزشمندی از مواجهه با مردمی دارد که مخاطبان بالقوه پیام انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آیند. او که خود اهل کتاب است، از اقتضات تولید اثر برای مخاطبان برون‌مرزی و نیاز آنان به محتوا سخن می‌گوید. در ادامه، گفت‌وگوی ما را با او می‌خوانید.

بیان برخی نکات برای روز اول اسلام‌آوردن نیست و باید به‌مرور مطرح شود و اگر در زمان مناسب مطرح نشود، ممکن است اثر عکس به‌جای بگذارد.

در این موضوع ما چقدر مترجم داریم که به کشور هدف، شناخت داشته باشند و اینکه اگر بخواهیم از افراد بومی برای ترجمه آثار استفاده کنیم، چه راه‌هایی برای شناسایی آن‌ها وجود دارد؟

اگر بخواهیم دست به ترجمه بزنیم باید از افراد بومی که زبان مقصد، زبان مادری‌شان باشد، استفاده کنیم؛ زیرا آن‌هایی که در ایران زبان می‌دانند، شاید ترجمه را بدانند؛ ولی فرهنگ کشور مقصد را نمی‌دانند و طبیعتاً افراد بومی بهتر می‌توانند ترجمه کنند.

یکی از هنرهای شهید مطهری این بود که تلاش می‌کرد مسائل قرآنی و اسلامی را در قالب داستان برای مخاطب خود بیان کند و مخاطب نوجوان را با این موضوعات درگیر می‌کند و این هنر شهید مطهری است که از مقام علمی خود پایین آمده و مطلب را برای مخاطب کودک و نوجوان نازل کرده است و ما باید در آثار ترجمه‌ای نیز به این نکته توجه کنیم.

یکی از نیازهای ما در خارج از کشور که هنوز بر طرف نشده، این است که فرد تازه‌مسلمان شده هیچ ابزاری برای یادگیری نماز خواندن به زبان ساده در دسترس ندارد. فردی که عربی نمی‌داند و در تلفظ‌ها هم دچار مشکل است، چطور باید نماز خواندن را شروع کند. کتاب‌هایی که ترجمه شده و نماز را آموزش می‌دهد، با ذکر تمام مستحبات، نماز را گفته‌اند؛ در صورتی که برای این فرد باید حداقل‌ها و ضروریات بیان شده باشد. مانند بازی‌های کامپیوتری که

در زمینه کتاب، چه ظرفیت‌هایی در آن سوی مرزها وجود دارد که ما در امر ترجمه به آن‌ها بی‌توجه هستیم و توجه به آن‌ها منجر به موفقیت‌مان خواهد شد؟

زمینه‌های متعددی وجود دارد که می‌شود کار کرد. موضوعات مذهبی یکی از آن‌هاست. وقتی مترجمی می‌خواهد متنی را مثلاً به زبان اسپانیایی ترجمه کند، می‌خواهد از وقتش به‌نحو احسن استفاده کند و از همین رو، سراغ آثار بزرگان می‌رود و این در حالی است که وقتی کسی در ایران می‌خواهد در موضوعی، مثلاً در فقه مطالعه کند، نیاز به یک سلسله ذهنیت‌های علمی و فرهنگی دارد که خوب، این موضوع الزاماً برای فرد غیرایرانی موضوع مناسبی نیست و صرف اینکه این کتاب از فردی بزرگ است، به درد آن‌ها نمی‌خورد و ترجمه آن برای مخاطب غیرایرانی، کمکی به فهم آن‌ها از اسلام نمی‌کند؛ مگر برای کسانی که در این حوزه به‌صورت تخصصی مشغول تحصیل هستند.

وقتی در ایران کسی می‌گوید: «عاشورا»، همه به آن موضوع آگاهی دارند و حتی در خارج از ایران نیز درباره آن اطلاعاتی دارند؛ ولی اگر این عبارت را «دهم» ترجمه کنیم، حتی در ایران نیز فهم عاشورا از آن به دست نمی‌آید یا گاهی در نقد و محکوم کردن یزید گفته می‌شود که او سگ‌باز و اهل شراب‌خواری بود. خوب این مسئله در خارج از ایران و جهان اسلام امر ناپسندی تلقی نمی‌شود. لذا شناخت مخاطب در رابطه با طرح مسائل اسلامی مهم است که متأسفانه در میان کسانی که برای تبلیغ اعزام می‌شوند، این نکات رعایت نمی‌شود؛ ولی اگر فهم درستی از باور و فرهنگ مخاطب وجود داشته باشد، می‌توان امید به اثرگذاری موضوع داشت.

شناخت مخاطب

در رابطه با طرح مسائل اسلامی مهم است که متأسفانه در میان کسانی که برای تبلیغ اعزام می‌شوند، این نکات رعایت نمی‌شوند؛ ولی اگر فهم درستی از باور و فرهنگ مخاطب وجود داشته باشد، می‌توان امید به اثرگذاری موضوع داشت

یکی از هنرهای

شهید مطهری این بود که تلاش می‌کرد مسائل قرآنی و اسلامی را در قالب داستان برای مخاطب خود بیان کند و مخاطب نوجوان را با این موضوعات درگیر می‌کند

پیدا می‌کند. در کتاب نیز وضع به همین شکل است. ضمن اینکه باید در میان مردم به واسطه کار فرهنگی یک نوع مصونیت ایجاد شود و مصون‌سازی مسئله مهمی است. یکی از راه‌های مصون‌سازی ایجاد خودباوری است. مثلاً برای برخی از افراد غرب زده، غربی‌ها الگو هستند و اگر واقعیت افراد غربی بیان شود، این مصون‌سازی رقم می‌خورد.

از آنجا که قریب به ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و با توجه به اینکه آثاری در زمینه انقلاب و ارزش‌های آن تاکنون منتشر شده است، شما چقدر آثار ایرانی ترجمه‌شده را دیده‌اید که این ارزش‌ها را منتقل کند؟

آثار دینی و مذهبی ترجمه شده است؛ اما نوع کتاب‌ها مناسب نبوده‌اند. ممکن است برای ایرانی‌ها یا کشورهای عرب‌زبان مناسب باشد؛ ولی برای کشوری که مسلمان ندارد، این کتاب مفید نیست و حتی می‌تواند منجر به دورشدن مخاطب از خواندن کتاب‌های اسلامی شود. همچنین، به نظر درباره کتاب‌های خاطرات نوشته‌شده، باید هنگام ترجمه آن‌ها، بازنگری در آن‌ها صورت بگیرد و بررسی شود.

من برخی ترجمه‌ها را که نگاه کردم، از نظر ترجمه سلیس و مطلوب نبوده است. مثلاً وقتی صحبت از اصول دین می‌شود، با عنوان «دگماتسیم» از آن یاد شده است؛ در صورتی که این عبارت در آنجا دارای بار منفی است و در ترجمه به آن توجه نشده است.

اگر افرادی که در این زمینه توانایی دارند، حمایت شوند تا دست به ترجمه و تألیف بزنند، حتماً موفقیت‌های بهتری دست پیدا خواهیم کرد. همچنین، به نظر باید از ابزارهای مدرن در نشر استفاده کرد. مثلاً تولید کتاب‌های صوتی یا روش‌های نوین چاپ از جمله روش‌هایی است که باید از آن سود برد.

مرحله به مرحله دشوار می‌شود و از همان ابتدا، با دشواری مرحله آخر روبه‌رو نمی‌شود. در مسائل دینی، افرادی که محصول تولید می‌کنند، طوری کار می‌کنند که انگار برای یک بچه مسلمان اثر تولید می‌کنند و نیازهای مخاطب را نمی‌بینند.

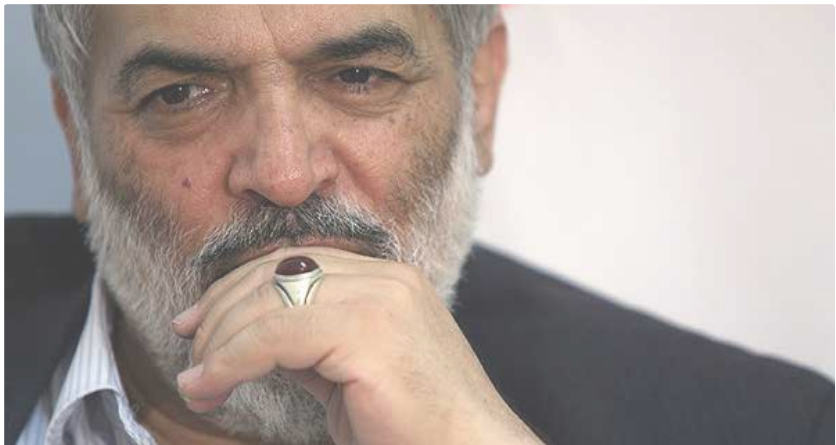
ما باید برای توریست غیرمسلمانی که می‌خواهد به ایران بیاید، درباره حجاب توضیح دهیم و علت رعایت آن و فلسفه‌اش را برایش تشریح کنیم. من ندیدم کسی یا جایی به توریست‌هایی که به ایران سفر می‌کنند، توجه کند و روی آن‌ها کار کند و اغلب، برای افرادی محصول تولید می‌شود که در خارج از ایران زندگی می‌کنند. ما باید کاری کنیم تا یک توریست در ایران، کتاب‌هایی انتخاب کند که دو ماه بعد از بازگشت هم وقتش را با انگیزه و علاقه بگیرد. من معتقدم اگر غیرمسلمانی به ایران آمد و غیرمسلمان از ایران خارج شد، ما دچار خسارت شده‌ایم. ما باید به زبان غیرفارسی کار تألیف کنیم و فقط به ترجمه محدود نشویم. تصور کنید که در فرودگاه فرانکفورت فضایی به ایران اختصاص داده شود تا کتاب به مخاطبان ارائه شود، میان دستگاه‌ها رقابت ایجاد می‌شود که این مأموریت و کار من است؛ ولی اگر گفته شود که در همین فرودگاه امام خمینی (ره) فضایی برای عرضه کتاب در نظر گرفته شده است، هیچ کس حاضر نیست پای کار بیاید.

همان‌طور که در ترجمه زین سوباید به اقتضائات فرهنگی کشور هدف توجه شود، در ترجمه زان سو نیز باید این مسائل رعایت شود؛ ولی اگر قرار باشد یک اثر غیر ایرانی در ایران مجوز انتشار پیدا کند، باید ایرانی اسلامی شود و خوب، شاید دیگر اثری از اصل کار نماند. پیشنهاد شما برای این مسئله چیست؟

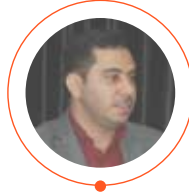
رعایت فرهنگ کشور در ترجمه باید صورت بگیرد؛ همان‌طور که فیلم‌ها را برای پخش باید سانسور کرد که گاهی با سانسور بخشی از بدن بازیگر، فیلم قابلیت پخش

”من ندیدم کسی یا جایی به توریست‌هایی که به ایران سفر می‌کنند توجه کند و روی آن‌ها کار کند و اغلب، برای افرادی محصول تولید می‌شود که در خارج از ایران زندگی می‌کنند. ما باید کاری کنیم تا یک توریست در ایران، کتاب‌هایی انتخاب کند که دو ماه بعد از بازگشت هم وقتش را با انگیزه و علاقه بگیرد. من معتقدم اگر غیرمسلمانی به ایران آمد و غیرمسلمان از ایران خارج شد، ما دچار خسارت شده‌ایم“

”من برخی ترجمه‌ها را که نگاه کردم، از نظر ترجمه سلیس و مطلوب نبوده است. مثلاً وقتی صحبت از اصول دین می‌شود، با عنوان «دگماتسیم» از آن یاد شده است؛ در صورتی که این عبارت در آنجا دارای بار منفی است و در ترجمه به آن توجه نشده است. اگر بشود گفت در علم نیز کتاب مقدس وجود دارد، راهنمای آماده ساختن کتاب را کتاب مقدس و براستاران می‌توان خواند“



جایگاه نظام صنفی در ارتقای صنعت ترجمه ایران



محمد رضا اربابی
مدیر انجمن صنفی مترجمان تهران

عرضه می‌شود، چگونه می‌تواند گره از مشکلات صنعت ترجمه باز کند؟

نگاهی به وضعیت کنونی صنعت ترجمه نشان می‌دهد اغلب فعالیت‌های پژوهشی دانش‌بنیان در عرصه ترجمه، به دست گرد و غبار کتابخانه‌های دانشگاه‌ها سپرده می‌شود و به‌جز اندکی از آن‌ها، نمی‌تواند برای رفع مشکلات این صنعت سودمند باشد. علت این امر را نمی‌شود ضعف پژوهش‌ها دانست؛ بلکه این عدم موفقیت و بهره‌مندی، ریشه در فاصله میان دانشگاه تا عالم واقع دارد که همان بازار کار است.

پس باید پلی میان دانشگاه و نهادهای ترجمه ایجاد کرد تا از این هدررفت انرژی و توان جلوگیری شود. اما نهاد ترجمه چیست و چگونه می‌تواند این خلا را پوشش دهد؟ نهادهای ترجمه در دنیا، شامل مؤسسات خدمات ترجمه و انجمن‌های صنفی و غیرصنفی مردم‌نهاد هستند که در قالب‌های مختلف فعالیت می‌کنند. اما در ایران، نهادهای ترجمه بسیار محدود هستند و می‌توان ادعا کرد هنوز به‌خوبی تثبیت نشده‌اند. دارالترجمه‌ها یا دفاتر ترجمه رسمی، از جمله نهادهای ترجمه قدیمی و با سابقه در ایران به حساب می‌آیند که علاوه بر ترجمه اسناد و مدارک رسمی، به ترجمه غیررسمی نیز می‌پردازند. در چند سال گذشته، با توجه به رونق کسب و کار ترجمه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با صدور مجوز مؤسسات فرهنگی تک‌منظوره و چندمنظوره، به عرصه معرفی مؤسسات خدمات ترجمه ورود پیدا کرده است که هنوز تعداد مؤسسات موجود با این مجوز بسیار محدود است. اما مهم‌ترین خلأ موجود در عرصه نهادهای ترجمه، نبودن

از سال ۱۳۸۹ و در جریان نخستین هم‌اندیشی سراسری فعالان عرصه ترجمه در ایران، مفهومی نو به ادبیات علمی ترجمه در ایران گام نهاد: صنعت ترجمه. مفهومی که گرچه در دنیا با عنوان translation industry تازگی نداشت، در ایران نوپا بود و در نتیجه، واکنش‌های مختلفی را در پی داشت.

صنعت ترجمه در یک نگاه، حاصل پیوند میان دانشگاه به‌عنوان تولیدکننده دانش ترجمه و تربیت‌کننده اصلی مترجم، نهادهای ترجمه در جایگاه سامان‌دهنده و سازمان‌دهی‌کننده کسب و کار ترجمه و در نهایت، بازار ترجمه است.

همان‌طور که پیش از این در یادداشت‌ها، مقالات و سخنرانی‌های متعدد نگارنده در این باب مطرح شده است، امروزه دانشگاه‌ها که در مقاطع مختلف کاردانی و کارشناسی با هدف تربیت مترجم و نیز در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا با هدف تربیت پژوهشگر مطالعات ترجمه و استاد دانشگاه به ارائه واحدهای درسی و جذب دانشجو می‌پردازند، مسئولیت سنگینی را در تهیه منابع معتبر و غنی برای فعالیت‌های دانش‌بنیان در عرصه‌های مختلف ترجمه بر عهده دارند.

اما مسئله مهم این است که محصولات آکادمی در کجا و چگونه باید به کمک صنعت ترجمه بیایند؟ خیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته ترجمه چگونه می‌توانند هم خود از نوای مزایای تحصیلاتشان برخوردار شوند، هم جامعه را از دانش و توانایی خود بهره‌مند سازند؟ پژوهش پژوهشگران مطالعات ترجمه که در قالب مقاله، کتاب و پایان‌نامه

نگاهی به وضعیت کنونی صنعت ترجمه نشان می‌دهد اغلب فعالیت‌های پژوهشی دانش‌بنیان در عرصه ترجمه، به دست گرد و غبار کتابخانه‌های دانشگاه‌ها سپرده می‌شود و به‌جز اندکی از آن‌ها، نمی‌تواند برای رفع مشکلات این صنعت سودمند باشد. این عدم موفقیت و بهره‌مندی، ریشه در فاصله میان دانشگاه تا عالم واقع دارد که همان بازار کار است

صنفی، باید اساس نامهٔ تیپ تهیه‌شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را بررسی کنیم. به موجب مادهٔ ۱ اساس نامهٔ تیپ، هدف از تشکیل انجمن صنفی این گونه قید شده است: «در اجرای مادهٔ ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامهٔ انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط و به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی اعضای صنف که خود متضمن حفظ منافع جامعه نیز باشد؛ این انجمن صنفی تشکیل می‌گردد.»

برخی از وظایف اساسی و عام انجمن‌های صنفی به موجب اساس‌نامه بدین شرح است:

۱. کوشش در جهت استیفای حقوق و خواست‌های مشروع و قانونی اعضا از طریق ایجاد زمینه‌های مساعد به منظور نیل به اهداف انجمن؛

۲. جمع‌آوری اطلاعات، بررسی و تحقیق دربارهٔ مشکلات، شناخت نیازها و اولویت‌ها؛

۳. همکاری در جهت تأسیس، تقویت و گسترش شرکت‌های تعاونی، مربوط به وظایف انجمن به منظور برخورداری اعضا از تسهیلات بیشتر؛

۴. حمایت و دفاع از حقوق و منافع صنفی و حرفه‌ای اعضا از طریق ارائهٔ پیشنهاد و جلب پشتیبانی مراجع و سازمان‌های دولتی و ملی؛

۵. شرکت در مذاکرات حرفه‌ای با سایر سازمان‌های ذی‌ربط مشمول قانون و انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی با سازمان‌های کارفرمایی؛

۶. پیوستن به انجمن‌های صنفی همگن به منظور تشکیل یا عضویت در کانون مربوط پس از تصویب مجمع عمومی با رعایت مقررات قانونی؛

۷. همکاری با سایر تشکلهای صنفی مربوط و

نهادهای صنفی به منظور حمایت از حقوق صنفی مترجمان بوده است.

مترجمان از دیرباز در فرهنگ و اندیشهٔ ایران، نقشی بارز و چشمگیر داشته‌اند و همواره معرف فرهنگ ایران عزیز به سایر کشورها و آشنایی مردمان این سرزمین با فرهنگ سایر ملل بوده‌اند. این بزرگان گرچه همواره از احترام و وجههٔ درخور توجهی در جامعه برخوردار بوده‌اند، هرگز متناسب با شأن و جایگاهشان به آنان توجه نشده است. این امر به‌ویژه، در زمینه‌های معیشتی یا اجتماعی بیشتر نمود یافته است.

نبود حمایت‌های حقوقی از مترجمان در دعوای حرفه‌ای با مشتریان، نبودن حمایت‌های مادی در روزهای دشوار از یک طرف و عدم انجام اقدامات زیربنایی برای سازمان‌دهی و سامان‌دهی وضعیت شغلی مترجمان از قبیل نظام کنترل کیفیت، نظام قیمت‌گذاری خدمات ترجمه و ارائهٔ آموزش‌های تکمیلی از طرف دیگر، سبب شده است تا مترجمان همچون جزیره‌هایی پراکنده عمل کنند و در نتیجه، فعالیت‌های گاه‌وبیگاه عده‌ای دلسوز، بی‌نتیجه بماند. فعالیت‌هایی که اغلب، دلی و خارج از چارچوب قانونی خود صورت می‌پذیرفت.

اما حال، نگاهی می‌اندازیم به ماهیت یک نهاد صنفی و ظرفیت‌های آن. به موجب قانون نظام صنفی، سامان‌دهی کسب و کار و انجام حمایت‌های قانونی از اعضای هر صنف، بر عهدهٔ اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ایران متولسی اصلی صدور مجوز فعالیت انجمن‌های صنفی است.

برای آشنایی بیشتر با ماهیت و وظایف انجمن‌های

” نبود حمایت‌های حقوقی از مترجمان. در دعوای حرفه‌ای با مشتریان، نبودن حمایت‌های مادی در روزهای دشوار از یک طرف و عدم انجام اقدامات زیربنایی برای سازمان‌دهی و سامان‌دهی وضعیت شغلی مترجمان از قبیل نظام کنترل کیفیت. نظام قیمت‌گذاری خدمات ترجمه و ارائهٔ آموزش‌های تکمیلی از طرف دیگر، سبب شده است تا مترجمان همچون جزیره‌هایی پراکنده عمل کنند و در نتیجه، فعالیت‌های گاه‌وبیگاه عده‌ای دلسوز، بی‌نتیجه بماند





”یک نهاد صنفی مسئولیت سنگینی را برای حل بسیاری از مشکلات اعضای صنف خود دارد. این بدان معناست که هر انجمن باید به آسیب‌شناسی مشکلات جامعه هدف خود بپردازد و با برنامه‌ریزی، اقدام و هماهنگی با سایر نهادهای ذی‌ربط در جهت رفع این مشکلات بکوشد

انجام سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب مقررات قانونی بر عهده انجمن‌های صنفی قرار داده شده یا خواهد شد. با نگاهی به وظایف اساسی و عام یک انجمن صنفی درمی‌یابیم که یک نهاد صنفی مسئولیت سنگینی را برای حل بسیاری از مشکلات اعضای صنف خود دارد. این بدان معناست که هر انجمن باید به آسیب‌شناسی مشکلات جامعه هدف خود بپردازد و با برنامه‌ریزی، اقدام و هماهنگی با سایر نهادهای ذی‌ربط در جهت رفع این مشکلات بکوشد.

همان‌طور که می‌دانیم، جامعه ترجمه جامعه‌ای وسیع و گسترده است که در حال حاضر افراد برای ورود به آن، از هیچ فیلتر مشخصی عبور نمی‌کنند. در نتیجه، در آمارهای ارائه‌شده از سوی خانه کتاب برای شش‌ماهه نخست سال ۹۴ قریب به ۳۰۰۰ مترجم فعالیت حرفه‌ای در حوزه کتاب داشته‌اند که مترجمان شفاهی، چند رسانه‌ای و همکاران در دفتر ترجمه رسمی نیز در این شمار نگنجانده‌اند. با نگاهی به خروجی دانشگاه‌ها که انتظار می‌رود مترجم باشند، این عدد خیلی بی‌راه نیست. اما آیا واقعا تمامی این جمع، مترجمان تحصیل کرده یا به تجربه آموخته‌ای هستند که صلاحیت احراز عنوان مترجمی را داشته باشند؟

سؤال مهم این است که مترجم کیست؟ چه نهاد یا سازمانی مسئولیت تعریف این عنوان شغلی را دارد؟ بی‌تردید پاسخ این است که نظام صنفی وظیفه تعریف ویژگی‌های شغلی یک مترجم و مسئولیت ارزیابی و پایش صلاحیت افراد برای فعالیت در صنف مربوط را داراست. از طرف دیگر، با توجه به وظایف عام و اساسی مذکور، هر نهاد صنفی موظف است از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات موجود در سایر نهادهای دولتی و غیردولتی برای ارتقای جایگاه اعضای صنف خود بهره بگیرد. در ادامه اساسنامه هر انجمن صنفی با مجوز وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وظایف اختصاصی آن انجمن قید می‌شود. در این بخش اساسنامه، هیئت مؤسس انجمن صنفی می‌تواند وظایفی را که ویژه آن صنف است، به مجمع عمومی انجمن پیشنهاد نماید. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین تفاوت‌های انجمن صنفی با مؤسسه این است که تمامی تصمیمات و اقدامات با تصمیم اعضای هیئت مدیره‌ای صورت می‌پذیرد که منتخب مجمع عمومی است. به موجب بند ماده ۱۱ اساسنامه انجمن‌های صنفی، مجمع عمومی برترین

”نظام صنفی وظیفه تعریف ویژگی‌های شغلی یک مترجم و مسئولیت ارزیابی و پایش صلاحیت افراد برای فعالیت در صنف مربوط را داراست



یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین تفاوت‌های انجمن صنفی با مؤسسه این است که تمامی تصمیمات و اقدامات با تصمیم اعضای هیئت مدیره‌ای صورت می‌پذیرد که منتخب مجمع عمومی است

اعضای هر انجمن

صنفی با تصویب اساسنامه، انتخاب اعضای هیئت مدیره، تصویب صورت‌های مالی و گزارش بازرسی در هر سال، بیشترین حد نظارت را بر عملکرد اعضای آن انجمن دارند و به‌نحوی، مستقیماً بر سرنوشت خود نظارت دارند

تمامی فعالیت‌های

نهادهای صنفی از نظر مالی وابسته به حق عضویت اعضا و شاید کمک‌های داوطلبانه ایشان باشد

ماهنامه شماره کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵



نقش مستقیم و مؤثری در آینده خود ایفا می‌کنند. تمامی فعالیت‌های نهادهای صنفی از نظر مالی وابسته به حق عضویت اعضا و شاید کمک‌های داوطلبانه ایشان باشد. برای مثال، یک انجمن صنفی برای راه‌اندازی، نیاز به یک دفتر برای استقرار و یک یا دو نفر پرسنل دفتری دارد که با شرایط کنونی، اجاره‌بهای ملک در کشور، حداقل به مبلغی حدود ۵۰ میلیون تومان سرمایه اولیه نیاز است. سؤال اینجاست: آیا اعضای یک صنف بدون اقدامات اولیه اعتماد از سوی انجمن صنفی، حاضرند چنین سرمایه‌ای را در اختیار انجمن صنفی خود قرار دهند؟ این امر اهمیت و ضرورت عضوگیری گسترده را برای انجمن صنفی مشخص می‌سازد که البته باید به‌طور هم‌زمان، از ایجاد زمینه ورود غیرمتخصصان و مشمولین عنوان صنفی مدنظر جلوگیری گردد. آنچه گفته نشد، برخی از ظرفیت‌ها و مشکلات پیش‌روی نهاد صنفی برای رفع مشکلات اعضای آن صنف است.

حال برای آنکه تصویر واضح‌تری از نهاد صنفی در حوزه ترجمه داشته باشیم، به تبیین ابعاد گوناگون فعالیت انجمن صنفی مترجمان شهر تهران می‌پردازیم که نخستین انجمن صنفی مترجمان کشور تحت مجوز وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که در اسفندماه ۱۳۹۳، با حضور جمعی از فعالان عرصه

رکن هر انجمن حساب می‌شود که متشکل از اعضای اصلی آن انجمن صنفی است. این بدان معناست که اعضای هر انجمن صنفی با تصویب اساسنامه، انتخاب اعضای هیئت مدیره، تصویب صورت‌های مالی و گزارش بازرسی در هر سال، بیشترین حد نظارت را بر عملکرد اعضای آن انجمن دارند و به‌نحوی، مستقیماً بر سرنوشت خود نظارت دارند.

نکته بعدی که در این بخش باید به آن پرداخت، اینکه آن انجمن صنفی که قرار است زیرساخت‌ها را برای فعالیت‌های حرفه‌ای مترجمان فراهم آورد، از چه منابعی و چگونه می‌تواند سرنوشت و فردای بهتری را برای اعضای جامعه خود رقم بزند؟

برای پاسخ به این سؤال نیز بهتر است به فرمت اساسنامه تهیه‌شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی رجوع کنیم. به موجب ماده ۷ اساسنامه انجمن‌های صنفی صرفاً از منابع ذیل می‌توانند جذب منابع مالی کنند:

الف. ورودیه برای هر عضو که فقط برای یک‌بار دریافت می‌گردد؛

ب. حق عضویت؛

ج. کمک‌های مالی داوطلبانه اعضا در حد توانایی، به اختیار کمک‌دهنده.

این نشان می‌دهد که اعضای صنف در اینجا نیز

تدوین استانداردهای ملی در حوزه صنعت ترجمه از قبیل نظام رتبه‌بندی مترجمان، استاندارد ملی نقد ترجمه، استاندارد قیمت‌گذاری ترجمه متون غیررسمی در شهر تهران، استاندارد ارزش‌یابی کیفی ترجمه و سایر موارد با بهره‌گیری از مبانی علمی و دانش‌بنیان

برقراری فضای تعاملی مؤثر میان مترجمان و فعالان عرصه ترجمه با مسئولین و ارگان‌های دولتی به‌منظور ارتقای جایگاه مترجمان و همچنین، انعکاس دیدگاه مترجمان به ایشان

صدور مجوز فعالیت مترجمان غیررسمی در شهر تهران از طریق برگزاری آزمون‌های سراسری و پیش‌عملکرد آن‌ها از طریق نظام رتبه‌بندی مترجمان در صورت عدم مغایرت با قوانین جاری و پس از استعلام‌های مربوط

ماهنامه شیراز کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

ترجمه تأسیس گردید.

این انجمن به‌دنبال برنامه‌ای چهارساله و پس از آسیب‌شناسی‌های دانش‌بنیان و اقدامات عملی آزمایشی در زمینه‌های مختلف، تأسیس شد و وظایف اختصاصی خود را در قالب این گزینه‌ها در دستور کار قرار داد:

۱. تلاش برای حفظ و حمایت از حقوق صنفی اعضا؛

۲. تدوین استانداردهای ملی در حوزه صنعت ترجمه از قبیل نظام رتبه‌بندی مترجمان، استاندارد ملی نقد ترجمه، استاندارد قیمت‌گذاری ترجمه متون غیررسمی در شهر تهران، استاندارد ارزش‌یابی کیفی ترجمه و سایر موارد با بهره‌گیری از مبانی علمی و دانش‌بنیان؛

۳. ایجاد امکانات رفاهی مناسب به‌منظور اعضا از جمله ایجاد صندوق رفاهی، تعاونی مسکن، امکانات اقامتی در شهرهای توریستی، امکانات ورزشی و تفریحی مناسب، تعاونی مصرف و سایر موارد پس از اخذ مجوز سازمان‌های ذی‌ربط؛

۴. ارائه خدمات مشاوره‌ای و حقوقی کافی و مناسب جهت اعضا به‌منظور حفظ حقوق حقه مترجمان عضو؛

۵. ایجاد حمایت‌های جدی و مؤثر از کسب و کار مترجمان در شهر تهران با برقراری ارتباط میان مترجمان، نهادهای ترجمه و بازار ترجمه؛

۶. ارتقای سطح دانش علمی و مهارتی مترجمان شهر تهران با برگزاری دوره‌های علمی کاربردی ترجمه در شهر تهران؛

۷. برقراری فضای تعاملی مؤثر میان مترجمان و فعالان عرصه ترجمه با مسئولین و ارگان‌های دولتی به‌منظور ارتقای جایگاه مترجمان و همچنین، انعکاس دیدگاه مترجمان به ایشان؛

۸. حمایت از منافع مترجمان شهر تهران، کمک به ارتقا و تثبیت جایگاه حرفه ترجمه در جامعه و اعتلای بخشیدن به شأن و منزلت اجتماعی مترجمان؛

۹. برگزاری همایش‌ها، سمینارهای علمی و کاربردی ملی و بین‌المللی برای ارتقای سطح آگاهی و دانش مترجمان و ایجاد فضای تعامل و تبادل نظر میان ایشان؛

۱۰. ارتباط با سازمان‌ها، تشکل‌ها و نهادهای علمی، کسب و کاری و صنفی داخلی و خارجی در حوزه ترجمه؛

۱۱. سازمان‌دهی کسب و کار و گردش کار میان مترجمان و اعضای جامعه ترجمه؛

۱۲. تدوین و اجرای منشور اخلاق حرفه‌ای مترجمان در شهر تهران به‌منظور ایجاد فضای رقابتی

سالم و ایفای حقوق و تکالیف مترجمان؛

۱۳. حمایت از طرح‌های دانش‌بنیان و علمی در حوزه صنعت ترجمه؛

۱۴. ایجاد امکانات رسانه‌ای مناسب صنعت ترجمه به‌منظور انعکاس مناسب رویدادهای ترجمه در شهر تهران؛

۱۵. تلاش برای برقراری انواع بیمه‌های ویژه مترجمان؛

۱۶. صدور مجوز فعالیت مترجمان غیررسمی در شهر تهران از طریق برگزاری آزمون‌های سراسری و پیش‌عملکرد آن‌ها از طریق نظام رتبه‌بندی مترجمان در صورت عدم مغایرت با قوانین جاری و پس از استعلام‌های مربوط.

نگاهی اجمالی به وظایف ۱۶‌گانه این انجمن صنفی، نشان می‌دهد که معضلات و مشکلات اصلی صنعت ترجمه کشور به‌خوبی شناسایی و احصا شده و به‌طور کلی می‌شود این وظایف را در پنج گروه اصلی زیر دسته‌بندی کرد:

• استانداردسازی فعالیت‌ها بر اساس مبانی دانش‌بنیان؛

• بهبود وضعیت اجتماعی و معیشتی مترجمان؛

• کارآفرینی؛

• آموزش؛

• سامان‌دهی فعالیت‌های صنفی مترجمان. همان‌طور که از این وظایف برمی‌آید، اجرای دقیق این برنامه‌ها نیازمند صرف زمان و منابع مالی مناسب است، می‌تواند بهبود چشمگیری را در صنعت ترجمه کشور ایجاد نماید.

صنعت ترجمه بی‌تردید ابزار موازنه قدرت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است و توجه ویژه به جایگاه ترجمه و مترجمان، ثمرات بسیاری را برای کشور به‌دنبال خواهد داشت.

قطعا انجمن صنفی مترجمان شهر تهران که در طول یک سال فعالیت خود، توانسته تا حد درخور توجهی امید و انگیزه را برای بهبود در جامعه ترجمه احیا کند، می‌تواند الگوی مناسبی برای توسعه نگاه صنفی به صنعت ترجمه باشد.

مشاهده اقدامات این انجمن که در وبگاه آن به نشانی www.tiatir.com قابل پیگیری است، حاکی از آغاز راهی دشوار، اما پرامید است که با تدبیر ویژه اعضای جامعه ترجمه، فردایی زیبا و پررونق را برای جامعه ترجمه رقم می‌زند.

امید است با برقراری پیوند عمیق تر میان سه رکن صنعت ترجمه، یعنی دانشگاه‌ها، نهادهای ترجمه و بازار، صنعت ترجمه‌ای پویا و راهبردی شکل گرفته و زمینه‌های تعالی فرهنگی ایران اسلامی فراهم گردد.

آسیب شناسی آموزش ترجمه در ایران^۱

بعد، آشنایی یافتن ترجمه، تمرین کافی در زمینه ترجمه و شکوفایی ذوق و علاقه به ترجمه در دانش پذیران، عنوان شده است. مطابق با آن، فارغ التحصیلان این دوره باید قادر باشند منابع و متون علمی و ادبی زبان انگلیسی را به نحو مطلوب به فارسی برگردانده و نیز بتوانند معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی را به زبان انگلیسی ترجمه کنند. بازار کار این رشته نیز در این سند، حوزه‌های اقتصاد، صنایع، بانک‌ها، وزارتخانه‌ها و تمامی مؤسسات خصوصی و دولتی و تجاری دارای روابط بین‌المللی و نیز رسانه‌ها معرفی شده‌اند. همچنین، از مفاد این سند برمی‌آید که تربیت مترجم کتبی و شفاهی، هر دو در این برنامه، مدنظر بوده است (سند برنامه درسی کارشناسی مترجمی انگلیسی، ص ۵۱ تا ۵۲).

محورهای اصلی برنامه درسی دوره مترجمی انگلیسی، محورهای سه‌گانه^۱، یادگیری زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی؛^۲ زبان شناسی و^۳ ترجمه/ ترجمه‌شناسی در نظر گرفته شده است که با توجه به ضرورت تقدم یادگیری زبان دوم و سپس، انتخاب واحدهای ترجمه، محورهای یادگیری زبان و زبان شناسی در ابتدای برنامه دو سال اول آموزش قرار می‌گیرند و پس از آن، دروس ترجمه در قالب محور سوم ارائه می‌شود که خود شامل گرایش‌های متعددی است.

با نگاهی به برنامه، جامعیت آن به لحاظ محتوایی آشکار می‌شود. برای تک‌تک واحدهای تخصصی ارائه شده در برنامه، مابه‌ازایی در بازار کار ترجمه کشور وجود دارد. برای مثال، درس ترجمه مکاتبات و اسناد، کاملاً مرتبط با آموزش مترجم برای مراکز رسمی ترجمه (دارالترجمه‌ها) در کشور است یا دروس خواندن و ترجمه متون مطبوعاتی و ترجمه‌های سیاسی و اقتصادی، به مباحث مرتبط با

اعظم غلامی: در بحث آسیب‌شناسی، مؤلفه‌های فراوانی دخیل‌اند که بررسی و تحلیل تک‌تک آن‌ها در جستاری واحد، امکان پذیر نخواهد بود. اما آنچه مسلم است، هرگونه آسیب‌شناسی می‌تواند راهگشای معضلات موجود در حوزه مرتبط باشد. نوشتار حاضر تلاشی در راستای تحقق این هدف است. مؤلف در نوشتاری جداگانه، به بررسی وضعیت بازار کار کنونی مترجمی در کشور و فرصت‌های شغلی موجود برای این حرفه پرداخت. آنچه از این مبحث دریافت شد، نشان از نابسامانی حوزه کسب و کار ترجمه داشت که منتج از سیاست‌گذاری‌های نابسند خرد و کلان حرفه مترجمی تشخیص داده شد. از جمله چالش‌های خرد قابل بررسی در موضوع آشفته‌گی بازار کار مترجمی کشور، توانش ناکافی مترجمان معرفی شد. از آنجاکه در حال حاضر، تربیت مترجم به‌عهده دانشگاه است، بنابراین، دور از ذهن نیست ضعف دانش‌آموختگان ترجمه را محصول فضای آموزشی این رشته و نتیجه عملکرد نادرست نظام آموزش دانشگاهی بدانیم. از این منظر، مباحث متعدد دیگری از قبیل بسندگی واحدهای آموزشی، نحوه اجرای برنامه درسی، ویژگی مدرسان، چگونگی ارزیابی محصول ترجمه و الزامات آن و نیز کفایت منابع آموزشی رخ خواهد نمود. گفتمان کنونی، سعی دارد موارد ذکر شده را به اجمال و تا جایی که در حوصله نوشتار حاضر بگنجد، بررسی کند.

سند برنامه درسی کارشناسی مترجمی انگلیسی آخرین بار در دویستمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی، مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۷، بازنگری و تصویب شد^۴ و شامل سه فصل مشخصات اصلی، برنامه و در نهایت، سرفصل هر یک از دروس ارائه شده است. هدف از این برنامه در وهله اول، کسب مهارت‌های چهارگانه زبان انگلیسی و در مرحله

”از جمله چالش‌های خرد قابل بررسی در موضوع آشفته‌گی بازار کار مترجمی کشور، توانش ناکافی مترجمان معرفی شد. از آنجاکه در حال حاضر، تربیت مترجم به‌عهده دانشگاه است، بنابراین، دور از ذهن نیست ضعف دانش‌آموختگان ترجمه را محصول فضای آموزشی این رشته و نتیجه عملکرد نادرست نظام آموزش دانشگاهی بدانیم

است، نشانگر وجود نقصان در برنامه‌درسی است؛ به‌ویژه اینکه متأسفانه امروز، دانش ادبی و زبانی دانشجویان از زبان مادری خود، در سطح نازلی قرار دارد. حقیقت امر این است که بیشتر دانشجویان، با ادبیات کلاسیک کشور بیگانه‌اند و از ادبیات معاصر نیز چیز زیادی نمی‌دانند. هرچند تحقیقات زیادی در این باره و در حوزه ادبیات فارسی صورت گرفته است، صحت این امر را به راحتی می‌شود با طرح چند پرسش ساده درک کرد. کافی است از دانشجویان خواسته شود داستانی را از شاهنامه بازگو کنند، یا درباره تعدادی از شخصیت‌های شاهنامه اطلاعاتی بدهند؛ یا حتی خوانش درستی از متون نظم و نثر کلاسیک فارسی ارائه نمایند. به راحتی متوجه عمق فاجعه خواهیم شد. در رابطه با ادبیات معاصر نیز وضعیت، تفاوت بارزی نمی‌کند، فقط معدودی از دانشجویان هستند که با زبان و ادب فارسی معاصر آشنایی نسبی دارند. مشکل وقتی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم تسلط بر زبان مادری در حوزه ترجمه‌آموزی، از الزامات بنیادی این کنش است و بدون آن عمل ترجمه به واقع، امکان پذیر نخواهد بود. در واقع، مترجم باید در ساخت و کاربردهای زبانی و نیز اصول و سبک‌های ادبی گذشته و حال زبان مادری‌اش، تبحر کافی داشته باشد تا بتواند برگردان‌های درستی به دست دهد. پرسش اینجاست دانشجویی که دایره واژگان بالایی در زبان مادری خود ندارد و از گنجینه عظیم و البته فخیم واژگان فارسی بهره چندانی نبرده و با سبک‌های گفتاری و نوشتاری متنوع آن آشنا نیست، چگونه می‌تواند متنی سره و بایسته ارائه دهد که درخور خواننده فارسی‌زبان و با قابلیت درک آسان باشد؟ درباره برگردان به زبان خارجی هم وضع به همین منوال است، با این تفاوت که اینجا کار مترجم فارسی‌زبان دوچندان

ترتیب مترجم برای مراکز رسانه‌ای می‌پردازد. همچنین، درس ترجمه متون اقتصادی به‌همراه درس نامه‌نگاری، با توجه به سرفصل‌هایی که برای آن‌ها تعریف شده است، می‌شود به‌عنوان دروس پایه برای تربیت مترجم متون بازرگانی و تجاری باشد. واحدهای ترجمه شفاهی و ترجمه نوار و فیلم نیز در این برنامه دیده می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر این است که موضوع جامعیت این برنامه در عین اینکه از نقاط قوت آن محسوب می‌شود، می‌تواند از جمله موضوعات نقد آن هم باشد که مسلماً در ادامه، بیشتر بدان پرداخته خواهد شد.

نیاز اساسی برای همه شاخه‌های شغلی رشته مترجمی در ابتدا، توانش زبانی قوی، هم در زبان مادری و هم در زبان دوم خواهد بود و اولویت توانش برای این دو زبان، در سوییگی^۲ ترجمه تعیین می‌گردد. برای مثال، مترجم فارسی‌زبانی که از فارسی به زبان دیگر ترجمه می‌کند، بیش از مترجمی که به فارسی ترجمه می‌کند نیازمند آشنایی با زبان دوم خود خواهد بود. چنین مترجمی باید تا آنجا که ممکن است، به تمام همایندهای واژگانی، اصطلاحات و تعبیرات ضمنی و نیز مباحث فرهنگی زبان دوم خود تسلط داشته باشد تا بتواند برگردانی مقبول و اصطلاحاً طبیعی به دست دهد. از طرفی، به‌نظری می‌رسد در طراحی واحدهای یادگیری زبان، تمامی جوانب امر مدنظر طراحان برنامه بوده است؛ ولی تجربه نشان داده است که در عمل، نتیجه‌ای پذیرفتنی از هدف این واحدها به دست نمی‌آید که همانا زبان‌آموزی پیشرفته دانشجویان بوده است. به‌علاوه، تعداد واحدهای اندکی که به زبان فارسی اختصاص یافته، در برنامه درسی مترجمی که فارسی یک پای ثابت جفت‌های زبانی برای تمام رشته‌های مترجمی زبان‌های خارجی در کشور

نیاز اساسی برای همه شاخه‌های شغلی رشته مترجمی در ابتدا، توانش زبانی قوی، هم در زبان مادری و هم در زبان دوم خواهد بود و اولویت توانش برای این دو زبان، در سوییگی ترجمه تعیین می‌گردد. برای مثال، مترجم فارسی‌زبانی که از فارسی به زبان دیگر ترجمه می‌کند، بیش از مترجمی که به فارسی ترجمه می‌کند نیازمند آشنایی با زبان دوم خود خواهد بود

تسلط بر زبان مادری در حوزه ترجمه‌آموزی، از الزامات بنیادی این کنش است و بدون آن عمل ترجمه به واقع، امکان پذیر نخواهد بود. در واقع، مترجم باید در ساخت و کاربردهای زبانی و نیز اصول و سبک‌های ادبی گذشته و حال زبان مادری‌اش، تبحر کافی داشته باشد تا بتواند برگردان‌های درستی به دست دهد



دیدگاه عملی و حرفه‌ای مباحث درسی، باعث نارضایتی آنان شده و آنچه عملاً مغفول مانده، علایق دانشجویان است که مشخص نبودن ارتباط میان مباحث مطرح شده در برنامه درسی دانشگاه و بازار کار ترجمه نیز به آن دامن می‌زند. مؤید آن هم انتقاد همیشگی دانشجویان ترجمه از پراکندگی موضوعات آموزشی و در نتیجه، ناکارآمد بودن واحدها در برنامه است. با چنین نقدی، نیاز جدیدی در آموزش این رشته مطرح می‌شود و آن هم تخصص‌گرایی است. البته میان صاحب‌نظران این رشته، چه در دانشگاه و چه در بازار کار، در این زمینه، اجماع وجود ندارد. اما تجربه سی‌ساله این برنامه و بازخورد دانشجویانی که آن را گذرانده‌اند، نشان می‌دهد تعریف گرایش برای رشته مترجمی، برای آنان خوشایند است. هرچند نمی‌شود درباره نتیجه برنامه‌هایی با گرایش‌های خاص آموزشی نظیر قطعی داد، بازخورد برنامه‌های جدید مترجمی که بعضاً دارای گرایش هستند و در دانشگاه‌های علمی کاربردی کشور در حال اجراست، سطح رضایت‌مندی بهتری را نسبت به برنامه مصوب قدیمی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی آشکار می‌کند.

البته شایان ذکر است این برنامه به واسطه قدمت سی‌ساله خود، در برخی مباحث علمی جدید، فاقد محتواست. از آن جمله می‌شود به نبودن واحدهای مربوط به تکنولوژی‌های جدید در حوزه عمومی و تخصصی ترجمه اشاره کرد؛ مانند مباحث ترجمه ماشینی و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی. همچنین، اغلب فارغ‌التحصیلان، حین تحصیل با منشور اخلاقی و نیز مباحث حقوقی حرفه خود، آشنایی لازم را پیدا نمی‌کنند و به محض ورود به بازار حرفه‌ای ترجمه، این کمبود در رفتار حرفه‌ای آنان بسیار خودنمایی می‌کند. از موارد دیگر کمبودهای برنامه درسی مترجمی انگلیسی در دوره کارشناسی، بحث نبود توانش عمومی^۴ بازار کار در فارغ‌التحصیلان این رشته است. بدان معنی که برخی مهارت‌های ارتباطی و رفتارهای حرفه‌ای وجود دارد که خاص یک رشته دانشگاهی نیستند؛ اما جزو الزامات مشترک اکثریت مشاغل در بازار کار است؛ مانند توانایی انجام کار گروهی؛ فن بیان و نگارش؛ مهارت‌های کار با کامپیوتر؛ مدیریت پروژه؛ مدیریت زمان؛ خلاقیت؛ انعطاف‌پذیری؛ انتقادپذیری؛ تعهد اخلاقی و... هرچند این موضوعات الزاماً در واحدهای خاصی تدریس نمی‌شود، روش‌های تدریس و یادگیری باید به نحوی باشد که این مهارت‌ها را تمرین و القا کند. این درحالی است که به‌روز نبودن روش‌های تدریس در دانشگاه‌ها، از جمله معضلات عمده آموزش عالی در اغلب رشته‌های مهارتی کشور است که باید برای آن، چاره‌اندیشی فوری شود تا خروجی دانشگاه‌ها پاسخ‌گوی نیاز مشاغل مرتبط باشد (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶).

است؛ زیرا علاوه بر اینکه باید در زبان مادری خود از همه جهات، مهارت کارآمدی داشته باشد، لازم است در تمامی ابعاد زبان دوم هم، حتی الامکان خُبره گردد. لذا همواره و از همان ابتدا، بحث کم‌اهمیت شمرده شدن نقش و تأثیر زبان فارسی، از جمله نکات ضعف مهم در این برنامه عنوان شده است.

نقد دیگری که به این برنامه وارد است، با توجه به این موضوع که تربیت مترجم کتبی و شفاهی، هر دو در این برنامه مد نظر بوده، هماهنگ نبودن تعداد واحدهای مرتبط با این دو حوزه عمده ترجمه در برنامه، دیده می‌شود. از میان واحد تعریف‌شده برای حوزه ترجمه‌شناسی در برنامه درسی، واحدهای معدودی به ترجمه شفاهی اختصاص یافته است. این درحالی است که تعداد واحدهای ترجمه کتبی تقریباً چهار برابر ترجمه شفاهی است. این باور وجود دارد که خبرگی در ترجمه کتبی می‌تواند پیش‌نیاز ترجمه شفاهی باشد؛ اما نمی‌توان پرداخت گسترده‌ای را که در برنامه درسی به گرایش‌های مختلف ترجمه کتبی شده و درباره ترجمه شفاهی مغفول مانده است، نادیده گرفت.

موضوع دیگری که در رابطه با واحدهای طراحی شده در این برنامه می‌شود به آن اشاره کرد، این است که بیشتر سرفصل‌های ارائه‌شده برای واحدها، به‌ویژه واحدهای تخصصی ترجمه صراحت کافی ندارند. این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که رشته تربیت مترجم از جمله علوم نوین بوده است و بنابراین، نیازمند ارائه دقیق ابعاد آموزشی خواهد بود. جدید بودن این رشته می‌تواند مصداق عدم وجود تجربه آموزشی کافی و نیز ناکامل بودن منابع و نیز درک دست‌اندرکاران تدریس این رشته از مسائل و مشکلات احتمالی آن باشد. بنابراین، طرح درسی که حتی الامکان همه ابعاد و زوایای واحدهای درسی این رشته را مد نظر داشته باشد و جزئیات بیشتری را از اهداف خرد و کلان درس‌ها، سبک‌های آموزشی صحیح، لیست جامع موضوعاتی که حین تدریس باید به آن‌ها پرداخته شود، منابع و امکانات آموزشی لازم و نیز شکل آزمون‌ها و نوع تکالیف ارائه کند، می‌تواند پاسخ‌گوی بهتری برای نیاز آموزشی این رشته باشد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برنامه درسی کنونی از جامعیت محتوایی خوبی برخوردار است. اما این جامعیت به‌زعم منتقدین، کمی بیش از حد معمول به‌نظر می‌رسد و لذا، می‌تواند از کارایی و بهره‌وری برنامه کم کند؛ چرا که جامعیت بیشتر، پیچیدگی بیشتر ایجاد می‌کند. متأسفانه، واحدهای متنوع ترجمه بدون ایجاد چشم‌انداز شغلی مناسب از موضوعات مطرح‌شده در برنامه، به دانشجویان ارائه می‌شود و دانشجو بدون اینکه دیدگاه درستی درباره مباحث تدریس و پیامدهای حرفه‌ای آموزش داشته باشد، فقط واحدها را می‌گذراند. همین اشراف‌نداشتن به

بیشتر سرفصل‌های ارائه‌شده برای واحدها، به‌ویژه واحدهای تخصصی ترجمه. صراحت کافی ندارند. این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که رشته تربیت مترجم از جمله علوم نوین بوده است و بنابراین، نیازمند ارائه دقیق ابعاد آموزشی خواهد بود

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برنامه درسی کنونی از جامعیت محتوایی خوبی برخوردار است. اما این جامعیت به‌زعم منتقدین، کمی بیش از حد معمول به‌نظر می‌رسد و لذا، می‌تواند از کارایی و بهره‌وری برنامه کم کند؛ چرا که جامعیت بیشتر، پیچیدگی بیشتر ایجاد می‌کند

به‌روز نبودن روش‌های تدریس در دانشگاه‌ها، از جمله معضلات عمده آموزش عالی در اغلب رشته‌های مهارتی کشور است که باید برای آن، چاره‌اندیشی فوری شود تا خروجی دانشگاه‌ها پاسخ‌گوی نیاز مشاغل مرتبط باشد

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

” در هدف‌گذاری کلان در برنامه کارشناسی مترجمی انگلیسی، دوگانگی دیده می‌شود؛ بدین معنا که در این برنامه، آموزش زبان دوم همراه آموزش مترجمی است. البته با توجه به سطح زبانی ضعیف دانشجویان ورودی مترجمی، این هدف‌گذاری طبیعی خواهد بود. اما مطابق استانداردهای آموزشی، برنامه‌های درسی دوره کارشناسی اغلب، هدف کلانی را دنبال می‌کنند که این هدف می‌تواند به هدف‌های خرد دیگر تقسیم شود. ضمن اینکه نباید این نکته را از نظر دور داشت که در بیشتر دانشگاه‌های دنیا، هدف اصلی برنامه‌های آموزشی در دوره کارشناسی، تربیت نیروی کار متخصص برای بازار کار است و بنابراین، باید پیش‌نیازها و نیز مباحث تخصصی این رشته حتماً در برنامه لحاظ گردد؛

به‌طور کلی، ویژگی‌های مختلف برنامه کارشناسی مترجمی و واحدهای آن را می‌شود به‌صورت خلاصه، شامل این موضوعات دانست:

۱. در هدف‌گذاری کلان در برنامه کارشناسی مترجمی انگلیسی، دوگانگی دیده می‌شود؛ بدین معنا که در این برنامه، آموزش زبان دوم همراه آموزش مهارت‌های ترجمه مد نظر است. البته با توجه به سطح زبانی ضعیف دانشجویان ورودی مترجمی، این هدف‌گذاری طبیعی خواهد بود. اما مطابق استانداردهای آموزشی، برنامه‌های درسی دوره کارشناسی اغلب، هدف کلانی را دنبال می‌کنند که این هدف می‌تواند به هدف‌های خرد دیگر تقسیم شود. ضمن اینکه نباید این نکته را از نظر دور داشت که در بیشتر دانشگاه‌های دنیا، هدف اصلی برنامه‌های آموزشی در دوره کارشناسی، تربیت نیروی کار متخصص برای بازار کار است و بنابراین، باید پیش‌نیازها و نیز مباحث تخصصی این رشته حتماً در برنامه لحاظ گردد؛

۲. مطابق با هدف‌گذاری کلان برنامه، واحدهای آموزشی نیز به دو زیربخش زبان (مادری و خارجی) و ترجمه تقسیم می‌شود که بخش زبانی، خود دو محور عمده یادگیری زبان و زبان‌شناسی را شامل خواهد شد؛

۳. سوییچی ترجمه در این برنامه از و به فارسی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که برنامه در عمل بدان دست نمی‌یابد؛ به‌ویژه، درباره ترجمه از فارسی، توانش دانشجویان هنگام فارغ‌التحصیلی بسیار ضعیف است. لذا اگرچه برخی واحدهای ترجمه در سرفصل‌هایی که برایش تعریف شده، سوییچی مشخص شده؛ اما عملاً در تدریس، چنین عملکردی دیده نمی‌شود و اگر هم باشد، به دلیل آنکه نحوه صحیح تدریس برای این واحدها مشخص نشده است، بازه چندان قابل قبولی نداشته باشد؛ مگر آنکه دانشجو دارای سطح زبانی مناسبی باشد که غالباً چنین شرایطی احراز نمی‌شود؛

۴. در تعدادی از سرفصل‌ها، هدف‌گذاری دیده نمی‌شود و برخی هم هدف‌گذاری صریح و بعضاً صحیحی ندارند. ضمن اینکه روش‌های آموزش، آزمون و نوع تکالیف و حتی منابع تخصصی قابل‌ارجاعی در سرفصل‌ها دیده نمی‌شود؛

۵. با توجه به محتوای برنامه درسی، مشخص می‌شود اغلب سرفصل‌های تعریف‌شده برای واحدهای تخصصی ترجمه، بیشتر حول جنبه‌های عملی و حرفه‌ای این رشته تمرکز دارد. این در حالی است که علی‌رغم ماهیت عملی و هدف‌گذاری کاربردی این دروس در سند برنامه درسی، همگی ذیل واحدهای نظری دسته‌بندی شده و در کلاس‌ها هم اغلب، روش تدریس خاص و نوینی برایش ارائه نشده است؛

۶. برای ورود دانشجویان این رشته دانشگاهی در

مقطع کارشناسی، جز امتحان ورودی دانشگاه‌ها، در خود برنامه معیار خاص یا پیش‌نیازهای واضحی برای تعیین سطح زبانی دانشجو عنوان نشده است. البته در سال‌های اخیر، با تخصصی و مجزاشدن امتحان ورودی رشته‌های زبان، این مشکل تا حدی حل شده است؛ اما معیاری که بتواند غربالگری درستی برای تعیین سطح زبانی دانشجویان ورودی باشد، مانند دارا بودن برخی مدارک خاص مانند تافل که مؤید نسبتاً قاطعی در تعیین سطح مهارت زبانی افراد است، هنوز وجود ندارد. لذا، دانشجویان با سطوح متفاوت مهارتی در زبان دوم، از سبک آموزشی واحدی برخوردار خواهند شد و عملاً خروجی هم متفاوت خواهد بود. از این رو، موضوع جذب‌کردن صحیح منابع انسانی، از جمله نکات ضعف اساسی است که به برنامه کارشناسی مترجمی دانشگاه‌ها وارد است (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۴ تا ۱۹۳).

تا اینجا بررسی محتوای برنامه درسی با وجود برخی کاستی‌ها، معقول و البته جامع تشخیص داده شد. اما در کمال شگفتی، خروجی برنامه طبق آنچه تعریف شده و از آن انتظار می‌رفته، نبوده است. بنابر منابع مطالعات برنامه درسی، نمودهای مختلفی از یک برنامه آموزشی محتمل است. آخرین دسته‌بندی ارائه‌شده، این بازنمود را به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارت است از:

۱. برنامه درسی آرمانی^۵: آنچه در حیطه واژگان سند برنامه درسی، درک کردنی و تفسیرشدنی است؛

۲. برنامه درسی اجرایی^۶: آنچه از برنامه درسی که به عمل درآمده یا به عبارتی، آنچه از سوی مدرسان برنامه درک شده و در طرح درس آنان آمده است؛

۳. برنامه درسی نهایی^۷: نتیجه به‌دست‌آمده یا خروجی نهایی برنامه درسی اجرایشده را شامل می‌شود که بیشتر بر مبنای تجربه آموزشی دانشجویان و نتیجه حاصل از اجرای برنامه درباره آن‌ها، تعریف می‌گردد.

با وجود تمام کاستی‌های موجود، آنچه مسلم است میان برنامه آرمانی که در سند برنامه درسی مترجمی پیش‌بینی شده با آنچه به اجرا درآمده است، احتمالاً باید تفاوت‌هایی وجود داشته باشد که خروجی آن بازدهی مد نظر رانداشته است. این تفاوت طبق تحقیقات انجام‌شده، ناشی از شش مشکل در خود برنامه و نحوه اجرای آن است:

۱. نبود تعریف پیش‌نیاز لازم برای ورود به رشته مترجمی؛

۲. نبود تعریف واضح برخی از سرفصل‌های برنامه درسی به‌ویژه در واحدهای تخصصی ترجمه؛

۳. جدایی نظریه و عمل در فرایند آموزش و یادگیری زبان و ترجمه؛

۴. رویکرد نامناسب یا ناقص به آموزش ترجمه؛

۵. کاربرد منابع آموزشی نایبندیده یا بعضاً غیرمربط

” معیاری که بتواند غربالگری درستی برای تعیین سطح زبانی دانشجویان ورودی باشد، مانند دارا بودن برخی مدارک خاص مانند تافل که مؤید نسبتاً قاطعی در تعیین سطح مهارت زبانی افراد است. هنوز وجود ندارد. لذا، دانشجویان با سطوح متفاوت مهارتی در زبان دوم، از سبک آموزشی واحدی برخوردار خواهند شد و عملاً خروجی هم متفاوت خواهد بود



با حوزه ترجمه؛

۶. آزمون‌های ناکارآمد و روش‌های نامناسب ارزش‌یابی ترجمه (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۵).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، گزینه‌های یک و دو و تا حدی هم سه، از جمله مسائل موجود در خود برنامه و سه گزینه دیگر نیز به چگونگی اجرای برنامه برمی‌گردد. مطابق تحقیقات انجام‌شده، برای حل معضلات آموزشی موجود، چهار راهکار بر مبنای مشورت با حوزه‌های حرفه‌ای و دانشگاهی رشته مترجمی به‌دست آمد. بنابراین، زمانی که هدف یک دوره دانشگاهی در مقطع کارشناسی، تربیت مترجمان کتبی و شفاهی برای ورود به بازار کار تخصصی ترجمه باشد، همواره باید به این چهار موضوع عنایت کافی و وافی وجود داشته باشد:

۱. رعایت پیش‌نیازهای لازم برای ورود افراد دارای صلاحیت به رشته مترجمی؛

۲. تعریف دقیق سرفصل‌های برنامه درسی؛ اعم از هدف‌گذاری، تعریف روش‌های تدریس و نحوه آزمون و ارزیابی، تعیین منابع و...؛

۳. استفاده از معلمان زبده و دارای تجربه عملی ترجمه در فرایند آموزش؛

۴. برقراری ارتباط مؤثر میان دانشگاه، نهاد ترجمه و بازار کار مترجمی (پیوند نظریه و عمل در محیط دانشگاه).

بنابراین، صرف‌نظر از مسائل کلان و در سطح مشکلات خرد، چنانچه متصدیان دانشگاه، اعم از طراحان و مجریان برنامه درسی، بتوانند مسائل و مشکلات این چهار حوزه را تا آنجا که ممکن است، حل و فصل نمایند، مسلماً بسیاری از کاستی‌ها و نارضایتی‌های مرتبط با آموزش مترجمی در کشور، برطرف خواهد شد. نویسنده بر این باور است که اگر چه مسائلی وجود دارد که می‌تواند در عملکرد دانشگاه خلل ایجاد کند، مسلماً راهکارهایی هم می‌شود یافت که مسائل درون‌سازمانی این حوزه را کاهش دهد و تا حد مطلوبی سروسامان بخشد. به‌ویژه اینکه در سال‌های اخیر، دست دانشگاه برای تعریف سرفصل‌ها و طرح درس‌های متنوع‌تر، نسبت به گذشته بازتر است. بنابراین، اگر در کوتاه‌مدت، در سطح آسیب‌های کلان کسب‌وکار ترجمه کشور، به تحول مشهود و تأثیرگذاری امید‌چندانی نیست، ارزشمند است همت را صرف تغییر و بهبود وضعیت آموزش دانشگاهی ترجمه کنیم که علی‌رغم موانع بسیار، عملی‌تر و زودبازده‌تر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اطلاعات این مقاله برگرفته از نتایج پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده (۱۳۹۲) با عنوان *نیازسنجی برنامه درسی تربیت مترجم در ایران* است. ۲. البته در حال حاضر زمره‌هایی برای اصلاح و بهبود برنامه درسی مترجمی به گوش می‌رسد و تا جایی که نویسنده اطلاع دارد گروه مترجمی دانشگاه علامه طباطبائی، برنامه‌بازبینی و اصلاح‌شده‌ای را به وزارت علوم ارائه کرده‌است؛ هرچند در این برنامه هم برخی مشکلات بویژه در حوزه اجرا و منابع بومی، همچنان به قوت خود باقی است. ۳. سویگی (Direction) در ترجمه، به‌معنی جهت زبانی ترجمه است؛ به این معنا که از چه زبانی به چه زبانی ترجمه می‌کنیم. مطابق با اصول و مبانی ترجمه، همواره مترجم بایستی در زبان مقصد، زبانی که به آن ترجمه می‌کند، تبحر بیشتری داشته و از تمام ابعاد و زوایای آن، مانند مسائل فرهنگی و اجتماعی آگاهی جامع و مانعی داشته باشد. ۴. Transferable Skills or General. ۵. Competences / Intended Curriculum. ۶. Implemented Curriculum. ۷. Attained Curriculum.

اگر چه مسائلی وجود دارد که می‌تواند در عملکرد دانشگاه خلل ایجاد کند، مسلماً راهکارهایی هم می‌شود یافت که مسائل درون‌سازمانی این حوزه را کاهش دهد و تا حد مطلوبی سروسامان بخشد. به‌ویژه اینکه در سال‌های اخیر، دست دانشگاه برای تعریف سرفصل‌ها و طرح درس‌های متنوع‌تر، نسبت به گذشته بازتر است

شرط لازم برای تولید علوم انسانی بومی

ترجمه؛



مرتضی روحانی

غایتش تغییر ساختار سیاسی است. طبعاً نقطه مقابل امری سیاست‌زده، خود امری سیاست‌زده است: به تبع این نگرش سیاست‌زده، موافقان حکومت نیز ترجمه را ابزاری سیاسی می‌دانند که موجب از خودیگانگی فرهنگی، تغییر نگرش سیاسی و در نهایت، تغییر ساختارهای سیاسی می‌شود.

قطعا نگاه سیاسی به مسئله ترجمه بی‌بهره از حقیقت نیست؛ اما واضح است که نمی‌تواند تمام حقیقت را به ما نشان دهد. به همین دلیل، خطر دیگرش آن است که با کوچک‌نمایی حقیقت و فشردن آن در قاب سیاست، ما را از فهم صحیح و دقیق ترجمه محروم کند و به تبع این بدفهمی، امکانات ترجمه را به درستی نشان ندهد و افق کارمان را در ساحتی سیاسی رقم بزند.

مواجهه سیاسی با ترجمه در مرتبه‌ای عمیق‌تر، ما را به این نکته می‌رساند که می‌شود از آرای اندیشمندان غربی در نقد خودشان استفاده کرد و از این طریق، کمکی به فضای معرفتی خودی رساند. به همین دلیل نقد پست‌مدرن‌ها و آگزستان‌سیالیست‌ها به متفکران دوره مدرن، خوشایند طرفداران انقلاب اسلامی است؛ اینکه به صورت خاص در دعوای هایدگری‌ها با پوپری‌ها نمایان شده است. بر همین منوال است که برخی برای اثبات عقلانیت و علم دینی به رویکردهایی نسبی‌گرایانه و آنارشستی چون فایر‌بند روی می‌آورند و برخی دیگر برای نقد تاریخی به مدرنیته، به کسانی مثل فوکو پناه می‌برند؛ بدون اینکه التفات داشته باشند که چگونه این اندیشه‌ها قبل از اینکه عالم مدرن را نقد کند، سنت و به صورت خاص، دین را بی‌اعتبار کرده است.

پیش از هر کاری، باید به این پرسش پاسخ دهیم: «چرا ترجمه؟» چرا در جامعه‌ای اسلامی که انقلابی سیاسی را پشت سر گذاشته و به دنبال انقلاب‌های معرفتی است و به همین دلیل، نهادها و سازمان‌های مختلفی را مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اسلامی‌سازی متون دانشگاهی و... تأسیس کرده است، باید دغدغه ترجمه داشته باشیم؟ این سؤال برای مجموعه‌ای حوزوی که از اساس، به قصد ترویج دین و مقابله با افکار بیگانه پایه‌گذاری شده است، جدی‌تر است.

در واقع، این پرسش به صورت صریح‌تر و دقیق‌تر این‌گونه مطرح می‌شود: چه نسبتی میان تولید علم بومی یا همان «تألیف» و «ترجمه» وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، دو رویکرد در پیش روی ما وجود دارد:

رویکرد اول: توجه تاریخی

مواجهه معاصر ما با مسئله ترجمه مانند بسیاری از مواجهه‌های دیگرمان، سیاست‌زده بوده است. جریان‌های چپ در دوران پهلوی از ترجمه به عنوان ابزار مبارزه سیاسی بهره برده‌اند؛ متفکران اسلام‌گرا در آستانه انقلاب اسلامی، موج گسترده‌ای از ترجمه از زبان عربی را به راه انداختند؛ جریان‌های روشنفکری در ابتدای انقلاب اسلامی نیز از ترجمه، چنین استفاده‌ای کردند. ترجمه کتاب‌هایی مانند جامعه باز و دشمنانش و نیز قلعه حیوانات مشتی نمونه خروار است. این جریان تا امروز نیز در ظاهرهای آراسته‌تر ادامه دارد.

در مواجهه سیاسی، ترجمه ظاهراً کاری فرهنگی و علمی به نظر می‌رسد؛ اما در واقع، حربه‌ای است که

متفکران اسلام‌گرا در آستانه انقلاب اسلامی، موج گسترده‌ای از ترجمه از زبان عربی را به راه انداختند؛ جریان‌های روشنفکری در ابتدای انقلاب اسلامی نیز از ترجمه، چنین استفاده‌ای کردند. ترجمه کتاب‌هایی مانند جامعه باز و دشمنانش و نیز قلعه حیوانات مشتی نمونه خروار است. این جریان تا امروز نیز در ظاهرهای آراسته‌تر ادامه دارد

مواجهه سیاسی با ترجمه در مرتبه‌ای عمیق‌تر، ما را به این نکته می‌رساند که می‌شود از آرای اندیشمندان غربی در نقد خودشان استفاده کرد و از این طریق، کمکی به فضای معرفتی خودی رساند



رویکرد دوم؛ توجه به ماهیت ترجمه

مسئله فوق را به گونه‌ای دیگر طرح می‌کنم: آیا می‌توانیم برای نقد و بررسی آثار غربی از غیر غربی‌ها کمک بگیریم؟ به عبارتی دیگر، آیا برای ما مقدور است که در نقد غرب به شعار «نه شرقی، نه غربی» ملتزم بمانیم و نگاهی استقلالی در نقد غرب داشته باشیم؟

واضح است که چه از جهت منطقی و چه از جهت تاریخی، فهم مقدم بر نقد است؛ و از آنجاکه ما فهم اصلی از غرب نداریم، اصلاً امکان نقد اصیل به غرب نیز برای ما وجود ندارد. به عبارت دیگر، امکان نقد به محاذات توسعه فهم ما از غرب توسعه می‌یابد. ما به همان میرایی می‌توانیم غرب را نقد کنیم که غرب را فهم کرده باشیم؛ و چون فهم اصلی از غرب نداریم، هنگام نقد مجبور می‌شویم فهم از غرب را از جایی به عاریت بگیریم و به روایتی از غرب اعتماد کنیم که به ما امکان نقد بیشتر می‌دهد و به هم‌میزان دلیل است که غرب‌شناسی ما غالباً متأثر از جریان‌های چپ، قاره‌ای یا پست مدرن می‌شود. اینجاست که اهمیت ترجمه، دوباره هویدا شده و معنای جدیدی از ترجمه برای ما نمایان می‌شود. چراکه در این نگاه، ترجمه برای ما همان امکان فهم عالم غربی است، نه برگردان ساده الفاظ و ترکیب‌ها و جمله‌های متنی از زبانی به زبانی دیگر؛ بلکه ترجمه، امکان فهم جهان معنایی یک متن را در زبانی دیگر فراهم می‌کند. در این نگاه، ترجمه دیگر چیزی در مقابل ما و ابزاری برای وارد کردن فشارهای سیاسی به ما نیست؛ بلکه امکان فهم ما از عالمی دیگر است. فهمی که اگر صحیح و درست نباشد، مرز بین خود و دیگری را به هم می‌ریزد و ما را با بحران مواجه می‌کند.

در این معنا، ترجمه فهم عالمی «دیگر» است و دقیقاً در همین معناست که مترجم بر مؤلف تقدم دارد؛

پی‌نوشت‌ها:

چراکه در این نگاه، مترجم کسی است که برای ما راهی به عالمی دیگر باز می‌کند. در این معنا، ترجمه امکان فهم را ما از عالمی دیگر پدید می‌آورد؛ با این حساب اگر نمی‌توانیم متنی را به درستی ترجمه کنیم، دلیلش صرفاً ضعف دانش زبانی و دلایلی از این دست نیست؛ بلکه دلیل اصلی آن است که معنا برای مترجم حاضر نشده است تا بتواند در بازآفرینی، آن را به زبان ما وارد کند.

توجه به رویکرد دوم راهبردهایی عملی پیش روی ما می‌گذارد و به ما نشان می‌دهد که به‌جای شهوت ترجمه متون انتقادی که هر آن ممکن است تبدیل به تهدیدی جدید شود، باید «مؤلف منتقد» را مدنظر قرار دهیم. در واقع، باید ببینیم که متفکران ما، آن‌هایی که می‌خواهند مولد باشند، به چه محتوایی نیاز دارند و آنگاه در راستای آن قدم برداریم. در این میان، به‌نظر می‌رسد که توجه به تجربه نقد آقای مطهری به مارکسیسم آموزنده باشد. ما باید در ترجمه متون به امکان‌های فهم خودمان از عالم اضافه کنیم. امکان‌هایی که در نهایت، به ما کمک می‌کند تا به فهمی اصیل و در نتیجه، موضع مستقل که همان موضع تألیف است، دست پیدا کنیم؛ بی‌توجهی به این معنا از ترجمه، ما را با دو بحران ترجمه‌های تألیفی و تألیف‌های ترجمه‌ای مواجه می‌کند. از این جهت، اگر بگوییم که ساحت علوم انسانی به معنای مدرن کلمه، ساحتی جدید در عرصه تفکرورزی ما ایرانیان مسلمان است، باید به این نکته توجه کنیم که ضرورت ترجمه برای ورود صحیح و دقیق به این عرصه و فهم آن، امری اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر نیز اگر تألیف را مدنظر داشته باشیم، باید این حقیقت را بپذیریم که ترجمه شرط لازم تألیف در وضعیت تاریخی ماست؛ یعنی بدون ترجمه‌های دقیق و اصیل، امکان تألیف حقیقی نیز برای ما فراهم نمی‌شود.

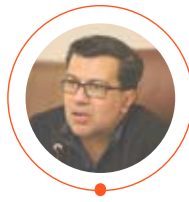
واضح است که چه

از جهت منطقی و چه از جهت تاریخی، فهم مقدم بر نقد است؛ و از آنجاکه ما فهم اصلی از غرب نداریم، اصلاً امکان نقد اصیل به غرب نیز برای ما وجود ندارد

ترجمه برای ما

همان امکان فهم عالم غربی است، نه برگردان ساده الفاظ و ترکیب‌ها و جمله‌های متنی از زبانی به زبان دیگر؛ بلکه ترجمه، امکان فهم جهان معنایی یک متن را در زبانی دیگر فراهم می‌کند. در این نگاه، ترجمه دیگر چیزی در مقابل ما و ابزاری برای وارد کردن فشارهای سیاسی به ما نیست؛ بلکه امکان فهم عالمی دیگر است

در حکایت دست یافتن به آرزویی بزرگ



حمیدرضا شاه‌آبادی

نویسنده و شاعر

ادبی می‌زنیم؛ خارجی‌ها را به نمایشگاه خودمان دعوت کرده و سعی می‌کنیم برایشان جذاب باشیم. اما مرور آنچه تا به حال انجام داده‌ایم و چیزهایی که در ازای آن به دست آورده‌ایم، به ما می‌گوید که چیز زیادی دستمان را نگرفته است. کاتالوگ‌های رنگی‌مان معمولاً در پایان نمایشگاه‌ها میان کارتن‌ها می‌ماند و دست آخر، راهی باز یافت می‌شود. کتاب‌های ترجمه شده‌مان در رایزنی‌های فرهنگی نیمه تعطیل‌مان خاک می‌خورد و خارجی‌هایی که به نمایشگاه ما می‌آیند، در ساک‌هایشان به جای کتاب، گز اصفهان و پسته دامغان بار می‌زنند و برمی‌گردند. پس آنچه تا به حال انجام داده‌ایم، راه به جایی نبرده است و برآورده شدن این آرزوی چندین و چند ساله کار راحتی نیست.

دوست داریم ادبیاتمان جهانی بشود و سال‌هاست که این آرزو را تکرار می‌کنیم. بنابراین، سعی داریم یک ویتترین جهانی از آن بسازیم. مثلاً اگر کتاب کودک چاپ می‌کنیم، سعی داریم تصاویرش هر چه

دوست داریم ادبیاتمان جهانی بشود. سال‌هاست که این آرزو را تکرار می‌کنیم. این فقط آرزوی ما نیست؛ هفتاد و دو ملت دیگر هم می‌خواهند ادبیاتشان جهانی بشود. بنابراین، با این آرزو وارد یک رقابت می‌شویم؛ رقابت با همه کسان دیگری که می‌خواهند در حوزه نشر جهانی، برای خودشان جایگاهی دست و پا کنند. یک حساب سرانگشتی از تعداد ملت‌های رقیب و تعداد کتاب‌هایی که چاپ می‌کنند، به ما می‌گوید که راه سختی پیش رو داریم و برآورده شدن این آرزوی چندین و چند ساله، کار راحتی نیست.

دوست داریم ادبیاتمان جهانی بشود. سال‌هاست که این آرزو را با خودمان تکرار می‌کنیم و به قدر وسعمان، قدم‌هایی را نیز برای دستیابی به آن برداشته‌ایم؛ در نمایشگاه‌های خارجی شرکت می‌کنیم؛ کاتالوگ‌های رنگی چاپ می‌کنیم؛ سایت‌های نیم‌بند راه می‌اندازیم؛ کتاب‌هایمان را به زبان‌های مختلف ترجمه می‌کنیم؛ گاهی حرف از تأسیس بنگاه‌های

” کاتالوگ‌های رنگی‌مان معمولاً در پایان نمایشگاه‌ها میان کارتن‌ها می‌ماند و دست آخر، راهی باز یافت می‌شود. کتاب‌های ترجمه شده‌مان در رایزنی‌های فرهنگی نیمه تعطیل‌مان خاک می‌خورد و خارجی‌هایی که به نمایشگاه ما می‌آیند، در ساک‌هایشان به جای کتاب، گز اصفهان و پسته دامغان بار می‌زنند و برمی‌گردند. پس آنچه تا به حال انجام داده‌ایم، راه به جایی نبرده است

سلام



”دوست داریم ادبیاتمان جهانی بشود؛ اما از داشته‌های خودمان برای حضور در بازارهای جهانی چشم‌پوشی می‌کنیم. فرهنگ کهن سال و ریشه‌های سنتی مان را به هیچ می‌گیریم، سنت‌های کتاب‌آرایی و تصویرسازی مان را فراموش می‌کنیم. اسطوره‌ها، افسانه‌ها، قصه‌های عامیانه و داستان‌های ملی و دینی خودمان را کنار می‌گذاریم و فقط تلاش می‌کنیم کپی دست چندی از آنچه در بازار همه کشورها به وفور یافت می‌شود، باشیم

خودمان را کنار می‌گذاریم و فقط تلاش می‌کنیم کپی دست چندی از آنچه در بازار همه کشورها به وفور یافت می‌شود، باشیم. فراموش می‌کنیم که در همه جای دنیا، مردم به امید کسب تجربه‌های نو و شنیدن حرف‌های تازه به کتاب و ادبیات رجوع می‌کنند. یادمان می‌رود که امروز همه از حرف‌های تکراری خسته شده‌اند و به دنبال اندیشه‌های جدیدی هستند که آن‌ها را از بن‌بست تکرار نجات بدهد. ما، ملتی که مدعی هستیم حرف‌های درخور توجهی برای جهانیان داریم، وقتی به دنبال ورود به بازار جهانی کتاب هستیم، باید بیش از هر چیز، به داشته‌های خودمان رجوع کنیم. تلاش ما برای الگوبرداری از نمونه‌های خارجی، با هدف موفق‌شدن در بازارهای جهانی، تلاشی ساده‌لوحانه است. این رفتار تنها چیزی که از ما می‌سازد، کپی دست چندی از نمونه‌های خارجی است. نمونه‌هایی که سال‌هاست همه جا وجود دارند و از فرط تکرار، ملال‌آور شده‌اند. بهره‌گیری از داشته‌های فرهنگ بومی، راه میان‌بری است که ما در در زمانی نه‌چندان طولانی، در بازار جهانی کتاب به موفقیت می‌رساند. به عبارت دیگر، اگر می‌خواهیم جهانی باشیم، باید قبل از هر چیز بومی باشیم. این بهترین و راحت‌ترین راه برای دستیابی به آرزویی است که سال‌هاست در پی آن هستیم. در غیر این صورت، دستیابی به این آرزو اصلاً کار راحتی نیست.

می‌شود به فضای آن طرف آب نزدیک‌تر باشد. متن داستان‌هایمان هم چیزی باشد که آن طرف آبی‌ها خوششان بیاید. گرافیک و طراحی کتاب هم که باید حتماً خارجی‌پسند باشد. و خلاصه، همه چیز را طوری سامان می‌دهیم که مطابق طبع مشتری خارجی باشد و حالا، اگر این وسط سلیقه و نیاز مشتری داخلی هم فراموش شد، اتفاق بدی نیفتاده است. مهم دستیابی به آرزویی است که سال‌ها به آن فکر کرده‌ایم... اما نگاهی گذرا به همه کتاب‌هایی که تا به حال با عشق ارائه به بازارهای خارجی چاپ کرده‌ایم، به ما می‌گوید که بیشتر این کتاب‌ها روی پیشخوان غرغه‌هایمان در نمایشگاه‌های خارجی خاک خورده‌اند و کسی حتی آن‌ها را ورق هم نزده است. چون کتاب‌های متظاهر، جایی در دل مخاطب باز نمی‌کنند. چون مشتری‌های خارجی کپی دست چندی از کتاب‌های خودشان را دوست ندارند. چون این مسیر ما را به بازارهای جهانی نمی‌رساند و اگر این‌طور فکر کنیم، برآورده شدن این آرزوی چندین و چند ساله اصلاً کار راحتی نیست. دوست داریم ادبیاتمان جهانی بشود؛ اما از داشته‌های خودمان برای حضور در بازارهای جهانی چشم‌پوشی می‌کنیم. فرهنگ کهن سال و ریشه‌های سنتی مان را به هیچ می‌گیریم، سنت‌های کتاب‌آرایی و تصویرسازی مان را فراموش می‌کنیم. اسطوره‌ها، افسانه‌ها، قصه‌های عامیانه و داستان‌های ملی و دینی

”هره‌گیری از

داشته‌های فرهنگ بومی، راه میان‌بری است که ما را در زمانی نه‌چندان طولانی، در بازار جهانی کتاب به موفقیت می‌رساند. به عبارت دیگر، اگر می‌خواهیم جهانی باشیم، باید قبل از هر چیز بومی باشیم. این بهترین و راحت‌ترین راه برای دستیابی به آرزویی است که سال‌هاست در پی آن هستیم

گفت و گو با سهیل اسعد

باید کتاب‌ها را متناسب با مخاطب خارجی فرآوری کنیم

زینب محبی

شیخ سهیل اسعد، اندیشمند مسلمان شده آرژانتینی، نویسنده، محقق و مبلغ مذهب تشیع در کشورهای آمریکای لاتین، خاورمیانه و اروپا است. او سابقه تدریس در موضوعاتی چون نظام سیاسی اسلام، اندیشه امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی و ... را دارد و تاکنون، بیش از بیست مرکز اسلامی را در کشورهای حوزه آمریکای لاتین تأسیس کرده است. او شش ماه از سال را در قم تحصیل می‌کند و شش ماه دیگر را در ۲۵ کشور دنیا فعالیت فرهنگی دارد. آنچه در ادامه می‌خوانید، مصاحبه ما با او در خصوص نقش و تأثیر ترجمه در پیشبرد فعالیت‌های تبلیغی است.

مسلمان شدن، در منطقه تأسیس شد و به‌مرور زمان، بعضی از این افراد به ایران آمدند و طلبه شدند یا بعضی از آن‌ها برای دوره‌های کوتاه‌مدت به ایران می‌آمدند، چند ماه درس می‌خواندند و بعد برمی‌گشتند تا بین خانواده، فامیل، دوستان و آشنایانشان تبلیغات خود را انجام دهند. الان بعد از بیست سال، الحمدلله این کار توسعه پیدا کرده است و در اصل، ما شش ماه به شش ماه در منطقه هستیم و در تابستان و ماه محرم، به‌صورت متفرقه می‌رویم. گاهی اوقات با اساتید، با بعضی از مراجع یا علما که به منطقه می‌آیند، برای دیدار با مسلمانان می‌رویم. از این فرصت‌ها استفاده می‌کنیم. اصل کار ما در دانشگاه‌هاست که حدود هشتاد دانشگاه است. هم تدریس کردیم، هم در سخنرانی‌ها و سمینارها شرکت کردیم و هم در کنگره‌ها. سعی می‌کنیم به‌خاطر کمبود نیرو و امکانات، بیشتر روی نخبگان تمرکز کنیم و الا در سطح جامعه، امکانات بسیار محدودی داریم و از نیروی انسانی بسیار محدودی بهره‌مند هستیم.

الان الحمدلله بحث رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی خیلی قوی‌تر شده است. از آن به‌عنوان ابزار اصلی تبلیغاتی استفاده می‌کنیم؛ در منطقه، حدود چهل سایت اینترنتی به زبان اسپانیایی داریم که آنجا، کتاب‌ها، مقالات، ویدئوها و بحث‌های متعددی به‌وسیله اینترنت انجام می‌شود.

شما در حوزه اسلام مبلغ هستید. در حال حاضر، فعالیت تبلیغی و ترویجی که دارید، به چه صورت است؟ تا جایی که من می‌دانم، شش ماه مشغول به تحصیل هستید و شش ماه هم کار ترویجی می‌کنید. الان چه کار تبلیغی در دست دارید؟ پدر و مادر بنده از مهاجرین لبنان هستند که از شصت سال پیش به آرژانتین رفتند؛ من هم از ابتدا در آرژانتین بودم. بنابراین، ابتدا کار را از منطقه آمریکای لاتین شروع کردیم. منظورم از منطقه آمریکای لاتین، کشورهای اسپانیایی‌زبان است که حدود بیست کشور را شامل می‌شود؛ مانند شیلی، لیبی، آرژانتین، پرو، ونزوئلا، اکوادور، کلمبیا، کاستاریکا، پاناما، نیکاراگوئه، کوبا، السالوادور و کشورهای که به زبان اسپانیایی تکلم می‌کنند. اصل کار ما در این دو دهه، تقریباً بیشتر حرکت تأسیسی بوده است؛ یعنی سعی کردیم در جاهایی که آثار اسلامی نیست، برویم. ابتدا، در دانشگاه‌ها کار می‌کردیم یا اشخاصی که مایل بودند با دین اسلام آشنایی پیدا کنند، گاهی اوقات در مراکز فرهنگی یا مدارس از ما برای سخنرانی‌ها دعوت می‌کردند.

سبک خاصی بود و خیلی با روش ما در جهان اسلام متفاوت بود. حتی یادم است در ابتدا که به هتل می‌رفتیم، در همان لابی هتل تبلیغ می‌کردیم؛ با دوستانی که می‌آمدند، دیدار می‌کردیم و در این مرحله، تقریباً ۲۶ مرکز اسلامی با هم‌ان افراد کمی که ابتدا

” اصل کار ما در این دو دهه، تقریباً بیشتر حرکت تأسیسی بوده است؛ یعنی سعی کردیم در جاهایی که آثار اسلامی نیست، برویم. ابتدا، در دانشگاه‌ها کار می‌کردیم یا اشخاصی که مایل بودند با دین اسلام آشنایی پیدا کنند



می‌کنند؛ یعنی فقط باید این کارها را از زبان فارسی به اسپانیایی ترجمه و چاپ کنند و غیر از این، مسئولیتی ندارند. آن‌ها می‌فرستند؛ ولی به یک جامی فرستند؛ مثلاً به یک مدرسه یا مسجد یا مرکز اسلامی. بعد مسجد یا مدرسه یا آن مرکز اسلامی می‌شود مسئول توزیع. ما در بحث توزیع به‌صورت عمومی، هنوز کار خاصی انجام نداده‌ایم.

در مراکز اسلامی که دارید، هنوز نتوانسته‌اید بخش توزیع را سامان‌دهی کنید؟
متأسفانه نه. مشکل جدی داریم.

شما برای مدارس و دانشگاه‌ها سخنرانی می‌کنید و آن‌ها لزوماً مسلمان نیستند و حتی برای اولین بار است که دربارهٔ اسلام، سخنی می‌شنوند. در آن جلسات، چه مباحث و مطالبی را برای شروع مطرح می‌کنید؟ چه چیزی از اسلام، برای آن‌ها جذاب است؟

به‌خاطر تبلیغات سوئی که علیه اسلام انجام می‌شود، اذهان ملت‌ها خیلی مشوش است و تصویری که از اسلام دارند، تصویر کاملاً اشتباهی است. سعی می‌کنیم در وهلهٔ اول، این تصویر را درست کنیم؛ یعنی در مرحلهٔ اول تصحیح افکار، به‌خاطر شبهاتی که آن‌ها دارند یا تصویر اشتباهی که دارند، معرفی مختصر و نسبتاً کاملی از اسلام صورت بگیرد تا این ذهنیت اصلاح شود؛ این در مرحلهٔ اول.

در مرحلهٔ دوم، قاعده‌ای کلی برای همهٔ کشورهایمان داریم. در واقع، برای مباحث مخاطب‌شناسی خیلی مهم است؛ هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ طبقهٔ اجتماعی. اگر تحصیل کرده باشد، به‌نوعی و اگر تحصیل کرده نباشد، به شکل دیگری بیان می‌کنیم. همچنین، کشور با کشور متفاوت است. مثلاً اگر ما بخشی از آمریکای لاتین را

این مطالب را خودتان جمع‌آوری می‌کنید یا بخشی از آن از زبان فارسی و عربی ترجمه می‌شود؟
سخنرانی‌هایی که وجود دارد، از درس‌هایی است که در حوزه خواننده‌ایم و اطلاعات و معلوماتی که در کتاب‌ها وجود دارد.

چیزهایی که به‌عنوان کتاب و مقاله می‌گذاریم، این‌ها از کتاب‌های علمای دین، مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری و امام خمینی (ره) بوده که ترجمه شده است.

خودتان ترجمه می‌کنید؟

نه. از ابتدای انقلاب اسلامی، سازمان‌هایی وجود داشتند مانند مجمع جهانی اهل بیت (ع)، انتشارات الهدی، جامعه‌المصطفی که الان بعضی از متون را ترجمه می‌کند و مؤسسهٔ شرق که مؤسسه‌ای نسبتاً خصوصی است و مسئولان مؤسسه سی و چند سال است که در منطقه، مشغول فعالیت هستند؛ از روحانیون اولیه‌ای که اوایل انقلاب رفته بودند، حدود ۱۵۰ کتاب ترجمه کردند؛ یعنی بیشتر کتاب‌هایی که در آن منطقه وجود دارد. مؤسسات دیگری هم وجود دارد که گاهی اوقات ترجمه انجام می‌دهند. معمولاً بعضی افراد را در منطقه داریم که از زبان انگلیسی ترجمه می‌کنند و کتابی را که به نظرشان مهم برسد، از اینترنت دانلود کرده و ترجمه می‌کنند. خود بنده هم چیزهایی را ترجمه کرده‌ام.

مراکزی که از اول انقلاب، کار ترجمه انجام می‌دهند و نام بردید، به‌صورت عمومی کار نشرشان به منطقه آمریکای لاتین منتقل می‌شود یا فقط به شما که مبلغ هستید، داده می‌شود و شما پخش می‌کنید؟

مادر بحث توزیع و پخش، مشکل جدی داریم. متأسفانه، این سازمان‌ها و مؤسسات فقط کار ترجمه و چاپ و نشر

”سخنرانی‌هایی

که وجود دارد، از درس‌هایی است که در حوزه خواننده‌ایم و اطلاعات و معلوماتی که در کتاب‌ها وجود دارد. چیزهایی که

به‌عنوان کتاب و مقاله می‌گذاریم، این‌ها از کتاب‌های علمای دین، مانند علامه طباطبایی و امام شهید مطهری و امام خمینی (ره) بوده که ترجمه شده است

”ما در بحث توزیع

و پخش، مشکل جدی داریم. متأسفانه، این سازمان‌ها و مؤسسات فقط کار ترجمه و چاپ و نشر می‌کنند

”به‌خاطر تبلیغات

سوئی که علیه اسلام انجام می‌شود، اذهان ملت‌ها خیلی مشوش است و تصویری که از اسلام دارند، تصویر کاملاً اشتباهی است. سعی می‌کنیم در وهلهٔ اول، این تصویر را درست کنیم



« الان مردم معیارهایی که دارند، معمولاً لذت‌های شخصی و خوشی‌هاست و زندگی خوشی که می‌خواهند داشته باشند و اگر اسلام را فقط به عنوان بحثی اخروی و معنوی بخواهید عنوان کنید، خیلی جذابیت ندارد. سعی می‌کنیم اسلام را به عنوان سبک زندگی مطرح کنیم که به زندگی آنان فایده‌ای برساند

ندارند، نمی‌توانند کتاب بخزند، چون غالباً کتاب‌ها گران است؛ ثانیاً چون پول ندارند و فقیر هستند، مجبورند صبح تا شب مشغول کار باشند و وقت برای مطالعه ندارند؛ ثالثاً کتاب‌خوانی تبدیل به فرهنگ نشده است و مثل اروپا نیست که مطالعه را لازم بدانند. بیشتر کشورهای آن منطقه، مردم روستایی زیاد دارد که یا کارهای صنعتی انجام می‌دهند یا بیکارند. این‌ها قشرهایی هستند که خیلی با کتاب سروکاری ندارند.

چون ما به عنوان انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۴۰۰ سال، تقریباً جدیدالعهد هستیم و سنی‌ها بیشتر در سطح بین‌الملل مشغول بوده‌اند. حرکت انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل، از ۳۰ سال پیش با امکانات خیلی محدود شروع شد. عالم تسنن، خیلی گسترده‌تر کار کردند و خیلی زودتر در منطقه حضور پیدا کردند و به همین دلیل، اسلامی که به این‌ها رسیده بود، در ابتدا، اسلام سنی بود که از سوی علمای اهل‌زهرا یا علمای کشورهایمانند لبنان و سوریه در آنجا رشد یافته بود. تقریباً اسلام تسنن سنتی بود و چیزی که در مساجد سوریه و لبنان و فلسطین دیده می‌شود.

اسلامی که اخیراً به این‌ها رسیده است؛ یعنی از ۱۱ سپتامبر به بعد، اسلامی رسانه‌ای است؛ اسلام سنی‌ان و بی‌بی‌سی، در رسانه‌های غربی و مخصوصاً رسانه‌هایی که دست دشمن است، آن زمان القاعده و طالبان و بن‌لادن و... الان هم داعش را به عنوان اسلام معرفی می‌کنند. بحث زن هم خیلی میان بحث‌هایشان محوریت دارد. این اسلامی است که به دست آن‌ها رسیده است. اسلام جمهوری اسلامی ایران یا اهل بیتی که در ایران بیشتر مطرح است، به‌صورت خیلی مختصر وجود دارد و عمومیت پیدا نکرده است.

نقش کتاب در منتقل کردن محتوا به آن‌ها، چیست؟ برای شما که امکان‌پذیر نیست با همه افراد برخورد چهره‌به‌چهره

می‌گوییم که آمریکایی است، یک سری مسائل را مطرح می‌کنیم که در کشورهای کمونیستی مطرح نمی‌کنیم و برعکس هم همین‌طور است. جاهایی که مسیحیت کاتولیک خیلی قوی است و مردم هم از لحاظ اعتقادی، مسیحیان متدینی هستند، یک مدل صحبت می‌کنیم و جاهایی که کمونیستی هستند و معمولاً بحث‌هایشان را علیه مسیحیت مطرح می‌کنند، جور دیگری حرف می‌زنیم.

این است که نسخه کلی و عام برای همه نداریم، اما چیزی که مشترک است و اولین مسئله که مطرح است، بحران‌های اجتماعی جامعه، مشکلات جوانان و بشر و خلأهایی است که در جامعه می‌بینیم. بنابراین اسلام را به‌گونه‌ای معرفی می‌کنیم که قدرت و توانایی حل این مشکلات را داشته باشد؛ چون الان مردم معیارهایی که دارند، معمولاً لذت‌های شخصی و خوشی‌هاست و زندگی خوشی که می‌خواهند داشته باشند و اگر اسلام را فقط به عنوان بحثی اخروی و معنوی بخواهید عنوان کنید، خیلی جذابیت ندارد. سعی می‌کنیم اسلام را به عنوان سبک زندگی مطرح کنیم که به زندگی آنان فایده‌ای برساند.

در فضایی که شما می‌روید و کار می‌کنید، تصویری که از اسلام منتقل شده چگونه است؟ زیرا همان‌طور که شما برای تبلیغ اسلام تلاش می‌کنید، افراد دیگر هم برای تبلیغ غیرواقعی تلاش می‌کنند. تصویر غالبی که در آنجا وجود دارد و در کتاب‌هایی که در دسترس مردم است، کدام اسلام است؟ اسلامی که در ایران است و شما در قم، درس می‌خوانید؟ این اسلام است یا اسلامی که در عربستان منتشر می‌شود؟ به‌طور کلی بگوییم در آمریکای لاتین، بحث کتاب‌خوانی خیلی فرهنگ‌سازی نشده است؛ یعنی یک بخش برمی‌گردد به مشکلات اقتصادی مردم که مشکلات اقتصادی چند مشکل ایجاد می‌کند؛ اولاً اینکه چون پول

« در آمریکای لاتین، بحث کتاب‌خوانی خیلی فرهنگ‌سازی نشده است؛ یعنی یک بخش برمی‌گردد به مشکلات اقتصادی و دیگر این‌ها که کتاب‌خوانی تبدیل به فرهنگ نشده است و مثل اروپا نیست که مطالعه را لازم بدانند

محتوا مطرح کردید که بررسی شود و کتاب به صورت کامل ترجمه نشود، در این سال‌ها در نظر گرفته شد یا نه؟ در این مدت، روند کامل ترجمه شدن همچنان ادامه دارد؟ ما در بحث انتقال مفاهیم کتاب رو به پیشرفت هستیم؟

بحث ترجمه از لحاظ کمی، از همه نظر خیلی پیشرفت کرده است؛ هم در تولید ترجمه، هم در توزیع و محتواهای مختلف؛ منتها از لحاظ کیفی، نه! درست است تجربه ما در این سال‌ها بیشتر شده است؛ اما تجربه تنها به درد نمی‌خورد و در واقع، کافی نیست. علم و تخصص هم مهم است. متأسفانه، در بحث ترجمه از افرادی استفاده می‌کنیم که زبان بلد هستند در حالی که در بحث ترجمه، فقط زبان کافی نیست. اگر به قالب‌های فرهنگی آن زبان آشنایی نداشته باشیم یا با اصطلاحات علمی آشنایی نداشته باشیم، شاید کارمان نتیجه عکس بدهد. مثلاً متکلمین به‌جای اینکه علمای کلام ترجمه شود، «کسانی که تکلم می‌کنند»، ترجمه شده بود. از این مشکلات، زیاد داشتیم که روشن است، اهل تخصص نیستند

مترجم بودن عمق دارد؛ ولی ظاهراً این دسته، مترجمان صرفاً تحت‌اللفظی هستند.

بله، به نظر من در کنار معرفت زبان، باید آشنایی با خود ماده علمی و محتوا صورت بگیرد و آن قالب‌های فرهنگی که عرض کردم هم مهم است؛ برای مثال، هیسپان‌تی‌وی (HispanTV) ماهواره ایران در آمریکای لاتین به زبان اسپانیول است. لهجه‌ای که آن‌ها در فیلم‌های دوبله شده استفاده کرده‌اند، لهجه اسپانیایی اسپانیاست؛ در حالی که در آمریکای لاتین اسپانیا مستعمر است؛ یعنی دشمن اول ماست؛ کسی که صد میلیون نفر از ما مردم آمریکای لاتین را کشته است. حالا شما با آن لهجه بیاید کار فرهنگی در منطقه من انجام بدهید! مثلاً من در ایران، با لهجه افغانی بیایم و نفوذ پیدا کنم. متأسفانه از این اشکالات داریم.

خودتان در کتاب‌ها بازنگری می‌کنید؟

خیر. من شخصاً به‌خاطر مشغله‌های زیادی که دارم، نمی‌رسم و الا دوست داشتم.

آیا طرحی در حوزه جامعه‌المصطفی وجود دارد که کارگروهی برای تألیف کتاب تشکیل دهند؟
نه فعلاً تشکیل نشده است.

مؤسسه شوق فعالیتش را در خود آمریکای لاتین انجام می‌دهد؟

نخیر؛ در قم است و فعالیت اینترنتی دارند. حتی خرید اینترنتی هم امکان‌پذیر است.

داشته باشید و صحبت‌هایتان را منتقل کنید. این کتاب‌ها که فرمودید بعضاً در ایران ترجمه می‌شود و به دست شما می‌رسد، چقدر در روند پیشبرد کار شما اهمیت دارد؟ اگر می‌شود نام کتاب‌هایی را بگویید که در آنجا استفاده می‌کنید و به کارتان کمک می‌کند.

من نظر خودم را درباره کتاب و آن موضع‌گیری که در بحث ترجمه داریم، بگویم؛ مؤلف وقتی می‌خواهد کتابی را بنویسد، مخاطب را در نظر می‌گیرد. کسی که ایرانی است و در این روزگار زندگی می‌کند، برای جامعه ایرانی یا قشری از اقشار جامعه ایرانی می‌خواهد بنویسد، یک‌سری افکاری دارد که می‌خواهد آن‌ها را مطرح کند. وقتی این افکار کتاب شود و ما آن کتاب را به زبان اسپانیایی ترجمه کنیم و به آمریکای لاتین بدهیم، به نظر من خیلی کار حکیمانه‌ای نیست. در واقع، شرایط محیطی و جو فرهنگی و ظرف و اطلاعاتی که این‌ها دارند، هنوز لحاظ نشده است.

به نظر من ترجمه کار خوبی است به دو شرط:

۱. کتاب‌هایی را انتخاب کنیم که عمومیت داشته باشد؛ یعنی مخصوص قشر خاصی در ایران نباشد؛ مانند مسائلی که در کتاب‌های شهید مطهری می‌دیدیم؛ یک سخنرانی در دانشگاه تهران انجام داده بود و بعد همان سخنرانی شده بود کتاب و همین کتاب را ترجمه می‌کردند و در دانشگاه آرژانتین پخش می‌کردند که در آن، تفاوت‌ها لحاظ نشده بود. پس، اولین چیز این است که در انتخاب عنوان دقت داشته باشیم که محتوا و موضوع کتاب عمومیت داشته باشد؛

۲. ما کتاب را به‌طور کامل ترجمه نکنیم؛ بلکه چیزهایی که قرار است حذف شود، حذف شود و مطالبی که قرار است اضافه شود، از جاهای دیگر اضافه شود. طوری باشد که آدم احساس کند واقعا دارد کار انجام می‌شود؛ وگرنه اینکه مثلاً من کلمه «الله» را بنویسم «خدا» که ترجمه نشد؛ به نظر من باید تعمیقی در جمله ترجمه باشد. مترجمین بیایند با فکر و تعمق کار بکنند.

پس ترجمه کتاب هم بستگی به موقعیت آن منطقه دارد.

بله، ایده‌آلش را بخواهم بگویم، این است که تألیف شود. از افرادی استفاده کنیم که قلم خوبی داشته باشند و بتوانند برای آن فرهنگ‌ها بنویسند.

شما که با وضعیت ترجمه و کتاب در ارتباط هستید، اگر بخواهید آسیب‌شناسی کنید، وضعیت ترجمه کتاب‌ها را چگونه می‌بینید؟ با توجه به اینکه فرمودید مراکز تحقیقاتی و پژوهشی خاصی این کارها را انجام می‌دهند و آن‌ها بر کار مسلط هستند، محتوای کتاب‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در دوره‌هایی که شروع به مطالعه کرده‌اید، کتاب‌ها از لحاظ کیفیت، بهبود داشته است یا نه؟ و بحثی که خودتان درباره

”به نظرم ترجمه کار خوبی است به دو شرط:

۱. کتاب‌هایی را انتخاب کنیم که عمومیت داشته باشد؛ ۲. ما کتاب را به‌طور کامل ترجمه نکنیم؛ بلکه چیزهایی که قرار است حذف شود، حذف شود و مطالبی که قرار است اضافه شود، از جاهای دیگر اضافه شود. طوری باشد که آدم احساس کند واقعا دارد کار انجام می‌شود

”بحث ترجمه از لحاظ کمی، از همه نظر خیلی پیشرفت کرده است؛ هم در تولید ترجمه، هم در توزیع و محتواهای مختلف؛ منتها از لحاظ کیفی، نه!

”در بحث ترجمه از افرادی استفاده می‌کنیم که زبان بلد هستند در حالی که در بحث ترجمه، فقط زبان کافی نیست. اگر به قالب‌های فرهنگی آن زبان آشنایی نداشته باشیم یا با اصطلاحات علمی آشنایی نداشته باشیم، شاید کارمان نتیجه عکس بده

پس در خود آمریکای لاتین ناشر ندارید؟
نه، نداریم.

مبادلات، خیلی گسترده‌تر می‌شود کار کرد. مردم احساس می‌کردند اگر ما هم تجربه مثبت داشته باشیم، می‌توانیم منتقل کنیم و برای جذب مردم چیز خوبی بود.

تجرباتی که منتقل می‌کردند، چگونه بود؟
مثلا در دوره‌هایی که می‌گذاشتیم، به‌جای اینکه جایی مانند مسجد را انتخاب کنیم که مخصوص مسلمانان باشد، فضا را به‌گونه‌ای باز فراهم می‌کردیم که هر کس می‌خواست، می‌آمد؛ یا مثلا ما به آموزشگاه‌های آن‌ها می‌رفتیم. مثلا وزارت امور خارجه از ما خواسته بود یک دوره برای سفرای ونزوئلا در کشورهای اسلامی، داشته باشیم
از این نوع فعالیت‌ها داشته‌ایم که خیلی مفید بود.

مزیت‌های انقلاب اسلامی در حوزه کتاب، به نظر شما چیست؟ یعنی از این انقلاب اسلامی که وجود دارد، چه استفاده‌هایی برای تبلیغ اسلام در حوزه آمریکای لاتین می‌توانیم انجام دهیم؟

نقطه‌ای مشترک وجود دارد و آنجا هم خیلی اهمیت دارد و آن، بحث ضدامپریالیسم بودن منطقه آمریکای لاتین است و مشترکاتی که با ایران در این بحث دارد: ضداستکبار و ضداستعمار. به‌نظرم تجربه جمهوری اسلامی در ایستادگی علیه امپریالیسم آمریکا یا حرکت‌هایی که می‌کردند تا انقلاب را از بین ببرند، تقدیر کردنی است و ملت‌های دیگر هم متوجه این هستند که ایران در این زمینه، نمونه و الگو شده است. در آن ایستادگی و صبری که در مقابل آمریکا داشته است. به‌نظرم این تجربیات و کلا آن بُعد عدالتی و اجتماعی برای آن‌ها مهم است. این موضوع اگر منتقل شود، خوب است.

بحث دوم خود تجربه جمهوری اسلامی با دین اسلام است؛ یعنی دین، محرک این مجال بود. این موضوع برای آمریکای لاتین مهم و جذاب است؛ چرا که دین آن‌ها نتوانسته است چنین کاری بکند.

به نظر می‌رسد محتوایی وجود دارد که از ایران می‌تواند به آمریکای لاتین منتقل شود و برعکس. این محتواها چگونه است؟ یا توجه به اینکه شما بیست سال است که در ارتباط تنگاتنگ با این دو جامعه بوده‌اید، چه دستاوردی از آمریکای لاتین برای ایران داشته‌اید و برعکس؟

مسائلی را که در قالب فرهنگ و آداب و رسوم است، خیلی سخت‌تر می‌شود انتقال داد؛ چون فاصله فرهنگی بین دو منطقه بسیار زیاد است. منتها ورای مظاهر فرهنگ و پدیده‌هایی که در آداب و رسوم مطرح است، یک سری ارزش‌های انسانی وجود دارد که در دو منطقه در حال جوشش است. تبادل این ارزش‌ها به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی مهم است. یادم است دکتر احمدی‌نژاد آمده بود ونزوئلا و خیلی روابط خوبی با آمریکای لاتین پیدا کرد. چاوز دو، سه پروژه جدی را دنبال کرد که از افکار دکتر احمدی‌نژاد برآمده و از پدیده‌های اجتماعی ایران بود؛ مانند بانک فقرا بدون سود، بسیجی‌های ایران و مسائل این‌گونه که نمونه‌های زیبایی بوده است. این مفاهیم در ایران، با قالب اسلامی مطرح شده بود؛ اما چون کلا اسلام با ارزش‌های فطری مطابقت دارد، آنجا هم پذیرفته شده بود.

مسئله دوم تبادل تجربیات دو منطقه است. بالاخره از لحاظ تاریخی تجربیات خوبی دارند و تاریخ مشترکی هم وجود دارد مانند ایام استعمار، ایامی که آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین، هر سه قربانی استعمار بودند. این‌ها خوب است که انجام شود. کاری که بنده در زمان چاوز، در ونزوئلا انجام دادم، تأسیس مرکز ز تبدلات یا مبادلات فرهنگی ایران و آمریکای لاتین بود.

در این مرکز چه کاری انجام می‌شد؟

محتوای این مرکز بیشتر، محتوای فرهنگی بود تا دین اسلام در آنجا ترویج شود؛ منتها با آن عنوان مبادله

”مسائلی را که در قالب فرهنگ و آداب و رسوم است، خیلی سخت‌تر می‌شود انتقال داد؛ چون فاصله فرهنگی بین دو منطقه بسیار زیاد است. منتها ورای مظاهر فرهنگ و پدیده‌هایی که در آداب و رسوم مطرح است، یک سری ارزش‌های انسانی وجود دارد که در دو منطقه در حال جوشش است. تبادل این ارزش‌ها به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی مهم است

”تجربه جمهوری اسلامی در ایستادگی علیه امپریالیسم آمریکا یا حرکت‌هایی که می‌کردند تا انقلاب را از بین ببرند، تقدیر کردنی است و ملت‌های دیگر هم متوجه این هستند که ایران در این زمینه، نمونه و الگو شده است. در آن ایستادگی و صبری که در مقابل آمریکا داشته است



در ترجمه معکوس به گرسی‌های نظریه‌پردازی نیاز داریم

عاطفه صادقی

یک ایرانی چهل‌ساله است که همانند زبان مادری با زبان اسپانیایی آشناست و در شبکه‌های اسپانیایی‌زبان، در جایگاه کارشناس حاضر می‌شود. کارشناسی ارشد کلام، تحصیلات حوزوی و از همه مهم‌تر، مؤسس و مدیر انتشارات فانوس دریایی است؛ انتشاراتی که در زمان کوتاه دو سال و نیم فعالیت خویش، حدود هفتاد اثر ایرانی را برای دویست میلیون کودک و نوجوانی که به زبان اسپانیایی صحبت می‌کنند، منتشر کرده و با اخذ مجوز از کشور برزیل، ترجمه آثار ایرانی به زبان پرتغالی را نیز آغاز نموده است. مصاحبه‌ما با فرهاد فلاح، مدیر انتشارات فانوس دریایی، درباره‌ی فراز و فرودهای حضور وی در حوزه‌ی نشر بین‌الملل آغاز شد و به بیان تجربیات و نکات درخور توجهی رسید که در ادامه تقدیم می‌شود:

بفرمایید اصلاً چرا این حوزه را انتخاب کردید و از چه زمانی وارد فضای ترجمه برای غیرفارسی‌زبانان شدید؟

چندین سال بود که به فعالیت‌های فرهنگی در حوزه‌ی کشورهای آمریکای لاتین مشغول بودیم. این حوزه بیش از بیست کشور اسپانیایی و پرتغالی را شامل می‌شود که از ظرفیت‌های خاصی برخوردارند و جمعیتی بالغ بر یک میلیارد نفر، به این دو زبان صحبت می‌کنند. سرمایه‌گذاری نکردن نهادهای داخلی در این بخش و نبود برنامه‌ای جامع در زمینه‌ی ترجمه معکوس که از تأکیدهای مقام معظم رهبری نیز بوده است، ما را واداشت که روی طرح جامع ترجمه معکوس در حوزه این دو زبان کار کنیم. به همین خاطر، از زمستان ۱۳۹۲، طرح راه‌اندازی انتشارات فانوس دریایی را در آمریکای لاتین در قالب فعالیت‌های مؤسسه اندیشه شرق دنبال کردیم که بخش اول آن شامل کتاب‌های کودک و نوجوان است. سرمایه‌گذاری روی کودک و نوجوان و برنامه‌ریزی در این حوزه، کاری راهبردی و استراتژیک است و اثرات آن در آینده مشخص می‌شود؛ خصوصاً اینکه توجه به کتاب‌های ویژه کودکان و نوجوانان در حوزه بین‌الملل معمولاً مغفول است.

طراحی پروژه هدفمند و سرمایه‌گذاری در این بخش، قطعاً میوه‌های شیرینی در آینده خواهد داشت. چندین سال قبل، در جریان فعالیت‌هایی که در کشور بولیوی داشتیم، یک روز در خانه یک خانم و آقای شیعه و سرخ‌پوست مهمان بودم. در این خانواده شیعه و سرخ‌پوست هم یک دختر بچه کوچک حدوداً سه‌ساله زندگی می‌کرد که اسمش فاطمه بود. پدر خانواده به من گفت: «شما برای یک بچه شیعه و مسلمان که در

کشور غیرمسلمان زندگی می‌کند، چه چیزی دارید؟ آیا کتاب دارید؟» من با شرمندگی گفتم: «چیزی نداریم.» از همان‌جا بود که ایده سرمایه‌گذاری بر روی حوزه کودک و نوجوان و توجه به این گروه سنی، در ذهن من شکل گرفت و بحمدالله همان مطالبه، امروز ثمرات خوبی داشته است.

چرا حوزه آمریکای لاتین را انتخاب کردید؟

متأسفانه هیچ نهادی روی این بخش سرمایه‌گذاری نکرده است و حوزه‌های ناشناخته و با ساختارهای خاص است. تنوع فرهنگی ویژه‌ای دارد. مردم آنجا زمینه‌های گرایش‌پذیر دارند و علاقه‌مند به آشنایی با تاریخ ایران و انقلاب اسلامی هستند. آن‌ها دوست دارند مدل زیست اسلامی را تجربه کنند. نگاه مثبتی به شرق دارند و علاقه‌مند به الگوی زندگی شرقی‌اند. این ویژگی‌ها توجه به این حوزه را باعث می‌شد.

برای انتخاب موضوع کتاب یا داستان‌ها، آیا اولویت و منابع خاصی را مد نظر دارید؟ این منابع صرفاً شامل کتاب‌های داخلی می‌شوند یا کتاب‌های غیرفارسی را هم در برمی‌گیرند؟

مجموعه فانوس دریایی اکنون به‌صورت تخصصی، بر روی کودک و نوجوان کار می‌کند. نوع انتخاب منابع ما نیز وابسته به نیازسنجی محیطی است که ما در کشورهای مختلف و بر اساس شرایط زبانی، فرهنگی و بومی انجام می‌شود. یکی از مصرف‌کنندگان جدی تولیدات ما، مراکز اسلامی شیعه و سنی است که این مراکز بخش زیادی از تولیدات ما را به خود جذب می‌کنند، چون حتی مراکز اهل تسنن نیز متأسفانه،

”سرمایه‌گذاری

روی کودک و نوجوان و برنامه‌ریزی در این حوزه، کاری راهبردی و استراتژیک است و اثرات آن در آینده مشخص می‌شود؛

خصوصاً اینکه توجه به کتاب‌های ویژه کودکان و نوجوانان در حوزه بین‌الملل معمولاً مغفول است

است

”یک روز در خانه

یک خانم و آقای شیعه و سرخ‌پوست مهمان بودم. در این خانواده شیعه و سرخ‌پوست هم یک دختر بچه کوچک حدوداً سه‌ساله زندگی می‌کرد که اسمش فاطمه بود. پدر خانواده

به من گفت: «شما

برای یک بچه شیعه و مسلمان که در کشور غیرمسلمان زندگی می‌کند، چه چیزی دارید؟ آیا کتاب دارید؟» من با شرمندگی گفتم: «چیزی نداریم.»



”عواملی که ما را به انتخاب اثری خوب می‌رساند، عبارت است از: متن خوب؛ تناسب آن با نیازهای منطقه آمریکای لاتین که هدف و برنامه‌ریزی ماست؛ تصویرگری مناسب؛ امکان تعامل با ناشر کتاب و شرایط مناسب خرید کپی رایت اثر.

در ابتدای کار، برنامه‌ها به سرعت پیش نمی‌رفتند. ما مدلی را طراحی کرده بودیم که خودمان انتشار و توزیع آثار را در آمریکای لاتین دنبال کنیم. یعنی این طور نیست که ما اثر را به یک ناشر واگذار کنیم و بعد بگوییم خداحافظ شما. این کار ظرفیت چندانی در آمریکای لاتین ندارد؛ چرا که اگر ناشران آمریکای لاتین فقط به دنبال آثاری هستند که بتواند بازار خوبی برای فروش داشته باشد و محتوا و جنبه‌های دیگر برایشان اهمیت چندانی ندارد. به همین دلیل، ما مدلی را طراحی کردیم مبنی بر تحقق ترجمه معکوس که بر اساس مدیریت تأثیرگذاری آن است. بر اساس این طرح، ترجمه، آماده‌سازی، انتشار و عرضه، فقط ۳۰٪ کار را تشکیل می‌دهد و ۷۰٪ کار هم به این برمی‌گردد که چطور می‌توانیم با این اثر، روی بچه‌ها تأثیر بگذاریم؛ رسوب فکری ایجاد کنیم؛ آن‌ها را دور هم جمع کنیم و بازخورد بگیریم. بخش سخت کار اینجاست.

این مدل شاید تاکنون در قالب نشر کتاب در ایران، برای کشورهای دیگر طراحی و اجرا نشده است. ما این پروژه را دنبال می‌کنیم. لازمه این کار، داشتن زیرساخت‌های فنی و حقوقی کار در خود کشورهای آمریکای لاتین است. به خاطر همین باید مجوزهای لازم را از کشورهای مختلف اخذ می‌کردیم. الان در کشورهای مکزیک، برزیل، اروگوئه انتشارات رسمی تأسیس کرده‌ایم و مجوزهای قانونی را گرفته‌ایم. حتی الان کتاب‌های ایرانی را در این کشورها منتشر می‌کنیم. به زودی آرژانتین هم به این جمع اضافه می‌شود و حلقه ما تکمیل می‌شود. این کار خیلی

در حوزه کودک و نوجوان سرمایه‌گذاری نکرده‌اند. از آن سو، ما فعلاً فقط منابع مناسب فارسی، یعنی آثار نویسندگان و تصویرگران ایرانی را بررسی و انتخاب کرده و برای انتشار، به زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی آماده می‌کنیم. شاید روزی از حوزه زبان فارسی و ایران به حوزه زبان عربی و کشورهای اسلامی وارد شویم و آثار آن‌ها را به اسپانیایی و پرتغالی ترجمه کنیم؛ اما فعلاً در این بخش، برنامه‌ای نداریم.

اما در این کار ممکن است کتاب‌هایی را انتخاب کنیم که اگرچه در ایران خیلی به چشم نمی‌آید، در آمریکای لاتین ممکن است کاملاً موفق باشد. البته شاید کتابی از نویسنده و تصویرگری برجسته و ایرانی باشد؛ ولی آن اثر برای آمریکای لاتین اصلاً مناسب ارزیابی نشود.

بنابراین، عواملی که ما را به انتخاب اثری خوب می‌رساند، عبارت است از: متن خوب؛ تناسب آن با نیازهای منطقه آمریکای لاتین که هدف و برنامه‌ریزی ماست؛ تصویرگری مناسب؛ امکان تعامل با ناشر کتاب و شرایط مناسب خرید کپی رایت اثر.

مخاطب ما از کودکان صفر تا نوجوانان هیجده سال را شامل می‌شود و حدود ۲۹ برنامه برای گروه‌های هدف خردسال، کودک و نوجوان در نظر گرفته‌ایم که هوشمندانه و در حد توان، با کمترین هزینه ممکن، در حال برنامه‌ریزی در ارتباط با آن هستیم.

لطفاً از فراز و فرودهای کارتان بگویید. آیا زمانی بوده است که ناامید شوید یا اشتباه مهمی را انجام دهید که جبران آن سخت باشد؟

”ناشران آمریکای لاتین فقط به دنبال آثاری هستند که بتواند بازار خوبی برای فروش داشته باشد و محتوا و جنبه‌های دیگر برایشان اهمیت چندانی ندارد. به همین دلیل، ما مدلی را طراحی کردیم مبنی بر تحقق ترجمه معکوس که بر اساس مدیریت تأثیرگذاری آن است.

آن‌ها خصوصی‌بودن و اتکانداشستن شما به منابع دولتی و سازمانی است. چه عاملی باعث شده تا در این زمینه، موفق و اثرگذار باشید؟

ما با این که تا الان و در دو سال و نیم گذشته، حدود هفتاد کتاب کودک و نوجوان ایرانی را به دو زبان اسپانیایی و پرتغالی منتشر کرده‌ایم؛ اما معتقدیم هنوز کارهای انجام‌نشده زیادی داریم و هنوز در مرحله سرمایه‌گذاری هستیم. پس نمی‌توانیم بگوییم موفقیم یا شکست‌خورده، همه چیز بستگی به آینده دارد. باید بیشتر تلاش کنیم؛ بیشتر از قبل. با چشمان باز، همراه با مشورت و تعامل باید این مسیر را پیش ببریم. اگر به‌لطف الهی روزی در این زمینه موفق شویم، افتخارش برای نظام خواهد بود و دیدن آن روز، آرزوی من است.

چطور رصد و جمع‌بندی می‌کنید که فلان موضوع در معرض توجه گروه هدف شماست؟

حدود ۲۰۰ میلیون کودک و نوجوان، به دو زبان اسپانیایی و پرتغالی صحبت می‌کنند. ما دایره مخاطب و بازار وسیعی داریم. از این ۲۰۰ میلیون، بیش از ۶۰ میلیون کودک و نوجوان، پرتغالی‌زبان هستند. این مخاطب از ادیان مختلف، بی‌دین یا با فرهنگ‌های سرخ‌پوستی و بومی آمریکای لاتین هستند. معضلات و مشکلات مختلفی هم این جوامع را آزار می‌دهد. مثلاً از هم‌گسختگی شدید خانواده، نبود پدر و مادر در کنار هم، کودکان کار، خشونت‌های خانگی و بسیاری از مسائل دیگر، از دغدغه‌های مردم این منطقه است. خوب، ما برای عرضه یک اثر، همه این مسائل را باید کنار هم بگذاریم. نیازهای آن‌ها را در نظر بگیریم، کدهای فرهنگی‌شان را مطالعه کنیم. از سوی دیگر، شرایطی که برای آینده آن‌ها ممکن است ایجاد شود نیز باید مطالعه و بررسی شود. اما خوب، ما کتاب‌های زیادی در ایران نداریم که بتواند همه این پارامترها را در خودش جمع کند. بیشتر کتاب‌ها برای بچه‌های ایرانی نوشته می‌شوند و حاوی کدهای فرهنگی داخلی است. ترجمه این‌ها برای آن منطقه یا شدنی نیست یا دشوار است. این مسئله هم در حوزه متن ملاک است و هم در حوزه تصویرگری. یعنی ممکن است کتابی دارای متن خوبی باشد؛ اما تصویرش به درد آن منطقه نخورد. همه این شرایط باید با هم جمع شود. اینجاست که کار سخت می‌شود.

مثلاً خشونت خانگی یکی از موضوعات لازم و جدی در آمریکای لاتین است. این موضوع حتی برای کودکان و نوجوانان دنبال می‌شود. ولی مگر ما چند کتاب ایرانی در این حوزه کار کرده‌ایم؟ اصلاً شاید این موضوع در ایران کاملاً ناشناخته باشد.

پیچیده و سخت بود و بدون حمایت نهادهای دولتی و دیپلماتیک انجام شد. شاید حتی بسیاری از مراکز دولتی که در آمریکای لاتین فعال هستند، اطلاعی از این کار نداشته باشند. بالاخره این گامی است که باید اتفاق می‌افتاد. ببینید در آمریکای لاتین، سه کشور هستند که قطب کتاب محسوب می‌شوند: مکزیک، برزیل و آرژانتین. اگر در این سه کشور، به خوبی بتوانیم کار کنیم، سرریز کار به کشورهای دیگر سرایت می‌کند. چون کشورهای دیگر کتاب‌های مد نظرشان را از این کشورها وارد می‌کنند. بیرون از آمریکای لاتین هم اسپانیا کشور بسیار تأثیرگذار است. یعنی اگر ناشر ایرانی بتواند با ناشر اسپانیایی تعامل کند، خروجی کارش در آمریکای لاتین دیده می‌شود. این‌ها مطالبی است که کلی مطالعه و تحقیق پشت آن است. مطالبی است که پیشینه نداشته و ما همه را از صفر، دنبال کرده‌ایم. راه‌اندازی و برنامه‌ریزی کار نشسر در ایران سخت است؛ چه برسد در منطقه وسیعی، آن هم در زمان تحریم و محدودیت‌ها بخواهد اجرایی شود. حتی تردد و گرفتن ویزا و مسافرت، با مشکل انجام می‌شد و هزاران حرف دیگر که جای طرح آن نیست.

در این مسیر، چطور اعتمادسازی کردید؟ چطور خود را به کسانی که در قاره‌های دیگر و با زبانی دیگر زندگی می‌کنند، معرفی کردید؟

ما وارد مسیر شده بودیم و ورود به این مسئله بر اساس یک ضرورت بود. لذا، خیلی به نهادهای داخلی نگاه نمی‌کردیم که آن‌ها چه واکنشی دارند. یک روز از معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت ارشاد به بنده زنگ زدند که برویم تا صحبت کنیم. رفتم آنجا گفتند ما کارهای شما را دنبال می‌کنیم و ممکن است نتوانیم به شما کمک کنیم؛ اما می‌توانیم از شما قدردانی کنیم. این برخورد برای من خیلی ارزشمند بود. یک روز هم خدمت معاون حقوقی و پارلمانی وزارت ارشاد جناب آقای نوش‌آبادی رسیدم. برخی از کتاب‌هایی را که منتشر شده بود، برای ایشان عرض کردم: «نیامده‌ام تا درخواست کنم که به ما کمک مالی کنید. آمده‌ام فقط گزارش کار بدهم تا شما مطلع باشید چه کارهایی انجام شده است. ایشان هم بعد از شنیدن مطالب و دیدن کتاب‌ها، تصریح کردند که اقدامات شما در حد یک سازمان، بزرگ بوده است. اما بخش عمده برنامه ما برای اعتمادسازی معطوف به ناشران، نویسندگان و تصویرگران است. تلاش می‌کنیم آن‌ها را از ما راضی باشند تا بتوانیم با هم خوب کار کنیم. به‌نظرم تا حد زیادی موفق بوده‌ایم.

دو ویژگی، انتشارات شما را از مراکز حقوقی پر سرو صدایی که اتفاقاً کارنامه ضعیفی دارند، متمایز می‌کند که مهم‌ترین

”در آمریکای لاتین،

سه کشور هستند که

قطب کتاب محسوب

می‌شوند؛ مکزیک،

برزیل و آرژانتین. اگر

در این سه کشور،

به خوبی بتوانیم کار

کنیم، سرریز کار به

کشورهای دیگر سرایت

می‌کند. چون کشورهای

دیگر کتاب‌های مد

نظرشان را از این

کشورها وارد می‌کنند.

بیرون از آمریکای لاتین

هم اسپانیا کشور بسیار

تأثیرگذاری است

”در دو سال و نیم

گذشته، حدود هفتاد

کتاب کودک و نوجوان

ایرانی را به دو زبان

اسپانیایی و پرتغالی

منتشر کرده‌ایم؛ اما

معتقدیم هنوز کارهای

انجام‌نشده زیادی

داریم و هنوز در مرحله

سرمایه‌گذاری هستیم

”ما کتاب‌های

زیادی در ایران نداریم

که بتواند همه این

پارامترها را در خودش

جمع کند. بیشتر

کتاب‌ها برای بچه‌های

ایرانی نوشته می‌شوند و

حاوی کدهای فرهنگی

داخلی است. ترجمه

این‌ها برای آن منطقه یا

شدنی نیست یا دشوار

است

« یک تیم ترجمهٔ کودک و نوجوان داریم که متشکل از دو بخش است. مترجمان اسپانیایی‌زبان از کشورهای کوبا، آرژانتین و کلمبیا که به زبان فارسی مسلط هستند و مترجمان ایرانی فارسی‌زبان که آن‌ها نیز به زبان اسپانیایی تسلط دارند. بعد از انتخاب هر اثر فارسی، بررسی می‌کنیم که چه کسی می‌تواند این کتاب را به خوبی ترجمه کند و بعد، یک مترجم اسپانیایی‌زبان و یک فارسی‌زبان مسلط به زبان اسپانیایی را مسئول ترجمهٔ آن کتاب می‌کنیم. در نهایت هم یک ویراستار اسپانیایی‌زبان کار را می‌بیند

» ناشری که خودش بدون هرگونه انعقاد قراردادی، یک کتاب را از خارج می‌آورد و در ایران ترجمه و منتشر می‌کند، وقتی نوبت به کتاب خودش می‌رسد که قرار است به زبان دیگری منتشر شود، دم از حقوق و رعایت حق نویسنده و تصویرگر و ناشر می‌زند. این تعارض برای من، درک‌کردنی نیست

فرایند ترجمه در کجا و از سوی چه افرادی انجام می‌گیرد؟ کار گروهی در ایران، کار ترجمه را انجام می‌دهد یا با مترجم و ناشر خارجی مرتبط می‌شوید؟ فرایند همکاری و ارزیابی شما در این زمینه، چطور صورت می‌گیرد؟

یک تیم ترجمهٔ کودک و نوجوان داریم که متشکل از دو بخش است. مترجمان اسپانیایی‌زبان از کشورهای کوبا، آرژانتین و کلمبیا که به زبان فارسی مسلط هستند و مترجمان ایرانی فارسی‌زبان که آن‌ها نیز به زبان اسپانیایی تسلط دارند. بعد از انتخاب هر اثر فارسی، بررسی می‌کنیم که چه کسی می‌تواند این کتاب را به خوبی ترجمه کند و بعد، یک مترجم اسپانیایی‌زبان و یک فارسی‌زبان مسلط به زبان اسپانیایی را مسئول ترجمهٔ آن کتاب می‌کنیم. در نهایت هم یک ویراستار اسپانیایی‌زبان کار را می‌بیند. در برخی موارد، اثر را پیش از انتشار به نویسنده برجسته‌ای در کشورهای مختلف می‌دهیم تا کار را بخواند و نظرش را بگوید.

در فرایند ترجمه، به چه نکاتی توجه می‌کنید؟ آیا کتاب عیناً ترجمه می‌شود یا در این خصوص، قوانین و شاخص‌های نوشته و نانوشته‌ای وجود دارد؟

ما در قراردادهایی که با ناشران ایرانی می‌بندیم، یک بند در قرارداد داریم که مجاز هستیم متن را بر اساس نیازهای فرهنگی و وضعیت اجتماعی آمریکای لاتین به‌روزرسانی کنیم. خیلی اوقات اسم کتاب تغییر می‌کند یا در متن‌ها، تغییراتی در آن ایجاد می‌شود و حتی ممکن است تصاویر کتاب به‌خصوص، تصویر جلد کتاب عوض شود. جالب این است که در بیشتر موارد، کار از زبان اصلی، قشنگ‌تر می‌شود. حتی برخی اوقات، پیش آمده که ناشر اصلی نسخهٔ منتشرشده ما را دوباره خواسته تا به آن شکل منتشر کند. این هنر است که بتوان متنی را برای جامعهٔ هدف آماده‌سازی کرد.

آیا تا به حال اتفاق افتاده که در این خصوص، با مترجم یا ناشر دچار مشکل شوید؟ در چنین مواقعی چه کار می‌کنید و مشکل چطور حل می‌شود؟

باید از ناشران ایرانی تشکر ویژه کنیم. اگر حمایت‌ها و کمک‌های آن‌ها نبود، ما نمی‌توانستیم به‌سرعت پیش برویم. در این مسیر، ناشرانی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انتشارات قدیانی، انتشارات جمال ... خیلی به ما کمک کردند. اگر همکاری آن‌ها نبود، قطعاً نمی‌توانستیم سرعت بگیریم. اما خوب، ناشرانی هم هستند که متأسفانه با ناشر بین‌المللی آشنا نیستند و این مسئله برای خودشان مشکل ایجاد می‌کند.

ناشری که خودش بدون هرگونه انعقاد قراردادی، یک کتاب را از خارج می‌آورد و در ایران ترجمه و منتشر می‌کند، وقتی نوبت به کتاب خودش می‌رسد که قرار

است به زبان دیگری منتشر شود، دم از حقوق و رعایت حق نویسنده و تصویرگر و ناشر می‌زند. این تعارض برای من، درک‌کردنی نیست. پا کتابی که قیمت کمی رایش در سطح بین‌المللی، مثلاً ۲۰۰ دلار است و ناشر ایرانی مثلاً ۱۰۰۰ دلار می‌خواهد؛ خوب، آدم نمی‌داند چطور برای این ناشر توضیح دهد. اثری که تا حالا به هیچ زبانی منتشر نشده است و وقتی به ناشر می‌گوییم: «من می‌خواهم این اثر را به زبان اسپانیایی منتشر کنم»، فکر می‌کند کتابش، کتاب هری پاتر است. دلیل این توهمات، نداشتن آگاهی است. در کل، همان‌طور که عرض کردم، در این مدت، با اکثر ناشران ایرانی تعامل کرده‌ایم و بیشترشان هم علاقه‌مند و آگاه هستند.

در زمینهٔ توزیع و تبلیغ کتاب‌های تان، چه اقداماتی انجام می‌دهید؟ آیا در این زمینه، مکانیسم خاصی طراحی کرده‌اید؟ بله. در این بخش برنامه داریم. هم برای داخل ایران و هم در کشورهای آمریکای لاتین. در ایران، اطلاع‌رسانی هوشمندانه را در خبرگزاری‌ها انجام می‌دهیم؛ به‌گونه‌ای که تقریباً بیشتر ناشران، نویسندگان و فعالان این حوزه با کارهای ما آشنا هستند و اخبار را دنبال می‌کنند. خیلی اوقات برای ما پیام تبریک می‌فرستند یا تماس می‌گیرند یا کتاب‌هایشان را ارسال می‌کنند. این نشان می‌دهد که تعامل بدی نداشته‌ایم. برای کشورهای منطقهٔ آمریکای لاتین نیز به‌گونه‌های مختلف برنامه داریم. از جمله اینکه اخبارمان در خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تلویزیونی اسپانیایی‌زبان، بازخورد دارد. در بیشتر نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در کشورهای مختلف، حضور پیدا می‌کنیم و چهره‌به‌چهره با مردم مرتبط می‌شویم. همچنین، بر روی شبکه‌های اجتماعی فعال هستیم. کاتالوگ داریم. برخی نویسندگان اسپانیایی‌زبان بر کتاب‌های ایرانی یادداشت می‌نویسند و در رسانه‌ها منتشر می‌شود. فروشگاه آنلاین داریم. ان‌شاءالله به‌زودی آثارمان در سایت آمازون هم عرضه می‌شود. همهٔ این‌ها زنجیره‌های به‌هم‌تنیده است.

آیا برای آثار تان بازخوردگیری هم می‌کنید؟ اصولاً سازوکاری هم برای گرفتن این بازخوردهای طراحی کرده‌اید؟

چون در آمریکای لاتین حضور فیزیکی داریم، بالطبع ارتباط زنده‌ای با مخاطب داریم. وقتی در نمایشگاه‌ها هستیم، بچه‌ها و خانواده‌ها مراجعه می‌کنند. میزان استقبال از کتاب‌ها، بهترین ارزیاب است. برخی کتاب‌های ما در کمتر از دو سال، چهار بار منتشر شده است. مخاطبان علاقهٔ زیادی به آثار کلاسیک دارند. هزار و یک شب را برای بچه‌ها منتشر کردیم، خیلی استقبال شد. برای جام جهانی فوتبال قبلی، کتاب منتشر کردیم. معمولاً این ارتباط، نیازها را مشخص



”قرار نیست هر ناشری در هر حوزه‌ای وارد شود. ورود در ترجمه معکوس و عرصه بین‌الملل، الزامات زیادی دارد. مدل کاری ما هم با همه مدل‌های قبلی این حوزه متفاوت است. ولی واقعاً ناشران داخلی برای حضور در عرصه بین‌الملل و عرضه آثارشان لازم است با آژانس‌های ادبی مشورت کنند. کار آژانس‌های ادبی همین است. قرار نیست هر ناشری خودش به‌طور مستقل وارد شود

مستقل وارد شود.

وضعیت موجود ترجمه کتاب و فعالیت در عرصه نشر بین‌الملل را چطور ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما، در این حوزه چه اتفاقات خوبی افتاده و چه موارد نگران‌کننده‌ای وجود دارد؟

به‌نظرم با طلی شدن حدود چهار دهه از انقلاب اسلامی، هنوز ما در بخش ترجمه معکوس، کاری نکرده‌ایم. منظورم کار هدفمند است. ما هنوز حداقل نیازهای جوامع اسلامی و مراکز اسلامی را نتوانسته‌ایم تأمین کنیم. از شرق تا غرب عالم، برای دسترسی به منابع اسلامی، نگاهشان به ایران است. خب، ما چه کاری کرده‌ایم؟

هنوز یک سیستم توزیع بین‌المللی کتاب نداریم. آن‌هایی که در حوزه بین‌الملل فعالیت می‌کنند، می‌دانند توزیع یعنی چه. مثل رگ‌های خون در بدن می‌ماند. اگر این رگ‌ها نباشد، خونی جریان پیدا نمی‌کند. اگر این رگ بگیرد، مرگ ایجاد می‌شود. برخی در مواجهه با بحث فعالیت‌های بین‌المللی حوزه نشر، فقط قانون کپی‌رایت را مطرح می‌کنند، در حالی که مشکل فقط این نیست. ما الان چند کتاب درباره داعش در سطح بین‌المللی، منتشر کرده‌ایم؟ چند کتاب درباره تبیین تروریسم و مقاومت منتشر کرده‌ایم؟ این‌ها نیازهای روز مردم در کشورهای مختلف است. اینکه چرا چنین نمی‌کنیم، حرف زیاد است.

ما برای تبیین ماهیت داعش، نیاز به رمان و داستان داریم. این رمان‌ها و داستان‌ها باید به زبان‌های مختلف ترجمه و عرضه شود. اما حداقل من حرکتی را مشاهده

می‌کند و سعی می‌کنیم این بازخوردها را جمع‌آوری و آنالیز کنیم. البته واکنش بچه‌های کشورهای مختلف به کتاب‌ها متفاوت است. بین علاقه بچه‌های کوبا با بچه‌های اروگوئه، واقعاً تفاوت وجود دارد. این تفاوت‌ها را مادر نمایشگاه‌ها می‌بینیم.

آیا پیش آمده که تشابهات یا تفاوت‌های فرهنگی در فرایند ترجمه کتاب‌ها دیده نشود یا مشکل‌ساز شود؟

نه. درباره این موضوع، آگاهی کافی داریم و در این بخش، کم‌خطا بوده‌ایم.

به‌نظر شما، اگر ناشری علاقه‌مند به ورود در این حوزه باشد، لازم است به چه نکاتی توجه کند و پروسه ورود به این فضا چگونه است؟

زمانی با آقای قیدانی جلسه‌ای داشتم. ایشان تعبیری به کار برد که برای من خیلی ارزشمند بود. ایشان می‌گفت: «من یک ناشر داخلی هستم. هدفم کار در داخل ایران است و قصد ندارم برای بین‌الملل کاری کنم». این حرف خیلی حرف حساب شده و ارزشمندی است. این حرف خیلی ارزش دارد. اینکه یک ناشر محدود کاری خودش را بداند و تخصصی نگاه کند، بخش زیادی از موفقیت است. قرار نیست هر ناشری در هر حوزه‌ای وارد شود. ورود در ترجمه معکوس و عرصه بین‌الملل، الزامات زیادی دارد. مدل کاری ما هم با همه مدل‌های قبلی این حوزه متفاوت است. ولی واقعاً ناشران داخلی برای حضور در عرصه بین‌الملل و عرضه آثارشان لازم است با آژانس‌های ادبی مشورت کنند. کار آژانس‌های ادبی همین است. قرار نیست هر ناشری خودش به‌طور

”مثل رگ‌های خون در بدن می‌ماند. اگر این رگ‌ها نباشد، خونی جریان پیدا نمی‌کند. اگر این رگ بگیرد، مرگ ایجاد می‌شود. برخی در مواجهه با بحث فعالیت‌های بین‌المللی حوزه نشر، فقط قانون کپی‌رایت را مطرح می‌کنند، در حالی که مشکل فقط این نیست

خصوصی می‌توانند این مسیر را طی کنند. به‌نظرم در مسئولان نهادهای دولتی، از نظر بینشی باید تحول جدی صورت بگیرد. من احساس می‌کنم هنوز انگیزه و بینش در بین مسئولان دولتی پررنگ نشده و اگر هم گزارشی هست، بر اساس الگوی خارجی است؛ نه بر اساس یک مدل مورد نیاز جمهوری اسلامی که به‌دنبال تمدن‌سازی است. ما نیاز داریم برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، حوزه‌ی نشرمان را تعریف کنیم؛ نه اینکه دنباله‌روی محض ساختار ناشران غربی باشیم و روش‌های آن‌ها را دنبال کنیم. در خصوص ترجمه معکوس، نظریه‌پردازی صورت نگرفته و نیازمندی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی از سوی اهل علم و فرهنگ هستیم. لازم است یک هم‌افزایی جدی صورت گیرد و ظرفیت‌ها و توانایی‌های کوچک جمع‌آوری و هم‌افزایی شود. باید برای این کار، اولویت قائل شد. من این اولویت را در کارهای مسئولان دولتی نمی‌بینم. این کار پنج ستاره دارد. حتی اگر از جنبه اقتصادی هم دیده شود، سودآوری دارد. البته خیلی اوقات، فقط حرف‌هایی زده می‌شود؛ ولی در حوزه عمل، خروجی درخور توجهی نداریم. بنابراین، باید به نگاه متعادلی در این حوزه برسیم.

اگر بخواهید از سوال‌ها فعالیت خود در این حوزه، تجربه و نکته‌ای بیان کنید، آن نکته یا تجربه چیست؟
من از طرف خودم می‌توانم بگویم اگر گروهی بخواهد در حوزه کودک و نوجوان در عرصه بین‌الملل کار کند، حاضریم همه تجربه و آندوخته‌مان را در اختیارشان قرار دهیم. این به‌نظرم بهترین هدیه‌ای است که می‌توانیم عرضه کنیم.

نمی‌کنم. ما حتی درباره نشر قرآن در کشورهای مختلف هم کاری نمی‌کنیم. الان بازار فروش قرآن در کشورهای آمریکای لاتین، در اختیار اسپانیاست. یعنی اسپانیا از فروش قرآن در آمریکای لاتین، سود کسب می‌کند. اگر نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را هم منتشر کردند، شما تعجب نکنید. اگر ما حتی جنبه‌های مالی و اقتصادی کار را هم ببینیم، باید وارد این حوزه‌ها شویم. توجه به حوزه بین‌الملل، برنامه‌ریزی هوشمندانه و اقدام به موقع از ضروریات این بخش است. ما هنوز در جشنواره‌های مختلف، همایش یا جشنواره‌ای برای ترجمه معکوس نداریم. یک جایزه سالانه در این حوزه نداریم. ما برای این حوزه، باید همایش بین‌المللی داشته باشیم. بعد شما ببینید چند درصد گرنت‌ها و حمایت‌ها به ترجمه معکوس اختصاص می‌یابد. ما نیاز به سندی بالادستی در این حوزه داریم. اما چه کسی متولی است؟! متأسفانه، هیچ پاسخ روشنی در این خصوص نداریم. شاید نیاز به شورای عالی باشد. الان کارها پراکنده و جسته و گریخته است. بر اساس یک نظام طراحی شده نیست. هر کسی به اندازه توان، ظرفیت و علاقه‌مندی خودش کار می‌کند. با این روند پراکنده، نمی‌توانیم کارهای جهانی کنیم.

چه راهکاری برای بهبود وضعیت موجود پیشنهاد می‌دهید و اصولاً چقدر با ورود دولتی و سازمانی به حوزه نشر کتاب در خارج از کشور، موافقت؟
بحث ترجمه معکوس و حضور در عرصه بین‌الملل، باید با تعامل نهادهای دولتی و خصوصی شکل بگیرد. نه نهادهای خصوصی به‌تنهایی می‌توانند کار کنند و نه نهادهای دولتی بدون در نظر گرفتن ظرفیت ناشران

بحث ترجمه معکوس و حضور در عرصه بین‌الملل، باید با تعامل نهادهای دولتی و خصوصی شکل بگیرد. نه نهادهای خصوصی به‌تنهایی می‌توانند کار کنند و نه نهادهای دولتی بدون در نظر گرفتن ظرفیت ناشران خصوصی می‌توانند این مسیر را طی کنند

ما نیاز داریم برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، حوزه نشرمان را تعریف کنیم؛ نه اینکه دنباله‌روی محض ساختار ناشران غربی باشیم و روش‌های آن‌ها را دنبال کنیم. در خصوص ترجمه معکوس، نظریه‌پردازی صورت نگرفته و نیازمندی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی از سوی اهل علم و فرهنگ هستیم



ماهنامه شیراز کتاب شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴ خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

نهضت ترجمه



مهدی ابراهیمزاده

یکی از موضوعات قابل بررسی در تاریخ تمدن و ملل اسلامی، بررسی نقاط عطف توجه به ترجمه‌های کتب دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها، در دوران‌های مختلف تاریخی است. یعنی بررسی کنیم به‌لحاظ شرایط تاریخی، چه زمان‌هایی، زمان شکوفایی ترجمه و توجه به آن بوده است. در این رابطه، بی‌شک یکی از نقاط درخشان تاریخ تمدن اسلامی برای محققان، فضای رشد و پویایی علمی در قرون اولیه اسلامی است. نهضت ترجمه بین سال‌های ۱۲۵ تا ۳۷۷ ق و پویایی علوم مختلف، در مرکز خلافت، یعنی بغداد در این دوره نماد این واقعیت تاریخی است. ترجمه آثار یونانی و متون ایران باستان و بهره‌گیری مسلمانان از آن‌ها، در تدوین علوم اسلامی در نظم جدیدی که دانشمندان مسلمان در پرتو اسلام به‌نیال آن بودند، انبوهی از کتاب‌های مختلف را در رشته‌های گوناگون علمی پدید آورد.

وسعت و گستره تحول و تغییرات فرهنگی ناشی از ظهور پیامبر (ص) در قرون اولیه تمدن اسلامی به‌نحوی است که خود می‌تواند دلیلی بر منشأ فراگیری تعالیم ایشان باشد؛ چنان‌که برخی مستشرقان نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند. اعراب جاهلی که میانه‌چندانی با فرهنگ و کتابت نداشتند، در کنار اقوام دیگری که به اسلام پیوستند، در پرتو این دین، سردمداران فرهنگ و پیشتاز در علوم مختلف دنیای آن روز شدند. پیشتازی مسلمانان در علوم مختلف به‌نحوی بود که بعدها، اروپایی‌ها در جریان مقدمات نهضت رنسانس، در قرون دوازده و سیزده میلادی، حتی میراث یونان و آثار ارسطو را از طریق توجه به ترجمه‌های آثار مشائیان مسلمان، مانند ابن سینا و ابن رشد به‌دست آوردند.

در دوران معاصر و پس از نهضت مشروطه نیز می‌توان این موضوع را بررسی کرد. پس از سال‌ها رکود و بی‌تحركی در جهان اسلام در مقابل غرب جدید، با شکل‌گیری ایده‌هایی مانند توجه به خود در اندیشه‌های افرادی مانند اقبال لاهوری، مسلمانان کم‌کم اعتماد به‌نفس پیدا کردند تا در مقابل فرهنگ و تمدن غربی که با توپ و تانک و مظاهر صنعتی‌اش چهره غالب تمدنی بود، عرض اندام داشته باشند و از آنچه در فرهنگ اسلامی خود داشتند، دفاع کنند.

اوج این حرکت را در انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) می‌شود مشاهده کرد که در آن، امام (ره) با تکیه بر اصول تشیع، پایه‌گذار نظمی الهی و دینی در دنیای معاصر شد که اومانیسیم در آن حکم‌فرما شده بود.

در اقتباس از آثار غربی و نشر آن در داخل کشور، تجربه نهضت ترجمه در قرون اولیه تمدن اسلامی، تجربه آموزنده‌ای است. فیلسوفان و دانشمندان مسلمان در آن زمان، آثار دیگران را خمیرمایه‌ای برای نظام تمدنی جدید خود قرار دادند و به ترجمه صرف و چسباندن نظراتشان به نظرات یونانی‌ها و ایرانی‌ها اکتفا نکردند، بلکه با بهره‌گیری از این آثار، پارادایم علمی خود را خلق کردند. فی‌المثل، فارابی با بهره‌گیری از فلسفه یونانی، بنیان‌های فلسفه اسلامی را بنا نهاد. فلسفه‌ای که در آن، خدای دین اسلام به‌جای طبیعت یونانی، محور تأملات فیلسوفان اسلامی بود. امروز نیز ما باید با این رویکرد به سراغ آثار غربی برویم. انقلاب اسلامی مانند اسلام در قرون اولیه، هویت ماست و هر کدام از آثار دیگر ملل مفیدند؛ به‌شرطی که بتوانند ماده علم و نگرش مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی انقلاب اسلامی قرار گیرند.

اعراب جاهلی که

میانه‌چندانی با فرهنگ و کتابت نداشتند، در کنار اقوام دیگری که به اسلام پیوستند، در پرتو این دین، سردمداران فرهنگ و پیشتاز در علوم مختلف دنیای آن روز شدند. پیشتازی مسلمانان در علوم مختلف به‌نحوی بود که بعدها، اروپایی‌ها در جریان مقدمات نهضت رنسانس، در قرون دوازده و سیزده میلادی، حتی میراث یونان و آثار ارسطو را از طریق توجه به ترجمه‌های آثار مشائیان مسلمان، مانند ابن سینا و ابن رشد به‌دست آوردند.

ترجمه ادبیات دفاع مقدس؛ نکته‌ها و ضرورت‌ها



سعیده حسینیجانی
مدیر مرکز ترجمه حوزه هنری

ارزش‌های مذهبی و ملی غنی قادر است فرهنگ پربار خود را به جهانیان هدیه نماید. ترجمه یکی از معبرهای انتقال فرهنگ است؛ معبری برای انتقال اندیشه‌ها و اعتقادات و در یک کلمه، داشته‌های یک ملت. در این بین، واقعه غرور آفرین دفاع مقدس یکی از باشکوه‌ترین حوادثی است که در آیین ادبیات منظوم و منثور معاصر ما تجلی یافته است. تفاوت معنای جنگ نزد ملت ایران و دیگر ملت‌های جهان که به درستی و به خوبی در نام‌گذاری دفاع مقدس نیز منعکس شده است، اهتزاز معنای این واقعه عظیم بوده و اهمیت آن را روشن می‌کند. چنین معنای بدیع و تازه‌ای از جنگ دفاعی که متضمن ایثار و حق‌طلبی است، لزوم ارائه نتایج فکری و هنری آن را به خارج از مرزها تبیین می‌کند. غالب جنگ‌های دنیا به دلیل تصاحب قدرت و کشورگشایی بوده است؛ در حالی که جنگ تحمیلی ایران از معدود جنگ‌هایی است که انگیزه‌های جز دفاع از وطن و ارزش‌های اسلامی نداشته است. با این مقدمه پیداست که چنین گنجینه ارزشمندی که در بردارنده روحیات ملت ماست، با عبور

برخی از مترجمان معتقدند: «انتقال مفهومی مانند ایثار یا جانبازی در بسیاری از جوامع سکولار و لایبیک غربی امکان‌پذیر نیست». اما به راستی، آیا این نکته سندی بر ترجمه‌ناپذیر بودن ادبیات دفاع مقدس ماست؟ و آیا باید گزینه‌هایی این‌چنینی را مانعی جدی در پیش راه انتقال مفاهیم عالی انقلاب اسلامی به دیگر کشورها تلقی کرد؟ پرسش اصلی اینجاست که ترجمه آثاری بومی و معاصر همچون آثار ادبی دفاع مقدس که برنمایاننده روح و روحیه امروز ملت ایران است، تا چه حد ضروری و تا چه مقدار به‌دقت امکان‌پذیر است؟ و آیا اصلاً از ترجمه چنین آثاری باید انتظار استقبال و همدلی داشت یا خیر؟ این قول مشهوری است که عصر حاضر، عصر ارتباطات است. رشد و پیشرفت سریع تبادل اطلاعات در جهان پیرامون ما فقط در صورتی می‌تواند سودمند و مفید واقع شود که فرصت‌ها را بشناسیم و از آن‌ها استفاده بهینه ببریم. در این عرصه، ملتی پیروز است که بتواند علاوه بر حفظ و نگهداری دستاوردهای فرهنگی و ارزش‌های ملی خود، آن‌ها را به سایر ملل نیز عرضه نماید. کشور ما، ایران، با داشتن

”ملتی پیروز است که بتواند علاوه بر حفظ و نگهداری دستاوردهای فرهنگی و ارزش‌های ملی خود، آن‌ها را به سایر ملل نیز عرضه نماید

”ترجمه یکی از معبرهای انتقال فرهنگ است؛ معبری برای انتقال اندیشه‌ها و اعتقادات و در یک کلمه، داشته‌های یک ملت



”ترجمه‌های موجود از کتاب‌های سفر به گرای ۲۷۰ درجه و داستان‌های شهر جنگی نه تنها به عنوان مواد درسی در محیط‌های دانشگاهی در آمریکا استفاده شده و برخی از دانشجویان، آن‌ها را به عنوان نمونه‌ای از ادبیات معاصر خاورمیانه خوانده‌اند، بلکه توزیع عمومی این آثار و خرید انبوه آن‌ها در سایت‌هایی همچون آمازون، شاهدهی بر همه‌پسندی این گونه آثار در خارج از مرزهای سرزمین ماست

”جایگاه رمان در ادبیات دفاع مقدس، نه تنها تاریخ مقطع حساسی از کشور انقلابی ایران را زنده نگه خواهد داشت، بلکه به لحاظ بومی بودن و به خصوص نقش گسترده مردمی در دفاع مقدس، خود قادر خواهد بود تا حقانیت به‌عمد سانسور شده و مظلومیت مردم و مدافعان ایران اسلامی را در برابر تحمیل جنگ بر ایران انقلابی، از سوی استکبار جهانی، به مخاطبان آزاده و دست‌کم بی‌طرف جهانی ثابت نماید

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

نگاهی اجمالی به جایگاه رمان‌های مطرح و برگزیده جهانی و تأثیر آن‌ها داشته باشیم، می‌بینیم که بدون تردید، رمان‌های جنگی بیشترین نمود را در میان ژانرهای دیگر دارند. از جنگ و صلح تا زنگ‌ها برای چه کسی به صلح درمی‌آید و تا سایر رمان‌های با مضمون جنگی، اغلب ضمن بیان رویدادها و آثار جنگ مد نظر، به روانکاوای مردم کشورهای در حال جنگ نیز پرداخته‌اند. از این روی، رمان دفاع مقدس ما نیز می‌تواند در این زمینه در جهان موفق بوده و مخاطب داشته باشد. جایگاه رمان در ادبیات دفاع مقدس، نه تنها تاریخ مقطع حساسی از کشور انقلابی ایران را زنده نگه خواهد داشت، بلکه به لحاظ بومی بودن و به خصوص نقش گسترده مردمی در دفاع مقدس، خود قادر خواهد بود تا حقانیت به‌عمد سانسور شده و مظلومیت مردم و مدافعان ایران اسلامی را در برابر تحمیل جنگ بر ایران انقلابی، از سوی استکبار جهانی، به مخاطبان آزاده و دست‌کم بی‌طرف جهانی ثابت نماید.

دکتر آنا برزینا، مترجم روسی آثار ادبیات معاصر ایران، معتقد است که هشت سال جنگ ایران و عراق، دربردارنده هشت سال زندگی مردم این سرزمین است و موضوعات فراوانی به‌اندازه موضوعات زندگی، می‌تواند در ادبیات دفاع مقدس جا بگیرد. وی معتقد است: «اصلاً برای من عجیب نیست که هر سال تعداد زیادی کتاب تازه در حوزه ادبیات دفاع مقدس ایران نوشته و چاپ می‌شود. ممکن است کسی از خودش بپرسد که چرا این ادبیات به پایان نمی‌رسد؟ پاسخ من این است که تا زمانی که آن مردم، زنده هستند؛ آن مردمی که

از معبر ترجمه می‌تواند بیرون از مرزهای جغرافیایی نیز اثرگذار باشد و از سوی وجدان‌های بیدار و حقیقت‌طلب با استقبال روبه‌رو شود. ادبیات دفاع مقدس در سال‌های اخیر در گامی بلند از مرزهای ایران عبور کرده و سعی در جذب مخاطبانی از میان غیرایرانیان داشته است. ترجمه آثاری مانند *سفر به گرای ۲۷۰ درجه، دا، من قاتل پسران هستم، شطرنج با ماشین قیامت و داستان‌های شهر جنگی* و به‌خصوص حضور آن‌ها در کشورهای مختلف از آمریکا، اروپا و آسیا و استقبالی که از آن‌ها به عمل آمده است، گواه این مدعاست. ترجمه‌های موجود از کتاب‌های *سفر به گرای ۲۷۰ درجه و داستان‌های شهر جنگی* نه تنها به‌عنوان مواد درسی در محیط‌های دانشگاهی در آمریکا استفاده شده و برخی از دانشجویان، آن‌ها را به‌عنوان نمونه‌ای از ادبیات معاصر خاورمیانه خوانده‌اند، بلکه توزیع عمومی این آثار و خرید انبوه آن‌ها در سایت‌هایی همچون آمازون، شاهدهی بر همه‌پسندی این گونه آثار در خارج از مرزهای سرزمین ماست. به‌هیچ‌وجه نباید به همین اندازه قناعت و بسنده نمود؛ بلکه ترجمه این آثار اندک را باید طلیعه‌ای بر ظهور فرصتی نو برای معرفی ادبیات ارزشمند معاصر ایران در کشورهای دیگر تلقی کرد و از ثروت اعتباری اندوخته‌شده به‌وسیله این آثار آبرومند، برای عرضه آثار دیگری از سبب ادبیات دفاع مقدس در کشورهای دیگر بهره برد. خوش‌بختانه هر روز بر تعداد آثار شایسته و ارجمند ادبیات دفاع مقدس در داخل کشور افزوده می‌شود و این چشمه جوشان، جرعه‌هایی زلال و نو بر جام‌های پیشین می‌افزاید. اگر

متعددی دربارهٔ دفاع مقدس وجود دارد که در عین داشتن ارزش ادبی، محتوی والاترین پیام‌های بشری است و می‌تواند وضعیت فرهنگی ما را از حالت دفاعی صرف، در گرماگرم شبیخون فرهنگی، به وضعیت نفوذ و تأثیرگذاری تغییر دهد.

نقش ترجمه در همگرایی کشورهای اسلامی و تبیین اصول فکری و نظری انقلاب و دفاع مقدس ما برای برادران و خواهران مسلمانان نیز نقشی خدشه‌ناپذیر دارد. از این رو، برای حمایت از ترجمه آثار، با اولویت‌دادن به این مقصد، باید به‌طور جدی توجه کرد. امروزه عمده‌ترین مسئلهٔ جهان اسلام، فقدان هماهنگی ملل اسلامی است. نبود تعامل فرهنگی بین مسلمانان در دنیای امروز، کاملاً مشهود است. این آسیب چشمگیر فرهنگی، فقط هنگامی ترمیم‌شدنی است که با جدیت، تدبیری در این زمینه اندیشیده شود. یکی از راه‌های ایجاد تعامل و تبادل فرهنگی ایران با سایر کشورهای اسلامی، ترجمهٔ کتب در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه، کتب ارزشمند در حوزهٔ دفاع مقدس است. انتشار ترجمهٔ این‌گونه آثار در کشورهای اسلامی، باعث تقویت روحیهٔ حقلطبی و حس دشمن‌ستیزی و پشتوانه و الگویی برای دست‌یابی به پیروزی حق بر باطل خواهد بود.

دکتر عزیز مهدی، مترجم آثار ادبی معاصر ایران به زبان‌های اردو، انگلیسی و هندی بر این باور است که: «بیداری اسلامی، شوخی و شعار نیست و کاملاً در متن نخبگان و توده‌های حساس کشورهای اسلامی، واقعیت و نمود دارد. در این میان، تفکرات جاری‌شده در ادبیات انقلاب اسلامی و مخصوصاً ادبیات دفاع مقدس ایران نقش پررنگی در انتقال آگاهی داشته‌اند. به‌عنوان مثال، در شرایطی که غرب در حال اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی است، مفهوم ایثار و دفاع از ارزش‌ها که در دفاع مقدس ایران شاهد آن بوده‌ایم، به‌خوبی مفهوم جهاد را تبیین می‌کند و جلوی برداشت‌های اشتباه از آن را می‌گیرد». وی با اشاره به نظرات فقهی مراجع شیعه می‌گوید: «ممنوعیت جهاد ابتدایی (آغاز به حمله) در زمان غیبت معصوم که از سوی مراجع شیعه بیان شده و در سیاست‌های بنیادی جمهوری اسلامی هم شامل شده است، نشان می‌دهد که معنای جهاد، آن چیزی نیست که امروزه در رفتارهای داعش و طالبان و غیره شاهدیم؛ بلکه جهاد دقیقاً چیزی است که ایرانیان آن را دفاع مقدس نامیده‌اند. و ادبیات دفاع مقدس توانسته است این موضوع را به‌روشنی تبیین کند. این مضامین اگر ترجمه شوند، طبعاً نظر دنیا را نسبت به اسلام هم عوض خواهند کرد.»

برای درک گسترده‌تری و تنوع وجوه جذاب ادبیات دفاع مقدس، باید به‌عنوان نمونه گفت که



به جبهه رفتند؛ زانی که شوهر و فرزند خودشان را تا جبهه بدرقه کردند؛ پسران و دخترانی که در سوگ پدر شهیدشان گریستند؛ حتی یک مغازه‌دار ساده که مغازه‌اش در بمباران ویران شد و زندگی‌اش به‌خاطر جنگ عوض شد؛ همهٔ این‌ها تا وقتی که زنده هستند، حرف تازهٔ ناگفته‌ای هم دربارهٔ ادبیات دفاع مقدس ایران وجود دارد. شما ببینید چه تعداد انسان در آن هشت سال درگیر جنگ بودند؟ تعداد این افراد را اگر ضرب در تعداد روزهای جنگ بکنید، به همان تعداد داستان و روایت برای گفته‌شدن خواهیم داشت. برای همین است که ما هر روز باید منتظر روایت تازه‌ای از دفاع مقدس ایران باشیم. حتی اگر سال‌ها بگذرد و همهٔ انسان‌های زمان جنگ پیر شوند و بمیرند، باز هم تا هنگامی که این جنگ و این مرزها و این ارزش‌ها برای مردم ایران زنده و بااهمیت است، داستان‌های دفاع مقدس هم جذاب خواهد بود و خواننده خواهد داشت. حالا اگر از من بپرسید که این آثار آیا در خارج از ایران هم خواننده خواهد داشت؟ من پاسخ خواهم داد که بله؛ به‌شرطی که روح انسانی آن اتفاقات، طوری که همهٔ مردم جهان آن را بفهمند و با آن ارتباط برقرار کنند، در این داستان‌ها جاری باشد. اگر مسائل انسانی در اثر ادبی نهفته باشد، تا وقتی که انسان روی این کرهٔ زندگی می‌کند، آن اثر هم اهمیت خواهد داشت و خواننده و خواننده خواهد داشت.»

در عصری که جنگ سرد فرهنگی جایگزین جنگ‌های رودرو شده است، باید انکار را کنار گذاشت و باور کرد که در تاریخ ادبیات معاصر ما، منابع غنی

” اگر از من بپرسید که این آثار آیا در خارج از ایران هم خواننده خواهد داشت؟ من پاسخ خواهم داد که بله؛ به‌شرطی که روح انسانی آن اتفاقات، طوری که همهٔ مردم جهان آن را بفهمند و با آن ارتباط برقرار کنند، در این داستان‌ها جاری باشد. اگر مسائل انسانی در اثر ادبی نهفته باشد، تا وقتی که انسان روی این کرهٔ زندگی می‌کند، آن اثر هم اهمیت خواهد داشت و خواننده خواهد داشت“

” در شرایطی که غرب در حال اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی است، مفهوم ایثار و دفاع از ارزش‌ها که در دفاع مقدس ایران شاهد آن بوده‌ایم، به‌خوبی مفهوم جهاد را تبیین می‌کند و جلوی برداشت‌های اشتباه از آن را می‌گیرد“



دکتر و بصل باشچی، مترجم آثار ادبی معاصر فارسی به زبان ترکی استانبولی، قوت فنی و تصویری بودن بیان احساسات در داستان‌های دفاع مقدس را عامل توفیق آن‌ها در جامعه ترکیه می‌داند. او معتقد است: «انتخاب اثر متناسب با روایات مردم ملت‌های هدف، باید از جمله بررسی‌های پیش از اقدام، برای ترجمه باشد. بالأخره در هر داستانی، شخصیت‌هایی با روایات مختلف وجود دارند، صحنه‌هایی به تصویر کشیده می‌شود و وقایعی اتفاق می‌افتد که در هر داستان متفاوت است. درصد عقلانیت شخصیت‌ها یا عشق‌ورزی آن‌ها، اینکه از چه مناظری گذر می‌کنند و در برابر اتفاقات، چه واکنشی از خود بروز می‌دهند، این‌ها همه در گزینش اثر مناسب برای ترجمه، مؤثر است. ممکن است برخی از رفتارهای شخصیت‌های داستانی، برای یک ملت، مازوخیسم و سادیسم و مشکلات روانی معنا شود و برای ملت دیگری که روایات و باورها و ارزش‌های دیگری دارند، همان رفتارها و واکنش‌های شخصیت داستانی، محبوب و مقدس و ستودنی باشد. بنابراین، باید در انتخاب داستان‌ها دقت شود و در هنگام ترجمه هم این هوشیاری به‌صورت مضاعف وجود داشته باشد که هر اثری متناسب با روایات کشور مقصد ترجمه شود و ظرایف داستان با همان ظرافت‌ها بیسته تفسیر گردد» و تمام این ظرایف و نکات به این مسئله مهم اشاره دارد که در صورت رعایت مؤلفه‌های استاندارد در کار انتخاب اثر شایسته، ترجمه و ترجمه قوی و قابل عرضه در بازار نشر بین‌الملل، ترجمه آثار دفاع مقدس، یکی از منابع اصلی سرمایه‌گذاری در انتقال فرهنگ خواهد بود.

مثلاً دسته‌ای از ادبیات داستانی دفاع مقدس که قابلیت ترجمه شدن دارند، داستان‌هایی هستند که به عملیات‌ها و تاکتیک‌های جنگی پرداخته‌اند. در بعضی از کشورهای غربی، رزم و تکنیک‌های رزمی برای مخاطبان بسیار مهم و جالب توجه است و خواننده برای آشنایی با سبک‌های عملیاتی متفاوت، علاقه‌مند به مطالعه این گونه کتاب‌هاست. آن گروه از نوشته‌ها که ابعاد انسانی را در جنگ، مدنظر قرار می‌دهد نیز قابلیت خوبی برای ترجمه شدن دارد. متأسفانه دفاع مقدس در اذهان مردم بعضی از کشورهای غربی به گونه‌ای خشن و بی‌رحمانه، همانند خاطرات آنان از دو جنگ جهانی شکل گرفته است. آثار ادبی دفاع مقدس ما می‌تواند این تصویر نادرست را از اذهان پاک نماید. از همین رو، آن دسته از آثار داستانی که در آن‌ها رزمندگان را از ابعاد گوناگون انسانی به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که اینان به زندگی علاقه‌مند بوده‌اند، به خانواده‌شان عشق می‌ورزیده‌اند و عاشقانه زیسته‌اند و عاشقانه هم به شهادت رسیده‌اند، می‌تواند برای مخاطب غیرایرانی بسیار جذاب و خواندنی باشد. در یک جمله باید گفت که ترجمه سالم و درست، مستلزم این است که زمینه فرهنگی اجتماعی جامعه هدف و نیز تبیین شرایط خاص فرهنگ مبدأ در هنگام ترجمه، لحاظ شود. در مجموع، نباید از نظر دور داشت که آثار ادبی دفاع مقدس که برای ترجمه انتخاب می‌شوند، هرچقدر از لحاظ محتوا و ساختار قوی‌تر باشد، قابلیت ترجمه بیشتری خواهد داشت. توجه به فرهنگ کشور مقصد هم بسیار مهم است؛ باید دید کشوری که قرار است ادبیات دفاع مقدس به زبان آن کشور ترجمه شود، تا چه حد نیاز و پذیرش این گونه آثار را دارد.

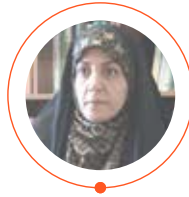
ادبیات متن در آثار ادبی دفاع مقدس، تضمین‌کننده موفقیت آن‌ها در جلب نظر مخاطب بی‌طرف غیرایرانی است. متخصصان امر ادبیات عقیده دارند: «ترجمه آثار ادبی چه با موضوع جنگ و چه غیر جنگ، به نوعی شناساندن فرهنگ مردم ایران است و به همین دلیل، هر کتابی که با زبان ادبی درست نوشته شده باشد، ترجمه‌شدنی است و در حقیقت، موضوع اصلی این است که داستان ما بومی و برای خودمان باشد. اتفاقاً از اثری که فرهنگمان را در آن، با زبان درست بیان کرده باشیم، بسیار استقبال می‌شود. اگر توجه کنیم، روال ترجمه آثار ادبی جنگی کشورهای دیگر که در ایران ترجمه شده‌اند، این‌طور بوده است که مترجم ایرانی کتاب را خوانده و چون به‌لحاظ ادبی، کار خوبی بوده و با زبان درست نگاشته شده است، ناخودآگاه آن را ترجمه می‌کند و به این شکل است که ادبیات می‌تواند یکی از منابع اصلی سرمایه‌گذاری برای انتقال فرهنگ دفاع مقدس باشد.»

دسته‌ای از ادبیات داستانی دفاع مقدس که قابلیت ترجمه شدن دارند، داستان‌هایی هستند که به عملیات‌ها و تاکتیک‌های جنگی پرداخته‌اند. در بعضی از کشورهای غربی، رزم و تکنیک‌های رزمی برای مخاطبان بسیار مهم و جالب توجه است و خواننده برای آشنایی با سبک‌های عملیاتی متفاوت، علاقه‌مند به مطالعه این گونه کتاب‌هاست

متأسفانه دفاع مقدس در اذهان مردم بعضی از کشورهای غربی به گونه‌ای خشن و بی‌رحمانه، همانند خاطرات آنان از دو جنگ جهانی شکل گرفته است. آثار ادبی دفاع مقدس ما می‌تواند این تصویر نادرست را از اذهان پاک نمای

در صورت رعایت مؤلفه‌های استاندارد در کار انتخاب اثر شایسته، ترجمه و ترجمه قوی و قابل عرضه در بازار نشر بین‌الملل، ترجمه آثار دفاع مقدس، یکی از منابع اصلی سرمایه‌گذاری در انتقال فرهنگ خواهد بود

یادداشتی بر مشاغل و وضعیت ترجمه در کشور



اعظم غلامی

می‌شود: مترجمی کتبی و شفاهی. با بررسی بازار کار، در نگاه اول، چهار بخش از بازار مشاغل کشور، متقاضی اصلی جذب مترجم‌اند: ۱. دفاتر ترجمه رسمی؛ ۲. نشریات؛ ۳. رسانه‌ها و ۴. مشاغل نیازمند روابط بین‌الملل. نیازهای زیربنایی مشترک برای تمامی این مراکز، یکی توانمندی در جفت زبانی و دیگری، احاطه به زمینه تخصصی مورد ترجمه را شامل می‌شود؛ هرچند تفاوت‌های پیدا و پنهان ظریفی هم در این میان، خودنمایی می‌کند که می‌تواند در امر آموزش و نیز در عملکرد حرفه‌ای مترجم، تأثیرگذار و حتی تعیین‌کننده باشد. به‌علاوه، تغییراتی در نحوه عملکرد و ابعاد کاری این حرفه در بازار کار مدرن ملاحظه می‌شود که در بازار سنتی مشاغل وجود نداشت. ادامه این یادداشت به تبیین این گزینه‌ها می‌پردازد.

مطابق آنچه در بازار ترجمه کشور، اعم از سنتی و مدرن می‌شود مشاهده کرد، مراکزی مانند انتشارات، مطبوعات، رسانه‌های صوتی و تصویری و دفاتر رسمی ترجمه، غالباً عنوان شغلی مترجم در سلسله‌مراتب شغلی آن‌ها تعریف شده است؛ درحالی‌که این سمت در شرکت‌هایی با ارتباطات بین‌الملل، توانشی هر چند لازم، اما حاشیه‌ای و فرعی محسوب می‌شود و فاقد عنوان شغلی مشخص است و مترجمان در این مراکز، اغلب، ذیل عناوین شغلی دیگر خدمت می‌کنند. مراکز نشر عمدتاً بر مهارت‌های نگارشی و ویرایشی در زبان مقصد، آشنایی

با نگاهی به تغییرات حوزه کسب‌وکار در دنیای مدرن، به‌نظر می‌رسد اصول، تعاریف، سیاست‌گذاری‌های مشاغل و نیازهای حرفه‌ای آنان دستخوش تحول شده است. یکی از راهکارهای کسب موفقیت در مشاغل، آشنایی با همین تعاریف و اصول محیط‌های حرفه‌ای بعضاً نوین است. ترجمه در جایگاه شغل، امروزه دارای توصیف و اصول علمی و عملکردی خاص است که پرداختن بدان و آشنایی با ابعاد و زوایای مختلف این حرفه، با توجه به فراگیر شدن تربیت مترجم در محیط‌های دانشگاهی، ضروری به‌نظر می‌رسد. از این‌رو، در جستار محدود حاضر، تلاش می‌شود شمه‌ای از مختصات کسب‌وکار ترجمه در کشور، مبتنی بر رصد بازار کار کنونی ترجمه به خوانندگان ارائه گردد تا آنان که نظری به این وادی دارند، با درک و دید بازتری وارد آن شوند و چشم‌انداز روشنی از حرفه مترجمی و نیازهای آن بیابند؛ به‌عبارت ساده‌تر، تعریف درستی از آن را در ذهن پیروانند. این عمل می‌تواند مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی بازار و آموزش حرفه‌ای این کسب‌وکار و در نهایت، مبدع ارائه راهکارهای بسنده آموزشی برای تربیت مترجم باشد.

گام اول در این راستا، شناخت کافی از بازار کار مترجمی و نیازهای پایه این حرفه است. مترجمی از جمله مشاغل کهن، شناخته‌شده و پول‌ساز دنیاست. در جست‌وجویی ساده، دو شاخه عمده برای این حرفه تعریف

”مترجمی از جمله مشاغل کهن، شناخته‌شده و پول‌ساز دنیاست. در جست‌وجویی ساده، دو شاخه عمده برای این حرفه تعریف می‌شود: مترجمی کتبی و شفاهی

”چهار بخش از بازار مشاغل کشور، متقاضی اصلی جذب مترجم‌اند: ۱. دفاتر ترجمه رسمی؛ ۲. نشریات؛ ۳. رسانه‌ها و ۴. مشاغل نیازمند روابط بین‌الملل

می‌رسد. این توانش‌ها در بازار کار سنتی، با تعدد کمتری وجود داشت؛ اما در بازار کار مدرن، ابعاد گسترده‌تری یافته است. توانش‌های عمومی عملاً به آن دسته از توانش‌ها اطلاق می‌شود که در دنیای امروز، میان اکثر رشته‌ها و مشاغل مرتبط با آن‌ها مشترک بوده و مهارت‌هایی را در برمی‌گیرد که امکان پویایی در کسب‌وکار و جابه‌جایی در حوزه‌های متعدد و مرتبط شغلی را به فرد می‌دهد و طیف وسیعی از توانمندی‌های شغلی را شامل می‌شود. از جمله آن‌ها می‌شود به این گزینه‌ها اشاره کرد: انعطاف‌پذیری؛ اعتمادبه‌نفس؛ توانایی کار گروهی؛ تفکر انتقادی؛ خلاقیت؛ دقت؛ توانایی تصمیم‌گیری؛ نگاه تحلیلی‌گر؛ مهارت‌های محاسباتی؛ آشنایی با کامپیوتر و تکنولوژی‌های مرتبط شغلی؛ توانمندی در تعاملات بین‌فردی و مانند آن.

از نگاهی دیگر، کسب و کار^۲ انواع مختلفی دارد: کسب‌وکارهای خانگی؛ کوچک و متوسط؛ بزرگ و کسب‌وکارهای اینترنتی. حرفه ترجمه با توجه به ماهیت اجرایی گسترده و نیازداشتن به زیرساخت‌های کلان شغلی، در بیشتر اشکال ذکر شده، قابلیت اجرا دارد و لذا، یکی از اجراشدنی‌ترین و سودآورترین مشاغل در دنیا محسوب می‌شود. مراکز خدمات ترجمه در داخل کشور، اغلب، از نوع خانگی یا کسب‌وکارهای کوچک و متوسطاند و هیچ کسب‌وکار بزرگ و سامان‌یافته ترجمه با چارچوبی مشخص و زیرساخت‌ناشن بنیان در کشور وجود ندارد. البته تلاش‌های پراکنده و بعضاً فرهنگ‌بنیاد و بیشتر از نوع مردم‌نهاد، در برخی برهه‌های زمانی، از سوی برخی افراد دل‌سوز و دغدغه‌مند برای سروسامان دادن به این حوزه، صورت گرفته که البته، به‌دلیل نبود پشتیبانی لازم، نیمه‌تمام رها شده و راه به جایی نبرده است. لذا، نیاز

با مفاهیم و مسائل فرهنگی، قدرت تشخیص و بازتولید سبک متن اصلی از جانب مترجم تأکید دارند و این توانش‌های حرفه‌ای از ملزومات مسلم کاری آن‌هاست. دفاتر ترجمه رسمی علی‌رغم فعالیت‌های گسترده‌ای که دارند، بیشتر بر ترجمه حقوقی و مسائل مرتبط با آن تمرکز دارند؛ مسئولیتی که برای آن از قوه قضائیه مجوز گرفته‌اند. رسانه‌ها به ترجمه متون مطبوعاتی کتبی (جراید) و شفاهی (چندرسانه‌ای) در حوزه‌های مختلفی چون اقتصاد، سیاست، ادبیات، ورزش و... در شکل تخصصی آن می‌پردازند. زمان و سرعت از جمله متغیرهای مؤثر در ترجمه برای رسانه به حساب می‌آیند و مسلماً ترجمه در زمان کم و با سرعت زیاد، از جمله توانش‌های مهم برای جذب نیروی کار در این حوزه به‌شمار می‌رود. نیاز حرفه‌ای مراکز بین‌المللی به ترجمه، تنها به تعاملات خارجی این مراکز محدود و به میزان گستردگی فعالیت خارجی آن‌ها وابسته است. این تعاملات معمولاً به برگزاری نشست‌های دو یا چندجانبه در کنار ترجمه مکاتبات و اسناد مربوط، منحصر می‌شود. در مراکز با ابعاد و فعالیت کمتر، این نیاز به توانش عمومی زبان خارجی در حوزه کاری شرکت، تقلیل‌یافتنی است. البته، فعالیت در این حوزه، علاوه بر توانش عمومی پیشرفته در زبان خارجی، آشنایی کافی با اصطلاحات تخصصی صنفی را نیز می‌طلبد و همواره یکی از چالش‌های مهم حرفه مترجمی، چه در آموزش و چه در بازار کار ترجمه به‌شمار می‌رود. تمامی نکات زیر، با عنوان «توانش‌های تخصصی»^۱ حرفه مترجمی دسته‌بندی می‌شود.

علی‌رغم تمام این تفاوت‌ها، مواردی هم به عنوان نیازهای عمومی و مشترک حرفه مترجمی مطرح است که عنوان «توانش‌های عمومی»^۲ برای آن، مناسب به‌نظر

مراکز نشر عمدتاً

بر مهارت‌های نگارشی

و ویرایشی در زبان

مقصد، آشنایی با

مفاهیم و مسائل

فرهنگی، قدرت

تشخیص و بازتولید

سبک متن اصلی از

جنب مترجم تأکید

دارند و این توانش‌های

حرفه‌ای از ملزومات

مسلم کاری آن‌هاست.

دفاتر ترجمه رسمی

علی‌رغم فعالیت‌های

گسترده‌ای که دارند،

بیشتر بر ترجمه

حقوقی و مسائل مرتبط

با آن تمرکز دارند:

مسئولیتی که برای آن

از قوه قضائیه مجوز

گرفته‌اند

نیاز حرفه‌ای مراکز

بین‌المللی به ترجمه،

تنها به تعاملات خارجی

این مراکز محدود و

به میزان گستردگی

فعالیت خارجی آن‌ها

وابسته است. این

تعاملات معمولاً به

برگزاری نشست‌های

دو یا چندجانبه در کنار

ترجمه مکاتبات و اسناد

مربوط، منحصر می‌شود





یکی از کسب‌وکارهای نوظهور ترجمه، سایت‌های برخط ترجمه هستند که به مدد فن‌آوری نوین و دسترسی آسان و بی‌دغدغه به اینترنت، به‌وجود آمده‌اند و بیشتر، شکل استارت‌آپی

علی‌رغم تمام مشکلات موجود و رکود بازار اقتصادی در دنیا و به‌تبع آن در کشور، حرفه مترجمی همچنان فعالیت با ظرفیت اشتغال‌زایی و قابلیت جذب نیروی کار فراوان است و نرخ رشد آن در مقایسه با سایر مشاغل بسیار زیاد است

در حوزه ویرایش ترجمه، ویراستار بیشتر درگیر بررسی وضوح، دقت و طبیعی بودن زبان ترجمه در متن مقصد است و معادل‌گزینی‌های مترجم در اصطلاحات تخصصی را نقد می‌کند

ماهانة شیراز کتاب شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴ خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

هم با ۴ بازبینی^۷ ترجمه، همراه می‌شد. میان ویراستاری، حروف‌خوانی و بازبینی ترجمه، تفاوت‌های ظریفی وجود دارد که معمولاً از آن غفلت می‌شود. این درحالی است که هر یک مهارتی خاص بوده و تعریفی معین دارد؛ همچنین، حدود و تکالیف برای هر کدام مشخص است. در حوزه ویرایش ترجمه، ویراستار بیشتر درگیر بررسی وضوح، دقت و طبیعی بودن زبان ترجمه در متن مقصد است و معادل‌گزینی‌های مترجم در اصطلاحات تخصصی را نقد می‌کند. نمونه‌خوانی متون نیز بیشتر روی ظاهر متن تمرکز دارد و ایرادهای املائی و نحوی اثر را حک و اصلاح می‌کند. بازبینی متن ترجمه، اما کاری حساس‌تر و نیازمند دانش و مهارت ویژه است. در این عمل، محتوای اثر بازبینی می‌شود و میزان پذیرش و رسمیت ترجمه در جامعه مقصد، مطالعه می‌شود. در دو حوزه ویرایش و حروف‌خوانی، اغلب، تمرکز بر متن مقصد است و مباحث فرهنگی در سنجش و تصحیح ترجمه دخالت‌چندانی ندارد. ولی در بازبینی متون ترجمه، غالباً نکات خاص فرهنگی و نحوه برگردان اثر و نیز شناخت زمینه‌های فرهنگی زبان مبدأ و مقصد با اولویت ضوابط زبان مقصد، مدنظر است و عملاً نوعی بومی‌سازی^۸ اثر ترجمه است. از جمله توانمندی‌های دیگری که از مترجم انتظار می‌رود، آوانگاری^۹ و استنساخ یا پیاده‌سازی^{۱۰} مطالب نوارهای صوتی و تصویری است. در آوانگاری، اصوات یک زبان با حروف زبان دیگر مکتوب می‌شود و در استنساخ، مطالب نوارهای صوتی و تصویری متنی شفاهی پیاده‌سازی می‌شود که می‌تواند به زبان نوار یا زبان ترجمه مکتوب گردد و خود به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌شود. خدمات دیگر ترجمه که می‌تواند در شرح وظایف مترجم گنجانده شود و کمابیش در کشور، ظهور و بروز برجسته‌ای یافته‌اند، عبارت است از: اعتبارسنجی متون ترجمه^{۱۱}؛ ترجمه چندرسانه‌ای^{۱۲}؛ بازآفرینی محتوا، با رعایت حق

میرمی به سیاست‌گذاری درخور و برنامه‌ریزی مناسب، به‌ویژه از سوی دولت، در این مقوله احساس می‌شود. یکی از کسب‌وکارهای نوظهور ترجمه، سایت‌های برخط ترجمه هستند که به مدد فن‌آوری نوین و دسترسی آسان و بی‌دغدغه به اینترنت، به‌وجود آمده‌اند و بیشتر، شکل استارت‌آپی دارند. این نوع اخیر، به‌ویژه از سوی خیل عظیم دانش‌آموختگان دانشگاهی ترجمه در کشور، با استقبال فراوان، روبه‌رو شده است. علت هم کم‌هزینه‌بودن و دردسترس بودن محیط مجازی برای کارفرما و مشتری ترجمه و نیز قابلیت ارائه خدمات به ساده‌ترین و دردسترس‌ترین شکل ممکن است. به‌علاوه، نبود برنامه‌های مدون و دیدگاهی جامع در جذب نیروی کار مترجمی، به رشد بیش از پیش چنین رویه حرفه‌ای از مشاغل، در فضای مجازی دامن می‌زند که البته ویژگی منفی محسوب نمی‌شود و فقط خاص رشته ترجمه هم نیست. در هر حال، علی‌رغم تمام مشکلات موجود و رکود بازار اقتصادی در دنیا و به‌تبع آن در کشور، حرفه مترجمی همچنان فعالیت با ظرفیت اشتغال‌زایی و قابلیت جذب نیروی کار فراوان است و نرخ رشد آن در مقایسه با سایر مشاغل بسیار زیاد است. این موضوع زمانی پررنگ‌تر می‌شود که بدانیم در جهان حرفه‌ای و تخصص‌گرای امروز، رسالت مترجم دیگر مانند گذشته، صرفاً برگردان متن از زبانی به زبان دیگر نیست و دنیای مدرن، فرصت‌ها و شرح وظایف مبسوطی را به متخصص ترجمه عرضه می‌کند. فعالیت‌های حرفه‌ای که امروزه از دانش‌آموخته ترجمه انتظار می‌رود، طیف وسیعی از مشاغل در حیطه صنعت پر درآمد زبان را شامل می‌شود و بعضاً حوزه‌های نوینی را دربرمی‌گیرد که قبل‌تر برای مترجمان، تعریف نشده بود. عناوین شغلی سنتی بازار ترجمه، محدود به فعالیت‌های ۱. ترجمه در معنای عام آن^۲؛ ۲. ویراستاری^۳ و ۳. حروف‌خوانی^۴ بود که گاهی

می‌شود. در مسائل کلان، نبود نهاد و متولی قدرتمندی که آشفته‌گی‌های حوزه ترجمه را سامان کند، به شدت مشهود است. البته در این راستا، فعالیت‌هایی هم در گوشه و کنار فضای شغلی ترجمه، از دیدگاه‌های متنوع اقتصادی و فرهنگی صورت گرفته که به دلایل مختلف، به شکست انجامیده است یا به کارآمدی لازم نرسیده و در نهایت، به محاق فراموشی فرورفته است که باز، جای بحث جداگانه دارد. آنچه مسلم است، از آنجا که توفیق مباحث اجرایی کلان در ایران باید از پشتیبانی دولت، به لحاظ تخصیص بودجه و مهم‌تر از آن، از نظر الزامات اجرایی، بر خوردار باشد تا بتواند به نتیجه تقریبی مناسب دست یازد، لازم خواهد بود سیاست‌گذاری‌های بایسته و منطقی در این زمینه، طراحی گردد. این مهم با توجه به تهدید بزرگ بیکاری در کشور و اهتمام اخیر دولت به سامان‌دهی بازار کار آشفته حوزه علوم انسانی، می‌تواند میسر گردد؛ البته اگر مانند طرح‌های متعدد دیگر که در زمان خود، مبتنی بر مشاوره‌های علمی و تجربی حائز بهره‌وری معرفی شدند، در ادامه، نیمه‌کاره رها نگردد و بعد از مدتی با صرف هزینه‌های هنگفت، فاقد بازدهی کافی نباشد و غیراجرایی تشخیص داده نشود!

افزون بر همه این‌ها، مشکلات حوزه نشر هم در این حرفه رسوخ دارد و مشکلات آن را دوچندان کرده است. سرانجام کتاب‌خوانی در کشور، غیرفرهنگی بودن ناشران و عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای از سوی آنان؛ بی‌برنامه‌بودن صنعت نشر در انتخاب اثر ترجمه و نبود گزینش علمی و دقیق برای شناخت نیازهای جامعه؛ توجه نکردن به جایگاه و پیراستار ترجمه در اصلاح و خوانش پذیر کردن متن ترجمه؛ و نیز مفضل کتاب‌سازی، از جمله نمونه‌های فراوانی است که می‌شود برشمرد. متأسفانه، وضعیت ترجمه کشور از این نظر گاه، به هیچ‌روی، خوب نیست و این‌ها تنها معدودی از کاستی‌های بازار کار رسمی ترجمه در کشور بود. حال آنکه نابسامانی وضعیت بازار غیررسمی ترجمه، چندین برابر بازار رسمی است و مطلقاً از هیچ ضابطه‌ای پیروی نمی‌کند و هرج‌ومرج بیش‌ازپیش این حوزه را فراهم می‌آورد.

گذشته از مسائل کلان بازار ترجمه، چالش‌های خرد نیز پراکندگی و بی‌نظمی بیشتری را باعث می‌شوند. این چالش‌های خرد در سطح توانش مترجمان، جای بحث دارد. مترجمانی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند، جوانانی هستند که توانش کافی در عمل ترجمه، کسب نکرده‌اند. تنها مواجهه و مکاشفه آنان با زبان خارجی در دانشگاه یا کلاس‌های زبان اتفاق افتاده است؛ آن هم به‌شکلی ناقص و نادرست. این افراد به تصور اینکه زبان خارجی را خوب می‌دانند و زبان مادری هم ملک شش‌دانگ آن‌هاست، به ترجمه روی می‌آورند و بدون شناخت فرهنگ مبدأ و دانش کافی و مسئولیت‌پذیری

مالکیت معنوی اثر^{۱۳}؛ بومی‌سازی و بساطت‌ها، نرم‌افزارها و بازی‌های کامپیوتری؛ و پیراستاری ترجمه‌های ماشینی؛ ترجمه معکوس^{۱۴} و نشر رومیزی^{۱۵}. هر کدام از انواع شغلی مذکور، حائز تعاریف و نیازمند توانمندی‌های خاص است که توضیح آن در محدوده یادداشت حاضر نمی‌گنجد و باید در جستاری مستقل بدان‌ها پرداخته شود.

از سوی دیگر، پیشرفت فن‌آوری مانند سایر حوزه‌های کاری، دنیای ترجمه را هم متحول کرده است. اکنون ابزارهای کمکی ترجمه در انجام بهینه تمام تکالیفی که برشمرديم، نقش دارد؛ به‌نحوی که رشد چشمگیر امروز بازار ترجمه، تا حد زیادی مرهون همین پیشرفت‌هاست. به‌عنوان مثال، تمام فعالیت‌های درج زیرنویس برای نوارهای صوتی و تصویری، با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی، با کیفیتی بهتر و سریع‌تر انجام می‌شود. در نشر رومیزی، مترجم دیگر ترجمه خود را به‌صورت دست‌نویس و بدون صفحه‌بندی اولیه ارائه نمی‌کند؛ بلکه به لطف نرم‌افزارهای عمومی یا تخصصی حوزه چاپ و نشر، بسیاری از کارهای صفحه‌بندی و گرافیک متن را خود انجام می‌دهد. به‌علاوه، ابزارهای کمکی ترجمه مانند ماشین ترجمه و حافظه ترجمه، از جمله ادوات کاری بلامناع این حرفه محسوب می‌شوند. نرم‌افزارهایی چون ترادوس، پالو، مومکيو و مانند آن، از نرم‌افزارهای معروف حافظه ترجمه‌اند که کار مترجم امروزی، بدون آن‌ها اگر لنگ نماند، از سرعت و دقت لازم، بی‌بهره خواهد بود. بنابراین، مهارت کاربری نرم‌افزارهای کاربردی عمومی و تخصصی حوزه نشر و ترجمه، در حال حاضر، به الزام شغلی مترجمی تبدیل شده است.

تا اینجا، به مرور الزامات حرفه‌ای و معرفی کسب‌وکار ترجمه، تبیین عناوین شغلی و شرح وظایف مترجم در شرایط کنونی صنعت زبان در ایران گذشت و چشم‌انداز وسیعی از این شغل، مقابل دیدگان جامعه جوان و جویای کار کشور به نمایش گذاشته شد. آنچه متذکر شدیم، نشانگر فرصت‌های عدیده شغلی و نیاز به تنوع توانمندی نیروی کار مترجمی است. اما سؤال اینجاست که چرا با وجود چنین ظرفیت اشتغال‌زایی و عناوین متعدد شغلی موجود برای حرفه، در کنار اهتمام فراوان جامعه دانشگاهی برای تربیت نیروی کار خیره مترجمی، فارغ‌التحصیلان این رشته هنوز نتوانسته‌اند آن چنان که باید، موجبات تحول و سامان‌دهی این حوزه را پدید آورند و ما نسبت به گذشته، شاهد تغییرات مطلوب‌تر در قلمرو این حرفه نیستیم. از این جهت، نگاه نقادانه به وضعیت کنونی بازار کار، اعم از زیرساخت‌های اجرایی و نیز نیروی کار این حرفه در کشور و آسیب‌شناسی اجمالی آن، ضروری به‌نظر می‌رسد.

با مرور وضعیت ترجمه در کشور، کاستی‌های زیادی در مسائل خرد و کلان حرفه‌ای ملاحظه

چرا با وجود چنین ظرفیت اشتغال‌زایی و عناوین متعدد شغلی موجود برای حرفه، در کنار اهتمام فراوان جامعه دانشگاهی برای تربیت نیروی کار خیره مترجمی، فارغ‌التحصیلان این رشته هنوز نتوانسته‌اند آن چنان که باید، موجبات تحول و سامان‌دهی این حوزه را پدید آورند و ما نسبت به گذشته، شاهد تغییرات مطلوب‌تر در قلمرو این حرفه نیستیم

سرانجام اندک

کتاب‌خوانی در کشور؛ غیرفرهنگی بودن ناشران و عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای از سوی آنان؛ بی‌برنامه‌بودن صنعت نشر در انتخاب اثر ترجمه و نبود گزینش علمی و دقیق برای شناخت نیازهای جامعه؛ توجه نکردن به جایگاه و پیراستار ترجمه در اصلاح و خوانش پذیر کردن متن ترجمه؛ و نیز مفضل کتاب‌سازی



” مترجم شدن زویه خاص خود را دارد و نیازمند توانش‌های نظری و عملی فراوان و تبصر لازم و کافی در زبان مبدأ و مقصد است

لازم، ترجمه می‌کنند! غافل از اینکه مترجم شدن زویه خاص خود را دارد و نیازمند توانش‌های نظری و عملی فراوان و تبصر لازم و کافی در زبان مبدأ و مقصد است. همچنین، با توجه به آنچه در معرفی مشاغل سنتی و مدرن ترجمه گفته شد، در حال حاضر، مترجمی در شکل تخصصی، فن‌محور و مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین، قابلیت اجرای مؤثرتری یافته است که بیشتر این مترجمان از آن بی‌بهره‌اند. صرف‌نظر از مشکلات کلان موجود، متأسفانه چند دهه آموزش ترجمه و وجود بیش از ۱۰ هزار ظرفیت آموزشی سالانه برای جذب دانشجوی مترجمی در دانشگاه‌های کشور، عملاً نتوانسته است بازدهی معقول و شایسته‌ای ارائه دهد. با این اوصاف، دانشگاه در پرورش توانش‌های لازم برای نیروی کار لازم در بازار ترجمه، ناتوان عمل کرده است. دانشجویی که پس از چند سال، به‌ویژه، پس از دوره کارشناسی، از نظام آموزشی خارج می‌شود، نه فرصت پیدا کرده است که زبان یاد بگیرد و نه فرصتی برای آموختن تخصص یافته و این فاجعه محض است. یعنی وقت و هزینه و عمر، بر سر کاری گذاشته شده و علی‌رغم این سرمایه‌گذاری، ظرفیت و فرصت مهارت‌آموزی نیروی کار جامعه، به هدر رفته است. از آنجایی که سیاست‌گذاری و آسیب‌شناسی مسائل کلان، اگر هم به شکلی جامع اتفاق بیفتد، ارزشمند بوده و می‌تواند اسنادی بر عملکرد ضعیف

بازار ترجمه ارائه کند؛ اما الزام اجرایی آن به نهادهای قدرت برمی‌گردد؛ به نظر می‌رسد بهتر است ابتدا به آسیب‌شناسی و بررسی جنبه‌های خرد معضلات این حوزه پرداخته شود تا حداقل بتوان در عملی کردن راهکارهای به‌دست‌آمده، بدون نیاز به مساعدت‌های بیرونی، گامی هر چند کوچک، به جلو برداشت. البته این حقیقت را هم نمی‌توان انکار کرد که دانشگاه هنرمند بار نمی‌آورد و فقط راه را باز می‌کند و به دانشجوی راهکار بروز هنرش را می‌نماید؛ این بدان معنی است که آموزش برای مترجم شدن، شرط لازم است، نه کافی. در تبیین این ادعا، به سخنان دکتر کزازی در همایش^{۱۶} اخیر ترجمه در بیرجند ارجاع داده می‌شود. ایشان بر این نکته تأکید دارند که دانشگاه به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند شاعر و نویسنده و مترجم تحویل جامعه بدهد و معتقدند افراد در دانشگاه، دانش می‌آموزند، نه آفرینش! و فرق است میان هنرمندی با هنرشناسی. در دانشگاه، هنر را می‌شناسانند و شناساندن، آگاهانه است؛ درحالی‌که هنر در گنه ذات خود، ناآگاهانه است. این ادعا اگر چه از وزانت تکلیف دانشگاه در تربیت مترجم می‌کاهد، آن را رد نمی‌کند. لذا جای بحث در تأثیر نظام آموزشی در تربیت مترجم و آسیب‌شناسی آموزش ترجمه در ایران، از منظری علمی و دفاع‌کردنی بازخواهد ماند که به یادداشتی دیگر موکول می‌شود.

” حقیقت را هم نمی‌توان انکار کرد که دانشگاه هنرمند بار نمی‌آورد و فقط راه را باز می‌کند و به دانشجوی راهکار بروز هنرش را می‌نماید؛ این بدان معنی است که آموزش برای مترجم شدن، شرط لازم است، نه کافی

پی‌نوشت‌ها:

۱. / specific competences. ۲. / generic competences. ۳. بر مبنای سند پیش‌نویس قانون بهبود فضای کسب‌وکار، اتاق تعاون و اتاق بازرگانی ایران، تعریف کسب‌وکار عبارت است از هر نوع فعالیت تکرار شونده اقتصادی از قبیل تولید، خرید و فروش کالا و نیز ارائه خدمات به‌قصد کسب منافع اقتصادی / ۴. / translation. ۵. / editing. ۶. / proofreading. ۷. / revision. ۸. / localization. ۹. / transliteration. ۱۰. / transcription. ۱۱. / linguistic validation. ۱۲. / audiovisual translation. ۱۳. / transcreation. ۱۴. / back translation. ۱۵. / desktop publishing (DTP). ۱۶. همایش ملی ترجمه و مطالعات بینارشته‌ای (۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵، بیرجند)

ادبیات ایران را در دنیای شما شناسند

رقبه‌سادات موسوی

موسی بیدج مترجم زبان عربی و یکی از پایه‌گذاران مجله شعر حوزه هنری و مجله طلایه بوده است. او نویسنده رادیوست و همچنین، سردبیر مجله تسبیح است که درباره ادبیات ایران به زبان عربی منتشر می‌شود و در فصلنامه سلسله/حوار نیز سردبیر بوده است. این نشریه، فصلنامه فرهنگ، هنر و ادبیات ایران برای جهان عرب است. بیدج، یادگیری زبان را امری لازم برای برقراری ارتباط با جهان و شناساندن افکار و اندیشه‌ها به جهان می‌داند. او یادگیری زبان را سعادت اجباری می‌داند و در این رابطه می‌گوید: «ممکن است کسی بگوید: من انگلیسی را دوست ندارم و یاد نمی‌گیرم و سرشت من عربی است»، چه اشکالی دارد؟! عربی یاد بگیرد و بتواند با ۲۲ کشور جهان ارتباط برقرار کند. چگونه باید ارتباط برقرار کرد؟ اگر زبان ندانید، نمی‌توانید مؤثر باشید.» آنچه در این گفت‌وگو آمده است، متن صحبت‌های موسی بیدج در حوزه ترجمه و ادبیات است.

ترجمه‌های دیگران، نگاهی به خودمان می‌اندازیم و دیگران هم می‌توانند در ترجمه‌های ما به خودشان نگاه بیندازند.

پس اعتقاد دارید یک روح کلی بر ادبیات حاکم است که با ترجمه آن می‌توان بر اندیشه و قلب‌ها تأثیر گذاشت. بله، تعبیر بسیار خوبی است. من معتقدم وقتی قانون دیگر نمی‌تواند حرفی داشته باشد، آن وقت، زمان ادبیات است. زمانی هست که شما قانون می‌گذارید؛ ولی پاسخ نمی‌گیرید؛ ولی ادبیات پاسخ می‌شوند. مثال می‌زنم: شما در پارک هستید. یک تابلو می‌زنید که هر کسی از این پارک، گل بچیند، ۱۰ هزار تومان جریمه می‌شود. این قانون است؛ ولی بعضی‌ها به‌طور پنهانی می‌روند گل می‌چینند؛ اما اگر با ادبیات این کار را بکنید، فراتر از قانون هستید. می‌گویید گل در بسترش چه زیبا نشسته است، آن را پاس بداریم. من معتقدم جایی که قانون به

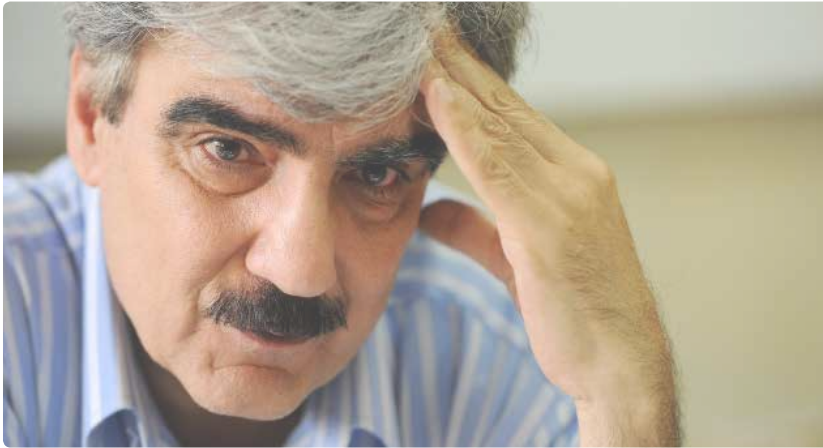
متن معیار برای ترجمه، باید حاوی چه مؤلفه‌هایی باشد تا شایستگی ترجمه را به زبانی دیگر پیدا کند؟

من بیشتر کارم را به‌صورت تخصصی‌تر بر روی ادبیات و از طریق ادبیات گذاشته‌ام؛ چون معتقدم از طریق ادبیات، می‌شود جهان را فتح کرد و نه از طریق سیاست. اگر هم بخواهیم روشن‌تر بگوییم، ادبیات مانند سربریدن باره است؛ ولی با شمشیر نه. خیلی راحت می‌شود از طریق ادبیات به فراتر از مرزها رفت؛ به‌خصوص اینکه می‌توان اندیشه‌های انسانی را بازتاب داده و ویژگی‌های انسانی این اندیشه‌ها را که از طریق ادبیات در آینه آمل و آلام ملت‌هاست، می‌توان به‌راحتی بازگو کرده و به فرامرزها انتقال دهیم.

شخصی حرف خوبی زده بود که اگر در دست کسی که در کنار توست، آینه باشد، تو می‌توانی از طریق آینه او، نگاهی هم به خودت بیندازی. به نظر می‌رسد در ترجمه همین اتفاق می‌افتد. ما در

از طریق ادبیات، می‌شود جهان را فتح کرد و نه از طریق سیاست. خیلی راحت می‌شود از طریق ادبیات به فراتر از مرزها رفت

در ترجمه‌های دیگران، نگاهی به خودمان می‌اندازیم و دیگران هم می‌توانند در ترجمه‌های ما به خودشان نگاه بیندازند



۹۹ برای شناساندن اندیشه و شعر و ادبیات ایران دو کار می‌شود کرد: «یکی اینکه برنامه‌ریزی کنیم که ما چه کاری باید بکنیم و کارمان دیمی نباشد و دوم اینکه این شخص را حمایت کنیم و باعث شویم این اتفاق سریع‌تر بیفتد.»

بن بست می‌رسد، تازه کار ادبیات و شعر شروع می‌شود. قابلیت ادبیات و شعر ایرانی را تا این اندازه می‌دانید که بتواند انسانیت خود را به دیگر زبان‌ها انتقال دهد؟
حتماً، برای اینکه ادبیات و شعر و اندیشه، از طریق شعر باید وارد روح انسانی شود، نه از طریق فلسفه یا سیاست. چون اندیشه‌ای وجود دارد و شما لباس زیباشناختی بر تن آن می‌کنید و خوب هم آن را اجرا کرده و بعد، مخاطب می‌پسندد. اینکه اندیشه و شعر و ادبیات ایران قابلیت بازگویی در بیرون از مرزها را دارد یا ندارد؟ من به‌طور قطع، می‌گویم: «دارد» و ثابت هم شده است که دارد. ادبیات ایران وجود دارد؛ اما چرا آن را نمی‌شناسند؟ برای شناساندن، دو کار می‌شود کرد: «یکی اینکه برنامه‌ریزی کنیم که ما چه کاری باید بکنیم و کارمان دیمی نباشد و دوم اینکه این شخص را حمایت کنیم و باعث شویم این اتفاق سریع‌تر بیفتد.»

۹۹ ما کانون‌های مختلف یادگیری زبان داریم؛ ولی آموزش ترجمه نداریم و جایی را پیدا نمی‌کنید که ترجمه کتاب ادبی را به شما بیاموزد؛ فقط باید در کنار مترجم کارکشته ادبی بنشینید که این اتفاق برای شما بیفتد

الان فضای نشریه شیراز و استقبال از آن، در جهان عرب چگونه است؟
ما ۲۰ شماره مجله شیراز در آورده‌ایم.

چند وقت یک بار؟

شیراز فصلنامه است؛ ولی اسمش گاهنامه است و بیگاهنامه. تلاش کردیم صداندی شاعر امروز ایرانی معرفی کرده است و ۱۰۰ نویسنده امروز ایرانی معرفی کرده است که هر کدام با یک داستان و یک بیوگرافی و یک عکس و شعر است. با کسانی که در ارتباط با ادبیات ایران، استادان و مترجمان، با آن‌ها گفت‌وگو کرده‌ایم و مقالاتی در ارتباط با معرفی سیر داستان‌نویسی ایران، سیر شعر نو از آغاز تا امروز، از نیما، از جهان‌زاده در شماره‌های مختلف بازگو کردیم و به‌نظر من، با اینکه کار خیلی کوچکی محسوب می‌شود؛ اما در نبود کارهای دیگر، خیلی کار عظیمی است و هیچ‌کس در هیچ زمانی و در هیچ مکانی، ادبیات ایران را به این شکل معرفی نکرده است.

خیلی از عرب‌هایی که اهل ادبیات هستند، می‌گویند: «این مجله در کتابخانه ما جا دارد و این مجله نیست، بلکه یک مرجع است. جای بسی خوشحالی است که چنین کاری را انجام داده‌ایم.»

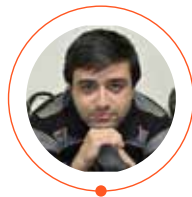
یعنی باید متولی داشته باشیم که مترجم را کشف کند؟
بله، هم متولی باشد و هم خود مترجم بگوید: «من هستم.»

در حال حاضر، وضعیت عمومی ترجمه در فضای زبان عربی را چطور می‌بینید؟
فکر کنم در عربی، چند نفر دل‌سوزانه کار می‌کنند و تشویق می‌شوند. بنده ده کتاب در جهان عرب منتشر کرده‌ام.

در کشور ما معضل، یادگیری زبان است. دانشگاه یک طرف قضیه است. دانشگاه آموزش می‌دهد؛ ولی برای ترجمه، پرورش هم نیاز است و آموزش‌وپرورش برای ترجمه، کنار همدیگر نیاز است.
شما که می‌خواهید در این راه وارد شوید،

۹۹ شیراز فصلنامه است؛ ولی اسمش گاهنامه است و بیگاهنامه. خیلی از عرب‌هایی که اهل ادبیات هستند، می‌گویند: «این مجله در کتابخانه ما جا دارد و این مجله نیست، بلکه یک مرجع است. جای بسی خوشحالی است که چنین کاری را انجام داده‌ایم.»

حرفه: مترجمی



محمد معماریان
مترجم

بسیاری هنوز فکر می‌کنند که در ترجمه حرفه‌ای، فقط «زبان‌ها» اهمیت دارند که هر کس در دانشکده خود ترجمه‌ای کرده است، می‌تواند مترجم شود و ترجمه کاری به‌نسبت ساده و روان است.

باید از همین ابتدا تأکید کرد که مترجم حرفه‌ای «کاردان» بازیگری مهم از دو منظر اقتصادی و فنی است. مترجمان حرفه‌ای، کارشناسان فنی ماهر در دو زمینه‌اند: یکی محتوایی که ترجمه می‌کنند و دیگری ابزارها و نرم‌افزارهای فناوری اطلاعاتی که روزبه‌روز تخصصی‌تر می‌شوند و باید توانایی استفاده‌شان را داشته باشند. آن‌ها به‌واقع «کارشناسان مهندسی ارتباطات چندرسانه‌ای چندزبانه» هستند.

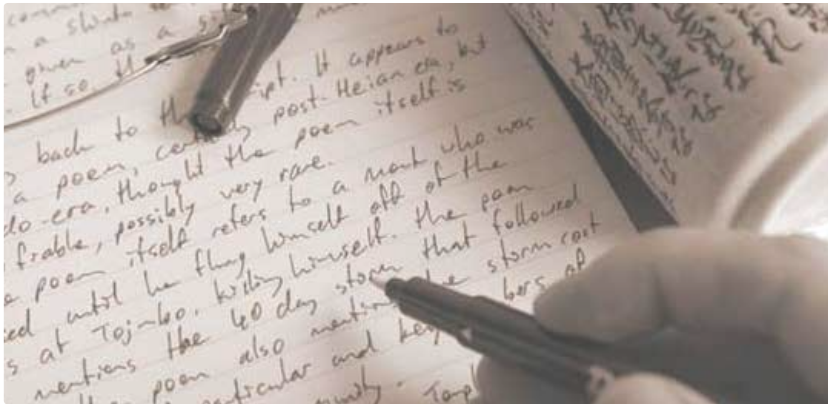
زبان‌دانی ضروری، اما ناکافی است. ورای مهارت مطلق زبانی، به دانش کامل از پیشینه‌های فرهنگی، فنی، حقوقی و تجاری و درک کامل از موضوع هم نیاز است. همچنین استعداد نویسندگی، عطش سیری‌ناپذیر به دانش و استقامت، پشتکار و ابتکار لازم برای یافتن آن اطلاعات یا مطلعین که برای درک کامل موضوع ضروری‌اند نیز باید وجود داشته باشد.

مترجم فقط در صورتی می‌تواند امید بقا و شکوفایی در این حرفه را داشته باشد که توانایی ارتباط کارآ و بی‌دردسر را از هر دو جهت حرفه‌ای و شخصی، با شرکای متعدد داشته باشد: مشتریان، همکاران،

دانیل گوئدک، حاصل سال‌ها پژوهش و تجربه خود را در حوزه مترجمی، در کتاب «حرفه ترجمه» آورده است. این کتاب، تحلیلی عمقی از حرفه و صنعت ترجمه است. آغاز کتاب، طیف متنوع ترجمه‌ها را معرفی کرده و مروری بر فرایندهای بومی‌سازی آثار مختلف دارد. بخش دوم به حرفه ترجمه و بازارهای مترجمان اختصاص دارد. در بخش سوم، نگارنده به فرایند «مترجم‌شدن» می‌پردازد و به‌ویژه، بر یافتن و نگهداشتن مشتریان و اجتناب از خطاهای رایج تأکید دارد. چهارمین بخش این اثر درباره مسائل حرفه‌ای این حوزه مثل هزینه‌ها، دستمزدها، ضرب‌الاجل‌ها، بازاربایی، بهره‌وری، اخلاقیات و امثال آن است و بخش پنجم به تحولات کلانی مانند فناوری‌های نوین ارتباطی و جهانی‌سازی می‌پردازد که تغییرات جاری در این حرفه و صنعت را رقم زده‌اند. بخش ششم کتاب هم بنا به تجربه نگارنده اثر، به مسائل رایج در حوزه آموزش مترجمان پرداخته است.

دانیل گوئدک، نگارنده این کتاب، استاد بازنشسته ادبیات و ترجمه در دانشگاه رین ۲ (فرانسه) است. او به‌خاطر سال‌ها فعالیت دانشگاهی و آموزشی خود برنده مدال «نخل سیمین» دولت فرانسه شد که به برجسته‌ترین پژوهشگران حوزه فرهنگ و آموزش اعطا می‌شود. در ادامه، مروری بر قسمت‌هایی از مقدمه و فصل اول این اثر داریم.

”مترجم حرفه‌ای «کاردان» بازیگری مهم از دو منظر اقتصادی و فنی است. مترجمان حرفه‌ای، کارشناسان فنی ماهر در دو زمینه‌اند: یکی محتوایی که ترجمه می‌کنند و دیگری ابزارها و نرم‌افزارهای فناوری اطلاعاتی که روزبه‌روز تخصصی‌تر می‌شوند و باید توانایی استفاده‌شان را داشته باشند. آن‌ها به‌واقع «کارشناسان مهندسی ارتباطات چندرسانه‌ای چندزبانه» هستند



«هرچند مترجمان همگی یک حرفه دارند، بازارهای ترجمه چنان متفاوت اند که می توان از «حرفه های مختلف مترجمی» حرف زد. مترجمان آزاد به مترجمان قراردادی پشت کرده اند و دسته دوم هم عامدانه آزاد کارها را نادیده می گیرند؛ مگر آنکه «برایشان کار جور کنند.» مترجمان هر یک از این دو جبهه وانمود می کنند که از رُخدادهای جبهه دیگر بی خبرند

تأمین کنندگان اطلاعات و ادبیات، بازمین ها، کارفرمایان، مسئولین امور مالیاتی و تأمین اجتماعی، ارائه دهندگان خدمات اینترنت و بسیاری دیگر. داشتن قدری پیش زمینه در حوزه های بازاریابی، مدیریت و حسابداری هم ضروری ندارد.

چون واژه دیگری نداریم که دامنه گسترده فعالیت های موجود در خدمات ترجمه را پوشش دهد، به ارائه دهندگان این خدمات «مترجم» می گوئیم؛ اما افراد مختلف، برداشت های متفاوتی از «مترجم» دارند چون:

● بسته به نوع محتوا، شیوه ترجمه، قلمرو، فناوری ها و ابزارهای استفاده شده، مترجمان شکل و شمایل مختلفی دارند؛

● مترجمان آزاد و قراردادی با مسائلی و مشکلات یکسانی دست به گریبان نیستند؛

● بسته به سازمان دهی شغلی، ابزارهای استفاده شده برای ترجمه و شرکایی که هر مترجم با آن ها درگیر است، شغل «ترجمه» انبثانی از تجربه های مختلف و متفاوت است؛

● هر چند مترجمان همگی یک حرفه دارند، بازارهای ترجمه چنان متفاوت اند که می توان از «حرفه های مختلف مترجمی» حرف زد. روش ها و شرایط کار حرفه ای در این بازارها، شاید یک دنیا با هم فرق داشته باشند. نتیجه تعجب برانگیز ماجرا آن است که خود مترجمان اغلب، این حرفه را کمتر از سایرین می شناسند: مترجمان آزاد به مترجمان قراردادی پشت کرده اند و دسته دوم هم عامدانه آزاد کارها را نادیده می گیرند؛ مگر آنکه «برایشان کار جور کنند.» مترجمان هر یک از این دو جبهه وانمود می کنند که از رُخدادهای جبهه دیگر بی خبرند.

«منظور از ترجمه حرفه ای، تمرین ترجمه آکادمیک نیست و به «ترجمه به خاطر لذت ترجمه» هم ربطی ندارد. ما از کسب و کار ترجمه حرف می زنیم

این کتاب با در نظر گرفتن تنوع شیوه ها، وضعیت ها و محیط ها، به دنبال شرح و تحلیل دنیای حقیقی «ترجمه تخصصی حرفه ای» است. در این کتاب، توضیح می دهیم که چرا ترجمه حرفه ای، ستون ارتباطات چندرسانه ای چندزبانه است. در اینجا، رویه های شغلی روزمره مترجمان حرفه ای را شرح می دهیم و به پرسش های کسانی که به فکر این شغل اند یا هم اکنون مترجم اند و می خواهند موفق تر شوند پاسخ می دهیم.

مجموعه ای این نکات، وظایف شغلی پرچالش و نفس گیری برای مترجم حرفه ای رقم می زند که فرایند کاری آن از سه مرحله تشکیل می شود: پیش از ترجمه؛ عملیات ترجمه؛ پس از ترجمه. منظور ما از ترجمه حرفه ای، تمرین ترجمه آکادمیک نیست و به «ترجمه به خاطر لذت ترجمه» هم ربطی ندارد. ما از کسب و کار ترجمه حرف می زنیم. در این کسب و کار، باید شش مسئله کلیدی را مد نظر قرار داد. در اینجا به اختصار، این شش مسئله کلیدی را شرح می دهیم تا طرح کلی از حرفه مترجمی در بستر صنعت و بازار بزرگ ترجمه ترسیم شود.

۱. از ترجمه که حرف می زنیم، از چه حرف می زنیم؟

مردم معمولاً وقتی می فهمند کاری ترجمه شده است که بد ترجمه شده باشد. مرسوم ترین نقطه تماس افراد با ترجمه نیز در کلاس های زبان یا هنگام شنیدن صدای

بدین منظور، مترجم باید به این موضوعات دقت کند: بافت فرهنگی که زمینه دریافت و فهم پیام را تشکیل می‌دهد؛ نظام ارزشی کاربر نهایی؛ مؤثرترین راه برای ارائه استدلال‌ها و اطلاعات؛ عُرف‌های رایج سبک و بلاغت در زبان مقصد؛ همچنین، کلیشه‌های زبانی.

۵. ذی‌نفعان

از منظر اقتصادی، ترجمه حرفه‌ای سهم بسزایی در کل بخش خدمات دارد. ارزش صنعت ترجمه به چندین میلیارد یورو می‌رسد. برآوردها حاکی از آن است که گردش مالی حاصل از ترجمه‌های تجاری در سال ۲۰۰۵ بین ۹ تا ۱۵ میلیارد دلار بوده است و نرخ رشد این صنعت نیز بسته به منطقه جغرافیایی و انواع ترجمه، بین ۵ تا ۱۰ درصد تخمین زده می‌شود. این ارقام فقط به بخش ترجمه تجاری مربوط هستند و خدمات ترجمه در حوزه‌های دیگر مانند مطبوعات، مدیریت، ارتباطات، تلویزیون و صنعت فیلم را شامل نمی‌شوند. همچنین، ترجمه را می‌شود سلاخی استراتژیک، اقتصادی، ایدئولوژیک و فرهنگی نیز قلمداد کرد. ترجمه خوب می‌تواند برای یک بنگاه یا صنعت، ارزش افزوده ایجاد کند؛ چون وجهه محصولات و خدمات آن را بهبود بخشیده و اعتماد مشتریان را بهتر جلب می‌کند و در سطح کلی‌تر، ترجمه می‌تواند پیامدهای فکری، اقتصادی، فرهنگی و زبان‌شناختی برای ملت‌های مختلف داشته باشد.

۶. تنوع ترجمه‌ها

شیوه‌های مختلفی برای دسته‌بندی ترجمه‌ها وجود دارد. مرسوم‌ترین دسته‌بندی ترجمه‌ها بر اساس موضوع یا «قلمرو» است: ترجمه آثار ادبی مانند آثار نمایشی، شعر، کتاب کودک و...؛ اسناد فنی؛ اسناد پزشکی؛ اسناد اقتصادی؛ اسناد مالی؛ اسناد حقوقی؛ اسناد بازاریابی و تبلیغاتی؛ اسناد مرتبط با فناوری ارتباطات و اطلاعات و سایر حوزه‌های مشابه. همچنین، ترجمه‌ها را می‌توان بر حسب نوع سند، کاربرد نهایی و نوع رسانه منتشرکننده ترجمه نیز دسته‌بندی کرد. حتی زیرساخت، تجهیزات، نرم‌افزار و رویه‌های استفاده‌شده برای ترجمه نیز معیاری برای دسته‌بندی محسوب می‌شوند که چهار گروه اصلی را تشکیل می‌دهد: ترجمه کاملاً انسانی؛ ترجمه با استفاده از ابزارهای کمکی غیرایمانه؛ ترجمه با کمک رایانه؛ ترجمه‌های که تمام یا بخشی از آن، به صورت خودکار یا ماشینی انجام شود.

مترجم اخبار است که دومی کار ساده‌ای به نظر می‌آید. پس جای تعجب نیست که بسیاری گمان می‌کنند ترجمه «کاری واقعی» نیست؛ برای ترجمه کافی است «زبان بدانید و لغت‌نامه خوبی داشته باشید» و کلمات و جمله‌ها را از یک زبان به زبان دیگر درآورد. ابزارهای ماشینی و خودکار ترجمه هم به این سوءتفاهم کمک کرده‌اند. پس این سؤال برایشان پیش می‌آید که چرا ترجمه این قدر طول می‌کشد؟ چرا این قدر گران است؟ چرا مترجم‌ها این قدر سؤال می‌پرسانند؟ دلایل این سوءتفاهم‌ها هر چه که باشد، باید بر نامه‌ای ریخت تا درک بهتری از ماهیت، چالش‌ها و پیچیدگی کل فرایند ترجمه ایجاد شود.

۲. هدف ترجمه

تقریباً هر چیزی را می‌توان به دست مترجم داد تا به زبان مقصد درآورد: کتاب، خبر، نرم‌افزار، بازی، قرارداد استخدام، آهنگ، زیرنویس فیلم، آگهی فوت، گواهی نامه، نتیجه آزمایش پزشکی، دستورالعمل استفاده از ابزارها و... و ترجمه فقط به متن محدود نمی‌شود. مثلاً مترجم یک تبلیغ بازرگانی ممکن است به مشتری خود بگوید آن رنگی که در فرهنگ‌های اروپایی نماد شادی و خوش‌بینی است، در فرهنگ مقصد نماد مرگ است. فهرست کارهایی که می‌توان ترجمه کرد، بی‌نهایت‌اند.

۳. ماهیت ترجمه

هدف ترجمه آن است که با عبور از موانع زبان‌شناختی، نمادین یا فیزیکی، امکان ارتباط مؤثر را فراهم کند. ترجمه برای توزیع کالاها، محصولات، خدمات، مفاهیم، ایده‌ها، ارزش‌ها و... ضروری است. لذا ترجمه باید هدف مشتری خدمات ترجمه و نیاز کاربر پیام را برآورده کرده و همواره منطبق بر معیارها و عُرف‌های رایج باشد. لذا مترجم نقشی کلیدی در واردات و صادرات ایده‌ها، مفاهیم، منطق‌ها، فرایندهای فکری، ساختارهای گفتگمانی، ایده‌ها، خدمات، اسطوره‌ها و امثال آن دارد.

۴. معیارهای کیفیت

معیار نهایی برای داوری درباره کیفیت ترجمه، اثربخشی و کارایی ارتباط است. نه اینکه برای ترجمه و بیان پیام از چه روش و ابزاری استفاده شده است. ترجمه با کیفیت باید دقیق، معنادار، فهم‌پذیر، مؤثر، مطابق عُرف‌ها و معیارهای رایج و در راستای نیازها و منافع مشتری باشد.

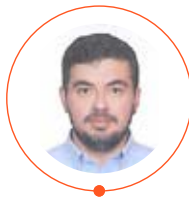
پی‌نوشت‌ها:

هدف ترجمه آن است که با عبور از موانع زبان‌شناختی، نمادین یا فیزیکی، امکان ارتباط مؤثر را فراهم کند. ترجمه برای توزیع کالاها، محصولات، خدمات، مفاهیم، ایده‌ها، ارزش‌ها و... ضروری است

معیار نهایی برای داوری درباره کیفیت ترجمه، اثربخشی و کارایی ارتباط است؛ نه اینکه برای ترجمه و بیان پیام از چه روش و ابزاری استفاده شده است

از منظر اقتصادی، ترجمه حرفه‌ای سهم بسزایی در کل بخش خدمات دارد. ارزش صنعت ترجمه به چندین میلیارد یورو می‌رسد. برآوردها حاکی از آن است که گردش مالی حاصل از ترجمه‌های تجاری در سال ۲۰۰۵ بین ۹ تا ۱۵ میلیارد دلار بوده است و نرخ رشد این صنعت نیز بسته به منطقه جغرافیایی و انواع ترجمه، بین ۵ تا ۱۰ درصد تخمین زده می‌شود

درباب پرداخت ترجمه



سیدمه‌محمدحسین میرفخرائی
مترجم و ویراستار

همان موضوع را با نگاهی کلان‌تر و این بار با تمرکز بر «فرایند انتقال معنا» بررسی کنم. فرایند آماده‌سازی متون ترجمه‌شده را در نگاه نخست می‌شود به سه مرحله تقسیم کرد: پیش از ترجمه و حین ترجمه و پس از ترجمه. پیداست که ویرایش و ویراستاری عمدتاً مربوط به مرحله پسینی ترجمه است. این بخش را به همان یادداشت پیشین حواله می‌دهیم و به‌سراغ دو مرحله دیگر می‌رویم: نخست، پیش از ترجمه. سؤال اصلی در اینجا این است: مترجم چه صلاحیت‌هایی باید داشته باشد؟ به‌عبارت دیگر، پیش‌نیاز [های] ورود به عرصه ترجمه چیست و چگونه می‌شود از تأمین آن‌ها اطمینان یافت؟ آیا علاقه صرف، بسنده است؟ سنجه راستینی این علاقه چیست و چه کسی می‌تواند دریابد که در این وادی، ماندگار است یا رفتنی؟ گذشته از علاقه و «شتم مترجمی»، آموزش ترجمه چه جایگاهی در پروراندن مترجمان چیره‌دست دارد؟ گاه این سووآن سو

منظور از «پرداخت» در این نوشتار کوچک کوتاه، صیقل و جلاست؛ یعنی کاری که برای «زدودن زنگ و امثال آن از سطح فلزات یا آینه‌ها» می‌کردند. این را همین ابتدا می‌گویم که ذهن خوانندگان به‌سوی معنای مالی این واژه نرود، البته ابعاد مالی ترجمه هم فراوان، جای بحث و بررسی دارد؛ اما به‌جای خود، نکته بعد آنکه زنگ یا زنگار، بیشتر بر اثر مرور زمان و کهنگی اشیا بر آن‌ها عارض می‌شده است و حال آنکه درباره ترجمه لزوماً چنین نیست. چه‌بسا ترجمه‌هایی تروتازه که عجیب زنگ‌زده و زنگارگرفته‌اند. بگذریم، در این مدت کوتاهی که با متون ترجمه دست‌به‌گریبانم، (به همین شدت!) به کاستی‌هایی برخوردیم که نشان از معضل یا معضلی جدی بوده‌اند. در شماره پیشین، در مطلب «درباره ویرایش ترجمه» کوشیدم قسمتی از این کاستی‌ها را مطرح کنم و توجه خوانندگان را به اهمیت ویراستاری متون ترجمه‌شده جلب کنم. در این یادداشت قصد دارم

«منظور از «پرداخت» در این نوشتار کوچک کوتاه، صیقل و جلاست؛ یعنی کاری که برای «زدودن زنگ و امثال آن از سطح فلزات یا آینه‌ها» می‌کردند. این را همین ابتدا می‌گویم که ذهن خوانندگان به‌سوی معنای مالی این واژه نرود

«فرایند آماده‌سازی متون ترجمه‌شده را در نگاه نخست می‌شود به سه مرحله تقسیم کرد: پیش از ترجمه و حین ترجمه و پس از ترجمه

از کجا باید شروع کرد، خودش موهبتی است: کتاب مستطاب ترجمه‌کاوی اثر ارزشمند استاد بهاء‌الدین خرمشاهی. معرفی این کتاب باشد برای زمانی دیگر که فرصتی دست داد و توفیق، رفیق شد. نویسنده هم که معرف حضور است. پس حاشیه‌نویس و برویم سراغ متن. حقیقتاً هم می‌خواهیم به‌سراغ متن برویم؛ فصل دوم کتاب با عنوان «اصول و مسائل ترجمه». آنچه در ادامه می‌خوانید، سراسر وام‌گرفته از همین فصل است، با کمی پس‌وپیش و به‌قول خودمان «دست‌کاری». آنچه خرمشاهی در این بخش از کتاب آورده است، به‌نظم همان چیزی است که مترجم دانا در حین کار خود باید به آن ملتفت باشد.

در خطوط ابتدایی این یادداشت سخن از زنگ و زنگار شد. حال می‌خواهم توضیح دهم که مراد چه بوده و پرداخت در اینجا به چه معنا است. عبارت رایجی میان مترجمان ردوبدل می‌شود و آن این است: «فلان متن بوی ترجمه می‌دهد» این عبارت را وقتی به‌کار می‌برند که مترجم نتوانسته متن خود را به حدی برساند که خواننده حداقل در نگاه نخست دریابد که این متن از زبانی جز این زبان برگردانده شده است. بهاء‌الدین خرمشاهی نخستین کاربرد عبارت یادشده را به سیدمحمدعلی جمال‌زاده نسبت می‌دهد و سپس در تعریف آن می‌نویسد: «مراد از آن غرابت و غیرطبیعی بودن نحو و نحوه جملات و درنهایت، نثر و ساختار زبانی اثر ترجمه‌شده است. البته نامأنوس بودن واژگان خارجی غلیظ و آب‌نکشیده نبودن آن‌ها هم در پدیدآمدن بوی ترجمه مؤثر است.» مراد من نیز از «زنگ» همین ردی است که متن اصلی در متن ترجمه‌شده برجای گذاشته است و پرداخت یعنی هرچه کم‌رنگ‌ترکردن این

می‌شوم که کهنه‌کاران این عرصه معتقدند برخی جوانان و تازه‌کاران، از سرناچاری و ترس از بیکاری به ترجمه متوسل شده‌اند. چه سازوکاری می‌توان برای مدیریت و هدایت این دسته از «ترجمه‌ورزان» تدارک دید؟ قصد ندارم که در این چند خط، فقط به ذکر چند سؤال بسنده کنم و این کلاف را بیش از این سردرگم کنم؛ اما واقعیت این است که احراز صلاحیت مترجمان، کار شایسته و بلکه بایسته‌ای است که بر زمین مانده است. سخن از مترجمان رسمی نیست. این یکی سازوکارهای خود را دارد. سخن از تازه‌واردان این عرصه و صدها و هزاران دانشجوی رشته‌های مترجمی و زبان‌های خارجی است که همه‌روزه در اینجا و آنجا سرگرم ترجمه‌اند و کیست که نداند اینان چه سهمی در تطورات زبانی ما دارند. شاید بی‌انصافی باشد اگر برخی تلاش‌ها در این زمینه را به «لنگه‌کفش در بیابان» تشبیه کنیم؛ چه که بعضاً کارآمد و درخور تقدیرند. سخن این است که بیش از این‌ها باید به فکر بود و چه عیب که به تجربه دیگر کشورها و اصحاب دیگر زبان‌ها نیز در این میان سرکی بکشیم؟ آنچه تا اینجا گفتیم، همه در بیرون مترجم اتفاق می‌افتاد. اما چیزهایی هم هست که درون مترجم رخ می‌دهد و او را از سطح ترجمه‌ورزی به مترجمی می‌رساند؛ مثل مهارت در زبان مقصد (علاوه بر مبدأ) و کارآمدگی در نویسندگی و برخورداری از دایره واژگان گسترده. اهل فن خود در جست‌وجوی این امتیازات خواهند رفت. به همین مقدار بسنده می‌کنیم و به‌سراغ مرحله دوم می‌رویم: حین ترجمه.

مراد این است که مترجم در حین ترجمه باید به چه نکاتی دقت کند و حواسش به چه چیزهایی باشد. سخن در این زمینه بسیار است و همین که بدانم

” احراز صلاحیت

مترجمان، کار شایسته و بلکه بایسته‌ای است. که بر زمین مانده است. سخن از مترجمان رسمی نیست. این یکی سازوکارهای خود را دارد. سخن از تازه‌واردان این عرصه و صدها و هزاران دانشجوی رشته‌های مترجمی و زبان‌های خارجی است که همه‌روزه در اینجا و آنجا سرگرم ترجمه‌اند و کیست که نداند اینان چه سهمی در تطورات زبانی ما دارند

” چیزهایی هست

که درون مترجم رخ می‌دهد و او را از سطح ترجمه‌ورزی به مترجمی می‌رساند؛ مثل مهارت در زبان مقصد (علاوه بر مبدأ) و کارآمدگی در نویسندگی و برخورداری از دایره واژگان گسترده. اهل فن خود در جست‌وجوی این امتیازات خواهند رفت





۹۹ پرداخت یعنی کاستن و کاستن و کاستن از فاصله میان متن ترجمه شده و متن تألیفی. البته این کار گاهی نیز به وفاداری مترجم به متن اصلی آسیب می زند؛ اما این صدمه اگر از سر توجه و با دقت کافی باشد، هیچ ایرادی ندارد

One swallow does not make summer
نابرده رنج، گنج میسر نمی شود:
No pain, no gain
از چاله درآمدن و به چاه افتادن:
To fall from the frying pan into the fire
طبيب يداوى الناس و هو عليل: كورى عصاكش
كور دگر شود.

الطیور علی أشکالها تقع: کبوتر با کبوتر، باز با باز
زاد الطین بلّة: قوز بالای قوز شد.
۳. ترجمه نام اعلام: در ترجمه نام های خاص باید
دقتی مضاعف به خرج داد تا کار به جعل شخصیت های
من درآوردی نکشد! دقت در این مثال ها برای دریافتن
حساسیت این موضوع، مفید است.

آل بویه: Buyid dynasty
قاهره: Cairo

ابن سینا: Avicenna
میکافیلی: میکاویلی
أنقرة: آنکارا

الأخمينيون: هخامنشیان

با دقت در این نکات و نکاتی که پیش از این
گفته شد، می توان سطح ترجمه را تا حد قابل قبولی

ارتقا داد. برداشتن گام های بعدی در غنای ترجمه
در گرو دَمخوردن مترجم با متون ناب و فاخر زبان
و ادبیات است. اما این دیگر «فضل» است و آنچه

واجب می نماید، بازسازی متن در زبان مقصد است؛
به نحوی که خواننده، مقصود نویسنده را به راحتی و

بی کم و کاست دریابد. به قول استاد خرمشاهی: «برای
ترجمه مترجمی ضرورت دارد که شخص دست به

قلم داشته باشد و مهارتی البته نه در سطح عالی، در
فارسی نویسی و آشنایی با چم و خم و ریزه کاری های

نوشتن نویسنده داشته باشد. چنین فردی چون
مترجم شود، ترجمه اش بوی ترجمه نخواهد داد.

نقش. پرداخت یعنی کاستن و کاستن و کاستن از
فاصله میان متن ترجمه شده و متن تألیفی. البته این
کار گاهی نیز به وفاداری مترجم به متن اصلی آسیب
می زند؛ اما این صدمه اگر از سر توجه و با دقت کافی
باشد، هیچ ایرادی ندارد. میزان وفاداری یا بی وفایی (!)
به متن اصلی را می توان در طیفی نمایش داد و بسته
به هر متن هم ممکن است متفاوت باشد. باتوجه به
متن، انتخاب بر عهده مترجم است.

این از این؛ اما نکات و درواقع مثال هایی که در
ادامه می آید، شاید ضروری ترین گام های پرداخت
متون ترجمه شده است. هرگونه بی دقتی در ارتباط
با این نکات، نشان از شتاب زدگی مترجم یا کمی
درشت تر بگویم، نشان از کم مایگی اوست. این ها
نکاتی است که اگر رعایت نشود، در همان نگاه اول،
خواننده تیزبین را به کلی از کتاب و نویسنده و ناشرش
می رماند.

۱. ترجمه اصطلاحات: مترجم در برخورد با
اصطلاحات باید بداند که چنانچه ترجمه واژه به واژه
اصطلاح، نتیجه ای نامأنوس دارد، لازم است بکوشد
که نزدیک ترین معادل به آن را در زبان مقصد بیابد.
به این مثال ها دقت فرمایید.

زدن زیر قول: break one's word
سر زبان ها بودن، مورد توجه بودن:

Have a high profile
بزن قدش: High five

الصورة او الكتابة: شیر یاخظ
اللعب بالنار: با دم شیر بازی کردن
هنیئا: نوش جان

۲. ترجمه ضرب المثل ها: در ترجمه ضرب المثل ها
نیز باید به همین مسئله دقت کرد. مثال های زیر

موضوع را روشن تر می کند.
با یک گل بهار نمی شود:

۹۹ مترجم در برخورد
با اصطلاحات باید بداند
که چنانچه ترجمه
واژه به واژه اصطلاح،
نتیجه ای نامأنوس دارد،
لازم است بکوشد که
نزدیک ترین معادل به
آن را در زبان مقصد
بیابد

۹۹ استاد خرمشاهی:
«برای ترجمه مترجمی
ضرورت دارد که شخص
دست به قلم داشته
باشد و مهارتی البته
نه در سطح عالی،
در فارسی نویسی و
آشنایی با چم و خم و
ریزه کاری های نوشتن /
نویسنده داشته
باشد. چنین فردی چون
مترجم شود، ترجمه اش
بوی ترجمه نخواهد داد



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



- معرفی کتاب | بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای خرداد، تیر و مرداد ۷۲
- تزارش | گزیده‌ای از کتاب‌های معرفی شده در نشست‌های کتاب‌خوان فروردین ۷۸
- بسته پیشنهادی ارمان خوانی دفاع مقدس ۸۲
- وحید حسینی | پسر شهید سناتور ۹۰
- بهزاد دانشگر | بهزاد از ادواردو می گوید ۹۲
- معرفی کتاب | کتاب جمعه ۹۵



بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای خرداد، تیر و مرداد

۷۲

طعم کتاب

بسته پیشنهادی



بیداری
مصطفی جمشیدی
نیستان

«۱۹ ساله بودم که در میدان حسن آباد تظاهرات می‌کردیم و پیش از حمله به دانشجویان، من به‌طور معجزه‌آسایی از بین سربازهایی که نیزه‌های خود را در گوشت تظاهرکننده‌ها فرو می‌کردند، نجات پیدا کردم.» این را جمشیدی، نویسنده کتاب *بیداری* می‌گوید و ادامه می‌دهد: «در این رمان از کالبد انسانی، محیطی که در آن زندگی کرده و فضایی که احساس کرده‌ام، استفاده شود.» جمشیدی که خود در گیرودار انقلاب حضور داشته، معتقد است درباره انقلاب، زمانی در اندازه آنچه در حق آن است، هنوز نگارش نیافته است.

بیداری روایت داستانی از زندگی یک عضو ساواک و یک انقلابی است که از پیش با همدیگر آشنایی داشته‌اند و در سیر داستان، با یکدیگر برخورد می‌کنند. این داستان در واقع، نمایشی است از چگونگی به‌بلوغ رسیدن فرد انقلابی، در سیر حوادث سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی که در نهایت، به کشته‌شدن شخصیت ساواکی منجر می‌شود.



این مرد از همان موقع بوی مرگ می‌داد
محمد حنیف
اسم

رمان *این مرد از همان موقع بوی مرگ می‌داد* با نثری پیراسته و مستحکم، تقریباً تمامی اسلوب روایت سنتی را در سطح ساختاری به بازی گرفته است.

رمان حنیف توجه مخاطبش را به دنیاهای موازی می‌کشد، به دنیاهایی که نرم نرمک آنچنان در هم می‌آمیزند و یکی می‌شوند، گویی از آغاز چنین بوده‌اند. دنیای قدیم و جدید شخصیت‌های داستان، دنیای واقعیت و جادویی مردم ایران، و بدین‌سان دنیای نویسنده و خواننده اندام‌وار در هم می‌آمیزند. حوادث بزرگ جامعه همچون روح در زندگی خصوصی شخصیت‌های داستان دمیده می‌شوند. جادو، افسانه، اساطیر ایرانی و بومی و بر خلاف آنچه که در رمان‌های فانتزی معمول رایج است، در جسم زندگی واقعی مردم داستان حلول می‌نماید و با درونمایه‌های اصلی داستان ارتباطی تنگاتنگ پیدا می‌کنند.

نویسنده نمی‌خواهد از عناصر ماوراءطبیعی به عنوان مأمونی برای فرار از وقایع تلخ روزگار استفاده کند. او با بر هم زدن رابطه معمول بین نویسنده/خواننده با زبردستی خود را جای خواننده اثرش نشانده و شخصیت‌های داستانی را راوی زندگی خودشان و خودش کرده است.

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵



هندوی شیدا
سعید تشکری
نیستن

روزگار فراموش‌شده جدیدترین اثر داستانی مهدی رضایی است که به روزها و ایام انقلاب و مبارزات گروه‌های انقلابی علیه حکومت شاه پرداخته است. منظر نگاه و پرداخت مهدی رضایی در این اثر، ویژگی بارزی در مقایسه با آثار مشابه این فضا و موقعیت را دارد و آن هم این است که چالش اصلی نه بین گروه‌های مبارز و ساواک و مأموران شاهنشاهی، بلکه چالش اصلی میان اعضای همین گروه‌های مبارز و انقلابی است که این نگاه، منطقی آن پرداخته شده است.

مهدی رضایی در روایت خود از حوادث انقلاب، با شجاعت، مسئله‌خاکستری‌بودن انسان خوب و مؤمن و انقلابی را به‌نمایش گذاشته است. یعنی اسحاق و نیز رضا با تمام خوبی‌هایی که دارند، اشتباه می‌کنند و در واقع، نه اینکه می‌توانند اشتباه کنند. نویسنده در این کتاب، با زبانی روان و داستانی، به‌آسانی ماجراها را پیش می‌برد. هنوز فرصت‌های فراوان کشف‌نشده فراوانی در میان روزها و تاریخ انقلاب، در انتظار نویسندگان مستعدی چون مهدی رضایی برای خلق ادبیاتی فاخر مانده است.



روزگار فراموش‌شده
مهدی رضایی
شهرستان ادب



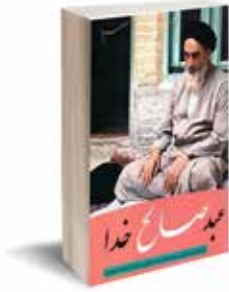
کتاب نامه‌های امام صادق (ع)
به شیعیان
زینب مهاجری
دفتر نشر معارف

گاهی در لحظه‌های سرگردانی و اضطراب و بلا تکلیفی دلمان می‌خواهد، بزرگتری، فرد آگاه و دل سوزی با لحنی صمیمی و همدلانه با ما به‌گفت‌وگو بنشیند. دلمان می‌خواهد در حال بدمان، به ما امید دهد، راهکار دهد، چیزهای نامفهوم را برایمان معنا کند و به ما برنامه دهد، تا از این سرگردانی خارج شویم، هدف پیدا کنیم، آرامش بگیریم و تحمل سختی‌ها و مشکلات برایمان آسان‌تر شود.

اما چه کسی بیشتر از امام معصوم حال ما را خواهد فهمید و راهنمایی همه جانبه را به ما عرضه خواهد داشت؟

اگر به دنبال جرعه‌ای آرامش و هدایت هستید مطالعه کتاب «نامه‌های امام صادق علیه‌السلام به شیعیان» را به شما پیشنهاد می‌کنیم.

کتاب «نامه‌های امام صادق علیه‌السلام به شیعیان» کتابچه‌ای مختصر و مفید است که مترجم و گردآورنده برای برداشتن مرز بین فاصله و ایجاد رابطه‌ای همدلانه بین امام و خواننده فارسی‌زبان، تنها به آوردن متن فارسی نامه‌ها اکتفا کرده و از قرار دادن متن عربی و عبارات و اصطلاحات تخصصی و عربی در متن و هرگونه تحلیل و توصیه و حاشیه‌نگاری خطابه‌ای خودداری کرده و با ادبیات شیوا و بدون تکلف متن ناب کلام امام را در اختیار خوانندگان قرار داده است.



عبد صالح خدا
مؤسسه جهادی صهبا

متن این کتاب، از مصاحبه اختصاصی مقام معظم رهبری با مرکز اسناد انقلاب اسلامی و تجمیع خاطرات و بیانات معظم‌له درباره زندگی و سیره مبارزاتی امام خمینی(ره) تشکیل شده است.

نگاه دقیق و موشکافانه مقام معظم رهبری به شخصیت حضرت امام و همراه شدن عکس‌ها و اسناد نشانه‌گذاری شده و کتابی متفاوت و خواندنی را برای مخاطب جوان و علاقه‌مندان به شناخت حضرت امام خمینی(ره) پدید آورده است.

در این کتاب، شاهد تصویری از دوران مبارزه حضرت امام خمینی(ره) و همچنین، گزارش‌های ساواک و شهربانی درباره فعالیت‌های مبارزاتی ایشان هستیم. همگی این تصاویر و گزارش‌ها از جمله اسنادی است که از آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی استفاده شده است.



۴۰ ویژگی جوان مسلمان و انقلابی
حجت‌الاسلام رضا غلامی
دفتر نشر معارف

کتاب ۴۰ ویژگی جوان مسلمان و انقلابی به‌قلم حجت‌الاسلام رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا به‌همت نشر معارف، روانه بازار کتاب شد که متن سخنرانی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدراست که ۱۶ اردیبهشت‌ماه در محل جامعه تعلیمات اسلامی ایراد شده است.

حجت‌الاسلام غلامی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، انگیزه‌های خود را از انتشار این ویژگی‌ها در قالب یک کتاب مستقل این‌گونه مطرح کرده است:

«اینجانب چند انگیزه اصلی از برشمردن ویژگی‌های جوان مسلمان و انقلابی داشتم. انگیزه نخست کمک به تشخیص و هویت‌یابی جوانان ایرانی و به‌طور کل جوانان دنیای اسلام، به‌ویژه در برابر موج سست‌کننده هویت‌زدایی از طریق جهانی شدن غربی است.»



دشمن دشمن
شهید کاظمی
مهدی طائب




کتاب حاضر، نخستین دفتر از مجموعه کتاب دشمن دشمن است که با رویکرد تاریخ بصیرت‌افزا و رصد جریان حق و باطل تدوین شده است.

اصل و اساس این پژوهش، برگرفته از تحقیقات و دروس تاریخ، استاد حوزه علمیه قم حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی طائب است که به‌همت محققان ارجمند به‌شکل کنونی آماده شده است.

در مقدمه کتاب آمده است: «گرچه برخی تعریف اصطلاحی تاریخ را علم به حوادث گذشته بشری دانسته‌اند، واقعیت این است که این نگاه به تاریخ، نمی‌تواند در حال و آینده جوامع، مفید و مؤثر باشد. در حقیقت، تاریخ عبارت است از علم به وقایع درس‌آموز و عبرت‌انگیز گذشته و قوانین و سنن الهی حاکم بر آن وقایع تا از آن وقایع و عوامل، درس و عبرت گرفته شود و وضعیت موجود و آینده در جهت مطلوب تغییر یابد.»




این نوع نگاه به تاریخ، بصیرت‌افزا و راه‌گشای افراد و جوامع بشری است؛ به‌طوری که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود و در گذشته، باقی نمی‌ماند. در این رویکرد، گذشته چراغ راه آینده قرار می‌گیرد.»



اخراج فلسطینیان 
نورالدین مصالحه؛ فریده، م 
مرکز مطالعات فلسطین؛ 
نهاد ریاست جمهوری




منزاعه دیرپای فلسطینی صهیونیستی از مهم ترین چالش های بین المللی، پس از جنگ جهانی دوم است و ممکن نیست بدون شناخت ریشه ها و علل اصلی این منازعه که تبعیض و بی عدالتی و ظلم، مهم ترین آن هاست، بتوان راه حل مؤثری را برای آن یافت. برخلاف ادعای صهیونیست ها در ترک داوطلبانه فلسطینی ها از سرزمین خود، اسناد و مدارک موجود حکایت از این دارد که تأسیس موجودیت صهیونیستی در این سرزمین مقدس، با برنامه ریزی و طراحی سازمان یافته ای صورت گرفته است تا ساکنان فلسطین به ترک سرزمین پدیری و اجدادی خود، مجبور شوند. مجموعه حاضر، حاصل سال ها تلاش ارزنده یک گروه تحقیقاتی و مطالعاتی از ملیت ها و مذاهب مختلف است که توانسته است با اسناد غیرمحرمانه در دسترس اسرائیلی، از طرح ها و برنامه های درازمدت صهیونیستی در کوچاندن اجباری فلسطینیان، پرده بردارد و بر آن است تا مفهوم transfeet یا کوچ اجباری فلسطینیان را بر اساس اهداف اسرائیلی و صهیونیستی روشن کند. در این کتاب، مسیر طرح های اولیه، پیشنهادها، بحث ها، کنفرانس ها، مناظره ها و گفت و گوها در جهت نیل به هدف، یعنی غصب این سرزمین، مورد بررسی قرار گرفته است.



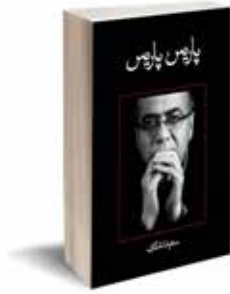
دوران عقد 
هادی حسین خانی 
کانون اندیشه جوان 

دوران عقد یکی از مهم ترین و سرنوشت سازترین برهه های زندگی هر فرد محسوب می شود. اهمیت این دوران به طور طبیعی، بر حساسیت آن می افزاید و هر یک از زوجین، باید مسائلی را رعایت کنند. برای تبدیل این برهه زمانی به بهترین دوران زندگی خود، باید امور اقتصادی، عاطفی، تربیتی و رفتاری را در نظر بگیریم. همچنین، ضروری است که آسیب های این دوران را بشناسیم و به دنبال برطرف کردن آن ها باشیم. مطالعه این کتاب را به کسانی که به تازگی، گام در تشکیل زندگی نهاده اند و دوران شیرین عقد را ورق می زنند، توصیه می کنیم. *دوران عقد* هشتمین دفتر از مجموعه مهارت های طلبگی است که به قلم هادی حسین خانی در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و در ۱۰۲ صفحه منتشر شده است.



شب های شعر حجره 
سیدمحمدجواد شرافت 
مرکز پژوهش های جوان 

شب های شعر حجره عنوان یک سلسه محفل شعرخوانی است که در سال های تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ و ۱۳۹۱-۱۳۹۲، به صورت هفتگی در مدارس حوزه علمیه قم برگزار می شد. این محفل ها با هدف شناسایی و جذب استعداد های شعری در میان طلاب جوان، ایجاد دغدغه ادبی بیشتر در بین حوزویان، معرفی شاعران موفق حوزه و به وجود آوردن حال و هوایی هنری در مدارس حوزه علمیه، طراحی و اجرا شد. در هر یک از این محافل که با حضور پرشور طلاب علاقه مند همراه بود، آثار دریافت شده از طلاب هر مدرسه، از سوی صاحبان اثر قرائت می شد و در ادامه، یکی از استادان صاحب نظر و صاحب بیان به نقد آثار و بیان راهکارهای رشد و تعالی اشعار می پرداخت. کتاب *شب های شعر حجره* گزیده ای از آثار ارائه شده در همین سلسله محافل و گواهی مختصر بر وجود استعدادهای فراوان در میان طلاب جوان است. برخی از این اشعار، مربوط به شاعران فعال و شناخته شده حوزه می شود که میهمان ویژه محافل بودند و برخی دیگر، آثار طلاب مدارس علمیه است که اغلب، از برگزیدگان دو دوره شب های شعر حوزه نیز بوده اند.



پاریس، پاریس
سعید تشکری
نیستن



تنها علاج
سعید علی اصغر علوی
سدید

پاریس، پاریس روایت دختر سردار حشمت قزاق است. سردار حشمتی که دستش به خون کلنل پسپان آغشته شده و خدمتگزار خوبی برای شاه قزاق بوده است. این بار هم عازم مشهد است و این یعنی قرار است در شهر آفتاب، قائله‌ای به پا شود و او آن قائله را بخواباند.

این رمان تصویری از اجرای حکم کشف حجاب را به خواننده نشان می‌دهد که شاید کمتر دیده شده باشد. تصویری که اغلب، نشان داده شده، این بوده که مأموران حکومت به دنبال زنی که با چادر در ملاء عام شرکت کرده است، هستند تا چادر او را از سرش بکشند؛ اما قضیه از این تصاویر فراتر است؛ نه تنها فراتر، بلکه دردآورتر است و کاری که سعید تشکری با جملات کوتاهش در پاریس، پاریس با روح و روان خواننده می‌کند، کاری است کارستان.

در این رمان که متن روانی دارد و خواننده بدون وقفه آن را می‌خواند، علاوه بر اینکه به تاریخ سفر می‌کند، با ماجرای عشق میرزامهیار خوششانی و ملک حشمت نیز روبه‌رو می‌شود. این عشق تنور رمان تشکری را نیز گرم می‌کند و خواننده به واسطه آن، زیر شلاق کلمات تشکری که با تاریخ بر گرده ذهن خواننده می‌زند، تاب می‌آورد.

جای تعجب است که این رمان از ابتدای انتشار آن تاکنون، کمتر دیده شده و شاید بتوان گفت که اصلاً دیده نشده است. خوب، با نگاهی به موضوعی که در رمان مطرح می‌شود، می‌توان پی برد که شاید برخی، دل خوشی از دیده شدن این رمان نداشتند؛ زیرا سعید تشکری به‌ظرافت، مسئله‌ای مهم را که جریان ضددینی و طرفدار مدرنیته غربی با آن مخالف است، در اثرش مطرح می‌کند. این رمان در حال و هوای این روزها که بسیاری به نام «آزادی فردی»، «حقوق برابر» و ... دست به ترویج بی‌حجابی می‌زنند، اثری است که نشان می‌دهد به‌خاطر بی‌حجاب شدن زنان این کشور، چه خون‌هایی ریخته شده است و امروز به‌راحتی، از این ارزش متعالی دست کشیده می‌شود.

تنها علاج، به فاصله کوتاهی از توضیح‌الرسائل کریلا توسط نشر سدید، (انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) منتشر شده است.

کتاب با عنوان فرعی با امام حسین علیه‌السلام به همه جا می‌توان رسید، سعی در نشان دادن راه‌حل پارهای از مشکلات فعلی جامعه را دارد. در کتاب حاضر، نویسنده به‌طور مشخص، سراغ مسائلی نظیر درک بهتر قرآن، انسان ۲۵۰ ساله، تولید علم، اقتصاد مقاومتی و... رفته است.

در بخشی از مقدمه اثر می‌خوانیم: سخن آغازین این بود: «با امام حسین به همه جا می‌توان رسید» ولی تأملات بعدی در سخنان بزرگان، جلوه تازهای برای تحقیق و به محقق نشان داد که از توانستن به بایستن سوقمان می‌داد و باعث هجرت از وادی «می‌شود» به «باید» می‌شد: «با امام حسین باید به همه جا رسید!» از این حقیقت، «چاره‌ای نیست! هر زمان بشریت به بی‌چاره‌گی رسید، مضطر حقیقی شده است و دعای مضطر هم مستجاب است: اَنْ يَجِيبَ الْمُضْطَرُّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ (النمل، ۶۲) آن روز خورشید ظهور در آستانه خانه جانمان خواهد تابید.



مهدویت و آرامش روان

محمد سبحانی نیا
مسجد جمکران

در عصر حاضر که فشار روانی، بیماری تمدن جدید نامیده شده و روزبه‌روز بیماری‌های روانی در دنیا، گسترش یافته و توجه بشر به مقوله بهداشت روان، دوچندان شده است؛ سازمان بهداشت جهانی، بخش خاصی به نام خدمات بهداشت روانی پدید آورده است. در سال‌های اخیر، استفاده از مذاهب و اعتقادات دینی، در معرض توجه سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استراتژی‌های بهداشت جامعه‌نگر، در سازمان جهانی بهداشت نیز قرار گرفته است. این سازمان بخشی از انتشارات خود را از سال ۱۹۹۲ به آموزش بهداشت از طریق مذهب برای راهکار زندگی سالم اختصاص داده است و کتاب‌ها و جزوات زیادی را تحت عناوین دینی نظیر بهداشت از دیدگاه اسلامی، ارتقای سطح بهداشت از طریق سبک زندگی اسلامی و نیز نقش مذهب و اخلاق در پیشگیری و کنترل برخی از بیماری‌ها، منتشر کرده است. کتاب مهدویت و آرامش روان درباره آموزه‌های مهدویت و درمان بیماری‌های روح و روان بشر امروز است. فصل اول این کتاب به بیان مفاهیم اختصاص داشته و در فصول دوم تا پنجم، به تریب موضوعاتی چون تحلیل روان‌شناختی مهدویت، مهدویت و شاخصه‌های بهداشت روان، تأثیر مهدویت بر بهداشت روان و مهدویت و روان‌درمانی مطرح شده‌اند.

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵



من انقلابی‌ام

مرتضی مهدوی یگانه
ساقی

این کتاب دربرگیرنده برجسته‌ترین مواضع انقلابی رهبر انقلاب اسلامی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ است که به انتخاب نویسنده، از میان بیانات و پیام‌های معظم‌له انتخاب و در این کتاب گردآوری شده است. این کتاب در فصل نخست، به بررسی مهم‌ترین مواضع انقلابی مقام معظم رهبری در موضوع سیاست خارجی پرداخته است و طی آن در فضولی جداگانه، موضع رهبر انقلاب در قبال کشورهای مستکبر، موضوع رهبر انقلاب در مواجهه با رژیم اشغالگر قدس و نیز چالش هسته‌ای در کشور را بررسی کرده و در فصلی مجزا نیز به مسئله بیداری اسلامی توجه نشان داده است. کتاب در فصل دوم خود، به بررسی مواضع انقلابی رهبری در بُعد سیاست داخلی می‌پردازد و طی آن اظهارنظرهای ایشان را درباره فتنه سال ۱۳۷۸، فتنه سال ۱۳۸۸، مواضع فرهنگی رهبر انقلاب و باورهای ایشان درباره تعمیم انقلابی‌گری به همه ارکان و شئون نظام را بررسی کرده است.



فرهنگ ایده‌پردازی و ایده‌پردازی فرهنگی

علی سعیدی
نشر آرما

این کتاب که شامل مجموعه‌ای از مقالات این پژوهشگر می‌شود، همگی شامل ایده‌پردازی و پیشنهادهای نویسنده برای برخوردی متفاوت و تازه با موضوعات فرهنگی روز جامعه است. وی در مقدمه عنوان کرده است که این کتاب با وجود انتخاب این نام ویژه برای خود، اثری در خصوص مهارت‌ها، آداب و کیفیت ایده‌پردازی فرهنگی نیست و خواننده کتاب نیز با وجود آنکه با مطالعه آن رنگین‌کمانی از ایده‌های تحول‌گرای فرهنگی پیش روی خود خواهد دید؛ اما مطلبی راجع به فرایند و کیفیت ایده‌پردازی و ایده‌پردازی فرهنگی در آن نمی‌بیند. این کتاب در واقع، تلاشی است برای نشان دادن اینکه ماهیت و مکانیزم ایده‌پردازی حداقلی در حوزه فرهنگ، بیش از هر چیز به اعتمادبه‌نفس و مواجهه مستقیم با مسائل و مقوله‌های فرهنگی نیاز دارد. در متن این کتاب، نویسنده ایده‌هایی متفاوت ارائه کرده است: از ایده‌هایی برای بازنمایی اقتدار فرهنگ اسلامی در جهان و ارتقای جایگاه صنوف فرهنگی در ایران تا ایده‌هایی برای ارتقای استانداردهای فرهنگی پوشاک در ایران، مواجهه نو با مقوله حجاب و حتی ایده‌هایی برای تغییر کارکردهای فعالیت‌ها ارائه شده است.



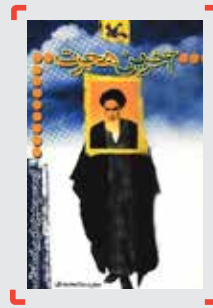
گزیده‌ای از کتاب‌های معرفی شده در نشست‌های کتاب‌خوان

۷۸

طعم کتاب
گزارش



حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحمیدی جنگلی، استاد حوزه، کتاب تفسیر توحید، نوشته آیت‌الله صفایی حائری را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «در این کتاب نویسنده تفسیری متفاوت از تمامی تفاسیر قرآن ارائه می‌دهد که به خواننده کمک می‌کند تا با عمق و ژرفای این سوره بیشتر آشنا شود. از ویژگی‌های خاص این تفسیر این است که از مجموع حدود ۷۰ صفحه‌ای که به تفسیر سوره توحید پرداخته شده است، حدود ۶۰ صفحه به ضمیر «هو» اختصاص دارد.»



آیدا سلیمی، رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان درمیان، کتاب آخرین هجرت، نوشته مجید ملامحمدی را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «آخرین هجرت روایتی تاریخی از زندگی و مبارزات امام خمینی (ره) در زمان ترک وطن به اجبار رژیم شاهنشاهی است. این کتاب، حکایت رنج‌ها و سختی هجرت از ایران برای امام بزرگوار در راه سرگونی رژیم ظالم شاهنشاهی را در خود جای داده است.»



محمد سلگی، طلبه و دانش‌جوی حوزه علمیه شهرستان نهاوند، کتاب *انتظار علمیه*، *عارفانه* نوشته حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌رضا پناهیان را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «این کتاب که به صورت اختصاصی به مقوله انتظار پرداخته است، دارای ۲۰۰ آیه، روایت و داستان جذاب در باب انتظار است. مطالب کتاب با ویژگی‌های دوران امروز بسیار متناسب است و کتاب در چهار حوزه کلیدی، به مقوله انتظار می‌پردازد.»

نویسنده در این کتاب، با توجه به مفهوم انتظار در شبکه معارف دینی و مباحث انسان‌شناسانه، مباحثی استدلالی و کاربردی را بر پایه معارف اهل بیت (ع) ارائه داده است.»



حامد یوسفی، قاری بین‌المللی قرآن، کتاب *اعجاز قرآن در نظر اهل بیت (ع)*، نوشته سیدرضا مؤدب را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «مؤلف این کتاب که خود از قرآن‌پژوهان بنام است، در این کتاب، اعجاز قرآن را از دیدگاه‌های مختلف، از جمله در احادیث و روایات بررسی کرده است. در فصل اول کتاب، ضرورت اعجاز از نظر پیامبران مطرح و رابطه آن با قانون علیت توضیح داده شده است. فصل دوم این کتاب نیز اعجاز قرآن را با توجه به آیات تشریح می‌کند.»

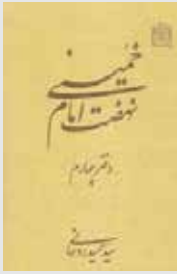


حجت‌الاسلام والمسلمین ماشاءالله ثابت، قرآن‌پژوه، کتاب *آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن*، نوشته صفار هرندی را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «این کتاب از جمله آثاری است که با معرفی روش‌هایی به فراگیری هرچه زودتر و بهتر مفاهیم قرآن کریم می‌انجامد و علاقه‌مندان را به وادی نورانی تفسیر نزدیک می‌کند. در این کتاب، در هر درس علاوه بر آموزش معنای کلمات و عبارات قرآن، یک قاعده ساده زبان عربی نیز بیان شده است. این قواعد به‌آهستگی به خواننده کمک می‌کند تا بتواند بسیاری از کلمات و عبارات قرآن را معنا کرده و مفهوم آن را حدس بزند. به این ترتیب، توانایی درک معنای عبارات و آیات قرآن با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد.»



حجت‌الاسلام والمسلمین معینی، نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهرستان نهاوند، کتاب *بوم الخلاص فی ظل القائم المهدی* را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «بوم الخلاص فی ظل القائم المهدی با نام *روزگار‌هایی* به فارسی ترجمه شده است. نام کتابی درباره دوران پیش از ظهور امام مهدی (عج) است که به قلم کامل سلیمان، نویسنده شیعه لبنانی نوشته شده است.»

نویسنده در این کتاب، به نشانه‌ها و حوادث در آستانه ظهور، بر اساس روایات پرداخته و دنبال تطبیق برخی از احادیث با حوادث در شرف وقوع روزگار خود است.»



دکتر مظفر نامدار، دبیر پیشین شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی کشور، کتاب *نهضت امام خمینی (ره)*، نوشته حمید روحانی را معرفی کرد. دکتر مظفر نامدار، استاد برجسته رشته علوم سیاسی اظهار داشت: «کتاب‌هایی که درباره امام خمینی (ره) نوشته شده، یاد در متن واقعه نگاشته شده یا برداشتی از وقایع، براساس روایت‌هاست.»

وی در ادامه ضمن معرفی این کتاب که در سال ۵۶، یعنی در متن واقعه، نوشته شده است، تصریح کرد: «نویسنده کتاب از سال ۴۲ نزد امام بوده، تمامی وقایع را جمع‌آوری و در چهار جلد منتشر کرده است. دکتر مظفر نامدار همچنین، کتاب *گام به گام با انقلاب*، نوشته اکبر خلیلی را که به‌همت انتشارات سروش در دو جلد به چاپ رسیده است، معرفی کرده و اظهار نمود: «نویسنده این کتاب در متن انقلاب بوده و با درک واقعه، روز به روز حوادث را به تحریر در آورده است.»



احسان وفایی کتاب *داستان سیستان نوشته رضا امیرخانی* را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «این کتاب، حاشیه‌نگاری امیرخانی از سفر رهبر معظم انقلاب به استان سیستان و بلوچستان است.»



ابراهیم تقی‌نژاد، عضو کتابخانه، کتاب *قیدار*، نوشته رضا امیرخانی را معرفی کرد. وی گفت: «کتاب *قیدار* ۹ فصل دارد که امیرخانی در هر فصل آن، به بیان حکایتی از زندگی قیدار می‌پردازد. قیدار حکایت مردی است که درخت مردانگی را به تنهایی آبیاری کرده و پرورش داده است. مردی که امثال او در میان ما کم نبوده و نیستند؛ اما برای خودشان مرام و مسلکی دارند. مرام‌نامه‌شان را که بخوانی، در مقدمه‌اش نوشته‌اند: «خوش‌نامی قدم اول است... از خوش‌نامی به بدنامی رسیدن، قدم بعدی بود... قدم آخر، گمنامی است...».



نرگس طالبی، مسئول پایگاه مقاومت بسیج هاجر، کتاب *مرگ از من فرار می‌کند*، نوشته فرهاد خضری را معرفی کرد. او گفت: مرگ از من فرار می‌کند حاصل تجمیع دل‌نوشته‌های شهید بزرگوار، مصطفی چمران است و سیر دل‌نگاری‌های چمران در آمریکا، فعالیت‌های اثربخش او در کنار امام‌موسی صدر، دلگرمی‌های او در جبهه‌های جنوب، عاشقانه‌های او با خدا و شخصیت علمی و وارسته او را به تصویر می‌کشد.

وی ادامه داد: «سیده هیام عطفی، ربابه صدر، طاهره توکلیان، علی صیاد شیرازی، محسن الله‌داد، مجید نداف، علی ارشادی، کاظم فرناش، اسماعیل فرناش، سیروس بادپا و حسن شاه‌حسینی، برخی از دوستان و هم‌زمان شهید مصطفی چمران هستند که خاطراتی از آنان را در کتاب *مرگ از من فرار می‌کند* می‌خوانیم.»

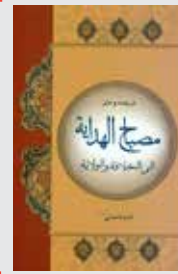


حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدحسن حسن‌زاده، مسئول مؤسسهٔ یاران سبز موعود در استان گیلان کتاب جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره) را معرفی کرد. او در معرفی این اثر در تبیین نگاه به زن، به خوانش بخشی از کتاب پرداخت: «اینجانب به زنان پرافتخار ایران، مباحث می‌کنم که تحولی آن چنان در آنان پیدا شد که نقش شیطانی بیش از پنجاه سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی‌شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان و دستگاه‌های تبلیغاتی مزدورانش برآب نمودند و اثبات کردند که زنان ارزشمند مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه‌های شوم غرب و غرب‌زدگان آسیب نخواهد پذیرفت.»

وی همچنین گفت: «در این اثر، سبیرهٔ عملی و فرمایش‌ها و مواضع روشن‌نگر و فتاوی‌ای راهگشای حضرت امام (ره) درباره زن آمده است.»



نرگس سادات جلیلیان، دانشجو، کتاب بزرگ‌مرد کوچک نوشتهٔ حسین نیری را معرفی کرد. او در معرفی این اثر گفت: «این کتاب راوی خاطرات قنبرعلی بهارستانی، یکی از آزادگان جنگ تحمیلی است که در یازده‌سالگی، همراه پدرش به اسارت نیروهای عراقی درآمد. وی پس از تحمل رنج‌های زندان، تحول روحی عظیمی را تجربه کرد و سرانجام، در سال ۱۳۶۲ به‌همراه پدرش از اسارت رهایی یافت.»



محمدتقی یونسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد رشت، کتاب مصباح‌الهدایه نوشتهٔ امام خمینی (ره) را معرفی کرد. یونسی با معرفی کتاب مصباح‌الهدایه‌الی‌الخلاقه و الولایه که حضرت امام خمینی (ره) آن را در ۲۷ سالگی نگاشته‌اند، اظهار کرد: «این کتاب به زبان عربی و در سه مرحله به چاپ رسیده است.»

وی با بیان اینکه این کتاب در سال ۵۶ ترجمه شد، افزود: «در سال ۷۲، حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین مستوفی این کتاب را ترجمه کرده و در سال ۸۹، آیت‌الله مددوحی کتاب عرفان از نظر قرآن و برهان را برای تفسیر این کتاب تألیف نموده است.»

محمدتقی یونسی اضافه کرد: «حضرت امام خمینی (ره) در این کتاب مطرح کرده‌اند که هستی چیست و ذات خداوندی چگونه است و چگونه از هستی به ذات خداوندی می‌توان رسید.»



لیلا ایرانی، کتابدار، کتاب پیامبر و قصه‌هایش نوشتهٔ غلامرضا حیدری ابهری را معرفی کرد. او در معرفی این کتاب گفت: «این کتاب مجموعهٔ ۷۰ حکایت از زندگانی رسول خدا (ص) است که به انتقال جنبه‌های اخلاقی و تربیتی حیات آن حضرت می‌پردازد. در کنار هر حکایت این کتاب، بخشی به نام «بیشتر بخوان، بهتر بدان» وجود دارد که مطالب خواندنی و جالبی در آن بیان شده است.»

رمان خوانی دفاع مقدس



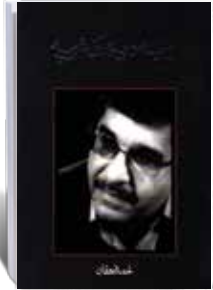
۸۲

طلم کتاب
بسته پیشنهادی

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵



پرسه در خاک غریبه احمد دهقان نیستان



ماجرای کتاب در زمان جنگ ایران و عراق اتفاق می‌افتد. عده‌ای از رزمندگان به‌صورت پنهانی عازم جبهه غرب هستند تا در سرمای زمستان، صدام را غافلگیر کرده و به مردم کرد کمک کنند. پرسه در خاک غریبه، به‌جای حادثه‌محور بودن، بیشتر روی توصیفات تکیه دارد: صحنه‌های جنگ؛ اتفاقات جبهه؛ روحیه افراد و... «دنیا رقاصه است که جلوی هر کس یک مدت می‌ماند و یک‌دفعه بدون آن که انتظارش را داشته باشی، می‌رود»

تجربه جنگ به احمد دهقان امکانات و تجربیاتی داده که کمتر نویسندگانی دارد؛ به‌عبارت دیگر، دهقان هم نویسنده است و نوشتن می‌داند، هم جنگ دیده و به‌قدر کفایت تجربه اندوخته است.

باغ کیانوش علی اصغر عزتی پاک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



باغ کیانوش داستانی پر کشمکش از جنگ است؛ اما در میدان نبرد اتفاق نمی‌افتد. قهرمان‌های آن آدم‌هایی هستند که جنگ سرزده به خانه و کاشانه‌شان سرک کشیده است. ماجرای تجاوز غریبه‌ها و دشمن به آب و خاک و حریم شخصی قهرمانان داستان و واکنش آن‌ها در مقابل این تجاوز، سه خط داستانی را تشکیل می‌دهند.

خط اصلی داستانی این رمان در زمان جنگ تحمیلی ایران و عراق، در روستایی از توابع شهر همدان اتفاق می‌افتد. حمزه و عباس تصمیم می‌گیرند در روز جشن ازدواج پسر کیانوش به باغ او دستبرد بزنند. این ماجرا با سقوط هواپیمای بمبافکن عراقی در نزدیکی باغ، هم‌زمان می‌شود. سقوط هواپیما و ورود خلبان آن به باغ کیانوش، ماجراهای جالبی را می‌آفریند.

خط دوم داستان که اصلی‌ترین خط داستانی اثر است، با سقوط بمبافکن عراقی به خط نخست، پیوند می‌خورد. تلاش مشترک حمزه، عباس و کیانوش برای مقابله با خلبان عراقی و جلوگیری از فرار او، تقابل آنان را از بین می‌برد و به اتحادی در برابر دشمن خارجی تبدیل می‌شود.

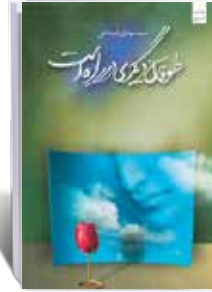
روایت دیگر، خاطرات پدر بزرگ حمزه از حضور نیروهای روسی در نزدیکی روستای محل سکونتشان و ترسند روستاییان برای مواجهه با آنان است. این روایت نیز به موازات دو خط داستانی دیگر در ذهن حمزه مرور می‌شود و در نهایت، شیوه مقابله مردم روستا با نیروهای متجاوز، الهام‌بخش حمزه می‌شود و این خط داستانی با روایت اصلی پیوند می‌خورد.

داستان با توصیف رقص چوبی مردان در مراسم ازدواج پسر کیانوش آغاز می‌شود. شروعی نمایشی که حذف آن لطمه چندان به داستان وارد نمی‌کند. آغاز داستان از فصل دوم، استفاده از شروعی هیجان‌انگیز و پر از کشمکش و معرفی مختصر شخصیت‌های اصلی در همین فصل، این امکان را فراهم می‌کند که خواننده بیشتر جذب داستان شود. علاوه بر این، نه تنها در فصل نخست داستان نشانه‌ای از جنگ دیده نمی‌شود که خواننده تا فصل سوم رمان، هیچ نشانه‌ای از جنگ را در داستان نمی‌بیند.

باغ کیانوش پر از کشمکش است. هنوز نخستین بحرانی که شخصیت‌های اصلی با آن مواجه شده‌اند، به پایان نرسیده که بحران دیگری آغاز می‌شود و این کشمکش‌ها خواننده را به مطالعه ادامه داستان ترغیب می‌کند. نویسنده، شخصیت‌های اصلی باغ کیانوش را به‌خوبی ساخته و پرداخته است. آدم‌های داستان او سیاه و سفید نیستند. آدم‌های خاکستری‌اند که نمونه‌شان را به‌راحتی می‌شود پیدا کرد. به‌عنوان مثال، حتی شخصیت منفی داستان او که خلبانی عراقی است، بد مطلق نیست. این ویژگی، اثر را باورپذیر می‌کند.

پایان‌بندی داستان، پیش‌بینی‌شدنی است؛ اما با توجه به طرح داستان و اتفاقات مختلفی که در طول داستان رخ می‌دهد باور کردنی است. علاوه بر این، پایان خوش رمان و نکات آموزنده‌ای که در آن گنجانده شده، این بخش از اثر را برای مخاطب نوجوان جذاب‌تر کرده است.

طوفان دیگری در راه است سیدمهدی شجاعی نیستان



عنوان رمان *طوفان دیگری در راه است* حاکی از طوفانی است که ظاهراً تحول زینت و سپس، کمال بوده و اکنون طوفان دیگری در راه است که شاید تحول مهندس سیف و حاج‌امین است. این عنوان را می‌توان در سطحی دیگر، به طوفانی ارجاع داد که انقلاب ایجاد کرد.

رمان سیدمهدی شجاعی، داستانی درباره زینت‌السادات، رقاصه معروف دوران پهلوی است که شبی در میان مجلس رقص یکی از درباریان، با کمال، معشوق نوجوانش، فرار می‌کند. به روستایی پناه برده و با او زندگی جدیدی را آغاز می‌کند. کمال را به عقد خادمه‌اش درمی‌آورد و کمال نیز او را به مادری می‌پذیرد. زینت برای رشد و تحصیل کمال، فداکاری‌ها می‌کند تا اینکه کمال را برای ادامه تحصیل به آمریکا می‌فرستد. کمال در آنجا، با شهید چمران آشنا می‌شود و بعد که به ایران برمی‌گردد، متوجه می‌شود جان چمران در اهواز، در خطر است. به اهواز می‌رود و در آنجا مجروح می‌شود و در بیمارستانی در تهران، به شهادت می‌رسد. زینت‌السادات که بعدها با پدر کمال روبه‌رو می‌شود، داستان کمال را برای او تعریف می‌کند. این داستان سبب تحول در حاج‌امین، پدر کمال نیز می‌شود. آنچه در کتاب جذاب است، تنوع موضوعات مطرح‌شده در آن است: نگاه منفی به خاندان پهلوی و رانت‌خواری و فساد اخلاقی آنان، جنگ‌های نامنظم و نقش چمران؛ مسئله تغییرات ابتدای انقلاب؛ شخصیت و مبارزات آیت‌الله سعیدی؛ مسئله رقص ابتدای کتاب که جز به مدد ادبیات نمی‌توانست دربیاید؛ دوقطبی بودن جامعه در زمان جنگ و... . شجاعی در انتهای کتاب، داستان شهادت و روایت شیعی از جنگ را هم به‌خوبی بیان کرده است.

طنز پیدا و پنهان کتاب، به‌ویژه آنجا که در باب تیفانی، کمال و زینت با هم جر و متجر می‌کنند، بازی با نام کمال در انتهای نامه‌ها و نیز مشاجره زینت با حاج‌امین و مهندس سیف درباره توان‌های زنان، لحن حماسی اولین دیدار چمران و کمال و سر در آغوش هم گریستن آن‌ها و شهادت کمال، خواندن کتاب را دل‌پذیر می‌کند و البته داستان، ذره‌ذره نوعی سلوک عرفانی را هم به خواننده می‌چشاند. کتاب را باید خواند و چشید.

روزهای آخر احمد دهقان سوره مهر

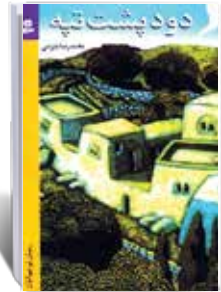


کتاب *روزهای آخر* خاطرات نویسنده از آخرین روزهای جنگ و تصویری است از آن روزهای سراسر خاطره و قبول قطع‌نامه‌ای که سنگینی آن کمر بچه‌های جنگ را خم کرد. این کتاب خاطرات تلخ و شیرین احمد دهقان از عملیات بیت‌المقدس هفت و غدیر است که ورق‌های پایانی کتاب دفاع هشت ساله ما بودند. کتاب، اثر غافلگیر کننده‌ای است. هم به لحاظ محتوای آن و هم به لحاظ شکل و ساختار روایی اثر. نوع روایت‌ها غالباً بسیار شیرین و دلشین است.

نثر و پرداخت به قدری گیراست که خواننده به سختی از کتاب دل می‌کند. روزهای آخر با چهار فصل با عناوین «بیت‌المقدس هفت»، «و...»، «غدیر» و «عکس‌ها» به رشته تحریر درآمده است.



دود پشت تپه محمد رضا بایرامی قدیانی



دهکده‌ای در مرز ایران و عراق که «تلخ‌رود» نام دارد، از سوی لشکر عراق، بمباران می‌شود. بر اثر این حادثه، نوجوان راوی داستان که عزیز نام دارد، مجروح می‌شود. عزیز پس از بهبود به روستا بازمی‌گردد و متوجه می‌شود که مردم از بیم بمباران مجدد، روستا را ترک کرده و به بیابان‌های اطراف کوچیده‌اند. چند روز پس از بازگشت عزیز و تعدادی دیگر از مجروحان، محل زندگی روستاییان بمباران شیمیایی می‌شود. این بمباران، تعداد زیادی مجروح برجای می‌گذارد. عزیز بر اثر این بمباران نابینا می‌شود و با شنیدن خبر جراحات مردم روستا و خانواده‌اش، روحیه‌اش را از دست می‌دهد. سرانجام عزیز با همراهی دوستی نابینا که در بیمارستان با وی آشنا شده است، بر خود مسلط می‌شود و تصمیم می‌گیرد داستان جنگ در روستای خودشان را بنویسد: داستان کتاب حاضر را.

ظهور علی مؤذنی نیستان



رمان ظهور او با درگیری‌های ذهنی نویسنده برای نوشتن داستانی از خاطرات شهید حاج یونس زنگی‌آبادی آغاز می‌شود. تماسی از طرف خود شهید در جایی میان بیداری و رؤیا با نویسنده گرفته می‌شود و او را به روستای محل تولدش راهنمایی می‌کند و...:

«این دیگر زنگ نیست، بلکه زینگ است و اصلاً بگذارید ببینم این کیست که دست بر نمی‌دارد و با سماجت، منتظر و امیدوار است که یکی از این سوی

خط، پس از زنگ بیست و پنجم او گوشی را بردارد.
_ بله؟

_ سلام علیکم.

_ علیک...

_ می‌خواستم بگویم شما می‌توانید برای رفع این به‌ظاهر مشکل، از صناعات داستانی برای پرداخت خاطره استفاده کنی و جای دست‌بردن در آن کاری کنی که خواندنی‌تر شوند...

«سکوت! سنگین شده‌ام! حیرت کرده‌ام!»
_ شما؟

_ من یونس هستم...

_ ببخشید، کی؟

_ یونس...

وحشت‌زده گوشی را گذاشتم و با چشمانی از حلقه‌درآمده، به پنجره خیره شدم که در پس خود، از میان تاریکی، دو چشم را خیره من کرده بود!

ارمیا

رضا امیرخانی

سوره مهر



ارمیا اولین فرزند امیرخانی در دنیای رمان است که در سال ۱۳۷۴ به دنیا آمد. داستان جوانی از شمال شهر تهران که داوطلبانه به جنگ می‌رود. در زمان ثبت‌نام با مصطفی آشنا می‌شود. آن‌ها با هم به جبهه می‌روند. رابطه آن دوازده‌ساله رفاقت فراتر می‌رود و مصطفی برای ارمیا مراد است. مصطفی در روزهای پایانی جنگ، به شهادت می‌رسد و این تحول ارمیا را با خود دارد. قطعنامه پذیرفته می‌شود و ارمیا به شهر برمی‌گردد. او که شش ماه را در جنگ بوده است، گویا حضورش در جبهه

در عمق وجودش خانه کرده است و تحمل شهر را ندارد...

رمان ساده ارمیا با قلم متفاوت امیرخانی و با فضاسازی درست، مخاطب را به درونیات ارمیا رهنمون می‌شود.

رقص در دل آتش

سعید عاکف

کوثر



داستان سرگشتگی هاشم را در خیلی از اطرافیان و حتی شاید خودمان دیده‌ایم. شنیدن این سرگشتگی تلخ، اما انسان‌ساز است. روح انسان را به حقیقت نزدیک می‌کند. انسان را به این درک می‌رساند که در پیچ و خم‌های زندگی باید چگونه مقهور نشد و عنان از کف نهد. هاشم نوجوانی است که در روستایی با پدر و مادر و خواهر و برادرش، علی، زندگی می‌کند. رقص در

عبار، داستان دنیای هزار رنگ است که روزی علی را در دام می‌اندازد و علی با کمک هاشم از دام می‌گریزد و روزی همین دنیای رنگارنگ، هاشم را می‌فریبد. اما علی مشغول کسب علوم دینی می‌شود و در بین درس خواندن، راهی جبهه شده و از آنجا به لبنان می‌رود و شهید می‌شود. شهادت علی، هاشم را از راه رفته، باز می‌دارد...

از به

رضا امیرخانی

نیستان



نامه ای از همسر سرهنگ خلیبان مرتضی مشکات، به سرگرد خلیبان تیموری، سرآغاز نامه‌نگاری‌هایی است که رمان *از به* را شکل داده‌اند. داستان خلیبان جانبازی با نام مشکات که در یک عملیات هوایی دو پایش را از دست داده است و دیگر به او اجازه پرواز نمی‌دهند؛ او از این کنار گذاشته شدن افسرده شده است.

در طول داستان، نامه‌هایی ردوبدل می‌شود و در هر کدام از آن نامه‌ها، «از»ها و «به»ها تغییر می‌کنند. زیباترین نامه این رمان نامه‌ای است از فرانک، دختری

هشت‌ساله که در سال‌های جنگ، پدر و مادرش را از دست می‌دهد و در نامه‌ای به سرهنگ مرتضی مشکات، او را مقصر می‌داند که نتوانسته است هواپیمای دشمن را مهار کند و...

از به یکی از رمان‌های متفاوت دفاع مقدس است؛ هم به لحاظ فرم و هم از حیث نوع نگاه. نویسنده به دنبال واقعیت زندگی آدم‌های قصه است؛ اما نه تصویری آرمانی و ناملوس. جنگ، سختی‌ها و تلخی‌هایی دارد که میان جامعه هنوز چشیدنی و دیدنی است و این نقطه برتری رمان است؛ واقع‌نگری در حوزه دفاع مقدس.



ترکه‌های درخت آلبالو اکبر خلیلی عصر داستان



ترکه‌های درخت آلبالو داستانی است به شدت ایرانی. روایتی که از بطن زندگی یک خانواده سنتی ایرانی در شهر ری تهران آغاز می‌شود و سیر تکوین و تحول او را از دوره پهلوی تا سال‌های دفاع مقدس و تغییرناپذیری بطن خانواده‌های اصیل ایران را در هجوم اندیشه‌های وارداتی، به تصویر می‌کشد و از قضا، در این نمایش نمره قبولی نیز می‌گیرد.

قهرمان داستان پسرک جوانی است که در خانواده‌ای مذهبی در حوالی شهر ری، خود را به مخاطب معرفی می‌کند. خانواده‌ای که نویسنده این رمان در دو فصل ابتدایی رمان با زیبایی هر چه تمام‌تر، شالوده و مناسبات آن را بدون اغراق و بر منطقی رئال و برگرفته از مشاهدات حقیقی خود برای مخاطب معرفی می‌کند. ترکه‌های درخت آلبالو یکی از بهترین نمونه‌های رمان کلاسیک ایرانی در ۳۰ سال اخیر است که به دلیل معرفی تیپ‌های صحیح، منطق روایی در خور توجه خود و نیز داستان جذاب و پرحوصله، ۲۳ سال پس از انتشار، کماکان خواندنی و شایسته‌اعتناست.

سفر به گرای ۲۷۰ درجه احمد دهقان سوره مهر



در سفر به گرای ۲۷۰ درجه، جنگ آن چنان واقعی تصویر شده است که آن را به خاطره‌نگاری نزدیک می‌کند. جنگی که در آن، جسم‌های بی‌سر هم هست؛ بدن‌های از کمر دونیم‌شده هم هست؛ رفتن تانک روی بدن نیمه‌جان هم هست. تصاویری که احمد دهقان به واسطه حضور چندساله‌اش در جنگ، آن را به خوبی می‌نمایاند.

این کتاب به دلیل سبک خاص نوشته و روایت عمیق و ویژه جنگ، اقبال زیادی به خود جلب کرد و توجه جدی به آن شد. جایزه بیست سال داستان نویسی، جایزه چهارمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس و جایزه بیست سال ادبیات پایداری، از افتخارات این کتاب است. این کتاب به همت پال اسپراکمن نایب‌رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه راتجز آمریکا به انگلیسی ترجمه شده و نخستین رمان ایرانی با موضوع جنگ است که در آمریکا منتشر می‌شود. داستان کتاب از زبان ناصر بیان می‌شود. ناصر رزمنده جوانی است که بارها سابقه شرکت در جبهه را داشته است. در بین امتحانات، مشق و درس را رها کرده و به همراه دوستش علی، راهی منطقه جنگی جنوب می‌شود. در آنجا، ضمن دیدار مجدد با دوستان سابقش، از قریب‌الوقوع بودن عملیاتی مهم اطلاع می‌یابد. در حین عملیات، بسیاری از دوستانش شهید و مجروح می‌شوند، خود او نیز مجروح شده و به پشت خط می‌آید. بعد از چند روز، به شهر خود بازگشته و زندگی عادی را از سر می‌گیرد. پس از مدت کوتاهی، با دریافت تلگراف یکی از دوستانش، خود را آماده بازگشت به منطقه می‌کند.

شطرنج با ماشین قیامت

حبیب احمدزاده

سوره مهر



احمدزاده در رمان *شطرنج با ماشین قیامت* سه روز از ایام دلهره‌آور محاصره خرمشهر از سوی نیروهای عراقی را با زبانی داستانی روایت کرده است. حوادث این رمان در آبادان بوده و مربوط به سه روز از محاصره این شهر توسط نیروهای عراقی است. در رمان سعی بر این بوده که به‌گونه‌ای متفاوت و با نگاهی فلسفی به وقایع و رخدادهاى جنگ پرداخته شود. قهرمان این رمان دیده‌بان نوجوان ۱۷ ساله‌ای است که به‌ناچار، به‌جای دوست مجروحش، راننده ماشین حمل غذا

می‌شود. او از این شغل ابا دارد و سعی دارد افراد کمتری از آن باخبر شوند. وی مأمور به انجام دیده‌بانی برای عملیاتی می‌شود که طی آن قرار است رادار عراقی موسوم به «سامبلین» را گمراه کنند؛ راداری که آن را «ماشین قیامت‌ساز» می‌نامند. وی در طی این روزها، در حین مأموریتش در شغل جدید با افراد مختلفی، از جمله یک مهندس نیمه‌دیوانه، آشنا می‌شود و این آشنایی تحولی بزرگ را در او ایجاد می‌کند.

پال اسپراکمن، نایب‌رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه رانجرز آمریکا، این رمان را به انگلیسی ترجمه کرده است. هم‌اکنون این رمان در رشته زبان و ادبیات فارسی برخی از دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌شود. برخی از افتخارات این اثر عبارت است از:

- برنده جایزه ادبی اصفهان (۱۳۸۵)
- تنها رمان تقدیرشده در کتاب سال دفاع مقدس (۱۳۸۵)
- کاندیدای کتاب سال انجمن نویسندگان و منتقدان مطبوعات کشور (۱۳۸۵)
- کاندیدای قلم زرین و کاندیدای کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵)

درد

صادق کریمیار

عصر داستان



درد آخرین رمان صادق کریمیار است. کریمیار بیشتر با *نامیرا* شناخته می‌شود؛ اگرچه دشت‌های سوزان و حتی غنیمت او هم خواندنی است. برای خواندن درد، اول از همه باید خود را برای خواندن رمان حجیم بیش از چهارصد صفحه‌ای آماده کنید. البته اگر این کار را هم انجام نداده باشید، همین که کمی پیش بیایید، داستان چنان جذابتان می‌کند که بعید است به راحتی بتوانید کتاب را زمین بگذارید.

درد با محوریت اطلاعات عملیات در جنگ نوشته شده است. اگرچه درباره این موضوع تا کنون چند کتاب نوشته شده، هنوز یکی از بکرترین موضوعات دفاع مقدس برای خلق اثر هنری است. خواننده از سال ۶۳، با یکی از گروه‌های اطلاعات عملیات جنگ و به عبارتی صحیح‌تر، با دو گروه از آنان همراه می‌شود و تا پایان جنگ در کنار آن‌ها می‌ماند؛ یکی این طرف مرز و دیگری آن طرف.

رمان بین جبهه ایران و عراق در رفت‌وآمد است و همین موضوع جذابیت زیادی به داستان بخشیده است. روایت به‌طور هم‌زمان تلاش‌های اطلاعات عملیات ایران و بخشی از استخبارات عراق برای غلبه بر یکدیگر، خیلی خوب از آب درآمده است. رفت‌وآمد میان این دو جبهه همچنان که معمول است، در فصل‌هایی جداگانه صورت نگرفته است. بلکه ممکن است در یک فصل، چند بار این رفت‌وآمد انجام شود و روایتی هم‌زمان از دو جبهه صورت گیرد.

در میان سطور کتاب، اسامی واقعی از دو جبهه دیده می‌شود. از هاشمی و رضایی و قالیباف در جبهه خودی گرفته تا وفیق سامرایی و ماهر عبدالرشید در خط عراق. وجود همین اسامی خیال‌مخاطب را راحت می‌کند که اگر چه دارد رمان می‌خواند، همه چیز ساخته ذهن نویسنده نیست و ردپایی در حقیقت دارد. البته در هیچ جای کتاب، امکان تعیین مرزی دقیق بین خیال و واقعیت وجود ندارد و این اتفاقاً از قوت‌های کتاب است.



فال خون داوود غفارزادگان سورۀ مهر



رمان به صورت مستقیم به جنگ نمی پردازد، بلکه موقعیت های تراژیک انسان را در جنگ در موقعیت های متفاوت به تصویر می کشد. سرباز و ستوانی عراقی در منطقه ای کوهستانی، در شمال شرقی عراق، مأمور می شوند. عراق قصد دارد جبهه جدیدی در این منطقه باز کند. به همین سبب، این افراد برای دیدبانی و تعیین وضعیت نیروهای ایرانی، به منطقه فرستاده شده اند. سرباز، فردی درون گرا و مغموم است. او پیش از این، در مناطق دیگری نیز جنگیده است و خاطرات تلخی از آن زمان به یاد دارد. تصویر کشتگانی که در آبراه های هور افتاده اند و موش هایی که همه جا در کمین اند تا اجساد مردگان را غارت کنند، کابوس خواب و بیداری اوست. در مقابل، ستوان سرزنده و شوخ طبع است. جثه لاغری دارد؛ اما با این حال، اهل شوخی و مزاح است. گویا به مرگ نمی اندیشد. سرباز و ستوان راه سخت کوهستانی را در شرایطی که زمین از برف پوشیده شده است، طی می کنند. سرباز چون ستوان را برخلاف خود می بیند و او را بی اعتنا به دلهره های مرگ می یابد، در باره اش تردید می کند. سنگر دیدبانی که این دو در آن، مأمور شده اند، در بالای قله ای قرار دارد که مشرف به منطقه ای وسیع است. آن سوی قله، پرتگاه بلندی است که عبور از آن آسان نیست. آن سوتر خانه های عشایری است و مردمانی در آنجا زندگی می کنند که گهگاه در میانه داستان، چهره های مهمی از آن ها به دید سرباز می آید.

گزیده متن:

«می خواست بداند تقدیر او چیست؟ تقدیر هر کسی در مردن، یک جور بود. هر کسی مرگ خودش را داشت. جنازه ها را که نگاه می کرد، حدس می زد که طرف چطور باید افتاده باشد. جان کندن او را در خیال می پرورد و آن لرزش دم آخر و دست هایی که چنگوله می شوند. با آرزوهای طول و دراز که یک دفعه به انتها می رسند... شنیده بود فقط کسانی بیش از مرگ می ترسند که تخیل قوی دارند؛ زیرا هول مرگ در تخیل آن ها بس عظیم است.»

نه آبی، نه خاکی علی مؤذنی سورۀ مهر



کتاب *نه آبی، نه خاکی*، نوشته علی مؤذنی است. کتاب فاقد فهرست و بخش بندی متن است و به صورت رمان نوشته شده است. این کتاب، دفترچه یکی از شهدای جنگ تحمیلی، سعید مرادی است که اکبر شاهدهی، مسئول یکی از گروه های تفحص شهدا در میدان رزم، آن را یافته است. شهید مرادی در دفترچه اش نشانی نوشته و وصیت کرده است که دفترچه را به یکی از این سه نشانی بفرستند. حال این دفترچه را علی مؤذنی به صورت کتاب در آورده و در اختیار علاقه مندان قرار داده است.

این دفترچه خاطرات، شش سال حضور شهید مرادی در جبهه است که به قلم خود او نگاشته شده است. شهید مرادی در ابتدای کتاب، جریان وداع با خانواده اش را برای حضور در میدان جنگ می گوید و سپس آشنایی اش با ابراهیم رحمانی، محمد جوادی، عباس شاکری، علی ماکت و رضا شعبانی و پسر پانزده ساله ای به نام رسول را توضیح می دهد که همه این ها به جز ابراهیم رحمانی، شریک شهادت را نوشیده اند. اکنون این دفترچه در دست ابراهیم رحمانی است. شهید مرادی در لشکر ۱۷ علی بی آبی طالب (ع) بوده است.

وی در این کتاب از هم زمانش، دوستی هایش، صمیمیت و خلوص رزمندگان، شوخی ها و خنده هایشان، مناجات ها و راز و نیازهای خالصانه در تاریکی های شب، خواب دیدن امامان و... می گوید. همچنین، او از نبرد تن به تن با دشمن، مشاهده صحنه شهادت رزمندگان و آموزش هایشان در آب و خاک نیز گفته است. نثر روان، ساده و بی ابهام اثر و استفاده گاه به گاه از تعابیر دقیق و وصفی زیبا و دقت در نقل جزئیات، موجب شایستگی اثر شده است. اما به طور قطع، می توان گفت آنچه مایه برتری این کتاب گردیده، نادر بودن حوادث و شگفت نمودن وقایع است که برای صاحب خاطر به وقوع پیوسته است.

پسر شهید سناتور



وحید حسینی

دوستانش، مسلمان شدنش، اتفاقاتی که برایش می افتد و ظلم‌هایی که مافیای صهیونیستی بر او می‌برند. نمی‌توان از مسلمان شدن ادواردو حرف زد و از دانشجویان پیرو خط امام و امام حرف نزد. انگار ریشه استیصار عده‌ای چون آبیلی به امام بر می‌گردد. تا دهه هفتاد کسی دقت نکرده بود آن که با موهای بور در نماز جمعه، پشت سر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ایستاده است و در صف اول نماز می‌خواند، پسر سناتور ایتالیایی، امپراطور ثروت و قدرت ایتالیاست. تا همین سال‌های اخیر کسی نمی‌دانسته ادواردو دقایقی توفیق زیارت و مصاحبت حضرت امام روح‌الله را داشته است. خط دوم داستان جریان مستندسازان ایرانی است که برای کندوکاو جریان ادواردو به ایتالیا سفر می‌کنند و اتفاقاتی برایشان می‌افتد. جریان سوم داستان هم جریان خبرنگار ایتالیایی است که در فرهنگ خود و بستر زندگی خود به دنبال حقیقت جریان می‌گردد. این سه خط در هم می‌تند و تا پایان داستان به هم می‌رسند. رمان ادواردو رمان جالبی است؛ به لحاظ ساختار و به لحاظ معنا انگار که پرورنده کاملی از ماجرای قتل یک نفس است. رمان از نظر شکلی، اثری ساختارگرایانه و فرم‌پردازانه از کار در آمده است. واقعیات و مستندات آنچنان در لابه‌لای داستان پیچیده که رمان به ژانر مستند داستانی نزدیک شده است؛ با این وجود شکل و شمایل رمانی خود را از دست نداده است.

شاهزاده فکر کرد عجب مورچه‌ای. چه قدرتی دارد؟ و بعد فکر کرد باید برود با این مورچه دوست بشود. حالا گیرم که آن روز ادواردو توی خانه بوده و این مناظره را می‌دیده یا با دوستانش... کت و

ادواردو، پسر فیات، پسر سناتور، شهید خاندان آبیلی، از اسم‌هایی بود که برای کتاب آقای بهزاد دانشگر به ذهن می‌رسید. در نهایت، ادواردو انتخاب شد. رمان ادواردو ماجرای پیرامون اتفاقی در قلب اروپاست، در کاخ سناتور آبیلی، صاحب کارخانه فیات. داستان از آخر زندگی ادواردو شروع می‌شود و سه خط داستانی به هم بافته در هم می‌تند و هر چین و شکن این بافته، فصلی از رمان است و داستان را پیش می‌برد.

پس شما فکر می‌کردید من را واقعاً توی این اتاق زندانی کرده‌اید؟... شوخی می‌کنید و البته کم‌طیفی... آن سید گل میخک زرد پیامی است از طرف وکیل من که به شما بگوید مأموریتی که من از توی همین اتاق به او سپرده‌ام را به خوبی انجام داده و الآن منتظر است تا مأموریت بعدی را انجام بدهد... چه مأموریتی؟... برایتان می‌گویم... ایشان رفته و از دادگاه حکم تفتیش بیمارستان شما را گرفته که با پلیس بیابند اینجا و من را آزاد کنند. آن وقت من از شما و دوستانتان به جرم آدم‌ربایی و حبس غیرقانونی شکایت می‌کنم. و البته شما می‌توانید به دادگاه بگویید که این کار را به درخواست خانواده‌ام انجام داده‌اید و البته در این صورت برای خاندان پرافتخار آبیلی آبروریزی سنگینی خواهد شد و تا شما بیابید این امر را ثابت کنید، موجی از بهودستی‌ریزی و مخالفت با دخالت‌های اسرائیل در امور کشور همه جا را می‌گیرد... خدا را چه دیدی؛ شاید هم شد و توانستیم پرورنده خودکشی مشکوک عمومی‌م را هم دوباره به جریان بیندازیم.

خط اول داستان خود ادواردو است؛ خانواده‌اش،

رمان ادواردو
ماجرای پیرامون
اتفاقی در قلب
اروپاست، در کاخ
سناتور آبیلی، صاحب
کارخانه فیات

تا دهه هفتاد
کسی دقت نکرده بود
آن که با موهای بور
در نماز جمعه، پشت
سر حضرت آیت‌الله
خامنه‌ای ایستاده
است و در صف اول
نماز می‌خواند، پسر
سناتور ایتالیایی،
امپراطور ثروت و
قدرت ایتالیاست



داستان نویسان بیشتر است، ادواردو یکی از ده‌ها سوژه ناب این جریان و پرونده هنوز باز ارتباط برون مرزی انقلاب اسلامی است که به‌همت آقای دانشگر نگارش شده و زمانی جالب و درخور تأمل به‌دست داده است.

تو اینجا زندگی نکرده‌ای، نمی‌دانی که آنیلی اینجا یک فرد نیست، آنیلی یعنی دولت ایتالیا... حتی مهم‌تر، چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور یک روز یا چهار سال هستند؛ اما بعد نیستند، اما آنیلی‌ها همیشه بوده‌اند، قدرتش همیشه هم می‌ماند. این قدرت حتی با نبود خود ستاور هم تمام نمی‌شود، منتقل می‌شود به نسل بعدی... حتی اگر نسل بعدی هم یک کسی باشد مثل ادواردو که به نظر خیلی‌ها شایسته‌ترین صاحب چنین قدرتی نباشد، آن وقت این قدرت را می‌دهند به یک کس دیگر... در افتادن با یک چنین قدرتی کار درستی نیست، ریسک بزرگی است. ممکن است به قیمت تنش با تمامی اروپا تمام شود. اصلاً نواز چه چیز خودکشی ادواردو آنیلی خوشتر آمده که بلندشدی آمدی ایتالیا تا این ماجرا را دنبال کنی؟

این حقیر به نویسندگان، صاحبان قلم و خوانندگان حرفه‌ای توصیه می‌کنم نه تنها برای فراگیری شکل و محتوا و لذت داستان، بلکه برای دیدن یک نگاه برون مرزی در ادبیات داستانی به این رمان نگاه کرده و آن را در قفسه کتاب‌خانه خود در دیدرس قرار دهند تا هرگاه نیاز به این نوع نگاه داشتند، به صفحات آن نگاهی بیندازند؛ چرا که امروزه ادبیات و گفتمان انقلاب اسلامی پر از سوژه‌های ناب بوده و منتظر نویسندگان و الگوهای داستانی بدیع و شایسته است و همچنین خوانندگانی پرشور.

شلوار تنش بوده یا لباس راحتی... ریش صورتش را تراشیده بود یا ریش داشته... شام پیتزا خورده بوده یا همبرگر، هیچ کدام از این‌ها مهم نیست، مهم این است که او آن شب یک جوانی را دیده هم سن و سال خودش، احتمالاً مثل جوان‌های انقلابی آن دوران، با یک ریش بلند، شاید کمی کوتاه‌تر از ریش دکتر سلطانی ما، پرشور و انقلابی که آمریکا را به... هم نمی‌گیرد، آمریکایی که حتی پدر پولدار و سیاست‌مدارش هم از آن حساب می‌برد... قدیری می‌گفت آن روز ادواردو با موتور دربان خانه‌شان آمده بوده، بی‌خدم و حشم، شاهزاده تنها، مثل توی قصه‌ها آمده بوده و از امام پرسیده بوده که آن روزها توی همه اخبارهای دنیا بالاتر از همه بوده، که هیچ کس نمی‌دانسته این پیرمرد چگونه چنین قدرتی دارد، که با همه یک جور حرف می‌زند، که انگار هیچ کس زورش به او نمی‌رسد، این‌ها را قدیری گفته بود و عبد‌اللهی هم می‌گفت.

به گفته یکی از بزرگان داستان نویسی، دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران، بهشت داستان نویسان به‌شمار می‌رود. از لحاظ تعدد اتفاقات و سوژه‌های داستانی، آن چنان روند حوادث و اتفاقات تند است و حافظه تاریخی مردم کوتاه که ادبیات باید نقش خود را پررنگ ایفا نماید و به ماندگاری تاریخ در اذهان مردم کمک نماید. به‌طور متوسط، هر ساله یک اتفاق بزرگ و مهم در این مملکت رخ داده است. هنوز به همه ابعاد خود انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی پرداخته نشده که پیامدها و وقایع، فتنه‌ها و جریان‌ها، نقاط مبهم و نقاط روشن و ابعاد جهانی انقلاب اسلامی خود را نشان می‌دهد و سرعت تحولات از سرعت دست

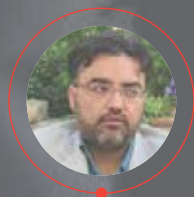


”قدیری می‌گفت آن روز ادواردو با موتور دربان خانه‌شان آمده بوده. بی‌خدم و حشم. شاهزاده تنها. مثل توی قصه‌ها. آمده بوده و از امام پرسیده بوده که آن روزها توی همه اخبارهای دنیا بالاتر از همه بوده. که هیچ کس نمی‌دانسته این پیرمرد چگونه چنین قدرتی دارد

”به گفته یکی از بزرگان داستان نویسی، دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران، بهشت داستان نویسان به‌شمار می‌رود. از لحاظ تعدد اتفاقات و سوژه‌های داستانی، آن چنان روند حوادث و اتفاقات تند است و حافظه تاریخی مردم کوتاه که ادبیات باید نقش خود را پررنگ ایفا نماید و به ماندگاری تاریخ در اذهان مردم کمک نماید

کوتاه دربارهٔ رمان ادواردو، از زبان نویسندهٔ رمان

بهزاد از ادواردو می گوید



بهزاد دانشگر
نویسنده



آثار مشابه

تا آن زمان، درباره زندگی و مرگ ادواردو آنیلی هیچ کار دراماتیکی اعم از داستان یا نمایش نامه و فیلم نامه به زبان فارسی انجام نشده بود. یکی، دو کار سمبل و سرسری تئاتر توی ایتالیا انجام شده که تشریفاتی بوده و هیچ لایه تازه‌ای از زندگی یا مرگ او را کشف نکرده است. در زبان فارسی، غیر از مستندی قدیمی، یک عدد کتاب پالتویی منتشر شده که همان اطلاعات مستند را بازنویسی کرده‌اند.

سوژه کتاب

نزدیک به ۱۵ سال پیش به ذهنم خورد: اولین باری که توی تلویزیون مستندی دیدم درباره یک مرد پولدار و مشهور که برای باورهایش جان داده بود؛ اما کوتاه نیامده بود. نترسیده بود. جا نزده بود. اصلاً شبیه فیلم‌ها و قهرمان‌های افسانه‌ای بود. همان روز فکر کردم که روزی باید داستان این آدم را بنویسم. اما همیشه تردیدی در دلم بود که اصلاً از کجا معلوم که همه این‌ها صحنه‌سازی و قصه‌پردازی نباشد. چرا هیچ‌کس هیچ واکنشی به این ماجرا نشان نمی‌دهد؟

مخاطبین و استقبال از کتاب

با اینکه سعی شده داستان از لحاظ روایت، تعلیق‌ها و پیچیدگی‌های خوبی داشته باشد، در عین حال تلاش شده که خوشخوان باشد. هر کسی که توی عمرش پنج داستان و کتاب خوانده باشد، به گمانم بتواند/دو/برو را بخواند. اما به لحاظ دغدغه‌های قشری، کتاب قاعدتاً برای دانشجوها و افراد فرهیخته‌ای که غیر از منافع فردی و مشکلات شخصی به دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی یا فرهنگی فکر می‌کنند، جذاب‌تر است. استقبال از کتاب در نمایشگاه کتاب، خوب بود؛ اما به مرور، به دلیل رکود در بازار کتاب، دو/برو هم از این رکود بی‌نصیب نماند؛ اما در مجامع فرهنگی، کتاب بازخورد خوبی داشت.

مدت زمان تحقیق و نگارش

تقریباً یک سال تا یک‌ونیم سال صرف تحقیق شد که همه آن مداوم نبود. به خاطر ترسی که برخی افراد از دولت ایتالیا داشتند، حاضر به همکاری نشدند. پس برایم معلوم شد که خبرهایی بوده و هست. قدم بعدی گفت‌وگو با تیم مستندسازی بود که برای ساخت مستندی درباره ادواردو به ایتالیا رفته بودند. آن‌ها هم داستان‌های جالبی داشتند. اتفاق بعدی، گفت‌وگو با کسانی بود که در سفرهای ادواردو به ایران، او را دیده بودند و تأیید کردند که مسلمان بوده و خانواده‌اش با او مخالف بوده‌اند. قدم بعد هم تحقیق درباره تورینو، رم، آداب و رسوم و خلق و خوی ایتالیایی‌ها بود. در آخر هم، کتابی که به‌همت نویسنده‌ای ایتالیایی درباره مشکوک بودن مرگ ادواردو نوشته بود و ایتالیا اجازه انتشارش را نداده بود. این کتاب را هم به دست آوردم و ترجمه کردم. لازم است از گروه شهید ادواردو آنیلی و دکتر قدیری ابیانه تشکر کنم که در این مرحله، به‌خوبی با من همراهی کرده و کمک کردند.

ویژگی‌های رمان ادواردو

در زبان فارسی، رمان‌هایی که داستان‌شان در فرهنگ و کشوری غیر ایرانی رخ دهد، چندان زیاد نبوده یا کارهایی که شده، چندان باورپذیر نبوده است. اما به تصدیق کسانی که دو/برو را خوانده‌اند، با اینکه تمام داستان در ایتالیا می‌گذرد، کاملاً کتاب باورپذیری بوده و توصیفات داستانی، خوب توی داستان نشسته است.

بنده فکر می‌کنم خوب است که
محل‌های نماز جمعه، مرکز نمایش
کتاب‌های خوب و کتاب‌های روز و
کتاب‌های مطلوب باشد

مقام معظم رهبری در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور ۱۳۹۴/۱۰/۱۴

نماز جمعه
از بزرگترین عنایات حق تعالی
بر عبود سرافرازدگی ایران است
سبحان الله

معرفی بسته کتاب معرفی شده در نماز جمعه

کتاب جمعه

بسته خرداد ماه

۹۵

طعم کتاب
معرفی کتاب

یا زهرا

گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی

امینیان



رزمندگان رشید انقلاب اسلامی در دوران هشت سال دفاع مقدس، همواره با تمسک به قرآن کریم و توسل به اهل بیت گرامی پیامبر اکرم (ص)، پیروزی‌های افتخارآمیزی را در مقابل جبهه کفر به ارمغان آوردند که حاکی از عمق باورها و اعتقادات پاک فرزندان برومند این سرزمین است. در این میان، نام مبارک بانوی دو عالم، حضرت زهرا (س) بیش از همه، گرمی بخش دل‌های رزمندگان دلیر اسلام بود. مزین شدن رمز چندین عملیات بسیار مهم در جنگ تحمیلی، به ذکر شریف

«یا زهرا» و عنایات خاص آن بانوی بزرگوار نسبت به جبهه حق، نمونه‌ای از این باور بود.

کتاب *یا زهرا*، روایتگر زندگی فرمانده شجاع و مخلص گردان یا زهرا، شهید محمدرضا توری‌زاده است که از شدت علاقه خود به حضرت زهرا (س) وصیت کرده بود تا روی سنگ مزارش ذکر شریف «یا زهرا» نوشته شود. این کتاب با روایت زندگی آن شهید بزرگوار از تولد، دوران جوانی و فعالیت‌های انقلابی او شروع می‌شود و تا حضور وی در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، ادامه یافته و سرانجام، با بیان نحوه شهادت ویژه آن شهید عزیز خاتمه می‌یابد.

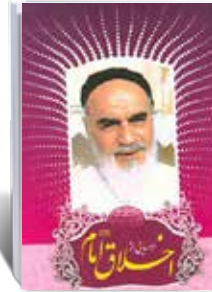
ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

ادب الهی آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح‌الهدی



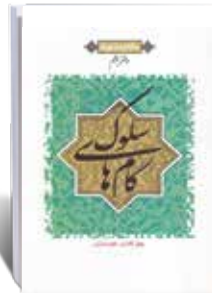
کتاب/ادب الهی مجموعه‌ای ارزشمند از مباحث اخلاقی و تربیتی آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی است که در پنج جلد مجزا منتشر شده است. آن فقیه و عالم ربانی در کتاب ادب الهی، معارف ناب اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت را از عمق منابع دینی با زبانی ساده و همه‌فهم و با نظم و چارچوبی فوق‌العاده بیان کرده است و در ارائه مطالب، به گونه‌های استنادی، دو عرصه نظر و عمل را با یکدیگر همراه کرده است. در اولین کتاب از مجموعه ادب الهی، با عنوان تأدیب نفس، ابعاد مختلف تربیت فردی و اجتماعی از دیدگاه اسلام بررسی شده و در جلد دوم، مبانی تربیت و اصول خودسازی و دیگر سازی بیان شده است. سومین کتاب از مجموعه ادب الهی به تربیت فرزند اختصاص دارد که آیت‌الله تهرانی با ایجاد طبقه‌بندی دقیق و کم‌نظیری در این موضوع، راه را برای درک مسیر صحیح تربیت از دیدگاه اسلام، روشن‌تر کرده است. در جلد چهارم، مسئله حیات در ابعاد اخلاقی و معرفتی به خوبی بررسی شده و در جلد پنجم با عنوان تربیت مربی به مختصاتی که انسان باید برای اثرگذاری بر دیگران داشته باشد، پرداخته شده است.

درس‌هایی از اخلاق امام (ره) رسول سعادت‌مند تسنیم



کتاب درس‌هایی از اخلاق امام (ره) بیانگر گوشه‌ای از سبک زندگی امام امت (ره) در عرصه فردی و اجتماعی است. رسول سعادت‌مند، نویسنده این اثر، در بخشی از کتاب با عنوان «اخلاق در خانواده»، مباحث مهمی از آیین همسر داری، خودکفایی در منزل، تربیت فرزندان، احترام به مادر، توجه و محبت به اطرافیان، تربیت دینی، نماز، رعایت حجاب و عفاف، رفتار با نامحرم، غیبت، تحصیل و انتخاب شغل و ازدواج فرزندان را در قالب خاطراتی شیرین از امام (ره) در بیان دیگران روایت می‌کند. همچنین، خواننده در این کتاب درس‌های آموزنده‌ای را از آن بزرگوار در زمینه آراستگی و پاکیزگی، قناعت و ساده‌زیستی، نظم و رعایت قوانین و مقررات و صرفه‌جویی در زندگی فرا می‌گیرد. کتاب درس‌هایی از اخلاق امام (ره)، علاوه بر به تصویر کشیدن گوشه‌هایی از عشق رهبر کبیر انقلاب به مردم، با بیان ویژگی‌های عبادی و معنوی ایشان، دریچه‌ای از نحوه سلوک آن عارف الهی در رابطه با نماز، قرآن، دعا، زیارت و عزاداری را در مقابل مخاطب خود می‌گشاید و با روایت روزهای پایانی عمر شریف امام راحل (ره)، تصاویر زیبایی از آن رهبر فرزانه را ارائه می‌کند.

گام‌های سلوک: چهل گام در خودسازی حسن قدوسی زاده دفتر نشر معارف

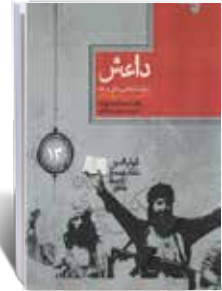


کتاب گام‌های سلوک، پنجمین دفتر از مجموعه کتاب‌های اخلاقی دفتر نشر معارف با نام دفاتر ملکوتی است. نویسنده کتاب مخاطب خود را گام‌به‌گام، با اصول اولیه تربیت اخلاقی آشنا می‌نماید و در هر گام، به ذکر آیه‌ای از قرآن کریم و چند حدیث مختصر از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در رابطه با همان گام و چند نکته کوتاه و متنوع علمی و عملی مرتبط با آن موضوع، می‌پردازد. در کتاب گام‌های سلوک فهرست نسبتاً کاملی از نیازهای اخلاقی انسان ارائه می‌شود؛ مانند: نماز؛ دعا؛ تلاوت قرآن؛ صدقه‌دادن؛ برآوردن حاجات برادران مؤمن؛ فراگیری علم؛ استراحت؛ بهداشت؛ مراقبه نفس؛ محاسبه نفس؛ ذکر دائمی؛ اهمیت دادن به ساعات عمر؛ صلوة رحم؛ نیکی به پدر و مادر؛ کنترل چشم و زبان؛ ارتباط با امام زمان (عج)؛ شکر نعمت‌های الهی؛ رعایت تقوای الهی؛ خوش خلقی؛ پرهیز از گناه؛ توبه و استغفار؛ یاد مرگ؛ اخلاص؛ دوراندیشی؛ نرمی و مدارا با دیگران؛ امید به فضل و رحمت الهی و انجام تفریحات سالم. همچنین، نقش این امور در خودسازی و سیر و سلوک اخلاقی بیان می‌شود.



بسته تیر ماه

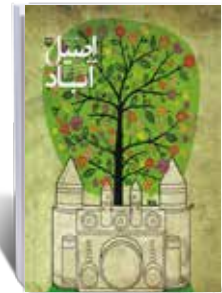
داعش: دولت اسلامی عراق و شام حجت الاسلام محمد ابراهیم نژاد دارالاعلام لمدرسة اهل بیت (ع)



کتاب *داعش: دولت اسلامی عراق و شام*، با تکیه بر منابع مختلف فارسی، عربی و انگلیسی و با استفاده از اطلاعات مهمی از سایت‌های مرتبط با داعش و سایر مراکز خبری، تاریخ و افکار این گروه تکفیری را تحلیل و بررسی کرده است. روند شکل‌گیری داعش و ساختار تشکیلاتی آن، شخصیت‌های مهم داعش، منابع مالی و رسانه‌های در اختیار این گروه تروریستی و مواضع مختلف داعش در قبال گروه‌های مختلفی مانند شیعیان، مسیحیان، حماس، اخوان المسلمین، کردها، و... از جمله مباحث خوب کتاب داعش است.

حجت‌الاسلام ابراهیم‌نژاد در این کتاب، علاوه بر نقد افکار انحرافی و اعمال افراطی گروه تکفیری داعش، مخاطب را با رهبران و شاخه‌های تروریستی مختلف به‌خصوص داعش و اختلافات درون گروهی آنان و نیز رابطه آن‌ها با کشورهای استعماری مانند آمریکا آشنا می‌نماید. کتاب *داعش: دولت اسلامی عراق و شام* علی‌رغم بیان ساده و روان و حجم کم، از محتوای جامع و دقیقی در رابطه با تفکرات، سیاست‌ها و عملکرد گروه تروریستی داعش برخوردار است.

اصیل آباد محمد رضا سرشار سوره مهر



اصیل‌آباد، داستان زندگی مردمی است که در یک جامعه روستایی و دور از جاذبه‌های زندگی شهری، با تکیه بر تولیدات خودشان و براساس فطرت، سادگی و پاکی گذران زندگی می‌کنند؛ اما در جریان ورود گوشه‌ای از ظواهر فریبنده دنیای غرب به این روستای اصیل، مردم آن، شیفته زرق و برق‌های زندگی شهری می‌شوند و با رشد روحیه تجددگرایی و مصرف‌پرستی، کم‌کم اصالت و پاکی خود را می‌بازند؛ اگر چه بعضی از شخصیت‌هایی که تا انتهای داستان، دستخوش تغییر

نمی‌شوند، مردم را گاه و بیگاه از خطرات پیش‌رو آگاه می‌کنند. استاد سرشار یا همان رضار هگندر، قصه‌گوی دل‌نشین ظهیرهای جامعه رادیو، در کتاب *اصیل‌آباد*، در جایگاه نویسنده‌ای متعهد، بنا بر رسالت دینی و ملی خود، در قالب داستانی گیرا و خواندنی، به نقد مظاهر مخرب دنیای غرب پرداخته و توانسته است مخاطب را با خود همراه و همدل کند.

اصیل‌آباد اگر چه از سری کتاب‌های گروه سنی نوجوانان به‌شمار می‌آید، علی‌رغم زبان ساده و حجم بسیار کم آن، به دلیل اهمیت موضوع داستان و محتوای غنی خود، از سوی مخاطبان گوناگون بزرگسال نیز با استقبال مواجه شده است؛ به‌گونه‌ای که از ابتدای نگارش آن تاکنون، نوزده بار تجدید چاپ شده است.

انسان ۲۵۰ ساله

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

مؤسسه جهادی صهبا



عبارت کلیدی *انسان ۲۵۰ ساله* عنوان کتاب ارزشمندی است که محصول جمع‌آوری بیانات مهم و مفضل مقام معظم رهبری در دومین کنگره جهانی امام رضا(ع) در مردادماه ۱۳۶۵ و سایر متون دست‌نویس ایشان درباره عنصر جهاد و مبارزه سیاسی در زندگی ائمه(ع) است. کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* با چینشی مبتنی بر ترتیب تاریخی زندگی اهل بیت(ع) از دوران پیامبر اعظم(ص) تا عصر امام عسکری(ع) به دنبال انتقال مفهومی متعالی از مسیر و مقصد زندگی مجاهدانه آن بزرگواران است و از این رو، بیش از آنکه یک کتاب تاریخی صرف باشد، فراتحلیلی تاریخی است که با نگاهی کل‌گرا، به دوران حیات هر یک از آن حضرات، به دنبال همان مقصود واحدی است که ایشان دنبال می‌کردند.

در واقع، نظریه انسان ۲۵۰ ساله نظریه مهم و بی‌نظیری است که مقام معظم رهبری آن را طرح کرده‌اند و تصویرگر این حقیقت است که عملکرد و رفتار فردی و اجتماعی و حکومتی معصومین(ع) در قالبی یکپارچه و به هم پیوسته بوده و یک منظومه تکمیل‌کننده عمل قبلی و آماده‌سازی عمل بعدی است. این کتاب از مهم‌ترین متونی است که به تشریح اندیشه‌های راهبردی و بنیادین مقام معظم رهبری و نوع نگاه ایشان می‌پردازد.

فرجام‌شناسی جریان‌های تاریخی

رضا مصطفوی

عهد مانا



التیام روایتی تحلیلی از سرنوشت قومی است که در طول تاریخ حیات خود، اسیر انحرافات مهلکی شدند که آثار آن هنوز هم ادامه داشته و دامن جامعه امروز بشری را نیز گرفته است. التیام حکایت قوم یهود و دشمنی‌های دیرینه آن با خداوند متعال و انسان‌های الهی است؛ قومی که در بیان قرآن کریم، سرسخت‌ترین دشمن مؤمنان معرفی شده است. البته کتاب التیام روایتی صرفاً تاریخی نیست، بلکه سعی کرده تا با

بررسی روشمند جریانات تاریخی، دشمن‌شناسی دقیقی را به مخاطب خود ارائه دهد. مصطفوی در کتاب التیام، با استفاده از داستان فرزندان حضرت ابراهیم(ع)، تشکیل و تکامل دو جریان تاریخی، یعنی بنی‌اسماعیل و بنی‌اسحاق را برای شناخت چرایی انحرافات تاریخی بررسی کرده و از این رهگذر، شاخص‌های بسیار مناسبی را برای تحلیل دوران گذشته و آینده و جلوگیری از گرفتارشدن بشر امروز به انحرافات زمانه، ارائه داده است. در واقع، التیام نوعی فرجام‌شناسی کاربردی جریان‌های تاریخی است که نظر به فرموده پیامبر اعظم(ص) که تاریخ امت خود را بسیار شبیه به تاریخ بنی‌اسرائیل ترسیم فرمودند، سعی نموده تا با تحلیل عملکرد فرزندان اسحاق(ع) که تاریخ قوم بنی‌اسرائیل را رقم زدند و نیز فرزندان اسماعیل(ع) که تاریخ اسلام را به دنبال آوردند، این مسئله مهم را بیان کند که قوم بنی‌اسرائیل علی‌رغم انتظار ۴۰۰ ساله خود برای ظهور پیامبر و منجی، با رفتار نامناسبی که نسبت به او در پیش گرفتند، از جایگاه خود نزد خداوند سقوط کردند و دچار لعنت پروردگار شدند؛ بنابراین، امت اسلام نیز باید با عبرت‌آموزی از تاریخ گذشتگان، علاوه بر آماده‌ساختن شرایط ظهور منجی موعود آخرالزمان، خود را برای جهاد و دشواری‌های پس از ظهور آن پیشوای الهی آماده کنند و مانع از تکرار دوباره نقاط سیاه تاریخ بشر شوند.



بسته مرداد ماه

جدال دو اسلام

انجمن فرهنگی هنری شهید بهروز محمدی

دفتر نشر معارف



کتاب «جدال دو اسلام» آینه‌ای است برای انعکاس اندیشه‌های بنیان‌گذار بزرگ انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) درباره تضاد و اختلاف دو نوع اسلام در روزگار ما. یعنی اسلام ناب محمدی و اسلام امریکایی. موضوعی که درک درست از آن، راه‌گشای بسیاری از شبهات نسل امروز ماست که جوانان را در تشخیص حقیقت اسلام دچار اشکال کرده است. کتاب «جدال دو اسلام» با چند یادداشت و گفت‌وگو از صاحب‌نظران فرهنگی سیاسی، به بررسی شاخصه‌های تقابل اسلام ناب با اسلام امریکایی در گفتمان امام راحل (ره) پرداخته و سپس گزیده‌ای از مطالب جلد بیست و یکم صحیفه امام (ره) را با عنوان «مصحف انقلاب» مورد بازخوانی قرار داده، که شامل سخنرانی‌های مهم، و نامه‌ها و پیام‌های تاریخی ایشان در آخرین سال‌های حیات پرپرکشان است.

در این کتاب، حضرت امام خمینی (ره) با تأکید بر مشخصات و ویژگی‌های اسلام ناب محمدی که به تعبیر مقام معظم رهبری، اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام (ره) و نظرات ایشان است، سعی کردند مسلمانان را متوجه خطری بزرگ و پنهان کنند؛ و آن خطر، راندن سیاست و جامعه از گستره آموزه‌های اسلامی و جانشین کردن اسلام سرمایه‌داری و استعماری با اسلام راستین است. با نگاهی به سرفصل‌های کتاب «جدال دو اسلام» و تطبیق آن با عصر حاضر به خوبی می‌توان فهمید که تقابل بین این دو نوع اسلام، نه تنها به هیچ وجه کمرنگ نشده، بلکه ابعاد جدید و پیچیده‌تری پیدا کرده است، و اگر به خوبی شناخته نشود جامعه اسلامی و به خصوص جوانان مسلمان مورد هجوم تفکرات باطل قرار می‌گیرند و در مسیر دین‌داری خود دچار تردید می‌شوند.

سلوک با همسر

انتشارات تراث



کتاب «سلوک با همسر» با زیر عنوان «نه حرف من، نه حرف تو، حرف خدا»، از انتشارات تراث، به موضوعات و مسائلی که می‌تواند مبتلایه یک زندگی زناشویی و خانوادگی باشد و در تعاملات روزمره اعضای خانواده رخ دهد می‌پردازد و با تکیه بر آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) و شیوه عملی علمای برجسته و اولیای الهی، راهکارهای کاربردی مناسبی ارائه می‌نماید. البته نه فقط به عنوان راهی برای کاهش تنش‌های خانوادگی بلکه به عنوان مسیری جهت رسیدن به قرب الهی و تکامل. کتاب «سلوک با همسر» راهی جلوی پای مآقر می‌دهد تا به خدا نزدیک‌تر شویم اما از راهی متفاوت که شاید خیلی حواسمان به آن نبوده است، یعنی دقت در رفتارهای خانوادگی. شاید برای بعضی‌ها عجیب باشد که بشنوند بهترین مسیر رسیدن به تقرب الهی، از خانواده می‌گذرد؛ اما در بخشی از کتاب «سلوک با همسر» از قول یکی از عرفای بزرگ نقل شده است که می‌فرمود: «انسان اگر بخواهد واصل شود، شروع آن از خانه و زن و بچه است.» کتاب «سلوک با همسر» سعی می‌کند کیفیت زندگی و تعاملات خانوادگی ما را بالاتر برده و کمک کند تا خانواده‌ای شادتر، سالم‌تر و اسلامی‌تر داشته باشیم. «سلوک با همسر» با استفاده از حکایت‌های اخلاقی و تربیتی از بزرگان دین علاوه بر اینکه خواندن کتاب را برای عموم مخاطبان، دلنشین و شیرین کرده، نمونه‌ای واقعی و ملموس از سبک زندگی اسلامی را ارائه داده است.

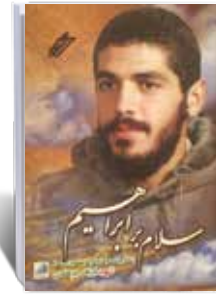
فواره گنجشک‌ها محمود پوروهاب مسجد مقدس جمکران



این کتاب برای آشنایی مخاطب کودک و نوجوان با راه و روش زندگی ششمین پیشوای معصوم (ع) نگارش یافته است. پوروهاب با تکیه بر منابع تاریخی و روایی مستند، سعی کرده تا در قالب ۳۲ داستان کوتاه و جذاب از تاریخ زندگی امام صادق (علیه السلام) نوجوانان را با معارف دینی و ارزش‌های اخلاقی آشنا کند و زمینه انس این نسل آینده‌ساز را با الگوهای مناسب در زندگی فراهم نماید. اگرچه داستان‌های دلنشین و آموزنده کتاب «فواره گنجشک‌ها» با بیان ساده و

روان تاریخ زندگی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)، الگویی مناسب و واقعی برای نسل نوجوان و جوان معرفی می‌کند، اما محتوای غنی داستان‌های شیرین آن برگرفته از گفتار و کردار پیشوای معصوم است. این کتاب که در طرح ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در نماز جمعه‌های کشور معرفی شد، می‌تواند برای عموم مخاطبان خصوصاً والدین، مبلغان و مربیان تربیتی نیز مفید و قابل استفاده باشد.

سلام بر ابراهیم گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی



کتاب «سلام بر ابراهیم» روایت زندگی یکی از چهره‌های برجسته و شاخص دفاع مقدس، شهید مفقودالآثر «ابراهیم هادی» است که نام او تداعی‌گر مجاهدت، شجاعت، از خودگذشتگی و پایمردی است. شهید ابراهیم هادی، مبارزی انقلابی، فرماندهی پرتلاش، ورزشکاری پهلوان، معلمی فداکار، مداحی دلسوخته، رفیقی دلسوز و بنده خالص خدا بود که می‌تواند الگوی بسیار مناسبی برای نسل امروز جامعه ما، به‌عنوان یک جوان شاخص مسلمان در طراز انقلاب اسلامی معرفی شود. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی در کتاب «سلام بر ابراهیم» سعی کرده است تا

از گذر خاطرات خانواده، یاران و دوستان آن شهید بزرگوار، شیوه زندگی و شخصیت والای وی را به مخاطب معرفی کند؛ و در این راستا، با بیان داستان گونه و دلنشین خاطرات بر جذابیت کتاب افزوده است.

کتاب «سلام بر ابراهیم» یکی از معدود کتاب‌های زندگینامه و خاطرات تاریخ انقلاب و دفاع مقدس است که به دلیل غنای ویژه محتوایی که دارد، در سال‌های اخیر با استقبال خوبی روبه‌رو شده، به‌طوری که تاکنون با ۴۱۵۰۰۰ نسخه در ۹۴ نوبت چاپ هنوز هم مخاطبان زیادی را به خود اختصاص داده است.

حیات پاکان مهدی محدثی بوستان کتاب



کتاب «حیات پاکان» مجموعه‌ای از داستان‌های جذاب و دلنشین از تاریخ زندگی پیامبرگرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و خاندان مطهر ایشان است که با استفاده از منابع مستند و قابل اعتماد، راه و روش زندگی آن پیشوایان پاک را به جوانان و نوجوانان معرفی می‌کند. اگرچه زبان داستان‌های «حیات پاکان» ساده و متناسب با مخاطب نوجوان است ولی مضامین بالای آنها که برگرفته از سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد، برای تمامی سنین اعم از

نوجوان، جوان و بزرگسال قابل استفاده و درس آموز است.



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



مریم نصر | از تحول آدم تا تغییر عالم ۱۰۲

گفت‌وگو با استاد اصغر طاهرزاده | کاری جز تذکر دادن تعریف نکرده‌ام ۱۰۵

گفت‌وگو با مرتضی اخوندی | کهنه‌سرباز ۱۰۹

مزارش | ممیزی بیشتر مسئله‌ای محفلی است ۱۱۲

از تحول آدم تا تغییر عالم

مریم نصر

این کتاب که از سوی ساواک جزء کتب ممنوعه شمرده می‌شد، دست‌به‌دست بین نیروهای انقلابی می‌چرخد و اغلب انقلابیون اهل فکر با مطالعه آن، به جریان انقلاب می‌پیوندند. ساواک نوزده بار این کتاب را خواند و کلمات آن را زیر و رو کرد تا شاید خط ربط این اثر با انقلاب را درک کند؛ ولی کوردلان دورافتاده از تعالیم دین را راهی به فهم چنین مطالبی نیست. باین‌حال، ساواک جمع کردن این کتاب از دسترس مردم را در دستور کار قرار داد. آقای جلال الدین فارسی در این اثر، با رویکردی انقلابی، اقدامات پیامبر اکرم (ص) را جهت تحقق یک انقلاب اجتماعی جامع و فراگیر به‌شکلی تکاملی در سه فصل به تصویر کشیده است. وی ابتدا به انقلاب تکاملی پیامبر اشاره می‌کند، سپس، قائل به یک انقلاب ارتجاعی در جهت فرهنگ جاهلیت است که به‌وسیله منافقان در جامعه انجام می‌شود و در آخر، اشاره‌ای به تکمیل انقلاب تکاملی اسلام به رهبری ائمه دارد. وی به وحی توجه خاص دارد و از قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع خود در نگارش تاریخ صدر اسلام بهره می‌برد. یکی از مباحث‌های مهم و کاربردی این کتاب، بحث در زمینه انقلاب سیاسی است و در آن، نویسنده تلاش دارد تا خصوصیات سلطنت مطلقه و مبانی اعتقادی آن را نشان دهد و ویژگی‌های جمهوری مشروطه را با حکومت نبوی تطبیق دهد.

یکی از نکات قوت این اثر آن است که ضمن ارائه تحلیلی جامع و متفاوت از انقلاب، کاملاً بر کانه هیچ اشاره‌ای به عوامل حکومت وقت از جمله شاه و آمریکا ندارد و همچنین، هیچ نامی از رهبری انقلاب یعنی امام خمینی (ره) به میان نیاورده است.

مؤلف در بخشی از خاطرات خود اشاره می‌کند: «بعد از کودتای ۲۸ مرداد، گفتم آثار فرهنگی باید کل ملت را بیدار کند؛ در حالی که آثار فرهنگی موجود، چنین امکانی را نداشت. بنابراین، انقلاب تکاملی اسلام را نوشتم و کتاب خیلی مهمی بود. اهمیتش از این‌روست که در غرب و الا‌زهر هم به کار پیامبر با عنوان انقلاب نپرداخته بودند. آقای دعایی نسخه‌ای از کتاب را به امام داده بودند و وقتی در عراق به دیدن امام رفتم، دیدم امام کتاب مرا خوانده‌اند»^۱

در رژیم گذشته و در ایام منتهی به انقلاب، اتفاقات گوناگون و جریان‌سازی‌های مختلف هر کدام به‌نحوی در جذب و جهت‌دهی اقشار مختلف جامعه به باورهای انقلابی و دینی نقش داشته‌اند.

در این میان دانشجویان، بازاریان، کارمندان، نظامیان، معلمان و... هر کدام به طریقی جذب انقلاب اسلامی شده‌اند. باین‌وجود، عواملی که بتواند پای قشر فرهیخته و اندیشمند را به انقلاب و مبارزه با حکومت باز کند، جای تأمل دارد. مسلماً کسی که کارها و برنامه‌هایش را با عقل و اندیشه تنظیم می‌کند، برای ورود به عرصه انقلاب تعلل دارد، خاصه آنکه حضور عوام در این جریان چشمگیر است و بیم آن می‌رود که یک موج‌سواری سیاسی در کار باشد. قشر فرهیخته و اهل فکر قطعاً به‌دنبال فلسفه و پیشینه حرکت انقلابی هستند. بنابراین، لازم است با تبیین آگاهانه رویکرد و فلسفه انقلاب، فضا برای دیگر فرهیختگان روشن شود. این آگاهی ممکن است از طریق نگارش و تألیف یک کتاب صورت گیرد.

البته تألیف اثر ماندگاری که در قشر فرهیخته جامعه، جذبه انقلابی ایجاد کند، کار ساده‌ای نیست. چنین اثری باید آن‌چنان در اقلان مخاطب قوی عمل کند که جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نماند و شرایط را برای تبدیل انگیزه به عمل انقلابی هموار سازد.

یکی از کتاب‌هایی که در وصف فلسفه انقلاب اسلامی در زمانه انقلاب نگاشته شده، *انقلاب تکاملی اسلام* تألیف جلال الدین فارسی است. این کتاب که از سوی انتشارات آسیا منتشر شد، مهم‌ترین کتاب نویسنده پیش از انقلاب محسوب می‌شود که آن را در ادامه کتاب *نهضت‌های انبیا* نوشت. رسول جعفریان در کتاب *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران* در این باره می‌نویسد: «تأثیر این کتاب به‌حدی بود که بنا به نقل برخی دوستان، یکی از اساتید حوزه، پیش از انقلاب، پیشنهاد طرح آن را به‌عنوان کتاب درسی در حوزه مطرح کرده بود.» فردی که در اداره سانسور آن زمان این کتاب را خوانده بود، درباره آن نوشت: «نویسنده در آخر مقدمه‌اش اظهار امید می‌کند که آن انقلاب اجتماعی صدر اسلام به‌همت مردم ایران تجدید و تکرار شود.»^۲

”یکی از کتاب‌هایی که در وصف فلسفه انقلاب اسلامی در زمانه انقلاب نگاشته شده، انقلاب تکاملی اسلام تألیف جلال الدین فارسی است

”رسول جعفریان می‌نویسد: «تأثیر این کتاب به‌حدی بود که بنا به نقل برخی دوستان، یکی از اساتید حوزه، پیش از انقلاب، پیشنهاد طرح آن را به‌عنوان کتاب درسی در حوزه مطرح کرده بود.»

”این کتاب که از سوی ساواک جزء کتب ممنوعه شمرده می‌شد، دست‌به‌دست بین نیروهای انقلابی می‌چرخد و اغلب انقلابیون اهل فکر با مطالعه آن، به جریان انقلاب می‌پیوندند. ساواک نوزده بار این کتاب را خواند و کلمات آن را زیر و رو کرد تا شاید خط ربط این اثر با انقلاب را درک کند



وجود دارد. اگر قوم یاری نکنند، خداوند دستور به انقلاب نمی‌دهد؛ مانند قوم موسی که توانایی مقابله با فرعون را نداشتند و دستور به مهاجرت گرفتند.

نهضت انقلابی اسلام دو دوره کاملاً مشخص داشته است: دوره تکوین ملت و دوره تأسیس دولت که شاهد این دوره‌بندی، ادوار وحی است که سوره‌ها را به دو دسته مکی و مدنی تقسیم می‌کند. سوره‌های مکی مشتمل بر شالوده اخلاقی است؛ مانند روم و نحل و سوره‌های مدنی ناظر به استقرار نظم اجتماعی است مانند سوره شوری.

منظور از تکوین ملت، دوره پروراندن نیروی انسانی است که مستلزم جهاد تربیتی و نهضت اعتقادی و اخلاقی به رهبری پیامبر است و این تربیت و پرورش متفاوت از شیوه تأسیس حکومتی از قماش شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم است که در آن‌ها راه بسی کوتاه است و مسئله حکومتشان، تربیت نیروی انسانی معتقد و اخلاقی نیست.

با این جهان‌بینی، هدف نهضت پیامبران ایجاد زمینه اجتماعی و مبارزه با فساد دامن‌گیر در کشور است. برای مثال، فرعون، جامعه مصر را به دو گروه تقسیم کرده و گروهی را مشمول ظلم و حقارت قرار داد. اراده خدای متعال به آزادی این گروه تعلق گرفت و البته گروه ستم‌زده نیز در جامعه آرام ننشسته و اعتراضاتی داشتند. انقلاب اجتماعی کامل چند جنبه دارد و در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی جریان دارد. البته این یک روند به‌هم‌پیوسته است و جز در انتزاع ذهنی تجزیه‌پذیر نیست. هر تغییر اساسی در جامعه، در کیفیت و فعالیت انسان‌ها خلاصه می‌شود.

هر گونه تغییری جز از راه جهاد تربیتی، تغییری ظاهری و سطحی است و قابلیت تأمل تاریخی ندارد. دگرگونی‌های صوری که جز به شیوه تحول درون صورت پذیرفته، به‌شوخی، نام انقلاب گرفته و دوامی نداشته است. تحول درونی انسان‌هاست که منجر به تغییرات و

این کتاب درباره بعثت پیامبر خاتم(ص) است و مراحل یک انقلاب دینی را توضیح می‌دهد. تلاش مؤلف بر آن است که جنس تحولات درونی و بیرونی جامعه بشری را که با بعثت پیامبر رخ داد، توضیح دهد و با اندکی تأمل و مقایسه، خواننده متوجه می‌شود که جنس اتفاقات انقلاب اسلامی از جنس تحولات بعثت است.

مؤلف در این اثر، فقط به روایتگری ساده تاریخ نپرداخته و با ترکیب اطلاعات و محتوایی که از اسناد معتبر استخراج کرده است، طرحی کلی و به‌هم‌پیوسته رقم‌زده که جریان‌های تاریخی به‌روشنی در آن جای می‌گیرد و با حقایق دیگر تاریخ، انسجام دارد. نگارنده مدعی است که می‌شود از جریان‌های گذشته، طرحی ذهنی را وام گرفت و با مشاهده جریان‌ها و حوادث جاری، آن را آزموده و تحکیم بخشید.

در این کتاب آمده‌است که «یک انقلاب اجتماعی کلی و کامل و تکاملی چند جنبه دارد و در همه جامعه، از هر جهت تغییر ایجاد می‌کند و مقصود از انقلاب آن است که مردم جامعه تجدید سازمان شوند و نظام عادلانه اجتماعی شکل گیرد»^۲.

طبق طرح کلان مؤلف، تئوری انقلاب از طریق وحی به رهبر جریان، یعنی پیامبر رسیده و ابتدا در وجود ایشان تحولی پدید آورد و سپس، به جهان و بشریت تسری پیدا کرد. در این طرح کلان، خدای متعال به‌عنوان اولین کسی که به‌دنبال برپایی انقلاب اجتماعی در میان بشر است، معرفی شده و طبق آیات ۱۱ تا ۱۸ سوره انبیا، خدای متعال خود را یک انقلابی بزرگ و وصف کرده است.

نویسنده در ادامه، توضیح می‌دهد: برای ایجاد یک جریان انقلابی دو اراده سهیم است: یکی اراده پروردگار که با مبعوث کردن رهبری شایسته و ارائه تئوری انقلاب از طریق وحی انجام می‌شود و دیگری اراده افراد حق طلب که به تکوین ملت تعبیر می‌شود. این بدان معناست که یک مسئله فنی و تاحدودی وابسته به اراده انسان‌ها

در این کتاب

آمده‌است که «یک انقلاب اجتماعی کلی و کامل و تکاملی چند جنبه دارد و در همه جامعه، از هر جهت تغییر ایجاد می‌کند و مقصود از انقلاب آن است که مردم جامعه تجدید سازمان شوند و نظام عادلانه اجتماعی شکل گیرد.»

نهضت انقلابی

اسلام دو دوره کاملاً مشخص داشته است: دوره تکوین ملت و دوره تأسیس دولت که شاهد این دوره‌بندی، ادوار وحی است که سوره‌ها را به دو دسته مکی و مدنی تقسیم می‌کند.

منظور از تکوین

ملت، دوره پروراندن نیروی انسانی است که مستلزم جهاد تربیتی و نهضت اعتقادی و اخلاقی به رهبری پیامبر است





از آنجا که هر تحول تکاملی مسبوق به تحول انفسی تکاملی در وجود انقلابیون است، نگارنده معتقد است که نقش گروه‌های غیرمذهبی مانند مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در انقلاب منفی بود

پایه‌گذاری تمدن معنوی جدیدی می‌اندیشد. البته به‌طور طبیعی پس از هر انقلاب تکاملی پیروزمند، عناصر متحول نشده به‌دنبال کسب فرصت هستند و بقایای عقاید و عادات جاهلیت که در جامعه مانده است، موجب رجعت به دوران جاهلیت پیش از انقلاب می‌شوند. در مقابل چنین جریانی، نیاز به تلاش در راستای جهاد داخلی است و ائمه(ع)، فرماندهان این جهاد داخلی در تجدید انقلاب تکاملی اسلام بودند.

هرآنچه در این کتاب آمده است، در خدمت یک مفهوم است؛ تحول آدم تغییر در عالم را موجب می‌شود. کسی که تحولات انفسی در او شکل نگرفته، توانایی تغییر در آفاق را ندارد و با اندک فشاری، بقایای عقاید جاهلیت در درونش جان گرفته، موجب بروز رفتار سازشکارانه با دشمن می‌شود. استاد جلال‌الدین فارسی در کتاب انقلاب تکاملی اسلام سعی در تلفیق مفاهیم جدید با گزاره‌های تاریخی صدر اسلام دارد. او از این طریق تلاش کرد تا از اسلام، تصویر دینی انقلابی ارائه دهد و این دین را دینی دارای طرح و برنامه مشخص در همه عرصه‌های حیات اجتماعی به تصویر بکشد. ارائه این الگوی انقلابی از اسلام را می‌شود طرحی ایجابی در برابر الگوهای وارداتی از شرق و غرب، به‌ویژه مکتب مارکسیسم دانست. بنابراین، می‌شود گفت این کتاب قبل از انقلاب، با ایجاد پشتوانه دینی و پس از آن، با الهام‌بخشی در راستای ایجاد ساختار تشکیلاتی متناسب، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف و تثبیت نهال نوبی انقلاب اسلامی داشته است.

انقلاب بیرونی می‌شود. دگرگونی ژرف سیاسی مسبوق به نهضتی اعتقادی و اخلاقی است. خدای متعال در آیه ۱۱ از سوره رعد، تغییر حال اقوام را به تغییر در درونشان ارجاع می‌دهد. شاهد این مدعا صحبت‌های جعفرین‌ابی‌طالب در پاسخ به نجاشی، پادشاه حبشه است. آنجا که از آنچه بوده‌اند، گزارشی می‌دهد و با شغفی وصف‌ناپذیر از آنچه هستند، می‌گوید. در واقع شرح حرکت از پست‌ترین احوال به احسن‌الحال می‌دهد.

از آنجا که هر تحول تکاملی مسبوق به تحول انفسی تکاملی در وجود انقلابیون است، نگارنده معتقد است که نقش گروه‌های غیرمذهبی مانند مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در انقلاب منفی بود. از نظر نگارنده، البته این گروه‌ها اگرچه در براندازی حکومت شاه نقش داشتند، در سیر تکاملی انقلاب اسلامی نه تنها نقشی نداشتند که نقششان منفی و از جنس عقب‌گرد بود.^۱

طبق اسناد تاریخی، پس از شکل‌گیری نهضت در مکه، مسلمان‌ها تحت تحریم همه‌جانبه قرار گرفتند؛ ولی تحمل کردند و ناراحتی‌ها را از سر گذراندند و این مقاومت سرسختانه مسلمانان، موجب شکست روانی مشرکان شد و مسلمانان را به نیروی ایمان، صمیمیت و جدیت ناشی از این مقاومت، تجهیز کرد. مسلمانان اظهار عجز نکردند تا محاصره پایان گرفت.

این پیکار اعتقادی انسان‌ساز خواه‌ناخواه به نهضتی اعتقادی و نظامی آزادی‌بخش می‌انجامد که توده‌های همه کشورهای را در خود جای می‌دهد و بدین سان ملت اسلامی، ملتی در حال بسط و مجاهدت است که به

هر آنچه در این کتاب آمده است، در خدمت یک مفهوم است؛ تحول آدم تغییر در عالم را موجب می‌شود. کسی که تحولات انفسی در او شکل نگرفته، توانایی تغییر در آفاق را ندارد و با اندک فشاری، بقایای عقاید جاهلیت در درونش جان گرفته، موجب بروز رفتار سازشکارانه با دشمن می‌شود

پی‌نوشت‌ها:

۱. کدام نویسنده و کدام کتاب با استقبال امام روبه‌رو شد، خبرگزاری فارس، بهمن ۱۳۹۲ / ۲. گفت‌وگو با جلال‌الدین فارسی، روزنامه جام جم، بهمن ۱۳۹۲ / ۳. کتاب/انقلاب تکاملی اسلام، صفحه ۶ تا ۱۰ / ۴. گفت‌وگوی اختصاصی با جلال‌الدین فارسی، نشریه دانشجویی جیم، بهمن ۹۲

کاری جز تذکر دادن تعریف نکرده‌ام

گفت‌و‌گویی که پیش رو دارید، بیشتر ادای دینی است به کسی که یک عمر، در زمینه‌های فکری مختلف و انقلاب اسلامی، فعالیت قلمی و کلامی داشته است. استاد اصغر طاهرزاده در سن ۶۰ سالگی، همچنان با شور و اشتیاق فراوان، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و دینی فعالیت دارد. در این گفت‌و‌گو، گذری کوتاه بر اندیشه‌ها و فعالیت‌های ایشان داشته‌ایم.

کمی از دوران کودکی، تحصیلات ابتدایی و فضای تربیتی بفرمایید که در آن رشد کرده‌اید.

بنده در خانواده‌ای مذهبی، در قسمت فقیرنشین شهر اصفهان به دنیا آمدم. در پنج‌سالگی، به فلج اطفال مبتلا شدم و دست چپم از قسمت بازو، از کار افتاد. زمانی که در خانواده‌ی ما، افراد به‌ندرت به مدرسه می‌رفتند، با اصرار مرحوم مادرم و به‌خاطر ناتوانی که از دست چپ داشتم، به مدرسه فرستاده شدم. محله‌ی ما محله‌ای مذهبی بود با مسجدی که در آن، هر سه وقت نماز برگزار می‌شد و بنده هم مثل سایر بچه‌های محل، در مسجد حاضر می‌شدم. فضای مدرسه نیز روی هم‌رفته، سالم بود.

اولین دغدغه‌های فکری شما چه بود و از چه سنی شروع شد؟
اولین دغدغه فکری بنده، با حبس و تبعید حضرت امام خمینی(ره) شروع شد. با اینکه بنده در آن زمان، دوازده سال داشتم، حساسیت مرحوم مادر بزرگم، فضای خانواده‌ی ما را متوجه آن موضوع کرد. مسئله خانواده ما در آن زمان، آن بود که اگر علما حکم جهاد دادند، چگونه از حضرت امام(ره) دفاع کنیم.

فعالیت‌های سیاسی فکری شما قبل از انقلاب، چگونه بود؟
در سال ۱۳۴۹، وارد جریان انقلاب شدم و فعالیت سیاسی بنده، با خواندن کتاب ولایت فقیه شروع شد. از آن به بعد، آرزوی بنده به‌عنوان یک جوان، حاکمیت حکم خدا در نظام سیاسی

جامعه بود؛ هرچند تحت تأثیر تبلیغات نظام شاهنشاهی به پیش رفت، به روش غربی هم اهمیت می‌دادم.

در مورد استادانتان بفرمایید.

با اینکه با مطالعه کتاب ولایت فقیه، جبهه خود را تعیین کرده بودم، با ورود به دانشگاه، مشغول درس شدم تا اینکه حدود سال ۱۳۵۲، به کمک دوستان با شخصی آشنا شدم که از طرف رژیم شاه، تحت تعقیب بود و به‌طور پنهانی، در یکی از روستاهای اطراف اصفهان زندگی می‌کرد. ایشان به‌طور جدی، ما را وارد انقلاب کرده و با مباحث قرآنی و نهج البلاغه آشنا کرد و پس از آن، با جزوات دکتر شریعتی و کتاب‌های شهید مطهری آشنا شدیم. در نهایت، کارمان به شهر مقدس قم کشیده شد و به خواندن ادبیات عرب و کمی فقه و فلسفه مشغول شدیم که متأسفانه، قبل از آنکه کار را تمام کنیم، به‌خاطر شروع تظاهرات، درس‌ها تعطیل شد. از اوایل سال ۵۷، وارد فعالیت‌های خاصی شدیم که انقلاب اقتضا می‌کرد. چند سال بعد از انقلاب، متوجه شدم در امور فرهنگی، نقیصه‌های جدی داریم و با زمینه فلسفی که داشتم، به اندیشه‌های امثال آیت‌الله حسن‌زاده و آیت‌الله جوادی آملی و از همه مهم‌تر، حضرت امام و علامه طباطبایی رجوع کردم و به مطالعات خود، سروسامانی دادم.

از میدان‌های سختی که پیش روی انقلاب بود، چیزی به یاد

”از اوایل سال ۵۷، وارد فعالیت‌های خاصی شدیم که انقلاب اقتضا می‌کرد. چند سال بعد از انقلاب، متوجه شدم در امور فرهنگی، نقیصه‌های جدی داریم و با زمینه فلسفی که داشتم، به اندیشه‌های امثال آیت‌الله حسن‌زاده و آیت‌الله جوادی آملی و از همه مهم‌تر، حضرت امام و علامه طباطبایی رجوع کردم و به مطالعات خود، سروسامانی دادم

دارید؟

قبل از انقلاب و بعد از ازدواج و در حین کار در آموزش و پرورش، هفته‌ای سه روز درس می‌دادم و هفته‌ای سه روز به قم می‌رفتم. به واسطه شغل معلمی ام توانستم بعد از انقلاب هم مباحث را تاحدی دنبال کنم؛ به خصوص که بعد از انقلاب، با باز شدن دانشگاه‌ها، نیاز به مباحث فلسفی در قالب معارف اسلامی، ما را در دنبال کردن مباحث کلامی و فلسفی، جدی‌تر کرد.

در ظاهر، مسئولیت‌های اجرایی، با روحیه شما سازگار نبوده است؛ ولی با این حال، در دوره‌های مختلف، به سمت مسئولیت اجرایی کشیده شدید. چطور روحیه گریز از مسئولیت‌های اجرایی و روحیه به‌عهده گرفتن آن را در کنار هم داشتید؟

به‌رحال، خیلی‌ها در پستی که دارند، می‌مانند و به مقام‌های برتر امید دارند؛ البته این طرز تفکر بد نیست؛ ولی با برخی روحیات سازگار نیست.

ضرورت‌های انقلاب بود که بنده را به مسئولیت‌های اجرایی کشاند. خدا می‌داند تمام مسئولیت‌هایی را که به عهده گرفته‌ام، به دلیل دور شدن از مباحث علمی برایم با اندوه فراوانی همراه بود؛ زیرا قصه امثال ما، قصه این شعر است که می‌گوید: «هر که در خانه‌اش صنم دارد/گر نیاید برون، چه غم دارد» فکر می‌کنم بنده برای کارهای فرهنگی ساخته شده‌ام.

یکی از برنامه‌های اجرایی شما، راه‌اندازی جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه و شرح روایات معصومین (ع) است که تاکنون هم ادامه دارد. دربارهٔ آیندهٔ اولیه و چگونگی شکل‌گیری آن بگویید. بنده معتقدم که مدینهٔ فاضلهٔ ما، در راستای نشر فرهنگ اسلامی، محقق می‌شود و آن جامعهٔ اسلامی که مقام معظم رهبری دنبال آن هستند، در راستای نشر فرهنگ اسلامی بین احاد مردم، فعلیت می‌یابد. قبل از انقلاب، بنده به کمک همین جلسات، با اسلام آشنا شدم و طعم این کار را چشیده‌ام و امیدوارم بتوانم بچشایم. بنابراین، اگر افلاطون هم در ایران، در این زمان می‌خواست طرح مدینهٔ فاضلهٔ خود را بریزد، برگزاری این نوع جلسات را توصیه می‌کرد.

نتیجهٔ مباحث مطرح‌شده در این جلسات، چگونه عمومی می‌شود؟

جنس «دین» این‌طور است که قلب عموم مردم را مخاطب قرار می‌دهد. چون انسان‌ها در فطرت خود مباحث دینی را می‌شناسند، کافی است ما

انقلاب اسلامی، باطن و حقیقتی دارد که متأسفانه همهٔ طرفداران انقلاب، به حد تمام و کمال به آن معتقد نیستند و بیشتر با نگاه اعتباری و ابزاری به آن می‌نگرند. مقام معظم رهبری، حقیقت انقلاب را به‌خوبی می‌شناسند و به‌همین خاطر، به‌خوبی می‌توانند آن را مدیریت کنند و آن را از بحران‌هایی که بر سر راهش قرار می‌گیرد، عبور دهند. همان‌طور که فقط ائمه (ع)، حقیقت اسلام را می‌شناسند و از هرگونه انحراف و تحریفی که بخواهد بر اسلام تحمیل شود، جلوگیری می‌کنند.

بیشترین تأثیر روحی عرفانی شما از کیست؟

ابتدا از حضرت امام (ره) بود. به انگشت اشارهٔ ایشان، به محی‌الدین عربی گرایش پیدا کردم؛ البته حکمت متعالیه در فهم عرفان محی‌الدین، به بنده کمک کرد. هرچند بعد از مدتی، سعی کردم عرفان محی‌الدین را آزاد از حکمت متعالیه بنگرم.

دربارهٔ ازدواج و زندگی شخصی‌تان بگویید. افراد خانواده چقدر و چگونه شما را همراهی می‌کنند که به‌طور کامل، وقف این‌گونه مباحث هستید؟

ازدواج ما در بستر انقلاب و انقلابی‌گری اتفاق افتاد. با همسر، در جلسات انقلابی ضد رژیم، قبل از انقلاب آشنا شدم؛ بنابراین، نه تنها ایشان مانع کار نبودند، بلکه دوش‌به‌دوش بنده، همراهی می‌کردند و احساس می‌کنند در یک جبهه، در حال فعالیت هستیم.

چه شد که رشتهٔ زمین‌شناسی را برای تحصیلات دانشگاهی انتخاب کردید؟

این رشته با روحیه‌ام هماهنگی داشت و قبل از دانشگاه هم به آنس با طبیعت و کوه‌نوردی علاقه‌مند بودم و اگر ضرورت‌های انقلاب پیش نمی‌آمد، مایل بودم همچنان زمین‌شناس بمانم. فکر می‌کنم استعداد دنبال کردن موضوعات آن علم را دارم.

در ادامه، چه عامل و انگیزه‌های شما را به سمت تحصیلات حوزوی کشاند؟ با توجه به اینکه هم‌زمان، شاغل هم بودید و کارتان دوچندان سخت می‌شد.

سنت خوبی که قبل از انقلاب، بین مذهبی‌های انقلابی جای داشت، تحصیلات حوزوی بود. بنده هم بر همان اساس، وارد حوزه شدم.

”به انگشت اشارهٔ ایشان، به محی‌الدین عربی گرایش پیدا کردم؛ البته حکمت متعالیه در فهم عرفان محی‌الدین، به بنده کمک کرد. هرچند بعد از مدتی، سعی کردم عرفان محی‌الدین را آزاد از حکمت متعالیه بنگرم

”بنده معتقدم که مدینهٔ فاضلهٔ ما، در راستای نشر فرهنگ اسلامی، محقق می‌شود و آن جامعهٔ اسلامی که مقام معظم رهبری دنبال آن هستند، در راستای نشر فرهنگ اسلامی بین احاد مردم، فعلیت می‌یابد



”روش دینی، روش متذکر کردن انسان‌هاست به آنچه در فطرت خود دارند. این روش، ارجاع انسان به حقیقت وجودی خودش است و شما این روش را در سراسر قرآن ملاحظه می‌کنید. قرآن نمی‌خواهد اطلاعاتی بر اطلاعات ما بیفزاید، می‌خواهد آنچه در درون داریم، برانگیزاند.

”بنده چون در نوشته‌ها و سخنان خود، کاری جز تذکر دادن را برای خود تعریف نکرده‌ام، سعی می‌کنم تا آنجا که ممکن است، از جایگاه علم حصولی، افراد را مخاطب قرار ندهم

”غفلت بزرگی در بعضی از مذهبی‌ها پیدا شده و آن این است که فکر می‌کنند در زمان غیبت امام زمان (عج) امکان زندگی نیست و به بهانه منتظر حضرت بودن، گرفتار بی‌عملی می‌شوند

ماهنامه شیزده کتاب شماره ۱۲، ۱۴ و خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

به علم حصولی است و انسان‌ها تا چیزی یاد نگیرند، خود را به حساب نمی‌آورند. عموم افراد، چنین عزمی ندارند تا با تغییر مرتبه وجود خود از طریق توجه قلبی، به مرتبه‌ای از وجود رجوع کنند. بیشتر دوست دارند بدانند تا بشنوند؛ در حالی که در حیات بعد از مرگ، باید بشنوند تا رجوع الی‌الله برایشان ممکن شود. بنده با توجه به این امر، سخن می‌گویم و می‌نویسم. در مقدمه کتاب آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود، سعی شده است این روش و برکات آن تبیین شود.

این روزها درباره ظهور، به شکل فزاینده‌ای، اخبار و اطلاعات منتشر می‌شود. شما در کتاب بصیرت و انتظار فرج، در این باره نوشته‌اید؛ اما با توجه به اهمیت موضوع، کمی در این باره بگویم.

غفلت بزرگی در بعضی از مذهبی‌ها پیدا شده و آن این است که فکر می‌کنند در زمان غیبت امام زمان (عج) امکان زندگی نیست و به بهانه منتظر حضرت بودن، گرفتار بی‌عملی می‌شوند. حضرت امام (ره) نشان دادند که در زمان غیبت، ما وظیفه‌ای داریم و اسلامیت را باید دنبال کنیم و توانستند معنی زندگی را در انتظار روشن کنند و برکات این نوع انتظار را با ظلمات دنیای مدرن را به خاطر نشناختن آرمان الهی، نشان دادند. در کتاب بصیرت و انتظار فرج، سعی شده است زندگی در موقع غیبت امام معصوم (ع)، با نظر به ظهور حضرت، معنی و روشن شود؛ اینکه معنی انتظار الفرج من الفرج که انتظار فرج را یک نوع فرج و گشایش می‌شناسد، چیست و چرا زندگی در فضای انقلاب اسلامی، یک نوع زندگی اساسی است.

معارف الهی را تا آنجا که ممکن است، گرفتار اصطلاحات نکنیم. در آن صورت، حتماً نتیجه می‌گیریم.

اولین اثرتان را چه سالی نگاهاشتید؟

از سال ۱۳۶۷، ترجمه جلد هشتم و نهم اسفار را شروع کردم.

در تمام آثار شما، چند ویژگی مشترک وجود دارد. نخست، نوع نگارش مطالب که به صورت محاوره‌ای است و در ظاهر، حساسیت خاصی روی آن دارید؛ اگر چه عده‌ای نیز به آن انتقاد دارند و ویژگی دیگر، شیوایی بیان و روح اسلامی حاکم بر آن است. حتی مثلاً در کتاب فرهنگ مدرنیته و توهم یا ادب خیال و عقل و قلب و کتاب‌های دیگر، در نهایت، بر اساس احکام اسلامی، به نتیجه می‌رسیم. ابتدا بفرمایید تحت تأثیر چه اندیشه و آموزه‌ای، به این شیوه نگارش رسیده‌اید که مباحث غامض معرفتی دینی را برای مخاطب، فهم‌پذیر می‌کند؟

روش دینی، روش متذکر کردن انسان‌هاست به آنچه در فطرت خود دارند. به همیپن خاطر، خداوند به رسول خود می‌فرماید: فَذَكِّرْ أَمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ؛ «مخاطبان خود را متذکر حقایق بگردان؛ تو چیزی بر آن‌ها تحمیل نکن» خداوند قرآن را «ذکر للعالمین» معرفی می‌کند. روش ذکر، ارجاع انسان به حقیقت وجودی خودش است و شما این روش را در سراسر قرآن ملاحظه می‌کنید. قرآن نمی‌خواهد اطلاعاتی بر اطلاعات ما بیفزاید، می‌خواهد آنچه در درون داریم، برانگیزاند. بنده چون در نوشته‌ها و سخنان خود، کاری جز تذکر دادن را برای خود تعریف نکرده‌ام، سعی می‌کنم تا آنجا که ممکن است، از جایگاه علم حصولی، افراد را مخاطب قرار ندهم؛ با اینکه می‌دانم دوران ما، دوران عادت کردن

”مقام معظم رهبری، موضوع «تقوای جمعی» را در دیدار با نمایندگان مجلس مطرح کردند. ایشان خواستند بفهمانند بیش از آنکه به گروه و سلیقه خود تأکید می‌کنیم، به وحدت جامعه اسلامی فکر کنیم و طوری با رقیب‌های سیاسی یا فکری خود درگیر نشویم که جامعه از انسجام و وحدت، خارج و شقه‌شقه شو



در وضعیت فعلی، مهم‌ترین دغدغه فکری شما چیست؟

همان نکته‌ای که مقام معظم رهبری در سفر به کرمانشاه، آن را متذکر شدند، یعنی تحقق جامعه اسلامی، فهم معنی جامعه اسلامی، یک فهم پس‌فردایی و بقیت‌اللهی است. با ادامه آنچه هست، هرگز جامعه اسلامی مد نظر رخ نمی‌نمایاند. باید تمام امور، بازخوانی شود تا ذهن‌ها، امکان فهم جامعه‌ای را پیدا کنند که اصالت‌دادن به اجتماع به‌عنوان حقیقت، بر اصالت بر وظایف فردی غلبه کند تا بیش از آنچه مواظب هستیم، در امور فردی گرفتار معاصی نشویم و حفظ جامعه اسلامی و انسجام و وحدت آن را از مهم‌ترین وظایف دینی بدانیم. آنچه در سال‌های اخیر روشن شد، آن بود که ما در حفظ وحدت در جامعه اسلامی، از نظر دینی تربیت نشده‌ایم و از اسلام عزیز در این رابطه استفاده نکرده‌ایم و اگر هم برای جامعه ارزش قائلیم، با قرائت غربی این موضوع را دنبال می‌کنیم. مقام معظم رهبری، موضوع «تقوای جمعی» را در دیدار با نمایندگان مجلس^۱ در خردادماه امسال مطرح کردند. ایشان خواستند

بفهمانند بیش از آنکه به گروه و سلیقه خود تأکید می‌کنیم، به وحدت جامعه اسلامی فکر کنیم و طوری با رقیب‌های سیاسی یا فکری خود درگیر نشویم که جامعه از انسجام و وحدت، خارج و امت، شقه‌شقه شود. بنده معتقدم که تا انسان‌ها با عالم ملکوت ارتباط پیدا نکنند و با آن عالم بی‌کرانه آشنا نشوند، خود را و گروه خود را جزیره‌ای می‌دانند که باید از بقیه جزایر جدا باشد. همه باید با غیب عالم آشنا باشند و این را یکی از وظایف خود می‌دانم و به‌همین دلیل بر مباحث معرفت نفس تأکید دارم.

وقتی به شما، آثار متنوعتان و برنامه‌هایی که دارید، نگاه می‌کنیم، شما را دارای جامعیتی می‌بینیم که هم در حوزه تفکر و مطالعه و هم در حوزه مسائل سیاسی، اجتماعی و عبادی، دقت نظر و حضور دارید. با این همه، می‌بینیم که از گفت‌وگوی حضوری یا غیرحضوری هم استقبال می‌کنید و وقت زیادی می‌گذارید. چگونه این‌ها را با هم جمع می‌کنید؟

بنده می‌دانم بر سر پل صراط، همان‌طور که قرآن جلوی ما را می‌گیرد و می‌پرسد: «در زندگی زمینی، چه بهره‌هایی از من بردید؟» علمای بزرگ که صورت عینی قرآن هستند و شهدای عزیز هم جلوی ما را می‌گیرند و می‌گویند که راه را از نظر علمی و از نظر اجتماعی و سیاسی هموار کردند، ما از زحمات آن‌ها چه بهره‌هایی بردیم؟ متأسفانه، دست ما خالی است. فرصت تاریخی بسیار گران‌قدری پیش آمده تا کاری بکنیم که از قافله علمای بزرگ و شهدای عزیز عقب نمانیم.

از حال و احوال این روزهایتان بگویید، مشغول چه کارهایی هستید؟

مولوی سال‌ها می‌خواست چیزی بگوید و نمی‌شد تا سرانجام، حسام‌الدین چلبی با شرایط تاریخی خود، جامعه اسلامی آن زمان را از ظلمات خاص خود بیرون آورد. پس از انقلاب، با طلوع امام(ره)، بانگ بلندی به صدا در آمد که اگر مردم ما در همه ابعاد آن را بشنوند، قدم‌های بسیار متعالی برخواهند داشت. سعی دارم این صدا را بشنوم و بشنوانم. دعا کنید بتوانم. از این جهت، احساس می‌کنم مقام معظم رهبری تمام قد، در صحنه‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰/۰۳/۰۸

کهنه‌سرباز

نیولوفر هوشمند

در شماره‌های سوم، هشتم و نهم، قسمت اول و دوم مصاحبه‌ی حاج مرتضی احمد آخوندی را منتشر کردیم. در ادامه، بخش پایانی گفت‌وگوی ما با مدیر نشر دارالکتب الاسلامیه را خواهید خواند. ایشان در این گفت‌وگو خاطراتی از کتاب‌هایی که در دهه‌ی سی و چهل منتشر شده‌اند و نیز دیدارهایی که با مقام معظم رهبری داشته‌اند را بیان می‌کنند.

افکار کمونیستی اشتراکی می‌شود. البته آن زمان عده‌ای از روشن‌فکرها هم می‌گفتند که ابودر مبلّغ مرام اشتراکی است.

کار ما بیشتر نشر «کتاب ترائی» بود؛ اما باید بگویم شاید اولین جایی که در مقابله با هجوم افکار الحادی اقدام کرد، انتشارات ما بود. مثلاً کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم تألیف علامه طباطبایی را که مرحوم استاد مطهری بر آن پاورقی نوشته بود، برای اولین بار در سال ۱۳۳۲ یا ۱۳۳۳، به چاپ رساندیم. مثلاً کتاب فیلسوف‌نماها اثر آیت‌الله مکارم شیرازی یا کتاب ارتباط انسان و جهان اثر علامه جعفری را چاپ کردیم که در رد جریان‌های روشن‌فکری و غیراسلامی بود که یا غرب‌زده بودند یا شرق‌زده. علاوه بر کتاب تراث، کتاب‌هایی را هم که مربوط به اصول عقاید بود، خیلی منتشر می‌کردیم. مثلاً کتاب‌های متفاوتی در رد بهائیت و وهابیت و همچنین کتاب اصول عقاید مثل *اصل‌الشیعه* و همچنین کتاب‌هایی مثل *شب‌های پیشاور* را منتشر کردیم.

در آن زمان شما بیشتر نسبت به جریان چپ احساس خطر می‌کردید یا جریان سرمایه‌داری؟
آن زمان، بحث سرمایه‌داری اصلاً مطرح نبود که احساس خطری نسبت به آن به‌وجود بیاید؛ زیرا کشور از کشورهای سرمایه‌داری نبود. بحث مقابله با جریان چپ هم به‌خاطر تفکر الحادی آن‌ها بود. مباحث عقیدتی مثل اثبات تشیع و رد بهائیت به‌خودی‌خود مسئله بود؛ چون جریانی که دربار را در اختیار گرفته بود و داشت کم‌کم حوزه‌های دیگر را در اختیار می‌گرفت، همین بهائیت بود. در آن زمان، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی جلساتی را در رد بهائیت برگزار کردند که منجر به سقوط حضیرةالقدس، مرکز

درباره فعالیت‌های نشری پدرتان که از فعالان نشر کتاب تراث بودند، توضیحاتی بفرمایید. آیا موانع و سختی‌هایی در راه ناشر کتاب تراث در دوره پهلوی که یکی از فعالیتش کشف حجاب بوده، وجود داشته است؟

روال کار اینگونه بود که در آن زمان کتاب چاپ می‌شد و بعد از آن، اگر مغرضین می‌دیدند و با مطالب منتشرشده مخالف بودند، چاپ آن را متوقف می‌کردند. تا سال ۴۲ که امام مبارزات خود را علنی نکرده بودند، دستگاه حکومت با نشر کتاب چندان کاری نداشت. آن زمان نظارت بر نشر، وظیفه شهربانی بود و «محرم‌خانی» بود که در چاپخانه‌ها حضور می‌یافت و به چاپ و نشر کتاب نظارت می‌کرد. او به این کار خیلی تسلط داشت. چون حروف به‌صورت نگاتیو (عکس حروف) در چاپخانه‌ها بود، خواندن این حروف تبخّر و تسلط می‌خواست؛ اما وقتی او این حروف را می‌دید، به‌راحتی می‌توانست آن‌ها را بخواند و از این طریق بر چاپخانه‌ها نظارت می‌کرد.

بعد از جریان تیر خوردن شاه، کتاب‌های توده‌ای کمی با ممنوعیت چاپ روبه‌رو شدند. همچنین، دستگاه روی کتاب‌هایی که احیاناً می‌خواستند مرام کمونیستی را رواج دهند، حساسیت داشت. روی کتاب‌های دینی حساسیت زیادی وجود نداشت. گرچه با کتاب‌هایی مثل کتاب «نواب صفوی» مقداری مشکل داشتند، چاپ کتاب دینی با مشکل چندانی روبه‌رو نبود.

آن زمان، کتاب *صوت‌العدالة والانسانية* اثر جرج جرداق تازه به چاپ رسیده بود و فقط یک جلد از آن بود که در آن، از بحث‌های اشتراکی استفاده می‌شد. همین امر باعث شد که جلوی چاپ‌های عربی‌اش را گرفتند. این کتاب از طریق عراق وارد ایران شده بود. بعد آمدند و جلوی پخش این کتاب را گرفتند؛ چون فکر می‌کردند تبلیغ

بعد از جریان تیر خوردن شاه، کتاب‌های توده‌ای کمی با ممنوعیت چاپ روبه‌رو شدند. همچنین، دستگاه روی کتاب‌هایی که احیاناً می‌خواستند مرام کمونیستی را رواج دهند، حساسیت داشت. روی کتاب‌های دینی حساسیت زیادی وجود نداشت. گرچه با کتاب‌هایی مثل کتاب «نواب صفوی» مقداری مشکل داشتند، چاپ کتاب دینی با مشکل چندانی روبه‌رو نبود.

«جنس کار پدر من در تقابل با امثال کسروی‌ها بود. کتاب‌های کسروی ممکن بود که در بعضی محافل روشن‌فکر مآب طرفدار داشته باشد؛ اما در بین بقیه مردم از توجه برخوردار نبود. فقط یک کتابفروشی در خیابان ری، کتاب‌های او را داشت»

پرمصرف بود «در زمان پیش از انقلاب، ادبیات خیلی در دست بچه‌های مذهبی در سطح بالا نبود. آنهایی که این کار را در دست داشتند، بعضاً وجهه دینی هم داشتند؛ اما به معنی خاص مذهبی، در دست بچه مذهبی‌ها نبود. کتاب‌های ادبی در بین مردم از اقبال برخوردار بودند؛ اما نه به اندازه کتب سیاسی. کتبی هم بود که هم جنبه ادبی داشت و هم جنبه سیاسی، مانند کتاب‌های جلال آل احمد

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

فعالیت بهائیت، شد. در آن زمان، واقعاً بهائیت مسئله بود. شاید اگر نیروهایی در مقابل آن نمی‌ایستادند، بهائیت همه مسائل را در بر می‌گرفت. مرحوم آیت‌الله بروجردی به خوبی این بحران را تشخیص داد و از آقای فلسفی خواست که مقابل این جریان بایستد. می‌شود گفت قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی مقدمه‌ای بود که این جریان بتواند به‌طور رسمی فعالیت کند.

بنابر وضع موجود، همه گروه‌های ضددینی از وضعیت موجود بهره می‌برند و محدودیتی هم نبود. از سال ۴۲ به بعد، محدودیت‌ها زیاد شد.

فضای نشری احمد کسروی چه طور بود؟ کسروی در برابر بهائیت موضع داشت؟

کسروی از جمله نویسندگانی بود که مربوط به دهه ۲۰ می‌شد و در زمینه بهائیت کتاب چاپ می‌کرد. موضعش در برابر بهائیت نیز برای این بود که خود را مطرح کند. او با اساس دین اسلام مخالف بود و دین جدیدی به نام «پاک‌دینی» را آورد که مرحوم سراج انصاری کتاب نبرد با بی‌دینی را در رد افکار وی نوشت. جنس کار پدر من در تقابل با امثال کسروی‌ها بود. کتاب‌های کسروی ممکن بود که در بعضی محافل روشن‌فکر مآب طرفدار داشته باشد؛ اما در بین بقیه مردم از توجه برخوردار نبود. فقط یک کتابفروشی در خیابان ری، کتاب‌های او را داشت. کسروی در سال ۱۳۲۴، از سوی مرحوم نواب صفوی ترور شد.

از مرحوم نواب صفوی یاد کردید، از ایشان خاطره‌ای دارید؟
آن زمان من بچه بودم و ۱۱ سال داشتم. به یاد دارم مرحوم علامه امینی بعد از کودتای ۲۸ مرداد در عراق، ۹ جلد از کتاب الغدیر را چاپ کرده بودند. چون چاپ‌های عراق خوب نبود و ما با ایشان رابطه فامیلی داشتیم، ایشان مجدد به تهران آمدند و به منزل ما وارد شدند. مرحوم آقای نواب هم با مرحوم برادران واحدی و خلیل طهماسبی و مرحوم محمد کاظم ساروقی که حافظ قرآن بود، جمعا به دیدن آقای امینی در منزل ما آمدند که بعد از آن هم در سال ۱۳۳۳، مرحوم نواب را ترور کردند.

در دهه ۴۰، جریان‌های شکل می‌گیرد و عده‌ای از انقلابی‌ها مثل حضرت آقا و برادرشان و آقای هاشمی و... به سمت ترجمه می‌روند. لطفاً از این فضا، کتاب‌ها و افراد شاخص در این حوزه برآیمان بگویید.

در دهه ۴۰، عده‌ای از انقلابی‌ها به‌سراغ ترجمه می‌روند و انگار تغییر روش جامعه است؛ چرا که پیش از آن، لیبرال‌ها و توده‌ای‌ها کتاب ترجمه می‌کردند؛ اما پس از آن، جامعه و روند آن مشی انقلابی پیدا می‌کند.

بخشی از این جریان به دلیل وضعیت موجود در مصر

و ایستادگی در مقابل اسرائیل بود. کتاب‌هایی هم که از اخوان المسلمین وارد ایران شده و مروج مبارزه برای تشکیل حکومت بر اساس اسلام بودند، سبب شده بود تا افکار به آن سمت برود. برای مثال، ترجمه کتاب‌هایی مثل *فی ظلال القرآن* اثر سید قطب یا کتاب *شبهات الاسلام* نوشته محمد قطب که ابتدا با نام *برهان القرآن* آقای صدرالبلاغین مطرح شده بود، وارد بازار شد.

یکی از دلایل رواج این‌گونه کتاب‌ها و ترجمه‌ها این بود که آن زمان، مرحوم نواب صفوی و دیگر دوستانشان برای همایشی به مصر سفر کردند که مرحوم کمره‌ای در جایگاه شخصیتی علمی در رأس آن‌ها و مرحوم نواب صفوی در جایگاه شخصیت سیاسی در آن همایش حضور یافتند. طبیعتاً به‌خاطر مبارزه با اسرائیل، این بحث فلسطین و مصر و... مطرح شد که البته مبارزه سیاسی مصر و اهل سنت مانند تفکر و روش و مبارزه بر پایه فقه آل محمد (ص) نمی‌شود باشد و جایی به انحراف کشیده خواهد شد. مشکلی که اخوان المسلمین هم دچارش شد.

در آن زمان واکنش‌هایی که به کتاب آقای هاشمی شد، چه بود؟ چون آن زمان ایران جزء بلوک غرب محسوب می‌شد و اسرائیل هم از آن‌ها بیمناک‌تر بود.

کتاب سرگذشت فلسطین ایشان در آن زمان، کتاب مؤثری بود و تیراژهای خوبی هم داشت و یکی دو بار من را به‌خاطر آن کتاب گرفتند و در کل، تأثیر خوبی در سطح جامعه داشت و پرمصرف بود.

پیش از انقلاب، کتاب‌های ادبی در چه وضعیتی بودند؟ اقبال عمومی مردم به آن‌ها چگونه بود؟

در زمان پیش از انقلاب، ادبیات خیلی در دست بچه‌های مذهبی در سطح بالا نبود. آن‌هایی که این کار را در دست داشتند، بعضاً وجهه دینی هم داشتند؛ اما به معنی خاص مذهبی، در دست بچه مذهبی‌ها نبود. کتاب‌های ادبی در بین مردم از اقبال برخوردار بودند؛ اما نه به اندازه کتب سیاسی. کتبی هم بود که هم جنبه ادبی داشت و هم جنبه سیاسی، مانند کتاب‌های جلال آل احمد.

مخاطبین کتب انتشارات دارالکتب از کدام اقشار بودند؟

مخاطبین و خوانندگان کتاب‌های ما بیشتر کسانی بودند که تیپ مذهبی داشتند، درس خوانده و تحصیل کرده بودند. البته تیراژها خیلی زیاد نبود. کتاب‌های خوب دو یا سه هزار تا چاپ می‌شد و بعضاً تجدید چاپ هم می‌شدند؛ ولی اول انقلاب تا حدود زیادی تیراژ کتاب از رشد درخور توجهی برخوردار شد؛ مخصوصاً کتب سیاسی و کتبی که پیش از انقلاب، ممنوعیت چاپ داشتند. بازه زمانی رشد تیراژ کتاب سه، چهار سال اول انقلاب خیلی درخور توجه بود؛ اما بعد از آن، به دلایلی از جمله جنگ و کمبود کاغذ و دلایل دیگر، افت پیدا کرد.



چاپ کنند. یک روز من به آنجا رفته بودم و حضرت آقا آنجا بودند. این ماجرا تقریباً مربوط به دههٔ چهل است. آن وقت‌ها انتشارات فراهانی کنار انتشارات آسیا بود. آقای فراهانی ایشان را به من معرفی کردند و گفتند آقای خامنه‌ای هستند و من با ایشان سلام‌و‌علیک کردم. در روابط خانوادگی هم پدرم با پدر آقای خامنه‌ای رفت و آمد زیادی داشتند. به مشهد هم که می‌رفتم، حسینیه‌ای بود که در آن نماز می‌خواندند. پدرم به ایشان علاقهٔ وافری داشتند.

تصور شما از آیت‌الله خامنه‌ای آن زمان، چه نوع شخصیتی بود؟

تصور ذهنی من از ایشان شخصیتی مبارز و انقلابی بود.

از تباطاتان با شهید بهشتی چگونه بود؟

شهیدان شهیدبهبشتی، باهنر و برقعهای با هم در وزارت فرهنگ و دفتر نشر فرهنگ اسلامی همکاری می‌کردند. شهید بهشتی قبل از انقلاب می‌خواست یک سری کتاب تفسیر با همکاری وزارت فرهنگ برای مدارس چاپ کند که صورت آن‌ها را برای ما فرستاده بود تا تهیه کنیم و در مدارس توزیع کنند. در واقع، شهید بهشتی با وزارت فرهنگ شاه همکاری می‌کرد تا کتاب‌هایی به مدارس برود که سطح دینی و علمی خوبی دارد. حتی رسالهٔ امام را به‌عنوان درس فقه به مدارس می‌بردند و به بچه‌ها آموزش می‌دادند و این حرکت‌های فرهنگی بدون سروصدای خاصی انجام می‌شد که تأثیرات خیلی زیادی هم داشت.

شخصیت‌های شاخصی که به کتاب‌فروشی شما رفت و آمد داشتند، چه کسانی بودند؟

هم شخصیت‌های کشوری و هم مراجع بودند. بیشتر با مراجع و کسانی که در کار تحقیق بودند، سروکار داشتیم؛ مثل مرحوم ربانی شیرازی و سید کاظم موسوی.

در آن سال‌ها، منبرهای آقای فلسفی به‌صورت مکتوب درآمد و منتشر شد؛ اعم از کتاب اخلاق و آیت‌الکرسی و... که کتاب‌های خیلی خوب و پرمصرفی در زمینهٔ اخلاقی و تربیتی و اجتماعی و... بود. از جمله کتاب‌های بسیار مؤثر، کتاب‌های شهید مطهری بود. کتاب *علل گرایش به مادی‌گرایی* در مقابله با آن افکار التقاطی که وارد حوزهٔ دینی شده بودند، خیلی خوب بود و جزء کتاب‌های پرمصرف بود. همچنین، از جمله کتاب‌های پر مخاطب و پرمصرف، کتاب‌های دکتر شریعتی و پدرش، علامه جعفری بود.

اولین بار حضرت امام (ره) را کجا دیدید؟

اولین بار ایشان را در جشن عروسی آقای مروارید دیدم که انتشارات دارالفکر را داشت.

از آیت‌الله خامنه‌ای خاطره‌ای دارید؟

یک بار پدرم به یک عروسی رفته بودند و رهبری از ایشان می‌پرسند که شما چند سال دارید؟ پدرم در پاسخ به ایشان می‌گویند: «در این حد بگویم که در مراسم عروسی پدر شما نیز حضور داشته‌ام و رهبری می‌خواندند.» ابوی من وقتی در مشهد طلبه بودند، نزد مرحوم سیدهاشم نجف‌آبادی، جد مادری امام (ره)، درس اخلاق می‌خواندند. اخیراً سندی پیدا کردیم که منزلی را که مربوط به همسر پدر بزرگم بود و ارثیه او بوده است، به پدر آقای خامنه‌ای فروخته بودند.

خود شما رهبری را کجا دیده‌اید؟

من رهبری را زیاد دیده‌ام، از مشتری‌های ما بودند. این دفعه هم که من را دیدند، گفتند: «شما آقا مرتضی هستی؟» گفتم: «بله». چندسال پیش هم که پسرم را در غرفهٔ نمایشگاه کتاب دیده بودند، به او گفته بودند: «پدرت همسن تو بود که شروع به کار کرد.» رهبری کتابشان را به کتابفروشی آسیا داده بودند تا آن را

”من رهبری را زیاد دیده‌ام، از مشتری‌های ما بودند. این دفعه هم که من را دیدند، گفتند: «شما آقا مرتضی هستی؟» گفتم: «بله»... چندسال پیش هم که پسرم را در غرفهٔ نمایشگاه کتاب دیده بودند، به او گفته بودند: «پدرت همسن تو بود که شروع به کار کرد

”شهید بهشتی با وزارت فرهنگ شاه همکاری می‌کرد تا کتاب‌هایی به مدارس برود که سطح دینی و علمی خوبی دارد. حتی رسالهٔ امام را به‌عنوان درس فقه به مدارس می‌بردند و به بچه‌ها آموزش می‌دادند و این حرکت‌های فرهنگی بدون سروصدای خاصی انجام می‌شد که تأثیرات خیلی زیادی هم داشت



گزارش فارس از مناظره دربارهٔ ممیزی در حوزهٔ نشر

ممیزی بیشتر مسئله‌ای محفلی است

احمد شاکری، پژوهشگر عرصهٔ ادبیات داستانی گفت: نگاه من نگاهی جریان‌ی است و معتقدم که جریان‌ی ممیزی را تبدیل به اولویت کرده و این جریان دارای اهرم‌هایی است و از همین رو، ممیزی را باید ضمن جریان روشنفکری بحث کرد و در این بحث، طرف من بحث روشنفکری است و من در حالی مدافع ممیزی هستم که رمان اول خودم ممیزی شده است.

امروز روی آن بحث خواهیم کرد، مسئله‌مندی ممیزی در ادبیات داستانی انقلاب اسلامی است. مقولهٔ ممیزی از دیرباز و به‌خصوص در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسئله‌های کتاب و نشر انگاشته شده است؛ در حالی که به‌نظم ممیزی مسئلهٔ اول ادبیات نیست و بیشتر، مسئله‌ای محفلی است که جریان‌ی خاص آن را دنبال می‌کند که البته اغراض سیاسی نیز دارد و می‌بینیم که برخی کاندیداهای ریاست جمهوری هم در این زمین بازی می‌کنند»

شاکری در ادامه گفت: «ازوماً ممیزی مسئلهٔ اول تمام نویسندگان پس از انقلاب اسلامی نیست و در طول این سال‌ها، فراز و نشیب‌های متعددی داشته و می‌توان دوره‌های خاصی را دید که ممیزی برایشان مسئله بوده است. البته در طیف‌های مختلف، این مسئلهٔ مهمی نیست و فقط برخی طیف‌ها به آن توجه دارند.»

وی افزود: «بحث ما بحثی کبروی است و بحث صغروی نیست. قرار نیست در این بحث، دربارهٔ یک یا چند کتاب حرف زد، بلکه بحث ما قانون، اهداف ممیزی و کارکرد ممیزی است. نکتهٔ دیگر این است که نگاه من نگاهی جریان‌ی است و معتقدم که جریان‌ی این مسئله را تبدیل به اولویت کرده و این جریان دارای اهرم‌هایی است و از همین رو، ممیزی را باید ضمن جریان شبروشنفکری بحث کرد و در این بحث، طرف من جریان شبروشنفکری است و من در حالی مدافع ممیزی هستم که رمان اول خودم ممیزی شده است. به‌منظور رسیدن به خواسته‌های جریان روشنفکری در حوزهٔ ممیزی باید تمام اضلاع آن بررسی شود.»

این‌طور نیست که من منتقد روند ممیزی نباشم

احمد شاکری در ابتدای این نشست، با اشاره به اینکه بحث او دربارهٔ مسئله‌مندی ممیزی در ادبیات داستانی انقلاب اسلامی است، گفت: «این‌طور نیست که من منتقد روند فعلی ممیزی نباشم و بعید می‌دانم در میان تمام جریان‌های فکری، موافقت مطلق با این روند وجود داشته باشد. البته اشکالاتی که در روند ممیزی وجود دارد، بخشی از آن به‌خاطر روند انسانی آن است؛ اما اصل ممیزی اتفاق درستی است.»

وی افزود: «آنچه من با آن موافقم، اصل ممیزی است. نکتهٔ دیگر این است که من در این نشست نمایندهٔ دولت یازدهم در ممیزی نیستم و اتفاقاً نقدهایی به دولت یازدهم در این حوزه دارم که چندی پیش، رهبر معظم انقلاب از آن با عنوان ولنگاری فرهنگی یاد کردند. همچنین، باید یادآور شوم من در این مناظره، نمایندهٔ دولت محمود احمدی‌نژاد هم نیستم، بلکه نمایندهٔ یک فکر هستم و از آن دفاع می‌کنم.»

این پژوهشگر عرصهٔ ادبیات داستانی در ادامه گفت: «جادارد از بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان که کارهای کم‌فایده و بی‌فایده‌ای انجام می‌دهد و با ادغام این بنیاد در شعر، از اهداف خود نیز دور شده است، تقدیر کنم که به مقولهٔ پژوهش توجه نموده که یکی از نکات مهم در حوزهٔ ادبیات داستانی است.»

ممیزی مسئلهٔ اول ادبیات نیست: ممیزی بیشتر مسئله‌ای محفلی است

او در بخش دیگری از سخنانش گفت: «آن چیزی که من

آنچه که من با آن موافقم اصل ممیزی است. نکتهٔ دیگر این است که من در این نشست نمایندهٔ دولت یازدهم در ممیزی نیستم و اتفاقاً نقدهایی به دولت یازدهم در این حوزه دارم که چندی پیش، رهبر معظم انقلاب از آن با عنوان ولنگاری فرهنگی یاد کردند. همچنین، باید یادآور شوم من در این مناظره، نمایندهٔ دولت محمود احمدی‌نژاد هم نیستم، بلکه نمایندهٔ یک فکر هستم و از آن دفاع می‌کنم



” اصل دعاوی ممیزی را اگر جست‌وجو کنیم، به مخالفت با اصل این قانون می‌رسیم و ریشه‌های این مخالفت‌ها به مخالفت با حاکمیت شرع و فقه جعفری و حمایت از تفکر سکولار باز می‌گردد



” جریان

شبه‌روشنفکری به دنبال تقدس‌زدایی و ترویج تفکر سکولار است. تجربه نشان داده است مسیر ادبیات داستانی آرمانی در جریان شبه‌روشنفکری از نفی و ضعف ممیزی می‌گذرد که دست به سیاه‌نمایی و تقدس‌زدایی زند

” ما کجای ادبیات

را درست کرده‌ایم که می‌خواهیم ممیزی را اصلاح کنیم؟ من که اینجا نشسته‌ام، کتابی با محوریت فلسفه داستان تولید کرده‌ام؛ ولی جریان شبه‌روشنفکری کجا آثاری با این موضوع تولید کرده‌ام؛ ولی جریان شبه‌روشنفکری کجا آثاری با این موضوع تولید کرده است؟ خوب پاسخ دهد و حداقل نام یک کتاب را ببرد

ماهنامه شیرازه‌کتاب
شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴
خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۵

جریان شبه‌روشنفکری به دنبال تقدس‌زدایی و ترویج تفکر سکولار است

این نویسنده ادبیات داستانی در ادامه گفت: «جریان شبه‌روشنفکری در طول این ۴۰ سال، در تقابل با ممیزی به دنبال چیست و این سؤال مهمی است که باید به آن پاسخ داده شود. جریان شبه‌روشنفکری به دنبال تقدس‌زدایی و ترویج تفکر سکولار است. تجربه نشان داده است مسیر ادبیات داستانی آرمانی در جریان شبه‌روشنفکری از نفی و ضعف ممیزی می‌گذرد که دست به سیاه‌نمایی و تقدس‌زدایی زند»

وی افزود: «نسبت ممیزی با هندسه معرفتی ادبیات داستانی چیست؟ ما کجای ادبیات را درست کرده‌ایم که می‌خواهیم ممیزی را اصلاح کنیم؟ من که اینجا نشسته‌ام، کتابی با محوریت فلسفه داستان تولید کرده‌ام؛ ولی جریان شبه‌روشنفکری کجا آثاری با این موضوع تولید کرده است؟ خوب است آقای یزدانی خرم پاسخ دهد و حداقل نام یک کتاب را ببرد»

این پژوهشگر عرصه ادبیات داستانی گفت: «اگر ممیزی مسئله اول ما باشد، بدون پرداخت به فلسفه داستان، نمی‌توان به آن پرداخت و جریان شبه‌روشنفکری به‌عنوان جریان منتقد ممیزی، هیچ‌گاه به فلسفه داستان نپرداخته است»

واژه ممیزی ابداع مدیران جمهوری اسلامی است

در ادامه این نشست، مهدی یزدانی خرم گفت: «همین که بعد از سی‌و‌اندی سال، جمهوری اسلامی این ضرورت را لمس کرده است که از من به‌عنوان منتقد ممیزی دعوت کند تا درباره این مسئله حرف بزنیم، جای امیدواری است؛ زیرا تا سال‌های قبل همین کار ممکن بود منجر به برکناری وزیر یا مدیر کل شود.»

ریشه‌های مخالفت با ممیزی به حاکمیت شرع و حمایت از تفکر سکولار باز می‌گردد

این پژوهشگر عرصه ادبیات داستانی گفت: «بحث ممیزی بحث قانون و قانون‌پذیر است و طرفی که آن را نمی‌پذیرد، در حقیقت، قانون را نپذیرفته است. اصل دعاوی ممیزی را اگر جست‌وجو کنیم، به مخالفت با اصل این قانون می‌رسیم و ریشه‌های این مخالفت‌ها به مخالفت با حاکمیت شرع و فقه جعفری و حمایت از تفکر سکولار باز می‌گردد.»

او اضافه کرد: «هر نظری درباره ممیزی می‌خواهیم مطرح کنیم، باید بحث فقهی روی آن انجام شود؛ بر ما جامعه‌ای سکولار نیستیم که بخواهیم فقط نظر خود را مطرح کنیم و باید بر مبنای فقه، استنباط داشته باشیم. دلایل رجوع مسائل ممیزی به اصل ممیزی، مسائلی واقعی است و در بحث سخنان خود را به اصل ممیزی ارجاع می‌دهند. در بررسی آثار، جریان شبه‌روشنفکران دیده می‌شود که اشاره این گروه به برخی مسائل فرعی در حوزه ممیزی، به شبهاتی به اصل ممیزی باز می‌گردد و این جریان هیچ‌گاه در جایگاه دفاع از ممیزی، دولت‌ها را مسئول جلوگیری از انتشار آثار سیاه‌نما و خلاف عفت ندانسته است.»

نویسنده‌هایی که بدون ممیزی در خارج از ایران کتاب منتشر کرده‌اند، چه توفیقی کسب کرده‌اند؟

شاکری گفت: «نویسنده‌هایی که در آن سوی مرزها بدون ممیزی، اثر منتشر کرده‌اند، چه توفیقی در تعالی ادبیات داستانی ما داشته‌اند؛ در حالی که جریان شبه‌روشنفکری فریاد وویلا سر می‌دهند که ممیزی مانع رشد ادبیات ما شده است. تردیدی در این نیست که ممیزی به‌عنوان اهرم بازدارنده، درصد دفع اموری از ادبیات داستانی است که حداقل‌ها را در ادبیات داستانی غیرمضر تأمین می‌کند.»

نگاه فرهنگی جمهوری اسلامی نزدیک نگاه شوروی سابق است

وی با بیان اینکه «من لیبرال هستم»، افزود: «من به کلمهٔ ممیزی اعتقاد ندارم و معتقدم این کلمه سانسور است و ممیزی ابداع مدیران جمهوری اسلامی است و از آنجا که کلمهٔ سانسور پشتوانهٔ بدی داشته و بار معنایی منفی را القا می‌کرده است، این واژه را جایگزین سانسور کرده‌اند. جمهوری اسلامی نگاهی نزدیک به شوروی سابق در فرهنگ دارد و با نگاهی به آرشیو و اسناد، در خواهیم یافت که قرار بوده است نویسندگان در جمهوری اسلامی، آزاد بنویسند، آزاد فکر کنند و در قید بایدها و نبایدها نباشند و خوب، طبیعی است که انقلاب مملو از آرمان‌گرایی است.»

جمهوری اسلامی به پرورش نویسندگان رانت‌خوار کمک کرد

این نویسنده در بخش دیگری از سخنانش گفت: «جمهوری اسلامی در برابر مفهوم کلاسیک نویسندگان پرورش نویسندگان رانت‌خوار و بودجه‌گیر کمک کرد. جریانی شکل بگیرد که دست به خلق ادبیات بزند. منهای شوروی سابق و کشورهای وابسته به آن، هیچ کشوری به فرهنگ دولتی اهمیت نمی‌دهد و در کشور ما، همین که به فرهنگ اهمیت داده می‌شود، جای خوشبختی است.»

آثار تولیدشده از سوی سورهٔ مهر، فاقد ارزش ادبی است

او در ادامه، با انتقاد از حوزهٔ هنری و انتشارات سورهٔ مهر گفت: «حوزهٔ هنری و انتشارات سورهٔ مهر که ۴۰ سال است بودجه‌ها را خرج کرده، چه توفیقی کسب کرده است؟ البته در فضای تاریخ شفاهی جنگ، کارهای خوبی انجام داده؛ اما در ادبیات، به توفیقی دست پیدا نکرده است و حوزهٔ هنری و سورهٔ مهر بهتر است از فضای ادبیات خارج شوند؛ چون آثار تولیدشدهٔ آن‌ها فاقد ارزش ادبی است.»

یزدانی خرم گفت: «ادبیات فرمایشی در هیچ جای عالم، هیچ‌گونه توفیقی نداشته است. سانسور در ۴۰ سال قبل و در حکومت قبلی [اشاره به دولت نهم و دهم]، صدماتی به نویسندگان وارد کرده است. امری به‌نام سانسور در جمهوری اسلامی، حدود ۴۰ سال است که هزینه‌ساز بوده است. نویسندگان اثری می‌نویسد و طبیعتاً بازخوردهایی خواهد داشت، چه کسی به خود اجازه می‌دهد به ساخت فکری نویسنده ورود کند و برای او تکلیف تعیین کند.»

وی افزود: «من منکر وجود گونه‌های بنام ادبیات انقلاب اسلامی نیستم و می‌گویم ادبیات انقلاب اسلامی وجود دارد؛ اما معتقدم در اقلیت، به‌سر می‌برد و در برابر ادبیات انقلاب اسلامی ما، ادبیات ضدانقلاب اسلامی را مطرح نمی‌کنیم، بلکه از ادبیات فارسی سخن می‌گوییم و حرف من این است که نظارت، بزرگ‌ترین ضربه را به امر خلاقه

وارد می‌کند.»

آثار منتشرشده در کشورهای دیگر، توفیقی کسب نکرد

این نویسنده ادبیات داستانی گفت: «چرا باید سانسور را کنار بگذاریم؟ زیرا معتقدم سانسور به وجود آمد که جلوی نگاه‌های منتقد به جنگ و انقلاب را بگیرد و همین مسئله بسیاری از نویسندگان را به مهاجرت مجبور کرده است. درست است که آثار منتشرشده در کشورهای دیگر توفیقی کسب نکرد؛ زیرا در بستر زبانی خود منتشر نشده است و طبیعی است که یک اثر فارسی در کشور غیرفارسی‌زبان، موفق نشود.»

سانسور نشانهٔ ترس است

او اضافه کرد: «با به‌قدرت رسیدن دولت اصلاحات، کمی روند ممیزی بهتر شد و نویسندگان توانستند آثارشان را منتشر کنند و این اتفاق موجب شد که پویایی فرهنگی ایجاد شود و در عرصهٔ ادبیات، شاهد رشد بودیم. ممیزی موجب محدودشدن فکر می‌شود و معتقدم سانسور نشانهٔ ترس است. اگر سانسور از جمهوری اسلامی حذف شود و مانند همه جای جهان، دادگاه‌های رسیدگی به تخلفات بر پا شود، اتفاقی نخواهد افتاد.»

دولت در موضع سانسور، بلا تکلیف است

یزدانی خرم گفت: «بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال در حوزهٔ جنگ، زمانی بهتر از کتاب احمد محمود منتشر نشده است و آیا جمهوری اسلامی توانسته هم‌اوردی برای آن ارائه کند؟ من معتقدم بهترین آثار جنگ از سوی نویسندگان به‌زعم شما، شبه‌روشنفکر تولید شده است. در موضع سانسور، من حس می‌کنم که دولت بلا تکلیف شده و با گسترش رسانه‌ها، دیگر سانسور کار کردی ندارد و اگر قرار است ترور تفکری صورت گیرد، باید فکر دیگری کرد.»

به یادندارم نویسندگان در کشور، امنیت اخلاقی را به خطر انداخته باشد

وی افزود: «من معتقدم سانسور به‌زودی فرو خواهد پاشید؛ اما برای من و نویسندگان بایدها و نبایدها موضوعیت ندارد. سانسور رفتاری تحدیدکننده و ضد اولین حقوق فردی هر نویسنده یا هر نگاهی است. من به یاد ندارم نویسندگان در این کشور، امنیت اخلاقی را به خطر انداخته باشد. آن قدر که جمهوری اسلامی برای سانسور، هزینهٔ مالی و معنوی کرده، برای هیچ چیز دیگری هزینه نکرده است.»

یزدانی خرم در پایان گفت: «اما حتی اجازه نداریم که صنف داشته باشیم؛ البته من با کانون نویسندگان مخالفم؛ زیرا بسیاری از آن‌ها نویسنده نیستند و بخشی از آن‌ها را مترجم‌ها و مانند آن‌ها تشکیل داده‌اند.»

«به کلمهٔ ممیزی اعتقاد ندارم و معتقدم این کلمه سانسور است و ممیزی ابداع مدیران جمهوری اسلامی است و از آنجا که کلمهٔ سانسور پشتوانهٔ بدی داشته و بار معنایی منفی را القا می‌کرده است، این واژه را جایگزین سانسور کرده‌اند. جمهوری اسلامی نگاهی نزدیک به شوروی سابق در فرهنگ دارد»

«یزدانی خرم: (ممیزی موجب محدودشدن فکر می‌شود و معتقدم سانسور نشانهٔ ترس است. اگر سانسور از جمهوری اسلامی حذف شود و مانند همه جای جهان، دادگاه‌های رسیدگی به تخلفات بر پا شود، اتفاقی نخواهد افتاد.)»



دیده شوید!

سازمان آگهی‌های شیرازه آغاز به کار کرد

داخل جلد روی مجله	۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
صفحه مقابل داخل جلد از سمت روی مجله	۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال
صفحه ۲ تا قبل از صفحه شناسنامه	۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال
پشت جلد	۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال
داخل جلد پشت جلد	۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال
صفحه مقابل داخل جلد از سمت پشت مجله	۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال
صفحات داخلی هر صفحه	۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال
صفحات داخلی یک دوم صفحه	۱/۶۰۰/۰۰۰ ریال
صفحات داخلی یک چهارم صفحه	۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال
صفحات داخلی هر کادر	۱۵۰/۰۰۰ ریال (هر صفحه ۸ کادر)



با دامنه توزیع کشوری

تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۹۸۰۴۲۲



سوران سرد

نوشته جواد افهمی

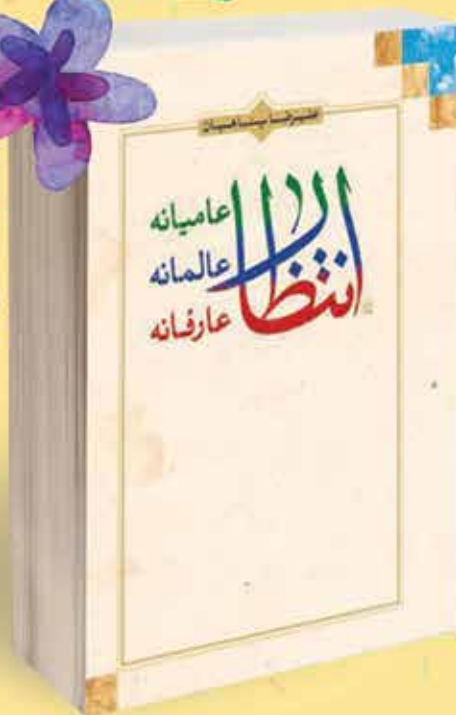
انتشارات سوره مهر

تعداد صفحات: ۵۲۸



احمد گفت: ((خدا نکنه امشب بیرون بمونن. هفت تا جونم داشته باشن یکی ش رو نمی تونن در ببرن. اون بیرون قیامته سرگروبان!))
طاها گفت: ((شاید رفته باشن سمت دره، اونجا باد کمتره.))
محرم علی حرفی زده بود که همه شنیدند.
- شاید برگشتن خرم آباد... حمید هنوز دلخور بود. گفت: ((یه جمله هم از مادر عروس! بی سیم چی خرم آباد مرده که خبر بده؟!))

((ص ۶۲ از کتاب سوران سرد))



انتظار عامیانه عالمانه عارفانه

نوشته علی‌رضایناهیان

انتشارات: بیان معنوی

تعداد صفحات: ۴۲۰

کسانی که مایلند همه انسان‌ها، حتی مفسدین، آنها را تحویل بگیرند و یا لاقط سر جنگ با مفسدین را ندارند، نمی‌توانند جزء منتظران قرار گیرند. اساساً تمایل به صلح با ظالمان و مفسدان، گرایش پلیدی است که اگر در روح یک انسان مؤمن رسوخ کند، ایمان او را به تباهی خواهد کشید. این گرایش پلید می‌تواند کار مؤمنین را به آنجا بکشد که حاضر شوند برای دل خوشی دشمنان بشریت و یا به دلیل عاقبت‌طلبی، سر از بدن فرزندان پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) جدا کنند.

ص ۱۲۱ از کتاب انتظار عامیانه، عالمانه و عارفانه



اعترافات غلامان

نوشته حمیدرضا شاه آبادی

انتشارات کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان



یک نفر رو به علی بن موسی
فریاد کشید: «پس کی باران
می رسد ای پسر رسول خدا؟»
و او جواب داد: «اگر خدا بخواهد زود.
منتظر بمانید و دعا کنید.» سپس رو به
آسمان فریاد کشید: «بارالها ما را بارحمت
بی انتهایت سیراب کن»

آن وقت دوباره بادی شدید شروع شد و
دسته ای دیگر ابر سیاه از مغرب جلو آمد.
ابرها با سرعت به سوی مردم می آمدند. همه
فریاد شادی کشیدند. کمی بعد صدای رعد
و برق همه جا پیچید. علی بن موسی فریاد
کشید: «ای مردم این ابرها مأمور شهر شما
هستند. به خانه هایتان بروید و آرام بگیرید
تا از گزند بارانی که به شدت خواهد بارید در
امان باشید.»

صفحه ۳۶ از کتاب
اعترافات غلامان

